

زن در اسلام



راهنمای جامع نظرات و فتواهای
سید احمد الحسن علیه السلام درباره زن

انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام، شماره ۲۱۵

چاپ اول ۲۰۲۱ م



زن در اسلام

راهنمای جامع نظرات و فتواهای

سید احمد الحسن علیه السلام درباره زن

هيئت تهيه و تنظيم

دکتر هيفاء ببهانی	دکتر ابتسام احمد
ساره العامری	دکتر زينب الشمري
انوار الاسد	بيبي العنديلين
سحر عطايي	هند السعد
فردوس المصلي	لطفه القلاف
نسمة العامری	زينب المحمداوى

مترجم

گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدي عليه السلام

چاپ اول

۱۴۴۲ق / ۲۰۲۱م

زن در اسلام، راهنمای جامع نظرات و فتوهای سید احمدالحسن <small>علیه السلام</small> درباره زن	نام کتاب
المرأة في الإسلام، دليل جامع لأقوال و فتاوى السيد احمدالحسن <small>علیه السلام</small> حول المرأة	نام کتاب اصلی
هیئت تهیه و تنظیم	گردآوری
گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی <small>علیه السلام</small>	مترجم
اول	نوبت انتشار
۱۴۰۱	تاریخ انتشار
۱۴۴۲ق / ۲۰۲۱م	تاریخ انتشار کتاب اصلی
۲۱۵	کد کتاب
اول	ویرایش ترجمه

جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص دعوت مبارک سید احمدالحسن علیه السلام به تارنماهای زیر مراجعه نمایید.

www.almahdyoon.co

www.almahdyoon.co/ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

۱۱	تقدیم
۱۳	مقدمه
۱۹	زن در اسلام
۲۰	حقوق شرعی زن
۲۷	درهای کمال و ارتقا به‌روی زن گشوده است
۳۵	برابری زن و مرد
۳۷	تعدد همسر در زمان پیامبر و امروز
۴۰	ازدواج با دختران کم‌سن
۴۵	زن در قرآن و احادیث
۴۶	آیا عقل و دین زنان ناقص است؟! ..
۴۷	با آن‌ها مشورت کنید و مخالفشان عمل کنید ..
۴۸	آیا همه زن شر است؟ ..
۴۹	آیا صدای زن عورت [مایه شرمساری] است؟ ..
۵۳	آیا فقط چهار زن کامل‌اند؟ ..
۵۵	زنی که ناز است ..
۵۷	مباحث علمی
۵۸	ارتباط میان زنانی محارم و تکامل ..
۸۹	مقوله «حوا از دنده چپ آدم خلق شد» در بوته نقد علمی ..
۹۱	بررسی باردارشدن مریم ..
۹۵	هم‌جنس‌گرایی ..
۱۰۱	بردگی و سوءاستفاده جنسی ..
۱۰۷	فداکاری و ایثار ..
۱۱۵	ژن‌ها و رابطه با چند مؤنث ..
۱۲۱	تقسیم‌بندی نفس‌ها به مذکر و مؤنث ..
۱۲۳	تأثیر زنان و نقش سیاسی‌شان ..

۱۲۴.....	مشارکت زنان در تظاهرات.....
۱۳۵.....	زن در جامعه.....
۱۳۶.....	صدا و تصویر زن.....
۱۴۲.....	حق تحصیل زنان.....
۱۵۰.....	شغل زن.....
۱۵۶.....	خشونت علیه زنان پذیرفتنی نیست.....
۱۶۸.....	ویژگی زن، زن بودنش است.....
۱۷۰.....	آیا اسلام عشق را منع کرده است؟.....
۱۷۵.....	اختلاط زن با مرد.....
۱۷۶.....	اختلاط در زندگی روزمره.....
۱۸۱.....	گفت‌وگوی زن و مرد.....
۱۸۳.....	مسائل پزشکی.....
۱۸۸.....	دست‌دادن.....
۱۹۰.....	خلوت کردن.....
۱۹۵.....	پوشش و زینت زن.....
۱۹۶.....	پوشش زن.....
۲۱۰.....	آرایش.....
۲۱۸.....	زیورآلات زن.....
۲۲۱.....	ازدواج.....
۲۲۲.....	احکام عمومی.....
۲۴۱.....	ولیّ امر (سرپرست).....
۲۴۴.....	شریک زندگی غیر مؤمن.....
۲۵۱.....	بارداری و فرزندآوری.....
۲۶۳.....	مشکلات و راه‌حل‌ها.....
۲۷۱.....	چندهمسری.....
۲۷۴.....	ازدواج موقت.....
۲۸۱.....	روابط نامشروع.....
۲۸۵.....	مادری و تربیت.....
۲۸۶.....	تربیت صحیح.....

۲۹۳توصیه‌هایی به مادران.....
۲۹۸احکام شرعی.....
۳۰۷ متعلقات طلاق
۳۰۸طلاق.....
۳۱۸عِدّه.....
۳۲۱ احکام طهارت
۳۲۲غسل و وضو.....
۳۲۸قاعدگی (حیض) و استحاضه.....
۳۴۵احکام مخصوص به خانم‌های متأهل.....
۳۴۹استمنا (خودارضایی).....
۳۵۱ عبادات
۳۵۲نماز و روزه.....
۳۵۷مناسک حج و زیارت.....
۳۶۲زکات و خمس.....
۳۶۷ مسائل متفرقه
۳۶۸ولیّ امر (سرپرست).....
۳۶۹ارث.....
۳۷۴خوراکی‌ها.....
۳۷۶سفارش و نصیحت‌ها.....
۳۷۹دیوانگی (جن‌زدگی) و جادو (سحر).....
۳۹۰نذر.....
۳۹۱حجامت و اهدای خون.....
۳۹۲احکام عمومی.....
۳۹۳ پیوست
۳۹۹ منابع
۴۰۵ وب‌سایت‌ها

تقدیم

به کسی که شب‌هایش را زنده نگه می‌داشت تا نماز شب بخواند...

به کسی که هر سال رجب و شعبان و رمضان را روزه می‌گرفت

در حالی که پیرزنی فرتوت بود و سنش به هشتاد سال می‌رسید...

به مادر پاک و طاهر سید احمدالحسن.

و به سیده سادات، دُخْتِ فاطمَةُ زهرا علیها السلام

همسر سید احمدالحسن.

این سرمایه ناچیز را از ما بپذیرید...

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين

و الصلاة و السلام على اشرف الخلق محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا كثيرًا

«مهم‌ترین ویژگی که زن را متمایز می‌کند زن بودنش است که به معنای مهربانی و لطیف بودن و دلسوزی و هم‌دردی و انصاف داشتن با ستمدیدگان است؛ که به معنای راه‌حل‌های ملایم، دلسوزانه و عادلانه است.

زن به معنای عشق و مهربانی شدید است، نه به معنای نفرت و کینه‌ها.

به‌طور خلاصه، زن طرف دیگری در برابر مرد است.

جنبه لطیف بدون خشونت

در برابر جنبه خشونت و تعصب مرد و رفتار درشت‌خشن، در بسیاری اوقات.»^۱

این کلمات را فقط کسی می‌تواند بر زبان براند که به زن با دیده انصاف بنگرد؛ منصفانه آن هم در زمانه‌ای که بنا به دلایل متعدد بسیاری از حقوق زنان پایمال شده است، از جمله برداشت‌های نادرست روایات دینی، و آداب و رسوم اجتماعی. عده‌ای زن را مایه شرمساری^۲ می‌دانند که باید از نظرها و از مشارکت در جامعه پنهان داشت، و عده‌ای دیگر او را کالایی ارزان می‌دانند که فقط برای ارضای غریزه کاربرد دارد؛ و در هر دو حالت، رفتار با زن عبارت بوده است از تحقیر و بی‌ارزش شمردن و ابتذال؛ و نتیجه چنین دیدگاه‌های مختلف، به

۱ - برگرفته از پیام فیس‌بوک سید احمد الحسن (علیه السلام)، ۱۳ رجب ۱۴۴۱ / ۸ مارس ۲۰۲۰.

۲ - عورة.

واکنش‌های فمینیستی در سراسر جهان منجر گردید. در نتیجه گاهی زنان به شخصیتی انتقام‌جو، و گاهی نیز به موجودی ضعیف و شکسته‌شده تبدیل شدند؛ و در چنین کش‌وقوس‌هایی زنان از ایفای نقش واقعی خود منحرف شدند، و جهان نیز به شیوه‌ای نادرست شروع به تعامل با آن‌ها نمود، و بسیاری از متفکران مسلمان و غیرمسلمان بر آن شدند که این موجود را مورد کنکاش قرار دهند.

دیدگاه‌های متفاوتی درباره‌ی زن و نقش او و رویکرد دین آسمانی نسبت به او، پا به عرصه نهاد، و در میان تمامی این تصوّرات، یافتن کسی که در برابر زن انصاف به خرج دهد و او را به دور از افراط و تفریط در جایگاه شایسته‌ی خودش قرار دهد سخت و دشوار می‌نمود؛ همان جایگاهی که کرامت زن را برایش حفظ می‌کند، و حقوقش را مصون، و پاک‌دامنی‌اش را نیز محفوظ می‌دارد، و در عین حال به او فرصت می‌دهد تا عنصری فعال در جامعه باشد که صدایش شنیده می‌شود. این همان انصافی است که هر زنی آرزویش را دارد، و همانی است که باعث می‌شود واکنش‌های انفعالی فعلی زنان، پایدار گردد و آرام گیرد و چه بسا از بین برود؛ چراکه این بار، راه چاره‌از نظر علمی و دینی و اجتماعی-دقیق و فراگیر خواهد بود؛ یعنی راه‌حلی جهان‌شمول.

سید احمدالحسن (علیه السلام) - که ما باور داریم به زن با دیده‌ی انصاف نگریسته است- در این زمینه مطالب بسیاری نوشته و به پرسش‌های بسیاری پاسخ داده، و وجهه‌ی واقعی دین آسمانی را که زنان را با مردان یکسان قرار می‌دهد روشن فرموده است، مگر در برخی جزئیات و ویژگی‌هایی که به احکام مربوط می‌شود؛ اما درباره‌ی نقش و عملکرد زن چنین می‌فرماید:

«زن مؤمن مانند مرد مؤمن است. زن مؤمن نماز می‌گزارد، روزه می‌گیرد و به آنچه مورد رضای خداوند سبحان است عمل می‌کند دقیقاً مانند مرد مؤمن، مگر در برخی تفصیلات و خصوصیات. زن مؤمن مکلف است که نسبت به دین خود معرفت یابد و در حدّ وُسْعش، حق را به مردم بشناساند و ابلاغ نماید: ﴿لَا يَكْفُرُ



اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ ﴿۱﴾ (خدا هیچ کس را جز به اندازه طاقتش تکلیف نمی‌کند. نیکی‌های هر کس از آن خود اوست، و بدی‌هایش از آن خود اوست).

پس در رساندن حق و ابلاغ به مردم کوتاهی نکنید، چه تبلیغ چهره‌به‌چهره باشد و چه از طریق رسانه‌هایی که در دست‌رستان است مثل اینترنت.^۲

اما درباره خانواده، سید احمدالحسن (علیه السلام) نیکی به همسر را آغاز یک زندگی درست می‌داند و می‌فرماید:

«چراکه احسان و نیکی به همسر مؤمن (زن مومن) باعث آسان‌شدن اموری می‌شود که خیر آخرت و دنیا در آن‌هاست و باعث بسیارشدن رزق و روزی می‌شود، و فقر و شر را دفع می‌کند.»^۳

بنابراین ایشان (علیه السلام) به بسیاری از موضوعات مربوط به زنان پاسخ می‌دهد؛ به طوری که اگر این پاسخ‌ها با نظریه‌پردازی‌های نظریه‌پردازان -چه مذهبی و چه دیگران- مقایسه شوند، قطعاً واقعیت برای محقق روشن خواهد شد؛ اینکه کلمات و دستورالعمل‌های سید احمدالحسن (علیه السلام) همچون پرتویی از نور است که تاریکی‌ها را می‌شکافد.

علاوه بر این، سید احمدالحسن (علیه السلام) مسئولیت پاسخ‌گویی به شبهاتی را که مخالفان دین الهی پیش کشیده‌اند تا عدالت و انصاف اسلام را در برخورد با زنان زیر سؤال ببرند بر عهده گرفته است. به باور آن‌ها دین الهی به دلیل نابرابر قرار دادن زنان با مردان، از حقوق زنان می‌کاهد، و طبق فهم و برداشت آن‌ها زنان مظلوم واقع شده‌اند؛ چراکه قانون‌گذار، یک مرد

۱ - بقره: ۲۸۶.

۲ - در محضر عبد صالح: ج ۲ ص ۲۵۸.

۳ - پاسخ‌های روشنگرانه: ج ۵ ص ۸۶.

بوده است؛ در حالی که سید احمدالحسن (علیه السلام) با کنار گذاشتن تعصبات بسیاری که توسط متخلفان مطرح شده است اقدام به پاسخ‌گویی کرده، و با شجاعت تمام از آن‌ها پرسیده و فرموده است:

«... همچنین کسی که می‌خواهد در یک نظام قانونی و تشریحی، تشریح مشخصی را نقد کند، باید این تشریح را مانند بخشی از این نظام در نظر بگیرد و این بخش را جدا نکند و با آن به‌صورت جدای از نظام به‌عنوان یک گُل، رفتار نکند. دست‌کم به حقوق زن و واجباتش در قانون الهی توجه کند؛ نه اینکه فقط به حقوق توجه کند و بگوید در قانون الهی به زن، حقوقی کمتر از مرد داده شده است. چرا به واجبات توجه نمی‌کند و نمی‌گوید در قانون الهی مرد واجبات بیشتری نسبت به زن دارد؟»

به‌عنوان مثال دو شخص را در نظر بگیرید که یکی از آن‌ها به ساختن بنایی به بلندی پنج طبقه و دیگری به بلندی ده طبقه تکلیف شده است. آیا عادلانه است مقدار مواد ساختمانی یکسان و مبلغ یکسان به هر دو داده شود؟! اگر به صاحب ده طبقه، دو برابر صاحب پنج طبقه داده شود آیا صحیح است کسی بیاید و بگوید شما ستمکار هستید؛ چرا که بین دو این دو نفر مساوات را رعایت نکرده‌ای در حالی که هر دو برای شما کار می‌کنند؟!...»^۱

به این ترتیب ملاحظه می‌کنیم شبهاتی که مخالفان و تحریک‌کنندگان ضد دین مطرح می‌کنند چیزی بیش از جانب‌داری مبتنی بر تحریف حقایق و جلوه‌دادن آن‌ها به‌صورت تحریف‌شده و به‌دور از واقعیت و انصاف نیست. حال اگر فرد عاقلی بخواهد به تصویر کامل بنگرد سید احمدالحسن (علیه السلام) پاسخ‌های شافی و وافی بسیاری دربارهٔ موضوعاتی که به زنان



مربوط می‌شود. چه در زمینه قانون‌گذاری و چه اجتماعی، عملی، دانشگاهی، و بسیاری زمینه‌های دیگر. عرضه داشته است.

ما امروز زنان را که از شأن و جایگاهی برخوردارند به خواندن میراث سید احمدالحسن علیه السلام و شناخت حقوق پایمال‌شده خود دعوت می‌کنیم؛ و از تمامی علاقمندان به امور زنان دعوت می‌کنیم تا به مطالعه و تأمل و بررسی نظرات سید احمدالحسن علیه السلام که ما از کتاب‌ها، نامه‌ها، توجیهاات و صفحات متعلق به ایشان در شبکه‌های اجتماعی، و پاسخ‌ها و نظرات ایشان جمع‌آوری کرده‌ایم بپردازند، تا بتوانیم تصویری تا حدودی واضح از چگونگی دیدگاه دین الهی نسبت به زن، و حقوق و وظایف او ارائه دهیم؛ بنابراین این سخنان را به پیشگاه خواننده گرامی تقدیم می‌کنیم تا حقیقت بازگردد و حقیقتی که با وجود دیدگاه‌های فراوان مجادله‌کنندگان از بین رفته یا پایمال شده است رخ بنماید؛ چراکه سید احمدالحسن علیه السلام کرامت زن را بازگردانده و آن را به‌عنوان نمادی انسانی و زنانه مطرح فرموده است:

«و هر زنی برایش امکان‌پذیر است در هر زمان و مکانی از آنچه زینب علیها السلام انجام داد عبرت و الهام بگیرد، و از ظرفیت جایگاه او بهره‌برد و به ایشان به‌عنوان سمبل و نماد عالی زن و انسانیت اقتدا کند، حتی اگر به او ایمان نداشته باشد ...»

برای هر زنی امکان دارد برای بزرگ‌ترین هدف در زندگی دنیا که همان ایستادگی به‌همراه حق و عدالت و انصاف علیه باطل و ظلم و طغیان است به پا خیزد.^۱

برای سهولت دسترسی به محتویات این کتاب، مطالب را به فصل‌های مختلفی تقسیم کردیم و پاسخ‌های سید احمدالحسن علیه السلام را تحت عنوان کلی فصل، گردآوری نمودیم، و

سپس پاسخ‌ها را در زیر فصل‌هایی دسته‌بندی کردیم. ابتدا از پاسخ‌هایی که به جایگاه و نقش زن و آنچه در متون دینی درباره او آمده است شروع کردیم، سپس به نقش زن در جامعه و سیاست پرداختیم، و با احکام شرعی مربوط به زن - اعم از خانواده، ازدواج و دیگر احکام - به پایان رساندیم.

امیدواریم در برآوردن هدفمان - یعنی عدالت و انصاف نسبت به زنان - موفق شده باشیم، و به همان اندازه که این هدف مهم است، باید نشان دهیم خود دین الهی تا چه اندازه به اسم زنان مورد ظلم و تحریف قرار گرفته است؛ گاهی توسط دشمنانش، و گاهی نیز توسط کسانی که به تأویل و تفسیر متون دینی پرداخته‌اند، بدون اینکه صلاحیت این کار را داشته باشند. امیدواریم با توجه مطالبی که در این کتاب آمده است برای مطالعه‌کنندگان روشن شود که انصاف و عدالت این دین محقق نخواهد شد مگر از طریق کسانی که خداوند آن‌ها را برای تشریح و پیاده‌سازی شریعت الهی‌اش تعیین فرموده است.

و سپاس و ستایش از آن خداوند، پروردگار جهانیان است.

دکتر هیفا بهبهانی

ربیع‌الاول ۱۴۴۲ق^۱

زن در اسلام

حقوق شرعی زن

درهای کمال و ارتقا به روی زن گشوده است

برابری زن و مرد

تعدد همسر در زمان پیامبر ﷺ و امروز

ازدواج با دختران کم سن

حقوق شرعی زن

پرسش:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته. آیات مربوط به ارث و شهادت و آیاتی را که حقوق شهروندی زن‌ها و سایر حقوقشان را ضایع می‌کند چگونه توضیح می‌دهید؟

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليما.

کسی که می‌گوید به زن در تشریحی خاص مثل ارث یا شهادت ستم شده است باید برای ما ملاک و میزان قانونی‌اش را که بر اساس آن، عدل و ستم مشخص می‌شود بیان کند؛ در نتیجه بیان کند و یقین نماید که باید زن با مرد در همه چیز مساوی باشد؛ با اینکه همه ما می‌بینیم زن با مرد در هر چیزی مساوی نیست.

همچنین کسی که می‌خواهد در یک نظام قانونی و تشریحی، تشریح مشخصی را نقد کند، باید این تشریح را مانند بخشی از این نظام در نظر بگیرد و این بخش را جدا نکند و با آن به صورت جدای از نظام به عنوان یک گُل، برخورد نکند.

دست‌کم به حقوق زن و واجباتش در قانون الهی توجه کند؛ نه اینکه فقط به حقوق توجه کند و بگوید در قانون الهی به زن، حقوقی کمتر از مرد داده شده است. چرا به واجبات توجه نمی‌کند و نمی‌گوید در قانون الهی مرد واجبات بیشتری نسبت به زن دارد؟

به عنوان مثال دو شخص را در نظر بگیرید که یکی از آن‌ها به ساختن بنایی به بلندی پنج طبقه و دیگری به بلندی ده طبقه تکلیف شده است. آیا عادلانه است مقدار مواد ساختمانی یکسان و مبلغ یکسان به هر دو داده شود؟! اگر به صاحب



ده طبقه، دو برابر صاحب پنج طبقه داده شود آیا صحیح است کسی بیاید و بگوید شما ستمکار هستید؛ چراکه بین دو این دو نفر مساوات را رعایت نکرده‌ای، در حالی که هر دو برای شما کار می‌کنند؟!

به نظر من کسی که بگوید به زن به واسطه این تشریح ستم شده است، گفتار و نظرش خام و به‌دور از بحث دقیق علمی است.^۱

پرسش:

آیا با توجه به تغییر شرایط اجتماعی و اقتصادی در طول زمان، برخی احکام شرعی مربوط به ازدواج و خانواده در برخی حالات تغییر می‌کند؟

این‌طور متوجه شده‌ام که حقوق مردان بیشتر از حقوق زنان است؛ زیرا مسئولیت‌ها و تکالیف مرد بیشتر از زن است؛ اما چه می‌شود اگر مرد در انجام وظایفش کوتاهی کند و به آن‌ها عمل نکند؟ آیا در این صورت حقوقش همچنان پابرجا خواهد بود یا ساقط می‌شود؟ به‌عنوان مثال مردی که خرجی خانواده‌اش را نمی‌دهد و اهمیتی برای فرزندانش قائل نمی‌شود؛ گویی او هیچ وجود مادی یا معنوی در زندگی آن‌ها ندارد و اگر قوام خانواده و تربیت، همگی برعهده زن باشد، آیا باز هم این شوهر چنین حقوقی دارد؟ حقوقی مثل اطاعت‌شدن، سرپرستی و ...؟

متأسفانه در جوامع عربی و اسلامی خانواده‌هایی یافت می‌شوند که به‌دلیل کوتاهی شوهر یا نبودش، این خانواده‌ها را زنان به‌تنهایی اداره می‌کنند یا به‌دلیل وجود شرایط سخت اقتصادی و تسلط طاغوتیان، با شوهرانشان مشارکت دارند. تأثیر این وضعیت بر معادله مذکور چیست؟ (اینکه شوهر حقوق بیشتری دارد، چون او مسئول است).

۱ - پاسخ‌های روشنگرانه: ج ۷ ص ۱۳۳. به پیوست مراجعه کنید.

پاسخ:

...تغییر احکام در هر زمان به خلیفه و جانشین خدا بازمی‌گردد؛ بنابراین احکام می‌توانند تغییر کنند یا منسوخ شوند؛ و بنده پیش‌تر این مطلب را یادآور شده‌ام.^۱

و سید احمد الحسن (علیه السلام) درباره رفتار جامعه‌های غربی و اسلامی با زنان فرموده‌اند:

... از سوی طاغوت، نبردی بی‌هیچ نرمشی علیه دین آغاز شده است: تلویزیون آیاتی از قرآن کریم را پخش می‌کند، پس از لحظاتی کوتاه، ترانه‌ها و زنان نیمه‌عریان و سریال‌هایی به نمایش گذاشته می‌شود که سودایی جز از هم‌گسیختن ساختارهای اسلامی جامعه یا بهتر بگوییم آن اندک باقی‌مانده از ساختارهای اسلامی جامعه را در سر ندارند. تراشیدن محاسن و بلندکردن سیبل به همان شکلی که مجوس در ادوار پیشین معمول می‌داشت، در نظر اینان، اسلام محسوب می‌شود! هرکس کلمه لا اله الا الله را بر زبان براند کشته، اهل بیتش به اسارت برده و خانه‌اش ویران می‌شود! مصیبت هولناک این است که برخی از ایشان خود را عرب می‌دانند و این اعمال را به اسم عربیت انجام می‌دهند؛ به زنان ستم روا می‌دارند و به ناموس و شرف مردمان تجاوز می‌کنند و زندان‌هایشان آکنده از زنان و کودکان است؛ در حالی که یک عرب شرافتمند، وقتی مبارزه می‌کند با مردان درگیر می‌شود و به زنان تجاوز نمی‌کند! این وحوش، این باقی‌مانده‌های مغول و تاتار خود را به کدامین عرب بودن منتسب می‌دانند؟! اینان روی بشریت را سیاه کرده و جرایم و رسوایی‌هایی مرتکب شده‌اند که عرق شرم بر پیشانی فرعون و نمرود - که خداوند لعنتشان کند - هم‌دوره‌های موسی و ابراهیم (علیهم‌السلام) نشانده است...^۲

۱ - کتاب پیک صفحه: ص ۲۰۴.

۲ - کتاب گوساله: ج ۱ ص ۱۴.



و سید احمد الحسن (علیه السلام) به رفتار علمای بی عمل با زنان پرداخته و فرموده است:

... همواره می بینیم عالم بی عمل گمراه مردم را به خوبی و ترک بدی دعوت می کند؛ ولی در عین حال، خود به نیکی عمل نمی کند؛ بلکه مال یتیم و زن های بی سرپرست را می خورد و از ضعیفان سوءاستفاده و بهره کشی می کند و در راه خداوند جهاد نمی کند: ﴿وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرَ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُرْضَخٍ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ﴾^۱ (آنان را از مردم دیگر، حتی از مشرکان به زندگی این جهانی حریص تر خواهی یافت، و بعضی از کافران دوست دارند هزار سال در این دنیا زندگی کنند، در حالی که عمر طولانی، عذاب خدا را از آنان دور نخواهد ساخت؛ خداوند به آنچه می کنند بیناست).^۲

همچنین می فرماید:

... چه بسا دل طاغوتیان به حال یتیم گرسنه یا بیوه زن و بی سرپرست به رحم آید، ولی این علمای گمراهی بی عمل منحرف و پیروانشان از مجامع و هیئت های نزدیک به آنها و سایرین - که خداوند لعنت و خوارشان کند و ننگ و عارشان را در این زندگی دنیا آشکار نماید و تاج متعفن بر سرهای گندیده شان نهد - از بیوه زنان و بینوایان سوءاستفاده می کنند تا اموالی به دست آورند و گردآوری کنند و سپس آنها را به نام همین ستمدیدگان ضعیف، غارت و چپاول کنند؛ اگر مقداری هم به آنان بدهند، اندک، آن هم با روش های پست و حقیر خواهد بود. به خدا سوگند، من حتی از بیان کردن چنین چیزی، حیا دارم. تعجب می کنم چگونه این ارادل قوم لوط

۱ - بقره: ۹۶.

۲ - کتاب روشنگری هایی از دعوت های فرستادگان: ج ۲ ص ۸.

در زمانه ما، چنین عملی را انجام می‌دهند! یکی از آنان که خداوند صورتش را در دنیا و آخرت سیاه کند، در حالی که عمرش به شصت سال می‌رسد، خانمی نزدش آمد؛ درب را به روی او بست و او را به نام مُتعه به زنا و کار زشت دعوت کرد. دیگری با دختری بیست‌ساله ازدواج می‌کند، در حالی که عمرش نزدیک به هفتاد سال است. این منحرفانِ بندگانِ حقیقِ شهوت، اتومبیل‌های آخرین سیستم سوار می‌شوند و نگهبان استخدام می‌کنند. نمی‌دانم این علمای گمراهی ترسو و خیانت‌کار از چه چیزی هراس دارند در حالی که در خانه‌های بزرگ با میلمان‌های گران‌قیمت و گران‌ترین اثاثیه‌ها زندگی می‌کنند.^۱

پاسخ سید احمد الحسن (علیه السلام) به یکی از اشکال‌گیرندگان به انتشار عکس نمایشگاه بین‌المللی کتاب - آلمان.



عکس پیوست‌شده به پیام

پرسش:

ای آقا، مگر تو فرزند پیامبر یا وصی‌اش نیستی! چطور تصویر زنان سر برهنه را منتشر می‌کنی؟ خدا تو و ما را هدایت کند.



پاسخ:

زنده باشی عزیزم،

محمد ﷺ به «سفانه» دختر حاتم طایی احترام گذاشت و او را تقدیر و اکرام نمود؛ در حالی که او به رسول خدا ایمان نداشت و محجبه هم نبود.

پرسش:

یعنی من می‌توانم با خانم‌های غیر محجبه به‌طور عادی برخورد و معاشرت داشته باشم چون پیامبر این کار را کرده است؟ یعنی این کار یک سنت است و لازم است از آن پیروی کنیم؟ یعنی عادی است و حرام نیست؟

پاسخ:

بله، می‌توانی و اصلاً حرام نیست.^۱

پرسش:

حق تعالی می‌فرماید: ﴿وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾^۲ (و اگر زنی از بی‌مهری یا بی‌زاری شوهرش بیمناک باشد، بر آن دو گناهی نیست که هر دو در میان خود طرح سازش و آشتی افکنند، که سازش بهتر است، ولی بخل و فرومایگی بر نفوس، حضور (و غلبه) دارد، و اگر نیکی و پرهیزگاری پیشه کنید قطعاً خدا به هر چه انجام می‌دهید آگاه است).

۱ - پست و توضیح از صفحه رسمی فیس‌بوک سید احمد الحسن (رحمه الله)، به تاریخ ۱۵ اکتبر ۲۰۱۸.

<https://www.facebook.com/Ahmed.Alhasan.10313/photos/a./1824327277614927/1824327277614932>

تعریف «نشوز» (بی‌مه‌ری و ناسازگاری) مرد چیست؟ و آیا در شریعت عقوبتی برای مرد ناشز (ناسازگار) وجود دارد؟ و حکم مردی که به خانه، همسر و فرزندانش بی‌توجهی می‌کند چیست؟

پاسخ:

مسئله نشوز مرد را در کتاب شرایع بیان کرده‌ام^۱ و به این معناست که مرد، همه یا برخی از حقوق زن را منع می‌کند و زن حق مطالبه و دریافت آن‌ها را دارد.^۲



۱ - سید احمد الحسن فرموده است: «اگر نافرمانی از طرف مرد با ادا نکردن حقوق زن ظاهر شد، زن می‌تواند (نزد حاکم) حقی را مطالبه و حاکم می‌تواند مرد را مجبور کند (که حقوق زن را ادا کند). زن می‌تواند بعضی از حقوقش مانند نفقه و حق هم‌خوابی را ترک کند تا دل شوهرش را به دست آورد، و برای شوهر حلال است که آن را قبول کند.» احکام نورانی اسلام: ج ۳.

۲ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۴ ص ۴۶.

درهای کمال و ارتقا به روی زن گشوده است

زینب دُخت علی- عاملی برای تداوم امامت و خلافت الهی بود...

با وجود آنکه امام و خانواده خود را از دست داده بود...

و بهترین‌های اهل زمین- یاران برادران و پدر خود- را از دست داده بود...

و همه این‌ها در یک لحظه رخ داد...

ولی شکسته نشد؛ چنانچه حالت طبیعی زنی انسانی این‌طور اقتضا می‌کند.

ایشان بی‌درنگ قیام را انتخاب کرد...

و در دهم محرم و پس از آن، به‌تنهایی سپاه و امتی شد...

خودش را با کرامت و سخاوت به مرگ عرضه کرد، و هدف خود را به بهترین وجهی که قابل‌تصور است به انجام رساند و از زندگانی علی بن حسین سجاد علیه السلام محافظت کرد؛ به همین سبب، ایشان بابت استمرار امامت و سلسله جانشینان و پیامبران خداوند سبحان، دارای مقام بزرگی است...

و هر زنی برایش امکان‌پذیر است در هر زمان و مکان، از آنچه زینب علیها السلام انجام داد عبرت و الهام بگیرد، و از ظرفیت جایگاه او بهره‌برد و به ایشان به‌عنوان سمبل و نماد عالی زن و انسانیت اقتدا کند، حتی اگر به او ایمان نداشته باشد...

برای هر زنی امکان دارد برای بزرگ‌ترین هدف در زندگی دنیا که همان ایستادگی به‌همراه حق و عدالت و انصاف علیه باطل و ظلم و طغیان است به پا خیزد.

و برای هر زنی واجب است بداند ارزش‌گذاری بسیاری از مردان درباره زن یا به‌طور کلی سخنانشان درباره زن، هیچ ارزش حقیقی در خود ندارد؛ بلکه صرفاً از افکار جنسی- که عقلشان را پر کرده و سرشان از [این افکار] لبریز شده- پرده

برمی‌دارد و نه بیش از آن؛ بنابراین بسیاری از مردان تفاوتی ندارد دین‌دار باشند یا بی‌دین. زن را به‌عنوان یک بازیچه جنسی در ذهن خود ترسیم می‌کنند که بسته به شرایط هر یک از آن‌ها، باید از آن استفاده یا نگهداری شود..

پس می‌بینید این برادران در وسواس تفکرات جنسی [اسیر] هستند؛ مثلاً اگر متدین باشند قضیه زینب را فقط در حجاب خلاصه می‌کنند، و اگر هم غیرمتدین یا خداناباور مبتدل یا تجار منفعت‌طلب باشند، همه هدفشان این است که زن، مبتدل یا برهنه در هر مکان و زمانی ظاهر شود...

این‌ها نمی‌توانند به این دید نگاه کنند یا فکر کنند که زن، انسان تکامل‌یافته مستقلی است که چه بسا گاهی از مردان تواناتر است؛ بلکه مردان عاجزند از اینکه جایگاه زن را پر کنند یا آنچه [او] توانش را دارد انجام دهند.

#مثل-زینب، دختر علی (صلوات الله علیها) باش.^۱

حسین (علیه السلام) فدای زنان و آبروی شما شد:

... و بدان که مصیبت‌های امام حسین (علیه السلام) از شدت ظلم‌های بسیار بسیار زیاد ظالمان که شما را یارای تحملشان نیست، کاسته است تا به رضای خدای سبحان دست یابید و شما را در بهشت‌هایی که نهرها از زیر آن جاری است داخل نماید.

امام حسین (علیه السلام) خون شریف مقدس خود را فدای خون‌های شما کرد و برترین زنان عالم از اولین و آخرین پس از مادرش حضرت فاطمه (علیها السلام) - که زینب (علیها السلام) است - را فدای زنان و ناموس‌های شما گرداند و شیرخوارش را فدای فرزندان شما نمود.

۱ - پیام صفحه رسمی فیس‌بوک امام احمدالحسن (علیه السلام)، تاریخ ۲۹ آگوست ۲۰۲۰.



بار فضل حسین علیه السلام بیشتر از همه خلق خدا بر دوش امام مهدی علیه السلام و من بنده فقیر و مسکین سنگینی می کند، و دین حسین علیه السلام بر پشتم سنگینی می کند و تاب و توان ادای آن را ندارم مگر اینکه خداوند خودش یاری ام فرماید...^۱

پرسش:

بسم الله الرحمن الرحيم و لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا.

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای انصار خدا و بر آنان که دوستشان دارید!

آیا یاری امام علیه السلام به صورت انفرادی است؟ من به عنوان یک زن، به عنوان مثال با شنیدن خروج حسین علیه السلام برای جنگ، چه کار واجبی باید انجام دهم؟

به عنوان یک زن اگر در زمان امام کاظم علیه السلام باشم و بفهمم امامم در زندان است چه کاری باید انجام دهم؟

وقتی باقر صدر را زندانی کردند و من در شهر دیگری بودم، انجام دادن چه کاری بر من برای یاری او واجب بود؟

وقتی خویی را به اجبار خانه نشین کرده بودند چه کاری بایستی انجام می دادم؟

آیا باید منتظر دستور امام علیه السلام باشم؟

یا مثل زمان امام کاظم علیه السلام منتظر دستورات مراجع باشم؟ همان کسانی که او را تنهایش گذاشتند!

یا می توانم به صورت انفرادی مقابله نمایم؟

آیا در حال حاضر صحیح است خانه و خانواده‌ام را برای ملحق شدن به مولایم احمد (علیه السلام) ترک گویم؟

از نظر تبلیغی، اکنون چه کاری باید انجام دهم؟ تقریباً بیشتر کسانی را که در توانم بود، تبلیغ کرده‌ام؟

می‌خواهم مولایم را یاری دهم و تنه‌ایش نگذارم؟ اما چگونه؟

می‌خواهم گناه ترک کردن و تنه‌گذاری امام را جبران کنم؛ چه کاری باید انجام دهم؟ چشم‌انتظار پاسخی روشن هستیم؛ چراکه من پاسخ صحیح را «مقابله به شکل انفرادی» می‌دانم و اینکه برای پیوستن به امام، بلیط عراق بگیرم؛ بدون آگاه کردن خانواده، شوهر یا اهل و عیال. خانواده‌ام به سید ایمان دارند... ولی شوهرم و خانواده‌اش ایمان ندارند...

آیا او و خانواده غیرمؤمنش را ترک گویم؟... با توجه به اینکه من هیچ نوع آشنایی و شناختی از عراق ندارم... با توکل به خدا به آنجا بروم و او کارهایم را تدبیر می‌کند... آیا این صحیح است؟ آیا لازم است از خود سید احمد (علیه السلام) بپرسم؟

می‌ترسم به من همان سخنی را بگویند که حسین (علیه السلام) به نافع گفت که این شب را شتری بگیر... یا همان طور که ایشان (علیه السلام) به «جون» فرمود...

مولای من، احمد، خداوند شما را رحمت کند! مسئله را برایم روشن فرما. از خداوند درخواست توفیق می‌نمایم و از خداوند برایم درخواست توفیق فرمایید... یا اصلاً شاید هنگام این پرسش فرا نرسیده باشد و جزو مسائلی است که اگر برایتان آشکار شود شما را ناراحت می‌کند! مولای من، ای احمد، ای فرزند سروران مطهر، چرا صدایت می‌زنم و پاسخی نمی‌دهی؟ و چه چیز شما را از ما باز می‌دارد... آیا سختی‌ها شما را از ما باز می‌دارد؟ یا از ما خشمگین هستی؟ چنین چیزی از شما که شما همیشه مهربان بوده‌اید به دور است. خدایا! می‌خواهم ولی تو را یاری دهم، پس مرا در این کار، توفیق عطا فرما و به آنچه دوست می‌داری و راضی هستی، موفق گردان. آیا مطلب روشن است؟

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين
وسلم تسليماً كثيراً.

از خداوند خواهان توفيق و تسديد برای شما هستم.

یاری دادن واجب بر مکلف، یاری خداوند سبحان است که با یاری خلیفه و
جانشین او در زمینش در هر زمان، محقق می‌شود. یاری کسی غیر از خلیفه خدا
در زمینش حتی اگر به حق دعوت کند، واجب نیست: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن
تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَ يَثِّبَ أقدامكم﴾^۱ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر خدا را
یاری کنید، شما را یاری خواهد کرد و گام‌هایتان را استوار می‌نماید).

یاری دادن خلیفه و جانشین خدا در زمینش برای یک زن با کاری که گمان
می‌کند باعث از بین رفتن کرامتش می‌شود یا توانایی انجامش را ندارد مثل جهاد و
برخی از امور مربوط به امر به معروف و نهی از منکر. واجب نیست. خداوند در هر
خیری توفیق‌تان دهد. به‌طور کلی بهترین راهی که در حال حاضر برای یک زن
برای یاری دادن حق امکان‌پذیر است تبلیغ از راه اینترنت یا هر ابزار دیگری است
که با استفاده از آن بتوان حق را برای هدایت و نجات به مردم رساند. این همان
راهی است که فاطمه زهرا علیها السلام، زینب علیها السلام، خدیجه علیها السلام، آسیه علیها السلام و مریم علیها السلام در پیش
گرفتند. برای شما در بهترین زنان جهانیان، الگویی نیکوست؛ به سیره مبارک و
پاک آن‌ها اقتدا کنید، با این امید که خداوند به شما مرحمت کند و برکت دهد.

همان طور که به ایشان رحم نمود و برکت داد. سلام و درود خداوند بر ایشان.^۱

* * *

پرسش زیر از زبان شیخ «علاء سالم» روایت شده است:

پرسش:

یکی از خواهران مؤمن در باره وظیفه زنان در نصرت حق در زمان کنونی (تاریخ پرسش به چند سال قبل بازمی‌گردد) و اینکه حدود تقیه چیست و با کسانی که با ما اظهار دشمنی می‌کنند چطور باید برخورد کرد سؤال کرده است.

از آنجا که در پاسخ ارائه شده، آموزه‌ها و عبرت‌هایی نهفته است که می‌تواند برای همگان و به‌ویژه خواهران مؤمن سودمند باشد، لذا پاسخ سید احمد الحسن (علیه السلام) را به این پرسش نقل می‌کنم:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آل محمد الائمه و المهديين
و سلم تسليمًا

زن مؤمن مانند مرد مؤمن است. زن مؤمن نماز می‌گزارد، روزه می‌گیرد و به آنچه مورد رضای خداوند سبحان است عمل می‌کند دقیقاً مانند مرد مؤمن، مگر در برخی تفصیلات و خصوصیات. زن مؤمن مکلف است نسبت به دین خود معرفت یابد و در حد وسعش، حق را به مردم بشناساند و ابلاغ نماید: ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ﴾^۲ (خدا هیچ‌کس را جز به اندازه طاقتش

۱ - پاسخ‌های روشنگرانه: ج ۷ ص ۱۲۶.

۲ - بقره: ۲۸۶.



مكلف نمی‌کند. نیکی‌های هرکس از آن خود اوست، و بدی‌هایش از آن خود اوست).

در بیان حق و ابلاغ به مردم کوتاهی نکنید، چه تبلیغ چهره‌به‌چهره باشد و چه از طریق رسانه‌هایی که در دست‌رسان است مانند اینترنت؛ همان طور که بسیاری از برادران انصار شما، به انتشار مقالات در روزنامه‌هایی که در اینترنت منتشر می‌شود و مردم در بخش عمده‌ای از کشورهای جهان مطالعه می‌کنند مبادرت ورزیده‌اند. این کار بسیار اثرگذار بوده و باعث گرویدن برخی مردم از کشورهای مختلف شده است.

همچنین بانوان مؤمن می‌توانند به اندازهٔ وسع و توان خود، کارهایی برای خودشان تنظیم و تعریف کنند و به برپایی مجالس عزاداری در مناسبت‌های مربوط به مصائب آل محمد علیهم‌السلام اقدام کنند و حق را به مردم بشناسانند و باطل را تبیین کنند و اهل باطل را مفتضح سازند. حضرت زینب علیها‌السلام پس از واقعهٔ کربلا، نقش بسیار عظیمی در تبیین حق و رسوا نمودن باطل برعهده داشت.

از خداوند مسئلت دارم شما خواهران را در رویارویی با طاغوتیان این زمان موفق بدارد؛ همان طور که زینب علیها‌السلام را در رسواسازی و بی‌آبرو کردن اهل باطل و بیان جنایات و سرکشی‌ها و طغیان‌شان توفیق عطا فرمود.

و اما تقیه، ابزاری است که مؤمن با آن از زندگی‌اش محافظت می‌کند تا حق را نصرت دهد. تقیه این نیست که آدمی فقط به‌خاطر زنده‌ماندن، از زندگی خودش محافظت کند. تنها گذاشتن و یاری‌نکردن حق، ربطی به تقیه ندارد و جزو آن نیست. از خداوند مسئلت دارم اسباب را برای شما فراهم سازد و کارها را برای شما آسان گرداند تا حق را نصرت دهید و حق را به دست و زبان شما هویدا گرداند و شما را در حرکت بر مسیر زنان صالح مانند فاطمه علیها‌السلام و زینب علیها‌السلام و خدیجه علیها‌السلام و مریم و

زن مؤمن و نیکوکار فرعون که خانه‌ای نزد خدا را بر زینت و زخرف دنیا ترجیح داد قرار دهد: ﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةً فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾^۱ (و خدا برای کسانی که ایمان آورده‌اند، زن فرعون را مثل می‌زند آنگاه که گفت: ای پروردگار من، برای من در بهشت نزد خود خانه‌ای بنا کن و مرا از فرعون و عملش نجات ده و مرا از مردم ستمکار برهان). وی با طاغوت دست‌وپنجه نرم کرد و تا آنجا از حق دفاع نمود که راضیه، مرضیه، مجاهد و شجاع به‌سوی پروردگارش شتافت و خداوند در برترین کتابی که نازل فرموده - یعنی قرآن - یادی از او به میان آورده است؛ این همان فضل بزرگ است: ﴿لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ﴾^۲ (عمل‌کنندگان باید برای چنین پاداشی عمل کنند).

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.^۳



۱ - تحریم: ۱۱.

۲ - صافات: ۶۱.

۳ - کتاب در محضر عبد صالح: ج ۲ ص ۸۶.

برابری زن و مرد

پرسش:

سلام علیکم. در آیه ﴿وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنثَىٰ﴾^۱ (و پسر همچون دختر نیست)، چرا قرآن مذکر را بر مؤنث مقدم داشته است؟

پاسخ:

مذکر مقدم شده است، زیرا به آن‌ها (تولد) یک پسر وعده داده شده بود که همان حضرت عیسی علیه السلام است. وقتی مریم علیها السلام متولد شد آن‌ها حیرت کردند؛ زیرا وی دختر بود. آن‌ها دانستند عیسی علیه السلام از نسلشان است و خداوند عیسی علیه السلام را از مریم علیها السلام قرار داد و به این ترتیب آنچه به ایشان وعده داده شده بود، محقق گردید: ﴿فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنثَىٰ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيدُهَا بِنِكَاحٍ وَدُرِّبْتُهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾^۲ (چون فرزند خویش بزاد، گفت ای پروردگار من، این که زاییده‌ام، دختر است در حالی که خدا به آنچه زاییده بود داناتر است. و پسر همچون دختر نیست. او را مریم نام نهادم. او و فرزندانش را از شیطان رجیم در پناه تو می‌آورم).^۳

پرسش:

هنگام قیام قائم علیه السلام و آغاز جنگ‌ها بر ضد دشمنان آل محمد علیهم السلام زنان مؤمن به دعوت مبارک یمانی چه نقشی خواهند داشت؟ آیا در میدان جنگ حضور خواهند داشت؟ و در این مرحله چگونه سربازان واقعی امام مهدی علیه السلام خواهند بود؟

۱ - آل عمران: ۳۶.

۲ - آل عمران: ۳۶.

۳ - پاسخ‌های روشنگرانه: ج ۴ ص ۳۶.

پاسخ:

در حکومت الهی - اگر خداوند اراده فرماید و زمانی برپا شود - زنان می‌توانند در جایگاه‌های بسیاری نقش‌آفرینی کنند. در بسیاری از جایگاه‌ها و کارها کفایت و شایستگی زن کمتر از مرد نیست و حتی در بعضی کارها زن به مراتب از مرد برتر است. اسلام هیچ قیدوبندی برای برعهده‌گرفتن (وظیفه) توسط زن - حتی برای مناصب رهبری جامعه - قرار نداده است، تا زمانی که شایسته آن باشد و آن وظیفه را به صورت کامل و صحیح به انجام برساند.^۱



تعدد همسر در زمان پیامبر ﷺ و امروز

پرسش:

آقا و مولای من! بسیاری اوقات که با مسیحیان دربارهٔ ادلهٔ دعوت سخن می‌گوییم مشاهده می‌کنیم به سراغ امور شخصیِ رسول خدا ﷺ می‌روند. از جمله این سؤال که چرا رسول خدا ﷺ نه همسر اختیار کرد؟ مولای من، امیدوارم علت را بیان فرمایید.

پاسخ:

و سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

به‌طور کلی گفت‌وگو با هر مخالفی باید در چهارچوب موضوع معینی قرار گیرد؛ وگرنه فقط به این شاخه و آن شاخه پریدن منجر خواهد شد؛ بدون اینکه بهره‌ای از این گفت‌وگو حاصل شود.

اما موضوع ازدواج در زمان رسول خدا محمد ﷺ و به‌طور خاص در محیط زندگی آن حضرت، [همسران] متعدد بوده‌اند. حتی پیش از اسلام نیز به‌دلیل زیاد شدن نسبت زنان به مردان ازدواج‌های متعدد وجود داشته و همان‌طور که مشخص است هیچ راه حل قابل قبول اجتماعی دیگری جز تعدد همسران برای حل این مشکل وجود نداشته است. سبب بروز چنین مشکلی در آن دوران این بود که در آن زمان‌ها جنگ‌ها و معرکه‌های دائمی و راهزنی‌ها وجود داشت و این شرایط همواره باعث کشته شدن تعداد زیادی از مردان می‌شد؛ در حالی که زنان در خانه‌ها می‌نشستند و به‌طور معمول خارج نمی‌شدند و خطری تهدیدشان نمی‌کرد. حتی در میدان‌های جنگ نیز به اسارت گرفته می‌شدند و مثل مردها کشته نمی‌شدند. این زیاد بودن نسبت زنان در آن محیط باعث بروز مشکلات اجتماعی تا آنجا شده بود که بسیاری از زنانی که شوهری پیدا نمی‌کردند پرچم‌هایی برای اعلام تمایل به انجام عمل جنسی با مردان برمی‌افراشتند و زنانی که پرچم‌های سرخ داشتند در

آن جامعه مشهور بودند. بسیاری از مردها دختران خود را در خردسالی می‌کشتند؛ پدیده‌ای که به زنده‌به‌گور کردن دختران معروف بود و علت بروز این پدیده افزون شدن زنان در آن جامعه و دست‌نیافتن بسیاری از آنها به ازدواج و پناه‌بردن به انجام عمل شهوانی به‌دور از چهارچوب قانون اجتماعی - مثل ازدواج - بود.

رسول خدا محمد ﷺ قانونی برای ساماندهی ارتباط جنسی در چنین جامعه‌ای برای ازدواج قانونمند آورد؛ به‌گونه‌ای که نَسَب‌ها از بین نرود. تعدد همسران را با قانونی اجتماعی به‌صورتی تشریح فرمود که در چنین وضعیت اجتماعی نامتعادلی، کرامت زن را تضمین نماید؛ به‌طوری که زن کالایی مثل دارندگان پرچمی که در بالا گفته شد. برای دست‌به‌دست‌شدن میان مردان نباشد؛ بلکه به‌عنوان همسر محترمی برای یک مرد تلقی شود که از حقوق قانونی برخوردار است. قانون تعدد همسران که رسول خدا محمد ﷺ آورد تأثیر بسزایی برای حل این پدیده اجتماعی روزافزون از خود بر جای گذاشت و فقط در عرض چند سال پدیده زنده‌به‌گور کردن دختران و همچنین پدیده زنان با پرچم‌های قرمز مَحُو شد. این در خصوص قانون‌گذاری رسول خدا حضرت محمد ﷺ برای تعدد همسران در راستای حل مشکلی اجتماعی، یعنی فراوان بودن آمار زنان در آن جامعه بود.

اما در خصوص عملکرد شخصی آن حضرت (صلوات خدا بر او) سببش این بود که بیشتر مردها از ازدواج با چند همسر به‌دلیل سختی زندگی، تأمین غذا و مشکلات دیگر، خودداری می‌کردند و اقدام رسول خدا به ازدواج با چند زن - آن هم با وجود دارایی کم آن حضرت ﷺ - تشویقی برای دیگران بود و این عملکرد آن حضرت خارج از حد و مرزهای زندگی اجتماعی محیطی که در آن زندگی می‌کرد نبود؛ محیطی که بر مردانی که در آن بودند لازم می‌گرداند با چند زن ازدواج کنند تا معضل نسبت زیاد بودن زنان به مردان به‌صورتی اخلاقی - حل شود و نیاز بیولوژیکی جنسی زن برطرف، و کرامتش با ازدواج متعدد، حفظ شود.



با این توضیح معتقدم اشکال گرفتن به مردی که با هفت زن ازدواج کرده، در حالی که در محیطی زندگی می‌کند که نسبت زنان به مردان هفت به یک است، از مصادیق سفاهت و بی‌خردی است؛ زیرا شما در قرن بیست‌ویکم در جامعه‌ای زندگی می‌کنی که نسبت زنان به مردان یک به یک است و بیشتر مردان با یک زن ازدواج می‌کنند. ازدواج شما با هفت زن در زمان خودت و در جامعه خودت اشتباه است و ازدواج آن مرد نیز با یک زن در زمان و جامعه خودش درست نبود و حتی خطایی بزرگ‌تر بود و ویران‌کننده جامعه محسوب می‌شد؛ زیرا مسبب پدیده‌هایی مثل زنده‌به‌گور کردن دختران و زنان پرچم‌دار می‌شد.^۱



ازدواج با دختران کم سن

پرسش:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما، آقای و مولای من، احمدالحسن!

از دوران کودکی به مسائل مربوط به عدالت اجتماعی و حقوق بشر علاقه مند بودم. همواره درد و رنج و ظلم در جوامع ما، مرا آزار می داده است و می دهد. در برخی از نهادهای اجتماعی در زمینه حقوق بشر، و در دوره های اخیر به طور مشخص در زمینه حقوق زن در اسلام شروع به کار کرده ام.

من ایمان دارم که تمام شریعت و احکام خداوند سبحان و متعال، رحمت و عدل، و در هر زمان و مکان عهده دار کرامت انسان است؛ اما با توجه به حرفه ام با بعضی از سؤالات مربوط به حقوق زن در اسلام مواجه شده ام؛ سؤالاتی که مرا به حیرت واداشته و پاسخی برایشان پیدا نکرده ام. آقای من! برخی از این سؤالات را تقدیم حضور شما می کنم؛ زیرا چه بسیار از دین برای توجیه ظلم به زنان و تباه کردن حقوقشان بهره برداری می شود. آقای من! به شما رو می کنم، زیرا واقعاً در جست و جوی مشیت و حکمت خداوند هستم و واقعاً می خواهم بفهمم؛ چرا که تنها راه برطرف شدن درد و رنج و ظلم از بشریت، در مشیت و حکمت خدا وجود دارد. پیشاپیش از جهل و نادانی ام عذرخواهم و سعی می کنم تا با علم شما پاک و پیراسته گردم.

از خداوند متعال خواستارم برای شما اهل بیت، زینتی باشیم و خداوند با فتح آشکار شما را استوار بدارد؛ ان شاء الله.

در کتاب شرایع (احکام نورانی اسلام) در قسمت ازدواج نوشته شده است: «نزدیکی با زن قبل از اینکه به سن نُه سالگی برسد حرام است.» از این مطلب چنین برداشت کردم که از ابتدای سن نُه سالگی نزدیکی با زن جایز است.

با توجه به حرفه و محیط اطرافم در بسیاری اوقات با دخترانی روبه رو شده ام که با توجه



به اینکه بدنشان تحمل رابطه جنسی با شوهر را ندارد، دچار آسیب‌های بدنی می‌شوند. همان‌طور که در جامعهٔ امروزی شاهد هستیم که دختران در این سن و سال کودک محسوب می‌شوند و هنوز آمادگی عقلانی و جسمانی کافی برای برعهده‌گرفتن واجبات و مسئولیت‌های سنگین با این درجه از اهمیت را ندارند؛ پس چرا خداوند سبحان و متعال ازدواج با دختران را در این سن و سال کم‌مجاز فرموده است؟ و آیا صحیح است که گفته می‌شود ازدواج با دختران از زمان ولادتشان جایز است؟

پاسخ:

و علیکم السلام و رحمة الله و بركاته

۱. موضوع جایز بودن ازدواج دختر نُه‌ساله در اسلام عبارت است از بیان حدود وضعیت شرعی، و اگر شرایط حکمرانی برای خلیفهٔ خدا مهیا شود و قانون ازدواج را وضع نماید، این قانونی نیست که (الزاماً) حکومت الهی طبق آن عمل کند.

بنابراین اگر حکومت به خلیفهٔ خدا داده شود، می‌تواند برای منع ازدواج با دختر در سنی که به‌طور معمول اعضای تناسلی زنانه‌اش کامل نشده باشد قیدهایی را وضع نماید؛ مثلاً شرط کند ضرورتی برای این نوع ازدواج وجود داشته باشد، و اینکه وضعیت جسمانی دختران از نظر معاینات پزشکی قانونی برای ازدواج مناسب باشد و...؛ و به‌طور کلی حلال دانستن این نوع ازدواج در شریعت اسلام -همان‌طور که بیان شد- دلالتی بر طبیعی بودن این وضعیت ندارد؛ بلکه این تشریح تنها بیانگر نهایت سنی است که در آن سن، دختران جوان -در صورت وجود ضرورت- امکان ازدواج پیدا می‌کنند؛ به‌عنوان مثال اگر تصور کنیم فاجعه‌ای روی زمین رخ دهد و تنها اندکی از نوع بشر یا از مؤمنان باقی بمانند، در چنین وضعیتی مسئلهٔ ازدواج و زادآوری زود هنگام -با در نظر گرفتن اقدامات احتیاطی- به‌جهت ضرورت حفاظت از نوع بشر یا حفظ مؤمنان خواهد بود؛ وگرنه احتمال انقراض نوع بشر بیشتر خواهد

شد. کسی که نظریه تکامل و چگونگی عملکرد مجموعه ژن‌ها را در طبیعت درک می‌کند آنچه را من می‌گویم [به‌خوبی] خواهد فهمید. در این مسئله به‌خصوص اگر ضرورتی برای ازدواج زود هنگام یا به عبارت دیگر آمادگی جنس ماده نوع بشر برای لقاح در سنین پایین- در محافظت از نوع بشر در ادوار پیشین تکامل «هومو»ها وجود نمی‌داشت، بدن نوع مؤنث به این صورت تکامل نمی‌یافت؛ یعنی به‌صورتی که آمادگی تلقیح در سنین پایین را داشته باشد.

اما درباره اینکه برخی طبق نظر شخصی خودشان این حکم شرعی را پیاده می‌کنند، آن هم بدون ضوابطش و باعث آسیب‌رساندن به جسم دختران کم‌سن‌وسال می‌شوند، این خطایی از سوی آن‌هاست و خطای شریعت نیست. آن‌ها و فقهایشان، نه شایستگی پیاده‌سازی شریعت را دارند و نه حدود آن را به‌صورت کامل می‌شناسند؛ از همین رو خداوند موضوع تطبیق و پیاده‌سازی را برعهده خلیفه و جانشین خود در زمینش قرار داده است.^۱

پرسش:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای سید و مولای من... آیا ازدواج آقایان محمد با عایشه در حالی که نه سال داشت- ازدواج با دختر بچه به شمار می‌رود؟

پاسخ:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. پیامبر با عایشه در این سن ازدواج نکرد؛ بلکه عایشه بزرگ بود.^۲

۱ - کتاب پیک صفحه: ص ۲۰۱.

۲ - کتاب پیک صفحه: ص ۲۰۱.



پرسش:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما...

مولای من، ازدواج خانم فاطمه زهرا با امام علی -صلوات پروردگارم بر آن دو- چگونه بود؟

طبق آنچه از زمان کودکی ام می شنیدم خانم فاطمه زهرا در حالی که نزدیک به هجده سال داشت وفات نمود؛ در حالی که در آن زمان، ازدواج کرده و مادر سه کودک بود. ای سلاله علما، امیدوارم توضیح دهید.

آقای من، ان شاء الله در زمانی نزدیک و زود، خداوند برای شما تمکین حاصل فرماید. التماس دعا.

پاسخ:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. اینکه عمر آن حضرت (صلوات خدا بر او) هنگام شهادتش هجده سال بوده است، صحیح نیست.^۱

پرسش:

سخن حقی در این فتوهای فقهای گمراهی نمی بینم که به بهانه وارد شدن به خانه مادرش، برای نگاه کردن به مادر و دلایلی از این دست، به جایز بودن عقد با دختر کوچک فتوا می دهند. آیا این کار جایز است؟

پاسخ:

عقد کردن زن، به جهت ازدواج است، نه برای لهو و لعب: «سخن حقی در این فتواهای فقهی گمراهی نمی بینم که به بهانه وارد شدن به خانه مادرش، برای نگاه کردن به مادر و دلایلی از این دست، به جای بودن عقد با دختر کوچک فتوا می دهند.» این کار عبث و لهو و لعب است و ارتباطی با دین و اخلاق ندارد.

وقتی اسلام ازدواج با دختر کوچک را تشریح می فرماید به معنای دختری است که نزدیک بلوغ است، نه دختری که شیرخوار یا طفلی کوچک است، و حتی ازدواج با دختر صغیر یا بالغ کم سن و سال به جهت ضرورتی تشریح شده است؛ چه بسا حادثه ای برای مردم رخ دهد مثل اینکه تعداد کمی از نوع بشر باقی بمانند و ترس از انقراض بشر یا مؤمنان وجود داشته باشد که در این صورت ازدواج با [دختر] کم سن و سال باعث بیشترین زادولد ممکن و حفظ نوع بشر یا مؤمنان می شود. تشریحات عبث و بیهوده نیست؛ خداوند شما را موفق بدارد؛ بنابراین ازدواج با صغیره معنایی ندارد و تنها برای ضرورت، تشریح شده است و نه بیهوده و برای لهو و لعب.^۱



زن در قرآن و احادیث

آیا عقل و دین زنان ناقص است؟!

با آن‌ها مشورت کنید و مخالفشان عمل کنید.

آیا همه زن شرّ است؟

آیا صدای زن عورت [مایه شرمساری] است؟

آیا فقط چهار زن کامل اند؟

زنی که ناز است.

آیا عقل و دین زنان ناقص است؟!

پرسش:

درود بر شما.

تفسیر روایت «عقل و دین زن ناقص است»^۱ چیست؟ و مولای ما نظر شما دربارهٔ سرکوب استعدادهای زنان و جداسازی آن‌ها از جامعه به‌بهانهٔ این روایت چیست؟ خداوند به شما جزای خیر بدهد و یاری‌تان فرماید.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين
و سلم تسليماً.

این روایت را مخالفان آل محمد ﷺ روایت کرده‌اند و صحیح نیست.^۲



۱ - اشاره به روایتی که در صحیح مسلم، مسلم نیشابوری ج ۱ ص ۶۱ وارد شده است: از رسول خدا ﷺ: «ای گروه زنان، صدقه دهید؛ زیرا شما را بیشترین اهل دوزخ دیدم.» یکی از زنان پرسید: ای رسول خدا، چرا بیشتر اهل آتش از ما زنان است؟ فرمود: «زیرا زیاد نفرین می‌کنید و از شوهرانتان نافرمانی نموده، ناسپاسی می‌کنید، و هیچ ناقص‌العقل و ناقص‌الدینی را ندیدم که همچون شما، مردان عاقل را فریب دهد.»

۲ - پرسش‌های مربوط به زنان و زندگی مشترک، در تالارهای انصار امام مهدی (عج) :

با آن‌ها مشورت کنید و مخالفشان عمل کنید

پرسش:

کدام مشورت است که مردها باید با آن مخالفت کنند؟ زیرا همیشه وقتی موضوعی پیش می‌آید و زن‌ها با مردها درباره‌اش صحبت می‌کنند و نظرشان را بیان می‌دارند، آقایان می‌گویند «شاووهن و اخلفوهن» (با زنان مشورت کنید و مخالف آن عمل کنید). این باعث حیرت و دل‌شکستگی می‌شود؛ زیرا آن‌ها با اهل بیت علیهم‌السلام با ما احتجاج می‌کنند.

پاسخ:

این از سفاهت است که بگوییم با کسی مشورت، و برخلافش عمل کن! حتی این کار مصداق بی‌ادبی است! این‌گونه نیست که هرآنچه از اهل بیت علیهم‌السلام روایت شده است صحیح باشد. گاهی اوقات کسی در نقل مطلب از آن‌ها اشتباه کرده است و گاهی اوقات کسانی هستند با هدف اهانت به آن‌ها، نسبت دروغ به ایشان داده‌اند. هرچه را دیدید که با قرآن و اخلاق قرآن مخالف است، قطعاً از اهل بیت علیهم‌السلام صادر نشده است؛ بلکه یا نقل اشتباه بوده یا تحریف شده یا کلامی است که به دروغ به این بزرگواران نسبت داده شده است.^۱



آیا همه زن شرّ است؟

پرسش:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته. «المرأة شر کلها و شر ما فیها انه لا ید منها»^۱
«همه چیز زن شرّ است و بدتر از آن اینکه از بودنش گریزی نیست.»

متن و سند این حدیث تا چه اندازه صحیح است؟ آیا این حدیث -طبق نهج البلاغه، و غرر الحکم- از امیرالمومنین (علیه السلام) وارد شده است؟ و اگر صحیح است چه معنایی دارد و شرایط تاریخی که این حدیث در آن گفته شده، چه بوده است؟

با تشکر بسیار از شما.

پاسخ:

صحیح نیست.^۲



۱ - اشاره به روایتی در نهج البلاغه: ج ۳ ص ۲۰۶.

۲ - پاسخ‌های روشنگرانه: ج ۴ ص ۳۶.

آیا صدای زن عورت [مایه شرمساری] است؟

پرشش:

از خودم به خدا پناه می‌برم. من در تالار انصار امام مهدی علیه السلام بسیار حضور دارم و نظرات زیادی از مخالفینی که میکروفون به دست می‌گیرند شنیده‌ام؛ و شنیده‌ام که پدرم و حبیبم امام احمد علیه السلام گفته است صدای زن «عورت» نیست، والله العالم. سرور و مولایم! جانم فدای خاک پایت باد! هم‌وغم من این است که خداوند بر من خشم نگیرد و در هیچ کاری تو را نافرمانی نکنم یا مانعی در مسیر کسی که در پی هدایت است نباشم. در پاسخ گویی کسی که مستحق جواب شما نیست، اختیار با شماست.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين
و سلم تسليمًا.

در خصوص صدای زن و اینکه آیا زن می‌تواند با مردان سخن بگوید و چگونه با مردان هم‌کلام شود، این مطلب در قرآن به روشنی آمده است. حق تعالی می‌فرماید: ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيْطَمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا﴾^۱ (ای زنان پیامبر، شما همانند دیگر زنان نیستید؛ اگر از خدا می‌ترسید پس به نرمی سخن مگویید تا [مبادا] آن مردی که در قلبش مرضی هست به طمع افتد، و سخن پسندیده بگوید).

﴿وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِن وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَن تُؤَدُّوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَن تُنكِحُوا أَرْوَاجَهُ مِن بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ

عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا^۱ (و اگر از زنان پیامبر چیزی خواستید، از پشت پرده بخواهید. این کار، هم برای دل‌های شما و هم برای دل‌های آن‌ها پاکیزه‌تر است. شما را نرسد که پیامبر خدا را ببازارید و نه آنکه زن‌هایش را بعد از وی هرگز به زنی گیرید. این کارها نزد خدا گناهی بزرگ است).

﴿فَكُلِّي وَاشْرِبِي وَقَرِّي عَيْنًا فَإِمَّا تَرَيَنَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنَّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أَكُلَّمُ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا﴾^۲ (پس ای زن، بخور و بیاشام و شادمان باش و اگر از آدمیان کسی را دیدی، بگو برای خدای رحمان روزه نذر کرده‌ام و امروز با هیچ بشری سخن نمی‌گویم).

این آیات به‌وضوح جایز بودن سخن‌گفتن زن با مرد را نشان می‌دهد؛ ولی با شرطی که آن را ان‌شاءالله بعداً بیان خواهیم کرد. آیه آخر دلالت روشنی دارد بر اینکه مریم (علیها السلام) با آن‌ها سخن می‌گفت و در گفت‌وگویی او با آن‌ها مانعی نبوده؛ اما وی، فقط در آن هنگام از سخن‌گفتن با آن‌ها امتناع ورزیده بود، زیرا او روزه نذر کرده بود؛ بنابراین فقط در آن هنگام با کسی از آن‌ها سخن نگفت، همان‌طور که آیه نشان می‌دهد.

در ضمن اگر شما سیره زهرا (علیها السلام) و زینب (علیها السلام) را مطالعه کنی، درمی‌یابی آن‌ها سخن‌گفته‌اند و از حق جانشینان خدا بر زمینش دفاع کرده و با طاغوتیان و هواداران آن‌ها رویارو شده‌اند. حتی حضرت زهرا (علیها السلام) برای اینکه مردم را بر ضد طاغوتیانی که خلافت خدا را در زمینش غصب کرده بودند تحریک نموده بود، بسیار اذیت شد؛ خواستند خانه‌اش را به آتش بکشند و او و فرزندان‌اش را بکشند. آن‌ها به خانه حضرت حمله بردند و پهلوی‌اش را شکستند. دردها و دردمندی‌های آن حضرت،

۱ - احزاب: ۵۳.

۲ - مریم: ۲۶.



ایشان را از تداوم دفاع از حق بازداشت؛ تا اینکه آن حضرت علیه السلام به شهادت رسید. موضع‌گیری‌های زینب علیها السلام نیز در جریان واقعه کربلا و قبل و بعد از آن، مانند موضع‌گیری‌های مادرش زهرا علیها السلام بود.

مطلبی که باقی می‌ماند این است که زن وقتی با طاغوتیان مواجه می‌شود، قطعاً در معرض انواع آزار و اذیت‌ها قرار می‌گیرد؛ چراکه آن‌ها شیطان‌اند و از نطفه‌های شیطانی، و شیطان نیز آن‌ها را تشویق و تحریک می‌کند. لذا زن مؤمن نباید به نرمی سخن بگوید و او باید در راه خدا و در مسیر رویارویی با طاغوتیان، محکم و استوار باشد و اگر یکی از آن‌ها را دید که با عبارتهای هرزه و بی‌شرمانه سخن گفت یا حتی سخنی ناشایست بیان کرد که شایسته گفته‌شدن بین مرد و زن نیست، زن باید واکنش سخت و شدیدی نشان دهد؛ به‌عنوان مثال شما در پالتاک او را مخاطب قرار بده و مثلاً بگو: «اگر تو حلال‌زاده بودی، جرئت نمی‌کردی یا سعی نمی‌کردی نسبت به یک زن گستاخی به خرج دهی.» یا هر عبارتی که او را خوار می‌کند، مثلاً به او بگو: «تو و امثال تو همان گونه‌اید که خدای متعال توصیف کرده است: ﴿أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا﴾^۱ (یا گمان کرده‌ای بیشترشان می‌شنوند یا می‌فهمند؟ اینان چون چهارپایانی بیش نیستند، بلکه از چهارپایان هم گمراه‌ترند). تو از چهارپا هم گمراه‌تری.» تا شاید این افراد از گستاخی و جسارت به زنان مؤمن دست بردارند و بدانند که به حرف‌هایشان پاسخ داده می‌شود؛ چراکه اگر این عده از مجازات و عقوبت ایمن شوند، بی‌ادبی پیشه می‌کنند. آن‌ها واهمه‌ای از توضیح‌شنیدن و پاسخ‌گرفتن ندارند؛ بلکه باید به آن‌ها اهانت نمود تا شاید دست بردارند؛ خداوند خوارشان کند! اصولاً این‌ها راهی از راه‌های شیطان هستند برای بازداشتن زنان

مؤمن از جهاد و بالابردن کلمه علیای خداوند و نیز بازداشتن آن‌ها از ارتقا (در آسمان‌ها)، شیطان - که لعنت خدا بر او باد - می‌خواهد هدف خبیثش را در بازداشتن زنان مؤمن از اقتدا به زهرا و زینب (علیها السلام) از طریق این ناپاکان، عملی سازد.

ای دخترم! بر من دشوار است که این افراد - که بدترین خلق خدایند - با الفاظ و عبارات یا کشمکش‌هایی که اخلاقاً پذیرفته نیست و با بدزبانی و دشنام، به زنان مؤمن و پاک‌دامن گستاخی کنند؛ ولی نمی‌توانم زنان مؤمن را از اقتدا به زهرا و زینب (علیها السلام) بازدارم؛ بلکه باید آن‌ها را به پیمودن این راه مبارک تشویق کنم. اگر هم در معرض آزار و اذیت قرار گرفتند، بهترین مایه تسلی آن‌ها زهرا و زینب و خدیجه و فاطمه بنت اسد و نرجس و مریم و آسیه (علیها السلام) همسر فرعون هستند. فهرست این زنانی که در یاری‌دادن حق، موضع‌گیری‌های مبارکی از خود نشان دادند و در راه خداوند سبحان آزار و اذیت دیدند، طولانی است.^۱



آیا فقط چهار زن کامل اند؟

پرسش:

سرورم! با پرسشی به‌سوی شما آمده‌ام که مدت‌هاست اندیشه‌ام در آن سرگردان شده و وقت و تلاش بسیاری از من گرفته است؛ ولی به پاسخی دست نیافته و به معنایش نرسیده‌ام. سرورم، چرا فقط چهار زن به مراحل بالای کمال رسیده‌اند! سیده مریم، سیده آسیه، سیده خدیجه و سیده طاهره معظمه مولایم زهرا علیها السلام؟^۱

سرورم، شما که پسر و حبیب فاطمه زهرا علیها السلام هستی، به‌صورت علمی و اعتقادی مرا مطلع گردان تا با پاسخی که از منبع علم و از پسر پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله آمده است، خوشحال و شادمان نزد یارانم برگردم. چشم‌انتظار شما هستم سرورم، و مشتاق دیدار و خدمت و نائل شدن به شرافت جهاد زیر پرچم شما هستم.

رب‌الارباب و مسبب‌الاسباب شما را حفظ فرمایید، توفیق دهد، محافظت نماید و تأیید کند! و همواره با عنایت‌الرحمن‌الرحیم، پوشیده و در امان باشید.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم....

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمه و المهتدیین و سلم تسلیماً.

موضوع انحصار به‌کمال‌رسیدن زنان به چهار نفر درست نیست. صحیح آن است که هر انسان طبق علم و اخلاصش، جایگاهی نزد خداوند سبحان دارد؛ چه

۱ - پرسشگر به روایت زیر اشاره می‌کند: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هیچ‌یک از زنان کامل نشدند مگر چهار نفر: آسیه بنت مزاحم، مریم بنت عمران، خدیجه بنت خویلد، و فاطمه بنت محمد»؛ که در کنز‌العمال: ج ۱۲ ح ۳۴۴۰۸ و مجمع‌البیان: ج ۱۰ ص ۴۸ آمده است.

این انسان مرد باشد، چه زن! اما اینکه برتر خواندن یک انسان معین و اینکه او از تمام انسان‌های پیش از خود برتر یا برترین اهل زمان خود است یا حتی بر تمام انسان‌ها برتری دارد، فقط و فقط از طریق تصریح خداوند سبحان توسط فرستادگانش ثابت می‌شود. از طریق خبری که پیامبر ﷺ به نقل از خداوند سبحان و دانای غیب‌ها داده، ثابت شده است که فاطمه (علیها السلام) سرور زنان عالمیان (دو جهان) است؛ همچنین ثابت شده است که مریم، آسیه و خدیجه، فضل و مقامی نزد خداوند دارند؛ ولی این قضیه فقط به همین عده منحصر نمی‌شود؛ بلکه زنان بسیاری هستند که نزد خدا مقام و منزلت والایی دارند. حتی بانویی هست که از این عده برتر و بالاتر است: زینب (علیها السلام) دختر علی (علیه السلام) پس از مادرش فاطمه (علیها السلام) برترین زنان جهانیان است.

این سخن شما که زنان بافضیلت فقط همین چهار نفرند، چندان دقیق نیست، و شما بدان که باب به روی تمام زن‌ها تا روز قیامت گشوده است تا با عمل و اخلاصشان بتوانند جزو برترین زنان دو عالم شوند.^۱



زنی که نازاست

پرسش:

روایتی از رسول خدا ﷺ نقل شده که مضمون آن چنین است: «حصیری که در گوشه خانه انداخته شده، بهتر از زنی است که نازاست.»^۱ آیا این روایت صحیح است یا خیر؟

پاسخ:

پناه بر خدا که رسول خدا ﷺ صاحب اخلاق عظیم، زن را با چنین توصیفی وصف کند!^۲



۱ - از احمد، از عمرو بن حفص و ابوبصیر، از محمد بن هشام، از اسحاق بن نجیح، از حصیف، از مجاهد، از خدری، از رسول خدا ﷺ در حدیثی که به علی رضی الله عنه فرمود: «حصیری که در گوشه خانه است بهتر از زنی است که نمی‌زاید.» مستدرک الوسائل میرزای نوری: ج ۱۴ ص ۱۷۶.

۲ - توضیح سید احمد الحسن رضی الله عنه در صفحه رسمی فیس بوکش، به تاریخ ۵ جولای ۲۰۱۸.

مباحث علمی

ارتباط میان زنای محارم و تکامل

مقوله «حوا از دندهٔ چپ آدم خلق شد» در بوتهٔ نقد علمی

بررسی باردار شدن مریم علیها السلام

همجنس‌گرایی

بردگی و سوءاستفادهٔ جنسی

فداکاری و ایثار

ژن‌ها و رابطه با چند مؤنث

تقسیم‌بندی نفس‌ها به مذکر و مؤنث

ارتباط میان زناى محارم و تکامل

پرسش:

چرا قاییل هاییل را کشت؟ و آیا این درست است که آدم علیه السلام می خواست هرکدام از آنها را به ازدواج همزاد دیگری درآورد ولی قاییل نپذیرفت؟ و آدم علیه السلام برای تأکید بر این موضوع، به آنها دستور داد قربانی پیشکش کنند؟!

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين
و سلم تسليمًا.

سخنان ناروای بسیاری در این خصوص به میان آمده، و حقیقت آن است که خداوند سبحان و متعال ازدواج با محارم را در ام الكتاب حرام نموده^۱ و این تحریم در تمام شرایع و کتابهای آسمانی وجود داشته است، و از جمله در شریعت آدم. موضوع ازدواج فرزندان آدم علیه السلام به این شرح است: حوّا برای حضرت آدم علیه السلام قاییل

۱ - زراره از ابوعبدالله علیه السلام روایت می کند که فرمود: «شیت که هبة الله نامیده شد، برای آدم علیه السلام متولد شد و او اولین وصی از آدمیان بر روی این زمین بود که به او وصیت شد. آنگاه یافث پس از شیت برایش به دنیا آمد، و چون این دو به حدّ بلوغ رسیدند، خداوند عزوجل خواست نسل بشر در دنیا فزونی یابد، چنان که می بینید، و نیز قلم تقدیر جاری شود که بعضی بر بعضی دیگر حرام باشند از خواهران بر برادران. پس از عصر روز پنجشنبه حوریه ای را از بهشت به نام نزه فرو فرستاد. خداوند عزوجل آدم را فرمود تا وی را به شیت ترویج نماید و آدم وی را به زوجیت دائمی شیت درآورد، و پس از عصر فردای آن روز حوریه دیگری از بهشت به نام منزله فرو فرستاد، و امر فرمود که آدم او را به زوجیت یافث درآورد و آدم این فرمان را به انجام رسانید. شیت دارای فرزند پسری شد و یافث نیز دارای فرزند دختری گردید. چون این دو فرزند به حدّ بلوغ رسیدند خداوند عزوجل امر فرمود تا آدم، دختر یافث را به عقد نکاح پسر شیت درآورد و آدم این فرمان را نیز اجرا کرد. پس خالصان و پاکان از انبیا و فرستادگان از نسل این دو فرزند هستند؛ و پناه بر خدا از آنکه گفته اند از برادران و خواهران هستند.» من لا یحضره الفقیه: ج ۳ ص ۳۸۱ ح ۴۳۳۷.



و سپس هابیل را به دنیا آورد. قابیل با زنی که خدای سبحان خلق کرده بود ازدواج کرد و آن زن، نابکار بود. هابیل هم با زنی که خدای سبحان آفرید ازدواج کرد و آن زن، نیکوکار بود. این دو زن را خداوند آفرید همان طور که پیش از آن، آدم و حوا را آفریده بود؛ یعنی خداوند سبحان و متعال با قدرت خود، برای قابیل و هابیل دو همسر آفرید.

سپس خداوند به آدم علیه السلام دستور داد هابیل علیه السلام را به عنوان وصی اش تعیین کند. وقتی قابیل فهمید، به این فرمان تعیین (وصی) اعتراض کرد، و آدم به او خبر داد که این فرمان از سوی خداوند است، نه از جانب خودش؛ و آدم علیه السلام آن دو را به پیشکش کردن قربانی در راه خدا فرمان داد. هابیل قوچی فریه، و قابیل خوشه‌هایی خراب و آفت‌زده آورد. قربانی هابیل پذیرفته شد و آتش آن را بلعید. آتش کینه هابیل در نفس قابیل شعله کشید و شیطان لعنه‌الله او را به کشتن برادرش وسوسه کرد و نفس اماره‌اش او را به کشتن برادر ترغیب نمود. قابیل از روی حسادت هابیل را به قتل رساند؛ چراکه او وصی آدم بود و به این ترتیب وعده ابلیس لعنه‌الله بر گمراه کردن، محقق شد؛ قابیل را اغوا نمود و او را به درد خود مبتلا ساخت که همان منیت و تکبر است و مرض حسادت از ملزوماتش است.

اما درباره سایر فرزندان، همسر هابیل باردار بود و پسری به دنیا آورد. پس از آن برای آدم، شیث و یافث متولد شدند. همسر شیث، یک پسر و یک دختر به دنیا آورد و همسر یافث یک دختر. پسر هابیل با دختر شیث ازدواج کرد و پسر شیث، دختر یافث را به همسری گرفت.

پیامبران علیهم السلام از نسل این‌ها هستند و این فصل الخطاب و سخن نهایی است و هرکس پس از این بیان، به سخن‌سرایی پردازد، به خدا و فرستاده‌اش دروغ بسته

است.^۱

سید احمد الحسن (علیه السلام) در کتاب «توهم بی‌خدایی» رابطه میان زنا و محارم و تکامل را

بیان کرده است.^۲

پژوهشی درباره زنا با محارم و تکامل

هویت همسران فرزندان آدم (علیه السلام) موضوعی است که بسیاری از کسانی که ادعای نمایندگی دین الهی را دارند در آن به بیراهه رفته‌اند. آن‌ها علاوه بر اینکه می‌گویند حوا از دنده آدم خلق شده، بر این عقیده‌اند که برادران با خواهران خود ازدواج کرده‌اند. این عقیده در دین یهودیت و مسیحیت موجود بوده و از آنجا به مذهب اهل سنت انتقال یافته است. نتیجه چنین باوری آن است که این افراد، بشر را در گام اول نتیجه ازدواج آدم با قسمتی از بدن خودش می‌دانند و در گام دوم ثمره زنا و محارم بین برادران و خواهران! این موضوع بهانه‌ای به دست ملحدان پیرو تکامل داده که به مدعیان دین‌داری که به آفرینش دفعی انسان معتقد هستند خرده بگیرند؛ زیرا از نظر علمی انسان‌واره‌ها از زنا و محارم اجتناب می‌کرده‌اند، حال چگونه ممکن است خداوند انسانی را بیافریند که در بدو آفرینش خود به زنا و محارم اقدام می‌کرده است؟!

این اشکال را نمی‌توان به ائمه اهل بیت (علیهم‌السلام) نسبت داد؛ زیرا آن‌ها چنین افتراهایی به آدم و فرزندان او را مردود شمرده‌اند. با این حال متأسفانه برخی مفسران شیعه با این استدلال که به گمان آن‌ها این عقیده با ظاهر قرآن موافقت دارد و در برخی روایات نیز به آن اشاره شده است آن را درست شمرده‌اند. این در حالی است

۱ - مشابهاً: ج ۴ ص ۲۰۴.

۲ - کتاب توهم بی‌خدایی، آیات پروردگار در هستی، چاپ سوم، ص ۱۶۶ تا ۱۸۵.



که ائمه علیهم السلام شیوه جداسازی حق از باطل را به هنگام بروز تعارض در روایات بیان کرده‌اند. حال چگونه است که این گروه از شیعیان، نسبت به امر تقیه و قاعده **«الرُّشْدُ فِي خِلَافِهِمْ»** (راه درست در مخالفت با آنهاست) که ائمه علیهم السلام بر آن تأکید ورزیده‌اند غفلت کرده‌اند؟ ما آرای وارده را بیان خواهیم کرد و سپس واقعیت موضوع را مشخص نموده، به اشکالات پاسخ خواهیم داد.

یهودیان و مسیحیان:

یهودیان و مسیحیان بر این اعتقادند که نسل آدم علیه السلام نتیجه زنا با محارم و ازدواج برادران با خواهران است. به باور آنها حوا از دنده آدم خلق شده است. خاستگاه این عقیده فاسد به یهودیان و مسیحیان بازمی‌گردد و از آنها به سنی‌ها و برخی شیعیان منتقل شده است.

در عهد قدیم (تورات) در خصوص آفرینش حوا چنین آمده است:

(پس پروردگار، خدا، آدم را به خوابی عمیق فرو برد و وقتی او در خواب بود یکی از دنده‌هایش را گرفت و جای آن را با گوشت به هم پیوست. سپس از دنده‌ای که از آدم گرفت، زن را ساخت و او را به نزد آدم آورد).^۱

آنتونیوس فکری در تفسیر این آیه از تورات می‌گوید:

«خداوند حوا را از دنده آدم ساخت و آن دنده، کنار قلب و پایین بازو بود؛ تا عشق وی او را (حوا را) فراگیرد و با بازوانش از او حمایت کند. حوا از سر آدم نیست تا بر او تکبر ورزد و نه از پایش، تا آدم او را لگدمال کند. به شیوه خدا بنگر؛ خدا از آدم دنده‌ای گرفت، پس او را از چیزی محروم ساخت یعنی از یکی از دنده‌هایش؛ اما پس از آن، چه چیزی به وی عطا کرد؟ ... یابوری همسان خودش. و به این ترتیب خدا ما را از هرچه محروم سازد، آن

را با برکاتی دو چندان، برایمان جبران می‌کند.»^۱

کشیش نادریس یعقوب می‌گوید:

«از خلقت حوا به‌عنوان تنها همسر آدم سخن رانندیم. وی را از پهلوی آدم پدید آورد، پس از آنکه خواب را بر او غالب نمود. ... آدم او را دید که استخوانی از استخوان هایش و گوشتی از گوشت هایش است، و او را «امراه» (زن) نامید زیرا از «امرئ» (انسان) گرفته شده است.»^۲

در عهد عتیق (تورات) درباره فرزندان آدم چنین آمده است:

(و قائن همسرش را شناخت و همسرش) باردار شد و حنوک را به دنیا آورد.
قائن شهری بنا کرد و آن را به‌نام پسر خود، حنوک نام‌گذاری کرد).^۳

آنتونیوس فکری در شرح این آیه از تورات، عهد قدیم می‌گوید:

«زن قائن خواهرش بود، و خداوند چنین چیزی را رخصت داده بود تا نسلی ایجاد کند، و حنوک سومین فرزند آدم از ناحیه قائن بود و وی به‌نام خونخ نیز شناخته می‌شد؛ و خونخ نام هفتمین فرزند آدم از طرف شیث نیز هست.»^۴

در بخش‌های بعدی بیان خواهد شد چگونه این عقاید فاسد، با حقایق ثابت‌شده در علم زیست‌شناسی متعارض است و اینکه چگونه این باورهای منحرف، انسان را در سطحی فروتر از شامپانزه، گوریل و برخی دیگر از حیواناتی که از زنا با محارم دوری می‌کنند، قرار می‌دهد.

۱ - تفسیر کتاب مقدس - عهد قدیم - کشیش آنتونیوس فکری.

۲ - تفسیر کتاب مقدس - عهد قدیم - کشیش نادریس یعقوب.

۳ - عهد قدیم - سفر تکوین: ۴: ۱۷.

۴ - شرح کتاب مقدس - عهد قدیم - کشیش آنتونیوس فکری.



سخنان علمای اهل سنت:

بسیاری از فقها و مفسران اهل سنت، دربارهٔ چگونگی خلقت حوا و نسل آدم، با یهودی‌ها و مسیحیان هم عقیده هستند. به اعتقاد آن‌ها حوا همسر آدم علیه السلام از دندهٔ او آفریده شده و فرزندان آدم با دختران وی ازدواج کرده‌اند؛ به این ترتیب از نگاه این عده، آدم با قسمتی از خودش ازدواج کرده است و پیامبران و اوصیا و نسل آدم نتیجهٔ زنا با محارم هستند. این، نمونه‌ای از فتواها و گفته‌های ایشان است:

«زن از دنده‌ای کج، خلق شده است.

پرسش: حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «با زنان به نیکی رفتار کنید، زیرا زن از دندهٔ کج خلق شده است.» و در این باره اتفاق نظر وجود دارد.

شیخ می‌گوید: «شعیب ارنأووط» در تحقیق و تعلیقی که بر کتاب «ریاض الصالحین» به قلم امام نووی ذیل این روایت داشته، دربارهٔ این حدیث چنین تعلیق زده است: این سخن از باب تمثیل و تشبیه است؛ چنانچه در روایت دیگری تصریح شده که «المراة کالضلع» (زن مانند دنده است) نه از این جهت که حوا از دندهٔ آدم خلقت یافته است، آن‌گونه که برخی متوهم شده‌اند؛ و در سنت صحیح چیزی در این خصوص نیست.

جناب شیخ! این، عین سخن شیخ ارنأووط است؛ در حالی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله نیز با کمال وضوح و در یک کلام فرموده است: «زن از دنده آفریده شده» و مصداق آن به گمانه این سخن خداوند متعال است که: ﴿الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا﴾^۱ (آن که شما را از یک نفس بیافرید و از آن نفس همسر او را پدید آورد) و نیز: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا﴾^۲ (اوست که همه شما را از یک تن بیافرید و از آن یک تن زنش را نیز بیافرید) و ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ

۱ - نساء: ۱

۲ - اعراف: ۱۸۹.

أَزْوَاجًا لِيَتَسَكَّنُوا إِلَيْهَا^۱ (و از نشانه‌های قدرت اوست که برایتان از جنس خودتان همسرانی آفرید، تا به ایشان آرامش یابید) و ﴿وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا﴾^۲ (خدا برای شما از خودتان همسرانی قرار داد). مفسران گفته‌اند: منظور، زنان هستند؛ و حوا از دندهٔ آدم (علیه السلام) خلق شده است.

جناب شیخ! آیا این سخنان شیخ آرنائو و ط درست است یا خیر؟ نظر شما دربارهٔ حدیثی که به آن احتجاج نموده است: «زن مانند استخوان دنده است؛ اگر بخواهی راستش کنی خواهد شکست، و اگر از آن بهره‌گیری با وجود کجی‌اش بهره‌توانی گرفت» چیست؟ به ما پاسخ دهید، مأجور باشید.

پاسخ ۱: ظاهر روایت این است که زن منظور حوا (علیه السلام) است. از دندهٔ آدم خلق شده و این، با روایت دیگری که زن را به دنده تشبیه کرده است منافاتی ندارد؛ بلکه از این نکته، تشبیه دانسته می‌شود، و اینکه زن مانند دنده، کج است، زیرا اصل و منشأ او، از آن است. مراد این است که زن از دندهٔ کج خلق شده و نمی‌توان کجی‌اش را منکر شد. اگر شوهر بخواهد او را بر مسیر قرار دهد و کجی‌اش را برطرف سازد، به اختلاف و جدایی که همان شکستنش است منجر می‌شود، و اگر بر بدخلقی‌اش، کمی خردش و دیگر کجی‌هایش صبور و ورزد، امرش ادامه می‌یابد و زندگی‌اش استمرار پیدا می‌کند. این مطلب را شارحین (مفسران) حدیث بیان کرده‌اند؛ که از جملهٔ آن‌ها حافظ بن حجر در کتاب «الفتح» (۶ / ۳۶۸) است. خدا همگی را بیمارزد. بر این اساس روشن می‌شود انکار آفرینش حوا از دندهٔ آدم، صحیح نیست. و بالله التوفیق و صلی الله علی نبینا محمد و آله و صحبه و سلم.

هیئت دائمی پژوهش‌های علمی و افتا

مدیر: عبدالعزیز بن عبدالله بن باز



نایب‌رئیس: عبدالعزیز آل شیخ

عضو: عبدالله بن غدیان

عضو: صالح الفوزان

عضو: بکر ابوزید.^۱

ابن‌کثیر در تفسیر خود درباره ازدواج خواهر و برادر (زنا با محارم) می‌گوید:

«درباره آنچه ذکر شده است، اخباری که از علمای سَلَف و خَلَف رسیده یکسان نیست؛ خداوند متعال به دلیل ضرورت حال به آدم عَلَيْهِ السَّلَام اجازه داده بود که دخترانش را به ازدواج پسرانش درآورد، اما گفتند: در هر بارداری صاحب دوقلوی پسر و دختر می‌شد، و او دختر این بارداری را با پسری که از بارداری دیگری متولد می‌شد ازدواج می‌داد، و خواهر قابیل بسیار زیبا بود ولی خواهر هابیل زیبا نبود. قابیل خواست خواهرش را به زور از برادرش بگیرد و با خواهر زیبای خود که سهم هابیل بود، ازدواج کند، و آدم نپذیرفت مگر قربانی تقدیم کنند، و قربانی هرکدام که قبول شد آن دختر سهم اوست. قربانی تقدیم کردند و قربانی هابیل پذیرفته شد اما از قابیل پذیرفته نشد، و این همان ماجرای آن‌هاست که خداوند در کتابش بیان کرده است.

سخنان مفسران در این خصوص:

سَدِّی در آنچه ذکر کرد از ابومالک، از ابوصالح، از ابن‌عباس، از مزّه، از ابن‌مسعود، و از عده‌ای از اصحاب پیامبر نقل کرد: برای آدم پسری به دنیا نمی‌آمد، مگر اینکه همراه او دختری باشد، او پسر این بارداری را با دختری که از بارداری دیگر متولد می‌شد ازدواج می‌داد و دختر این بارداری را با پسری که از بارداری دیگر متولد می‌شد ازدواج می‌داد، تا اینکه صاحب دو پسر به نام قابیل و هابیل شد. قابیل مزرعه‌دار بود، و هابیل دام داشت و

۱ - کتاب فتاوی، هیئت دائمی تحقیقات علمی و افتا، به ریاست بن باز، فتاوی شماره ۲۰۰۵۳.

قایل بزرگتر بود، و خواهری زیباتر از خواهر هاییل داشت. هاییل درخواست ازدواج با خواهر قایل را کرد، قایل از او نپذیرفت و گفت: خواهر من است و با من متولد شده و از خواهر تو زیباتر است و من برای ازدواج با او سزاوارتر هستم. پدر او به قایل دستور داد او را به ازدواج هاییل درآورد، ولی نپذیرفت، و آن‌ها برای تعیین اولویت ازدواج با آن دختر، در راه خداوند قربانی کردند، و آدم (علیه السلام) پیش آن‌ها نبود. او برای زیارت خانه خدا به مکه رفته بود. خداوند متعال گفت: آیا می‌دانی من خانه‌ای روی زمین دارم؟ آدم گفت: خدایا نمی‌دانم. خداوند متعال فرمود: من در مکه خانه‌ای دارم، به آنجا برو. آدم (علیه السلام) به آسمان گفت: فرزندانم را به‌عنوان امانت حفظ کن، آسمان نپذیرفت. به زمین گفت، زمین نپذیرفت. به کوه‌ها گفت، کوه‌ها نپذیرفتند. به قایل گفت، قایل پاسخ داد: بله، می‌روی و بازمی‌گردی و خانواده‌ات را همان طور که می‌خواهی می‌بایی. هنگامی که آدم رفت آن‌ها قربانی کردند و قایل احساس افتخار می‌کرد و گفت: من نسبت به او از تو سزاوارترم. او خواهر من است، و من از تو بزرگ‌تر، و جانشین پدرم هستم. هنگامی که قربانی کردند، هاییل گوسفند نر چاقی قربانی کرد، و قایل یک بغل گندم قربانی کرد، و در آن خوشه بزرگی یافت، پس آن را له کرد و آن را خورد. آتش پایین آمد و قربانی هاییل را خورد، و قربانی قایل را ترک کرد. قایل ناراحت شد و گفت: تو را می‌کشم تا با خواهرم ازدواج نکنی. و هاییل گفت: به‌راستی خداوند فقط از تقوای پیشگان قبول می‌کند. ابن جریر نیز همین را روایت کرده است.

ابن ابی حاتم از حسن بن محمد بن صباح از حجاج، از ابن جریر نقل می‌کند که ابن خثیم مرا خبر داد و گفت: همراه سعید بن جبیر بودم که از ابن عباس برایم نقل کرد: زن از ازدواج با برادر دوقلویش نهی شد، و به ازدواج با برادر دیگرش امر شد، و در هر حمل برای او پسر و دختری به دنیا می‌آمد؛ پس هنگامی که آن‌ها به این حالت بودند، دختر بسیار زیبایی برای او متولد شد، و بار دیگر صاحب دختری شد که زشت بود. پس برادر خواهر زشت گفت: خواهرت را به ازدواج من دربیآور و من خواهرم را به ازدواج تو درمی‌آورم. گفت: من برای ازدواج با آن سزاوارترم. و آن‌ها برای تعیین اولویت، در راه خداوند قربانی کردند. قربانی از صاحب قوچ پذیرفته شد و از صاحب مزرعه پذیرفته نشد؛



پس او را کشت. سند این حدیث بسیار صحیح است.»^۱

فاسدبودن این عقاید و مخالفت آن‌ها با علم و منحرف‌بودن معتقدان به آن‌ها در قسمت‌های بعدی بیان خواهد شد؛ و روشن خواهد شد چگونه این اندیشه‌ها انسان را در موضعی فروتر از سایر حیوانات قرار می‌دهد.

سخنان برخی فقهای شیعه:

برخی فقهای شیعه، از علمای اهل سنت پیروی کرده و این عقیده را که بشر نتیجه زنا با محارم است درست می‌شمارند. به نقل برخی از این سخنان بسنده خواهیم کرد:

محمد حسین طباطبایی در تفسیر المیزان چنین گفته است:

«گفتاری در چگونگی تناسل طبقه دوم از انسان:

تناسل طبقه اول انسان یعنی آدم و همسرش از راه ازدواج بود که نتیجه‌اش تولد پسران و دختران (خواهران و برادران) بوده است. آیا ازدواج در بین خود آن‌ها (همین خواهران و برادران) بوده یا به طریقی دیگر صورت گرفته است؟ از ظاهر اطلاق آیه شریف زیر که می‌فرماید: ﴿وَبَتَّ مِنْهُمَا رَجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً﴾ (و از آن دو، مردان و زنان بسیار پدید آورد) با بیانی که گذشت، برمی‌آید که در انتشار نسل بشر، غیر از آدم و همسرش هیچ‌کس دیگری دخالت نداشته و نسل موجود بشر منتهی به این دو تن بوده است و بس؛ نه هیچ زنی از غیر بشر دخالت داشته و نه هیچ مردی؛ چون قرآن کریم در انتشار این نسل تنها آدم و حوا را مبدأ دانسته و اگر غیر از آدم و حوا مردی یا زنی از غیر بشر نیز دخالت می‌داشت، می‌فرمود: «و از آن دو و از غیر آن دو، مردان و زنان بسیار پدید آورد» (وَبَتَّ مِنْهُمَا وَمِنْ غَيْرِهِمَا) یا عبارتی دیگر نظیر این را می‌آورد تا بفهماند که

۱ - ابن کثیر، تفسیر ابن کثیر، تفسیر ماده آیه ۲۷ تا ۳۱.

غیر از آدم و حوا موجودی دیگر نیز دخالت داشته، و معلوم است که منحصر بودن آدم و حوا در مبدأ انتشار نسل، اقتضا می‌کند که در طبقه دوم، ازدواج بین خواهر و برادر صورت گرفته باشد.

و اما اینکه چنین ازدواجی در اسلام حرام است و به طوری که حکایت شده، در سایر شرایع نیز حرام و ممنوع بوده، آسیبی به این نظریه نمی‌رساند؛ برای اینکه تحریم، حکمی است تشریحی که تابع مصالح و مفاسد است، نه حکمی تکوینی و تغییرناپذیر، و زمام تشریح هم به دست خداوند سبحان است. او هر چه بخواهد می‌کند و هر حکمی بخواهد می‌راند. چه مانعی دارد که یک عمل را روزی و روزگاری جایز و مباح کند و روزگاری دیگر حرام نماید؟ در روزی که جز تجویزش چاره‌ای نیست تجویز کند و در روزگاری دیگر که این ضرورت در کار نیست و باعث شیوع فحشا در جامعه می‌شود تحریم نماید.»^۱

استدلال طباطبایی برای اینکه بشر نتیجه زناى محارم بین پسران و دختران آدم (علیه السلام) است، بر اساس پندار و توهمی است که وی از ظاهر آیه ﴿وَبَتَّ مِنْهُمَا رَجُلًا كَثِيرًا وَنِسَاءً﴾ (و از آن دو، مردان و زنان بسیار پدید آورد) به دست آورده؛ به اعتبار اینکه آیه، هیچ اصل دیگری برای ابنای بشر به غیر از این دو (آدم و حوا) بیان نکرده است!

واقعیت آن است که ظاهر آیه، از نفس‌های موجود در آسمان اول یا بهشتی که آدم (علیه السلام) در آن آفریده شد سخن می‌گوید. حتی اگر بگوییم این آیه نشان‌دهنده انحصار نسل در آدم و حواست، این موضوع که آیه از نفس‌ها سخن می‌گوید به قوت خود باقی است؛ و این آشکارا نشان می‌دهد نفس حوا از نفس آدم (علیه السلام) خلقت یافته و این آفرینش به این معناست که نفس حوا از نفس آدم (علیه السلام) مشتق شده است، نه اینکه جسم حوا از قسمتی از جسم آدم خلق شده باشد؛ آن گونه که در تورات آمده



است و برخی فقهای اهل سنت به آن معتقدند.

آفرینش زمینی آدم علیه السلام یا نزول وی به زمین، پس از آفرینش نفس او بوده است: نفس آدم علیه السلام در آسمان، از گل مرفوع آفریده، و روح در آن دمیده شد. سپس از نفس آدم علیه السلام نفس حوا علیها السلام خلق شد. سپس از این دو، بقیه نفس‌های فرزندان آدم علیه السلام خلق شدند. نفس همسران دو پسر آدم نیز از همین نفس‌ها هستند؛ و این همان چیزی است که آیه به‌وضوح بیان می‌کند: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾^۱ (ای مردم بترسید از پروردگارتان، آن‌که شما را از یک نفس بیافرید و از آن نفس همسر او را و از آن دو، مردان و زنان بسیار پدید آورد، و بترسید از آن‌که خدایی که با سوگند به نام او از یکدیگر چیزی می‌خواهید و زنهار از خویشاوندان مبرید هر آینه خدا مراقب شماست).

برخلاف آنچه ادعا می‌کنند ظاهر آیه را نمی‌توان دلیلی برای پدید آمدن بشر از ازدواج برادران با خواهران (زنا با محارم) دانست. حتی اگر کسی آنچه را که پیش‌تر در باب منظور این آیه بیان کردم قبول نداشته باشد (اگرچه مطلب بسیار واضح است) و اینکه آیه درباره نفس‌ها سخن می‌گوید، به این ترتیب فهم ظاهر آیه ﴿خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا﴾ (همه شما را از یک نفس بیافرید و از آن یک نفس همسرش را نیز بیافرید) او را ملزم می‌کند که طبق فهم ظاهری‌اش معتقد شود و به این ترتیب ظاهر آیه برای وی متشابه است و نباید ملاک وی برای اعتقادش قرار گیرد؛ و عقاید از آیات متشابه اخذ نمی‌شود.

در اینجا کلامی را از یکی دیگر از فقهای شیعه، یعنی ناصر مکارم شیرازی نقل

می‌کنیم:

«ازدواج فرزندان آدم (علیه السلام) چگونه بوده است؟»

خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً﴾ (و از آن دو، مردان و زنان بسیار پدید آورد). از این عبارت چنین برمی‌آید که انتشار و تکثیر نسل فرزندان آدم تنها از طریق آدم و حوا صورت گرفته و موجود ثالثی در آن دخالت نداشته است؛ به عبارت دیگر نسل بشر امروزی به حضرت آدم و همسرش منتهی می‌شود؛ بدون اینکه هیچ‌کس دیگری چه مرد و چه زن، در آن شراکت داشته باشد.

لازمه این سخن آن است که فرزندان آدم (برادر و خواهر) با هم ازدواج کرده باشند؛ زیرا اگر آن‌ها با نژاد و همسران دیگری ازدواج کرده باشند (منهما) «از آن دو» صادق نخواهد بود. این موضوع در احادیث متعددی نیز وارد شده است و زیاد هم جای تعجب نیست؛ چراکه طبق استدلالی که در بعضی از احادیث از ائمه اهل بیت (علیهم السلام) نقل شده، این ازدواج‌ها مباح بوده‌اند؛ زیرا هنوز حکم تحریم ازدواج خواهر و برادر نازل نشده بود. بدیهی است ممنوعیت چیزی، بسته به این است که از طرف خداوند تحریم شده باشد. چه مانعی دارد که ضرورت‌ها و مصالحی ایجاب کند در پاره‌ای از زمان‌ها چیزی جایز باشد و بعداً تحریم شود؟ ولی در احادیث دیگری تصریح شده که فرزندان آدم هرگز با هم ازدواج نکرده‌اند و به‌شدت به کسانی که معتقد به ازدواج آن‌ها با یکدیگرند حمله شده است. اگر بنا باشد در احادیث متعارض آنچه را که موافق ظاهر قرآن است ترجیح دهیم باید احادیث دسته اول را انتخاب نمود زیرا موافق آیه فوق هستند.

در اینجا احتمال دیگری نیز هست که گفته شود: فرزندان آدم با بازماندگان انسان‌های پیش از آدم و نسلش ازدواج کرده‌اند؛ زیرا طبق روایاتی آدم اولین انسان روی زمین نبوده است. مطالعات علمی امروز نیز نشان می‌دهد نوع انسان احتمالاً از چند میلیون سال پیش در کره زمین زندگی می‌کرده است. در حالی که از تاریخ پیدایش آدم تاکنون زمان زیادی نمی‌گذرد؛ بنابراین باید نظریه‌ای را که می‌گوید «قبل از آدم انسان‌های دیگری در زمین می‌زیسته‌اند که به هنگام پیدایش آدم در حال انقراض



بوده‌اند» قبول کنیم. چه مانعی دارد که فرزندان آدم با باقی‌مانده‌ی یکی از نسل‌های پیشین ازدواج کرده باشند؟ ولی همان طور که گفتیم این احتمال با ظاهر آیه فوق چندان سازگار نیست. (این بحث احتیاج به گفت‌وگوی بیشتری دارد که از حوصله بحث تفسیری خارج است.)^۱

آن‌ها با بیان اینکه طبق برداشت از برخی روایات، بشر نتیجه زنا با محارم است، این دسته از روایات را که به گمان آن‌ها موافق با ظاهر قرآن است ترجیح می‌دهند. این عده چنین در نظر گرفته‌اند که آیات مزبور از جسم سخن می‌گوید و جسم انسان‌ها را منحصرأً از آدم و حوا می‌داند؛ در حالی که از ظاهر آیه واضح است که از نفس سخن می‌گوید، نه از جسم. ﴿خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا﴾ (شما را از یک نفس بیافرید و از آن نفس همسر او را پدید آورد). در عین حال غفلت می‌ورزند یا خود را به بی‌توجهی می‌زنند، از اینکه روایت ترجیح‌داده‌شده از دیدگاه آن‌ها، با عقیده مخالفان آل محمد علیهم‌السلام هم‌خوانی دارد؛ و حال آنکه بسیاری از روایات آل محمد علیهم‌السلام که با دیدگاه مخالفان انطباق دارد از روی تقیه صادر شده است. از سوی دیگر طبق قاعده «الرُّشْدُ فِي خِلَافِهِمْ» (راه درست در مخالفت با آن‌هاست)، ترجیح‌ندادن روایتی که به زنا با محارم اشاره دارد، اولی است؛ چراکه با مخالفان آل محمد علیهم‌السلام و نیز با یهودیان و مسیحیان موافق است؛ و حال آنکه این‌ها دارندگان عقاید فاسد هستند و به هنگام تعارض، راه درست در مخالفت با آن‌هاست؛ بنابراین محور قراردادن روایاتی که نفی‌کننده این باورهای نادرست است در اولویت قرار دارد؛ علاوه بر این، استدلال طباطبایی به روایت احتجاج را که در تفسیر المیزان آورده است نقل می‌کنم:

«در احتجاج از امام سجاد علیه‌السلام آمده است که در گفت‌وگویی که با مردی قرشی

داشته، سخن به اینجا رسید که هابیل با لویزا خواهر قاییل ازدواج کرد و قاییل با اقلیما خواهر هابیل. راوی می‌گوید: مرد قرشی پرسید: «آیا هابیل و قاییل خواهران خود را حامله کردند؟» فرمود: «آری.» قرشی عرضه داشت: «این کار، عمل مجوسیان امروز است.» حضرت فرمود: «مجوسیان این کار را پس از تحریم خدا انجام می‌دهند.» آنگاه اضافه نمود: «منکر این مطلب نباش، برای اینکه این‌ها شرایع خداوند است که برپا شد. مگر خداوند تعالی همسر آدم را از خود او خلق نکرد، و سپس او را بر وی حلال نمود؟ پس این حکم شریعت آن روز فرزندان آدم و خاص آنان بوده و بعدها خداوند متعال حکم حرمتش را نازل فرمود.»

(مؤلف) می‌گوید: مطلبی که در این حدیث آمده هم با ظاهر قرآن کریم موافق است و هم با اعتبار عقلی؛ ولی در این میان روایات دیگری هست که معارض با آن است و دلالت دارد بر اینکه اولاد آدم با افرادی از جن و حور که برایشان نازل شدند، ازدواج کردند، و خواننده محترم از آنچه گذشت حق مطلب را دریافت نمود.»^۱

اگر در روایت احتجاج دقت کنیم، درمی‌یابیم این روایت به موضوع دیگری می‌پردازد و آن این است که حوا از بخشی از بدن آدم آفریده شده است. این یعنی آن‌ها به این موضوع نیز معتقدند. روایتی که به آن استناد کرده‌اند آشکارا می‌گوید حوا از بخشی از بدن آدم خلق شده است؛ همان طور که در تورات آمده است و اهل سنت نیز آن را قبول دارند.

از ابو حمزه ثمالی نقل شده است، گفت: از امام سجاد (علیه السلام) شنیدم که مردی از قریش را حدیث می‌کرد و می‌فرمود: «وقتی خداوند توبه آدم (علیه السلام) را پذیرفت او با حوا نزدیکی نمود و از زمان خلقت او و حوا جز در زمین با او نزدیکی نکرده بود، و این پس از پذیرش توبه از جانب خداوند صورت پذیرفت، و حضرت آدم خانه خدا و اطراف آن را گرامی می‌داشت، و هرگاه قصد نزدیکی داشت هر دو از حرم خارج شده و در بیرون از حد حرم عمل نزدیکی



را انجام می دادند، سپس هر دو غسل می کردند، و این به جهت احترام به حرم بود، سپس به حیاط حرم بازمی گشتند. باری از حوّا بیست پسر و بیست دختر متولد شد، و در هر شکم یک پسر و یک دختر برایش تولد می یافت، و اولین فرزند او «هابیل» همراه با یک دختر به نام «اقلیما» بود، و در زایمان دوم «قایل» با دختری به نام «لوزا»، و لوزا زیباترین دختر او بود. زمانی که آنان به بلوغ رسیدند، از ترس فتنه و گرفتاری، حضرت آدم علیه السلام همه را فراخواند و به هابیل پیشنهاد ازدواج با لوزا و قایل با اقلیما را داد. قایل گفت: از این تصمیم راضی نیستم؛ آیا خواهر زشت هابیل را به من، و خواهر زیبای مرا به هابیل تزویج می کنی؟! حضرت آدم علیه السلام فرمود: پس میانتان قرعه می اندازم، لوزا و اقلیما سهم هرکدامتان که شد او را با همان تزویج می کنم. هر دو به آن راضی شدند؛ پس میانشان قرعه انداخت. پس بر همان رأی اوّل سهم هابیل، لوزا خواهر قایل شد و سهم قایل، اقلیما خواهر هابیل. پس بر اساس همان قرعه آنان را در پیشگاه خداوند به زوجیت هم درآورد. پس از آن خداوند ازدواج با خواهر را ممنوع و حرام فرمود. «مرد قرشی از امام علیه السلام پرسید: «آیا از آن دو صاحب فرزند هم شدند؟» فرمود: «آری.» پرسید: «این عمل (ازدواج با خواهر) که امروز رفتار مردم مجوس است!» حضرت فرمود: «مردم مجوس پس از تحریم الهی این عمل را انجام دادند.» سپس به او فرمود: «منکر این مطلب مباش! اینها قوانینی است که قبلاً جاری شده است، مگر خداوند حوّا را از آدم نیافرید و بعد او را به تزویج آدم درنیآورد؟ این نیز یک قانون از قوانین آنان بود، و پس از آن خداوند آن عمل را تحریم فرمود.»^۱

در ادامه روایات واضحی از آل محمد (صلوات الله علیهم) خواهد آمد که در آنها، این عمل را منکر شمرده و قائلان به آن را نیز که می گویند فرزندان آدم علیه السلام عملی را انجام داده اند که حیوانات هم از آن گریزان اند تقبیح نموده اند. این در حالی است که با روش های علمی ثابت شده که در جوامع شامپانزه ها و گوریل ها نیز

عموماً از زنا با محارم اجتناب می‌شود؛ پس چگونه برخی از کسانی که خود را رجال دینی نام نهاده‌اند انجام این کار را به انسان نسبت می‌دهند؟!

آیا معقول است که دلیل تاختن این عده به تکامل، آن باشد که این‌ها وجود نیای مشترک بین انسان و شامپانزه را قبول ندارند یا اصل جسم انسان را در گذشته‌های دور از میمون نمی‌دانند، ولی در عین حال انسان به‌ویژه آدم و فرزندان‌ش - را در سطحی بسیار پایین‌تر از میمون قرار می‌دهند؛ چراکه به وقوع ازدواج بین برادران و خواهران معتقدند و حال آنکه اغلب شامپانزه‌ها و گوریل‌ها نیز از میلیون‌ها سال پیش، از آن اجتناب می‌ورزند؛ از این‌رو، این عده بر این باورند که پیدایش انسان‌ها از زنا با محارم بوده است؛ آن هم چه انسان‌هایی: پیامبر خدا آدم (علیه السلام) و فرزندان و اوصیای آن حضرت (علیه السلام)؟!

اشکال زنا با محارم و سازگار بودن دین با تکامل:

این اشکال و پاسخ به آن را با هدف آشکار ساختن حقیقت و بستن روزنه‌های بهانه‌گیری و اعتراض مطرح می‌کنم.

مفاد اشکال زنا با محارم بر تکامل چنین است: اگر تکاملی در کار باشد، این احتمال وجود خواهد داشت که آدم یا یکی از اجدادش از آدمیانی که پیش از او بوده‌اند از زنا با محارم پدید آمده باشند؛ چراکه در آن زمان، دین و شریعتی که این کار را حرام بشمارد وجود نداشته است؛ بنابراین چرا و به چه دلیل، در آن جوامع انسانی، نباید زنا با محارم مسئله‌ای غالب و عادی بوده باشد در حالی که انتظار چنین وضعیتی در نبود دینی که این کار را تحریم کند، معقول به شمار می‌رود؟!

این اشکال برای کسانی معتبر است که معتقد نیستند بشر نتیجه زنا با محارم بین پسران و دختران آدم است؛ بنابراین علمای ادیان نمی‌توانند از این اشکال به‌عنوان نمونه‌ای از هم‌خوانی تکامل با دین یاد کنند؛ زیرا از دیدگاه آن‌ها در زمان



آدم، زنا با محارم مسئله‌ای طبیعی بوده و ازدواجی مشروع به شمار می‌رفته است. از این رو برای علمای یهود و مسیحیت، اغلب علما و مفسران اهل سنت و نیز اغلب علما و مفسران شیعه، این اشکال اصلاً مطرح نیست؛ چراکه به باور ایشان، پیدایش تمام انسان‌ها نتیجه زنا با محارم است و پسران و دختران آدم با یکدیگر ازدواج کرده‌اند و بشر حاصل این تولیدمثل مخالف با ترکیب بیولوژیکی بدن‌ها که زنا با محارم را رد می‌کند بوده است!

البته از دیدگاه آل محمد، این سخن کاملاً ناروا و نادرست است، و ائمه آل محمد علیهم‌السلام آن را باطل شمرده‌اند و روایاتی از ایشان نقل شده که بروز چنین فسادى را از آدم و فرزندانش نفی نموده و درباره آن‌ها تأکید شده که در شریعت آدم علیه‌السلام زنا با محارم، حرام بوده است.

زراره روایت کرده است که امام صادق علیه‌السلام فرمود: «شیت برای آدم متولد شد، و نامش را «هبة‌الله» نهادند و او اولین فرد از آدمیان در روی این زمین بود که او را وصی قرار دادند. آنگاه یافت پس از شیت به دنیا آمد و چون این دو به حد بلوغ رسیدند، خداوند خواست نسل بشر در دنیا فزونی یابد، چنان‌که می‌بینید، و نیز قلم تقدیر جاری شود که بعضی بر بعضی دیگر حرام باشند، از خواهران بر برادران. پس از عصر روز پنجشنبه حوریه‌ای را از بهشت به نام «نزه» فرو فرستاد. پس خداوند عزوجل آدم را فرمود تا وی را به شیت تزویج نماید. آدم وی را به زوجیت دائمی شیت درآورد و پس از عصر فردای آن روز حوریه دیگری از بهشت به نام «منزله» فرو فرستاد، و امر فرمود که آدم او را به زوجیت یافت درآورد و آدم این فرمان را انجام داد. پس شیت دارای فرزند پسری شد و یافت نیز دارای فرزند دختری گردید. آنگاه چون این دو فرزند به حد بلوغ رسیدند، خداوند عزوجل امر فرمود تا آدم، دختر یافت را به عقد نکاح پسر شیت درآورد و آدم این فرمان را نیز اجرا کرد. پس خالصان و پاکان از انبیا و فرستادگان از نسل این دو فرزند هستند، و پناه بر خدا

از آنکه ازدواج برادران و خواهران را مطرح می‌کنند.»^۱

اینکه در برخی روایات، همسران فرزندان صالح آدم را حوریه به شمار آورده، منظور توصیف نفس‌های این زنان است که به بدن‌های ایشان متصل شده است؛ همان طور که نفس آدم به جسد انسانی زمینی متصل شد، و این آغاز مسیر زندگی آدم و نسل او بر روی زمین بوده است؛ البته این نفس پیش از آنکه نازل شود و به جسم متصل شود، در آسمان و از گل مرفوع و نفخه (دمیدن) روح الهی در آن خلقت یافته است.

پاسخ اشکال:

از آنچه گذشت چنین برمی‌آید که این اشکال از سوی کسانی می‌تواند مطرح شود که به سخنان ائمه (علیهم السلام) مبنی بر اینکه انسان‌ها نتیجه زنا یا ازدواج با محارم نیستند اعتقاد دارند.

برای رد کردن این اشکال کافی است بگوییم هیچ دلیلی وجود ندارد که بر اساس آن بگوییم شریعت و آیینی قبل از آدم (علیه السلام) وجود نداشته است؛ یعنی آیینی که ازدواج محارم را بین انسان‌های اولیه‌ای که آدم (علیه السلام) از آن‌ها پدیدار شد تحریم کرده باشد. برخی تکالیف اولیه برای آن گروه‌های اولیه متناسب با توانایی ادراکشان می‌توانسته وجود داشته باشد. به‌طور قطع سناس یا دیگر جوامع انسانی که پیش از پدرمان آدم (علیه السلام) وجود داشته‌اند، مکلف به تکالیفی بوده‌اند؛ هرچند این تکالیف، ساده و متناسب با وضعیت آن‌ها بوده باشد. هیچ‌کس نمی‌تواند به قطع و یقین مدعی شود تحریم ازدواج با محارم جزو این شریعت‌ها نبوده است؛ بلکه برعکس، تحریم زنا با محارم بدون چون‌وچرا بین آن‌ها جاری بوده و طبق برخی روایات [این



تحریم] بر قلم جاری شده و آنچه قلم بر آن جاری شود، قانونی است که بر آدم و فرزندان او یا مکلفین پیش از آن‌ها جاری و ساری بوده است.

اما پاسخ علمی به این اشکال: ثابت شده است تکامل بیولوژیکی، به‌طور کلی میل به اجتناب از زنا با محارم دارد؛ آن هم از طریق انتخاب ژنی که به منع این عمل تمایل دارد؛ به عبارت دیگر، بدن‌های ساخته‌شده بر اساس نقشه ژنتیکی حاوی این ژن که بدن را به اجتناب از زنا با محارم سوق می‌دهد، برای بقا شایسته‌تر و قدرتمندتر هستند. در طبیعت نیز جلوگیری از این کار، تکامل موفقیت‌آمیز جانداران را به دنبال داشته، و این به‌وضوح آشکار است. «هومو» از آن دسته است. ما معتقدیم رشد نقشه ژنتیکی به‌گونه‌ای قانونمند شده تا به بدن‌هایی برسد که از انجام این عمل پرهیز داشته باشند.

اگر ما به نزدیک‌ترین گونه‌های انسانواره‌ها یعنی شامپانزه‌ها نگاهی بیندازیم، درمی‌یابیم یک ماده وقتی به حد بلوغ می‌رسد، خانواده‌اش را رها می‌کند و می‌رود تا با یک خانواده دیگر جفت‌گیری کند. دکتر جین گودال که یکی از مشهورترین متخصصانی است که درباره جامعه شامپانزه‌ها مطالعاتی داشته است، می‌گوید:

«No Consortships, either observed or if inferred, have involved mothers and sons or maternal siblings. No male has ever been observed to try to take his mother or sister on a consortship. Because the father-daughter relationship is not known, there are likely to be occasions when such pairs go off together. But again, the fact that the older males tend to be less sexually interested in young females of their own community can reduce the likelihood of incestuous consortship of this sort.

هیچ رابطه عاطفی مستمری بین مادران و پسران وی یا بین برادران و خواهران از

یک مادر، مشاهده نشده است؛ همان طور که هرگز دیده نشده یک نر بخواهد با مادر یا خواهرش در حین مراقبت از آن‌ها، جفت‌گیری نماید. از آنجا که رابطه پدر با دختر هنوز مشخص نشده است، این احتمال وجود دارد که رابطه‌ای بین آن‌ها برقرار شود. ولی این واقعیت که نرهای پیر کمتر به برقراری رابطه جنسی با ماده‌های جوان گروه خود علاقه نشان می‌دهند احتمال وقوع زنا با محارم از این نوع یعنی بین پدر و دختر را کاهش می‌دهد.

Young females were sometimes reluctant to respond to the courtship of much older males and they suggest that this could be another mechanism for minimizing incestuous mating.

ماده‌های جوان گاهی اوقات نسبت به پاسخ‌گویی به عشق‌بازی نرهای بسیار بزرگ‌تر از خود بی‌میلی نشان می‌دهند. به عقیده برخی دانشمندان، این عمل می‌تواند راهکار دیگری برای به حداقل رساندن وقوع زنا با محارم باشد.

At Gombe there are permanent transfers or immigrants (females who have left their natal community to join neighbouring ones), and temporary transfers, or visitors (females who visit neighbouring communities for relatively short periods, usually during common consecutive periods of estrus, then return to their original social group). In addition, certain peripheral females may continue to move back and forth between communities.

در (منطقه حفاظت‌شده) گامبی، انتقال یا مهاجرت‌های دائم (ماده‌هایی که زادگاه خود را ترک می‌کنند تا به جوامع مجاور بپیوندند) یا مهاجرت‌های موقتی، یا دیدارکننده‌ها (ماده‌هایی که برای برقراری روابط کوتاه‌مدت، به سراغ جوامع مجاور می‌روند معمولاً این کار در «دوره فحلی» (دوره آمادگی برای باروری) صورت می‌گیرد؛ سپس به جامعه اصلی خود برمی‌گردند) دیده می‌شود. علاوه بر این، برخی ماده‌ها به‌طور مرتب به رفت‌وآمد بین



جوامع ادامه می‌دهند.»^۱

«In free-living chimpanzees Jane Goodall has observed incest taboos. Mothers do not allow their sons to copulate with them, sisters do not copulate with their brothers and females do not copulate with older males in their familial group. Though none of these chimpanzees are biologically related, they have grown up in this family group and show no sexual behavior toward one another .

جین گودال مشاهده کرد شامپانزه‌هایی که به‌طور آزاد در طبیعت زندگی می‌کنند، زنا با محارم را تابو (ممنوع) می‌دانند. مادران به پسرانشان اجازه ازدواج با خود را نمی‌دهند، خواهران اجازه ازدواج برادران با خود را نمی‌دهند، و ماده‌ها به خود اجازه ازدواج با نرهای مسن‌تر از خویش در گروه خانواده را نمی‌دهند. اگرچه این شامپانزه‌ها از لحاظ بیولوژیکی با هم ارتباطی ندارند، همگی در یک گروه خانوادگی رشد یافته‌اند و هیچ نوع رفتار جنسی نسبت به یکدیگر نشان نمی‌دهند.»^۲

اگر اعضای جامعه شامپانزه‌ها از زنا با محارم دوری می‌گزینند و پدیده اجتناب از زنا با محارم در دنیای حیوانات وجود دارد، چه مانعی هست که این اجتناب در جوامع هومو (انسان‌ها) نیز وجود داشته و شایع بوده باشد؟ با وجود اینکه آن‌ها قبل از حضرت آدم (علیه السلام) به‌شکل کامل از انجام زنا با محارم منع شده بودند.

به‌خصوص با وجود مانع بیولوژیکی زنا با محارم، بدن‌هایی که بر اساس نقشه ژنتیکی شکل می‌گیرند دارای ژنی هستند که باعث اجتناب از زنا با محارم می‌شود.

۱ - دکتر جین گودال، شامپانزه‌های گامبی الگوهای رفتاری، ص ۸۶.

۲ - سایت دانشگاه مرکزی واشنگتن، انستیتو ارتباطات شامپانزه و انسان، پرسش‌های متداول. قابل دسترس در:

<http://www.edu.edu/chci/frequently-asked-questions>

نقشهٔ ژنوم این بدن‌ها، در طبیعت برنده است و انتخاب طبیعی آن‌ها را برمی‌گزیند؛ به عبارت دیگر، چنین بدن‌هایی بهتر می‌توانند باقی بمانند؛ زیرا ژنوم‌های فاقد چنین ژنی، در معرض انقراض و نابودی قرار می‌گیرند.

بدن‌هایی که بر اساس ژنومی ساخته شده‌اند که در آن، ژن بازدارنده از زنا با محارم وجود ندارد قادر نیستند فرزندان را تربیت کنند؛ زیرا زنا با محارم احتمال جفت‌شدن ژن‌های گُشونده را، آن هم به گونه‌ای ویرانگر که باعث نابودی فرزندان می‌شود، افزایش می‌دهد؛ بنابراین ژنومی که زنا با محارم را روا می‌داند، در برابر ژنومی که چنین چیزی را مجاز نمی‌شمارد، در عرصهٔ تکامل و بقا شکست می‌خورد. به این ترتیب به مرور زمان، بقا از آن ژنومی خواهد بود که بدن‌هایی پدید می‌آورد که از زنا با محارم اجتناب می‌ورزند؛ لذا طبیعی است ماده‌های شامپانزه و گوریل‌ها هنگامی که به سن بلوغ می‌رسند گلهٔ خود را رها کرده، با نرهای دیگر گله‌ها یا نرهای غریب جفت می‌شوند.

«ژن گُشونده ژنی است که دارندهٔ خود را می‌کشد. یک گُشوندهٔ مغلوب، مثل هر ژن مغلوب دیگر، تا میزان آن دو برابر نشود اثر خود را نشان نمی‌دهد. کشنده‌های مغلوب در خزانهٔ ژنی باقی می‌مانند؛ زیرا بیشتر افراد حامل آن‌ها فقط یک نسخه از آن را در خود دارند و بنابراین از تأثیر آن در امان‌اند. اضافه می‌کنم که ژن‌های کشنده نادر هستند؛ زیرا اگر تعدادشان طوری زیاد شود که به نسخه‌هایی از خود برخورد کنند حامل خود را خواهند کشت.

با وجود این، انواع ژن‌های کشنده وجود دارند و باز این احتمال هست که همهٔ ما را مبتلا کنند. برآوردهایی که دربارهٔ تعداد انواع مختلف آن‌ها در خزانهٔ ژنی انسان انجام شده، مختلف است. در بعضی منابع به دو ژن کشنده به‌طور متوسط در هر انسان اشاره شده است. اگر یک نر اتفاقی با یک ماده جفت شود، احتمال بیشتر این است که ژن‌های کشندهٔ آن نر با ژن‌های کشندهٔ آن ماده یکی نباشند و بچه‌های آن‌ها دچار گرفتاری نشوند. اما اگر برادری با خواهرش، یا پدري با دخترش جفت‌گیری کند، وضع متفاوت



خواهد بود. هر قدر که ژن کشنده من در کل جمعیت کمیاب و هر قدر هم که ژن کشنده خواهرم در جمعیت نادر باشد، این احتمال در حد نگران کننده‌ای وجود دارد که ژن‌های کشنده من و او یکسان باشند. اگر محاسبه کنیم، معلوم می‌شود در صورتی که من با خواهرم جفت شوم، به‌ازای هر ژن کشنده معلومی که من دارم، از هر هشت فرزندی که تولید شود، یکی مرده به دنیا خواهد آمد یا در بچگی خواهد مرد. از نظر ژنی، مردن در کودکی هزینه‌برتر از مردن هنگام تولد است: بچه‌ای که مرده متولد می‌شود، زیاد وقت و انرژی والدین خود را هدر نمی‌دهد؛ اما هر طور که به قضیه نگاه کنیم، این طور نیست که آمیزش با نزدیکان خسران مختصری داشته باشد. فاجعه، بالقوه است. انتخاب برای پرهیز از آمیزش با خویشان مانند دیگر فشارهای سنجیده‌شده در طبیعت، باید از توان بالایی برخوردار باشد.

انسان‌شناسانی که با این توضیح داروینی درباره پرهیز از زنا با محارم مخالف‌اند شاید نمی‌دانند با چه مبحث داروینی پُرتوانی مخالفت می‌کنند. بعضی از استدلال‌های آن‌ها به قدری ضعیف است که به نظر نمی‌رسد لازم باشد پاسخی به آن‌ها داده شود.

مثلاً آن‌ها می‌گویند اگر واقعاً انتخاب داروینی در ما، به‌صورت غریزه دوری از آمیزش با خویشان، فطری بود، دیگر لزومی نداشت آن را نهی کنند. علت این حرام دانستن این است که در مردم میل به آمیزش با محارم وجود دارد؛ بنابراین نمی‌تواند یک قاعده «زیست‌شناختی» باشد، بلکه یک دستور کاملاً «اجتماعی» است. این طرز برخورد تا حدی مثل این است که بگوییم فرمان اتومبیل، قفل لازم ندارد، چون درها قفل دارند. پس قفل فرمان وسیله ضدسرقت نیست، فقط جنبه تزئینی خاصی دارد. انسان‌شناسان گرایش دارند تأکید کنند که فرهنگ‌های مختلف، محرمانه خاص خود را دارند؛ یعنی هر کدام تعریف متفاوتی از خویشاوندی دارند. ظاهراً آن‌ها فکر می‌کنند این نگرش می‌تواند از شدت توجه نظریه داروینی به پرهیز از خویش‌آمیزی بکاهد. اگر این طور باشد، پس می‌توان گفت میل جنسی هم نمی‌تواند یک سازگاری داروینی باشد، چون فرهنگ‌های مختلف وضعیت‌های متفاوتی را در جفت‌گیری ترجیح می‌دهند. از نظر من کاملاً پذیرفتنی است که اجتناب از آمیزش با خویشاوندان در انسان‌ها، همان طور که در

حیوانات دیگر نیز چنین است، پیامد انتخاب پر قدرت داروینی باشد.

نه فقط جفت‌گیری با آن‌ها که از نظر ژنی به فرد نزدیک هستند، می‌تواند بسیار بد باشد، بلکه زادآوری با آن‌ها که دور هستند نیز می‌تواند بسیار بد باشد و علت آن ناسازگاری ژن‌هایی از رگه‌های متفاوت است. نمی‌توان آن حد وسط آرمانی را دقیقاً پیش‌بینی کرد. آیا می‌توان با عموزاده جفت شد؟ با نسل دوم یا سوم بعد از عمو چطور؟

پاتریک بیتسون (Patrick Bateson) تلاش کرد در یابد بلدرچین ژاپنی کجای این طیف را ترجیح می‌دهد. در یک تشکیلات آزمایشگاهی با عنوان دستگاه آمستردام-شرایطی فراهم کردند که این پرنده‌ها بتوانند از میان اعضای جنس مخالف خود که پشت و بترین‌های کوچکی ردیف شده بودند جفت انتخاب کنند. آن‌ها عموزاده‌ها را به خواهر و برادر یا به پرنده‌گان بی‌نسبت به خود ترجیح دادند. آزمایش‌های دیگر حاکی از این بود که بلدرچین‌های کوچک متوجه ویژگی‌های جوجه‌های هم‌زاد خود می‌شوند، و بعد در زندگی خود ترجیح می‌دهند شریک جنسی‌شان تقریباً شبیه آن هم‌زادان، ولی نه کاملاً شبیه آن‌ها باشد؛ بنابراین به نظر می‌رسد بلدرچین با عدم تمایل ذاتی به آن‌هایی که با او بزرگ شده‌اند، از جفت‌شدن با آن‌ها پرهیز می‌کند. حیوانات دیگر با رعایت قواعد اجتماعی-قواعدی که اجتماع را به پراکنده‌شدن وامی‌دارد- از این کار بازداشته می‌شوند. برای مثال، شیرهای نوجوان از گله خانوادگی، آنجا که فقط ماده‌های خویشاوند در دسترس‌اند، بیرون رانده می‌شوند و فقط در صورتی زادآوری می‌کنند که گله دیگری را تصاحب کرده باشند. در جمعیت شامپانزه‌ها و گوریل‌ها، ماده‌های جوان سعی می‌کنند در یک گروه دیگر دنبال جفت‌گیری باشند. این دو الگوی متفرق‌شدن و نیز روش بلدرچین‌ها را می‌توان در میان فرهنگ‌های مختلف گونه خودمان نیز دید.^۱

یعنی از لحاظ بیولوژیکی، جسم‌های ما برای دوری از زنا با محارم ساخته شده‌اند و این، همان نتیجه طبیعی برای تکامل و بقای ژن‌هایی است که در رقابت برای



تنازع بقا در بینشان، توانایی بیشتری دارند. موضوع دوری برخی حیوانات از زنا با محارم، با آزمایش نیز به اثبات رسیده است. این‌ها همه، شواهدی است برای بطلان عقیده یهودیان، مسیحیان، فقهای اهل سنت و برخی فقهای شیعه که پیرو این عقیده هستند؛ و از سوی دیگر مُهر تأییدی است بر حقیقتی که آل محمد علیهم‌السلام بیش از هزار سال پیش بیان نموده‌اند.

آیا کسی هست که دربارهٔ آل محمد علیهم‌السلام انصاف به خرج دهد؟

اگر کسی به دنبال حق و حقیقت باشد، اخبار وارد شده از آل محمد علیهم‌السلام در بیش از یک‌هزار سال پیش دربارهٔ واقعیتی که امروز به تأیید علم نیز رسیده است، وی را کفایت می‌کند. آل محمد علیهم‌السلام با این عقیدهٔ باطل که بشر از ازدواج برادران و خواهران (زنا با محارم) به وجود آمده، و در زمانشان دیدگاه غالب بوده است، مخالفت کرده‌اند. در حالی که برخی دیگر از مسلمانان معتقدند انسان‌ها از ازدواج برادران و خواهران (زنای محارم) پدیدار شده‌اند. آل محمد علیهم‌السلام نادرست‌بودن این باور را به‌روشنی بیان نموده و گفته‌اند دو فرزند آدم با زنای ازدواج کرده‌اند که با آن‌ها قربانی نداشته‌اند که سبب حرمت ازدواج با آنان شود.

شیخ صدوق در کتاب *علل الشرائع* در باب «علت چگونگی پیدایش نسل» چنین روایت کرده است:

محمد بن حسن بن احمد بن ولید، برای ما روایت می‌کند: احمد بن ادریس و محمد بن یحیی عطار هر دو نقل کرده‌اند: محمد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری، از احمد بن حسن بن علی بن فضال، از احمد بن ابراهیم بن عمّار، از ابن‌نویه از زراره روایت می‌کند، گفت: از ابو‌عبدالله امام صادق علیه‌السلام راجع به چگونگی پیدایش نسل و تکثیر ذریهٔ حضرت آدم علیه‌السلام سؤال شد. سؤال‌کننده عرضه داشت: «گروهی از مردم معتقدند خداوند تبارک و تعالی به آدم علیه‌السلام وحی نمود دخترانش را به عقد پسران خود درآورد و به این ترتیب نسل حضرتش تکثیر شد. بنابراین تمام انسان‌ها در اصل از خواهر و برادر هستند؛ آیا این

اعتقاد صحیح است؟» حضرت فرمودند: «خداوند منزّه است از این گفتار؛ آنان که اعتقادشان این است در واقع معتقدند حق عزوجل خلقت و آفرینش دوستانش، انبیایش، فرستادگانش، حجت‌ها، مردان و زنان مؤمن و مردان و زنان مسلمان را از حرام اختیار نموده است و قدرت نداشت آن‌ها را از حلال ایجاد کند؟ در حالی که عهد و پیمان بسته که خلق را از راه حلال ایجاد کند و ایشان را پاک و پاکیزه و طیب و منزّه از هر آلودگی بیافریند. به خدا سوگند برایم نقل کردند یکی از چهارپایان به اشتباه روی خواهرش جست و پس از آنکه پایین آمد و معلوم شد او خواهرش بوده، ذکر (آلت) خود را بیرون آورد و سپس با دندان‌هایش آن را گرفت و گند و بعد افتاد و مرد.»

زراره می‌گوید: سپس از آن جناب راجع به خلقت حوا سؤال شد. سؤال‌کننده عرضه داشت: «گروهی از ما می‌گویند خداوند عزوجل حوا را از آخرین دنده‌های چپ آدم آفریده؛ آیا این گفتار صحیح است؟» حضرت فرمودند: «خداوند منزّه است از این گفتار. گویندگان این کلام معتقدند خدا قدرت نداشت همسر آدم را از غیر از دنده او بیافریند؟ این گویندگان با کلامشان راه را برای سخن بدگویان باز و هموار نموده‌اند و در واقع با این سخنانشان می‌گویند: جزئی از آدم با جزء دیگرش ازدواج کرده است. ایشان را چه شده است که چنین می‌گویند؟ خدا میان ما و آنان حکم کند.» سپس فرمودند: «خداوند تبارک و تعالی وقتی آدم را از گل آفرید و فرشتگان را فرمان داد به او سجده کنند و آن‌ها هم اطاعت کرده، سجده‌اش کردند، خواب را بر وی غالب نمود و در این حال، انسانی (حوا) را جهت او آفرید و سپس او را در میان گودی میان بالای دو ران آدم قرار داد تا زنان تابع مردان باشند. حوا حرکت کرد و از حرکت او آدم بیدار شد. در این وقت به حوا ندا آمد که از آدم دور شود. آدم نظرش به او افتاد. آفریده‌ای زیبا و انسانی خوش‌منظر را دید که شباهت به صورت خودش داشت؛ با این تفاوت که او زن بود و آدم مرد. با وی سخن گفت، حوا نیز متقابلاً به زبان آدم با وی تکلم کرد. آدم گفت: تو کیستی؟ حوا اظهار داشت: آفریده‌ای هستم که خداوند متعال مرا به این صورت که می‌بینی خلق نموده است. آدم به درگاه جلال عرضه داشت: پروردگارا! این انسان خوش‌منظری که آفریده‌ای و نزدیکی و نگاه به او را مایهٔ انس من قرار داده‌ای کیست؟ حق تبارک و تعالی فرمود: این



کنیز من حواست. آیا دوست داری با تو، و مونس و هم‌دمت باشد و با تو سخن گوید و فرمانت را اطاعت کند؟ آدم عرضه داشت: آری دوست دارم و تا مادامی که باشم شکر و سپاس تو را برای این نعمت به جای می‌آورم. خداوند تبارک و تعالی فرمود: از او خواستگاری کن. زیرا او کنیز من بوده و جهت تمایلات غریزی و شهوی مناسب است. ناگفته نماند که قبلاً خداوند در جناب آدم این نیرو و قوه شهوت را قرار داده و وی را به مقتضیات آن آگاه ساخته بود. باری آدم عرض کرد: اگر از او خواستگاری کنم، خشنودی تو در چیست؟ حق عزوجل فرمود: در این است که معالم و احکام دین مرا به او تعلیم دهی. آدم عرض کرد: اگر به این راضی هستی، پس چنان خواهم نمود. حق تعالی فرمود: همین را خواستارم و او را به تزویج تو درآورده، همسرت قرار دادم؛ پس او را در آغوش بگیر. پس از آن آدم به حوا فرمود: پیش بیا. حوا عرضه داشت: بلکه تو باید پیش بیایی. پس خداوند عزوجل به آدم امر فرمود که تو به نزد او برو. آدم نیز چنین کرد و اگر حق تعالی چنین فرمانی به آدم نمی‌داد، می‌بایست زنان به سوی مردان رفته تا خواستگاری خود را به این نحو انجام داده باشند. این است حکایت حوا (عجله)

همچنین صدوق در همان کتاب چنین روایت کرده است:

پدرم که خداوند رحمتش کند می‌گوید: محمد بن یحیی عطار، از حسین بن حسن بن ابان، از محمد بن اورمه، از نوفلی، از علی بن داوود یعقوبی، از حسن بن مقاتل، از کسی که از زراره شنید و او گفت: از امام صادق (ع) سؤال شد: «پیدایش نسل از آدم (ع) چگونه بود و نیز چگونگی تولید نسل از ذریه حضرت آدم (ع) به چه نحو صورت گرفته است؟» سپس سؤال کننده گفت: «عده‌ای از مردم نزد ما می‌گویند خداوند عزوجل به آدم وحی فرمود دخترانش را به نکاح پسران خود درآورد و این همه مخلوقات در اصل از ازدواج خواهران و برادران هستند.» امام صادق (ع) فرمودند: «خدا منزّه و مبرا از این گفتار است. کسی که این سخن را می‌گوید در واقع می‌گوید حق عزوجل برگزیدگان از

مخلوقات، دوستانش، انبیایش، فرستادگانش، مردان و زنان مؤمن و مردان و زنان مسلمان را از حرام آفریده و قدرت نداشته است آن‌ها را از حلال خلق کند، با اینکه عهد و پیمان بسته و بر اساس آن ملزم شده است خلق را از راه حلال ایجاد کند و ایشان را پاک و پاکیزه و طیب و منزه از هر آلودگی بیافریند؟ به خدا سوگند برایم نقل کردند چهارپایی به اشتباه روی خواهرش جست و پس از آنکه پایین آمد و معلوم شد او خواهرش بوده است، ذکر (آلت) خود را بیرون آورد و با دندان‌هایش آن را گرفت و فشرد تا قطع کرد؛ سپس افتاد و مرد. و از چهارپای دیگری به من خبر دادند که به اشتباه با مادرش جمع شد و پس از معلوم شدن، آن حیوان نیز همان کرد که چهارپای مذکور انجام داده بود. وقتی حیوانات چنین باشند، انسان که واجد فضایل و علم و کمال است این‌طور نباشد؟! اما چنانچه می‌بینید گروهی از مردم از علم و دانش اهل بیت پیامبران خود روی برتافته و به کارهایی که به آن امر نشده‌اند پرداخته‌اند و با ارتکاب آن‌ها به ضلالت و گمراهی کشیده می‌شوند و با انجام اعمال شنیع و قبیح به انحطاط می‌گرایند و این انحراف از بدو پیدایش مخلوقات تا الآن ادامه داشته است و تا ابد نیز خواهد بود.»

سپس فرمودند: «وای بر این گروهی که اعتقادشان چنین است. ایشان چقدر بی‌خبرند از آنچه فقهای حجاز و عراق با هم در آن متفق بوده و اختلافی ندارند. حق تبارک و تعالی دو هزار سال پیش از آفرینش آدم به قلم امر فرمود و قلم بر لوح محفوظ جاری شد و حکم تحریم خواهران بر برادران و محرمات دیگر را تا روز قیامت ثبت و ضبط نمود. ما مشاهده می‌کنیم خداوند متعال مطالب لوح محفوظ را در کتاب‌های چهارگانه آسمانی مشهور در این عالم - که عبارت‌اند از تورات، انجیل، زبور و فرقان - قرار داد و آن‌ها را بر انبیا و فرستادگانش - که سلام و صلوات خداوند بر همگی‌شان باد - نازل فرمود. تورات را بر موسی (علیه السلام)، زبور را بر داوود (علیه السلام)، انجیل را بر عیسی (علیه السلام) و قرآن را بر محمد (صلی الله علیه و آله) و در هیچ‌یک از این کتاب‌ها آنچه را که در لوح محفوظ حرام نموده، حلال قرار نداده است. شایسته و سزاوار است بگویم: کسی که این مطالب و مانند آن را ایراد کرده، صرفاً قصدش تقویت حجت‌ها و برهان‌های مجوس بوده است. آنان را چه می‌شود؟! خدا



هلاکشان گرداند!»^۱

...

زنا با محارم و فطرت

کسانی که می‌گویند بشر نتیجه ازدواج با محارم (زنا با محارم) بوده است، این عمل زشت و قبیح را که ائمه علیهم‌السلام مردود شمرده‌اند، مخالف فطرت انسان به شمار نمی‌آورند.

طباطبایی می‌گوید:

«دلیل اینکه انسان به حسب فطرت خود به طور غریزی از این کار متنفر نیست، آن است که آنچه در تاریخ بیان شده است، مجوسیان در قرن‌هایی طولانی ازدواج بین خواهر و برادر را مشروع می‌دانستند و از آن متنفر نبودند و هم‌اکنون آن‌طور که گفته می‌شود، به‌طور قانونی در روسیه و نیز به‌طور غیرقانونی یعنی به‌عنوان زنا در اروپا انجام می‌شود.»^۲

یعنی طباطبایی می‌گوید: اینکه برخی از مردم، کار معینی را طی زمانی طولانی انجام داده و برای انجام‌دادن آن بین خود قانونی وضع کرده‌اند، دلیلی است برای اینکه آن کار مُنافی فطرت و غریزهٔ انسانی به شمار نمی‌رود!

گمان نمی‌کنم چنین دلیل پوچ و بی‌ارزشی، نیازی به توضیح داشته باشد؛ جز اینکه فقط توجه شما را به شیوع و گسترش ازدواج هم‌جنس‌گرایان (لواط و مساحقه) خصوصاً در این دوره و زمانه، جلب می‌کنم. این کار تا آنجا پیش رفته که در بسیاری از کشورهای جهان، قانون مدنی برای آن وضع کرده‌اند. بر این اساس

۱ - علل الشرائع، شیخ صدوق: ج ۱ ص ۱۷ و ۱۸.

۲ - تفسیر المیزان، سید طباطبایی، تفسیر سورهٔ نساء، آیهٔ ۱.

طبق استدلال طباطبایی، آیا درست است بگوییم اگر گروهی از مردم در برخی کشورها به طور قانونی با هم جنس خود ازدواج کنند، حاکی از آن است که این کار، از جهت نفرت غریزی، مغایرتی با فطرت انسان ندارد؟!^۱



مقوله «حوا از دنده چپ آدم خلق شد» در بونه نقد علمی

از دیدگاه علمی، اینکه حوا از بخشی از وجود آدم خلق شده باشد به این معناست که حوا نقشه ژنوم آدم را به طور کامل داراست و این یعنی حوا نیز مذکر بوده است! بر این اساس ما برای تغییر کروموزوم نوع Y به X، تا نتیجه مؤنث (XX) باشد و نه مذکر (XY)، به یک معجزه نیاز داریم.

البته قضیه به همین جا ختم نمی‌شود؛ چراکه آن‌ها می‌گویند نسل همه انسان‌ها به آدم و حوا محدود می‌شود؛ بنابراین همه انسان‌ها باید در همه چیز با هم مطابقت داشته باشند و تنها فرق بین آن‌ها در جنسیت (نر و ماده) باشد. به عبارت دیگر همه ما باید نسخه‌ای یکسان باشیم و تنها تفاوتی که بین ما برقرار است نوع جنسیتمان باشد، مگر اینکه این افراد، به جهش ژنتیکی و تکامل اقرار کنند و بگویند تکاملی وجود داشته است که باعث تغییر نقشه ژنتیکی شده باشد؛ یعنی پس از آدم و حوا جهش ژنتیکی رخ داده و ویژگی‌های نسل‌ها را تغییر داده است.

حقیقت این است که چنین نظریه و ایده‌پردازی‌هایی با در بسته مواجه شده و آنچه گفته شد، تنها گریزگاه آن‌هاست. البته این خود به آن معناست که آنان به نظریه تکامل و جهش، اعتقاد و اعتراف دارند؛ و همین نکته، رشته آن‌ها را پنبه می‌کند و عقیده‌شان را مبنی بر اینکه حوا از آدم آفریده شده است به باد می‌دهد؛ زیرا آن‌ها نمی‌توانند بگویند ما فقط به تکامل در محدوده جسم انسانی معتقد هستیم؛ چراکه تغییر و گونه‌زایی، از انباشت جهش و انتخاب در طول زمان ناشی می‌شود و کسی که به جهش و تغییر ویژگی‌ها اعتقاد دارد، نمی‌تواند گونه‌زایی را به عنوان نتیجه‌ای حتمی که در اثر جهش و تغییر ویژگی‌ها و به مرور زمان حاصل می‌شود، انکار نماید. در واقع هیچ راهی برای پذیرش یک چهارم یا نیمی از تکامل وجود ندارد؛ یا باید آن را به طور کامل پذیرفت یا آن را از ریشه انکار نمود؛ زیرا هیچ دلیل منطقی برای اثبات سخن سخنی که می‌گوید «تکامل فقط در محدوده فقط

خود یک گونه امکان‌پذیر است، اما نمی‌تواند منجر به ایجاد گونه جدیدی شود» وجود ندارد و کسی که چنین سخنی بر زبان می‌راند، به دلیل ناآگاهی از علم ژنتیک و دانش زیست‌شناسی تکاملی چنین سخنانی به زبان می‌راند.

آنچه باقی می‌ماند این است که ممکن است برخی از این افراد بگویند نقشه ژنتیکی آن بخشی که از آدم گرفته شد، به‌طور کامل تغییر یافت، سپس حوا از آن آفریده شد. مفهوم این سخن آن است که اگر مواد شیمیایی را که نقشه ژنوم حوا از آن ساخته شده است، از هر نقطه دیگری از زمین می‌گرفتند، هیچ تفاوتی در نتیجه پدید نمی‌آمد. اگر چنین است، پس دلیل و حکمت اینکه نقشه ژنتیکی از جسم آدم گرفته شد، سپس ویران گشت و از نو ساخته شد چه بود؟ آیا بهتر نبود همان مواد اولیه از هر جای دیگر زمین گرفته و نقشه ژنوم حوا بر اساس آن ساخته شود، تا دیگر به ویران کردن نیازی نباشد؟!

واقعیت آن است که هیچ راه‌حل منطقی برای حل و فصل این موضوع بغرنج وجود ندارد، به‌جز آنچه در تفسیر آیه بیان نمودم؛ یعنی اینکه قضیه در آسمان در بهشت آدم (علیه السلام) روی داده است و مربوط به نفس است، نه جسم...^۱



بررسی باردارشدن مریم علیها السلام

خداناباوران در خصوص متولدشدن عیسی علیه السلام از حضرت مریم بدون پدر، اشکالاتی را مطرح می‌کنند که شاید مهم‌ترینشان، اشکالات زیر باشد:

چطور ممکن است در شخصی یک تخمک حاوی کروموزوم‌های کامل (۴۶ کروموزومی) یافت شود، در حالی که به‌طور طبیعی هر تخمک فقط ۲۳ کروموزوم دارد؟!

چطور می‌توان یک تخمک با کروموزوم‌های کامل را برای تقسیم‌شدن تحریک نمود، در حالی که ما در آزمایشگاه در جنین شبیه‌سازی‌شده می‌بینیم وقتی هسته تخمک به هسته کامل (۴۶ کروموزومی) تبدیل می‌شود، برای شروع تقسیم‌شدن و رشدکردن به یک محرک خارجی نیازمند است؟!

چطور مریم علیها السلام توانسته است پسر به دنیا بیاورد، در حالی که فقط تخمک زن در او موجود بوده است. در حالت طبیعی کروموزوم‌های جنس مؤنث XX هستند و در آن کروموزوم Y که امکان پسرشدن را فراهم می‌آورد وجود ندارد؛ به‌عبارت دیگر مؤنث به‌تنهایی نمی‌تواند مذکر به دنیا بیاورد. کسی که جنسیت مذکربودن را مشخص می‌کند، مرد است؛ چراکه او دارنده کروموزوم XY است.

پیش از شروع بحث در خصوص پاسخ‌گفتن به این اشکالات، لازم است مطالبی را درباره جنسیت جنین و چگونگی تعیین جنسیت، به‌اختصار بیان کنیم. انسان در حالت طبیعی ۴۶ کروموزوم دارد؛ اگر زن باشد، دارای کروموزوم XX و اگر مرد باشد، دارای کروموزوم XY است. در حالت طبیعی، کاریوتایپ زن ۴۶XX و کاریوتایپ مرد ۴۶XY است.

تقسیم کروموزوم‌ها به هنگام تکثیر سلولی، موجب ایجاد دو نوع گامت می‌شود: نوع X و نوع Y. تخمک فقط یک نوع X دارد، زیرا زن‌ها کروموزوم Y ندارند.

هنگام لقاح، جنین از ترکیب اسپرم و تخمک به وجود می‌آید:

اگر اسپرم Y با تخمک X ترکیب شود، جنین پسر می‌شود.

اگر اسپرم X با تخمک X ترکیب شود، جنین دختر خواهد بود.

جهشی ژنتیکی وجود دارد که بر گیرنده‌های آندروژنی یا سندرم هورمون مردانه جنین (۴۶XY) تأثیر می‌گذارد. این جهش از تأثیر ژن جنسی مردانه جلوگیری می‌کند و به این ترتیب دستگاه تناسلی زنانه تشکیل می‌شود؛ و بر حسب نوع جهش و میزان تأثیرگذاری آن در گیرنده‌های آندروژنی، وضعیت موجود در این سندرم شکل می‌گیرد. به این ترتیب اندام مردانه و زنانه تکمیل نمی‌شوند و تنها یکی از آن‌ها کامل می‌شود که معمولاً ظاهری زنانه دارد.

اگر جنین حامل ژن‌های مذکر یا ۴۶XY، به سندرم عدم حساسیت کامل آندروژن مبتلا باشد، از نظر ظاهری به‌طور کامل مؤنث خواهد بود و حتی معمولاً در ابتدا و بدون معاینه دقیق نمی‌توان وضعیت او را تشخیص داد. در جنین اعضای ظاهری زنانه وجود دارد؛ بنابراین یک مؤنث معمولی خواهد بود، اما بدون رحم و تخمدان؛ یعنی جنس مؤنث با دستگاه تناسلی زنانه ناقص شکل گرفته است. در چنین جنینی، دستگاه تناسلی مردانه پنهان و پوشیده‌ای نیز در داخل شکم وجود دارد.

موضوع مهم در اینجا آن است که این سندرم دلیل آشکاری برای امکان وجود جنین XY است؛ به‌طوری که کروموزوم Y هیچ‌گونه تأثیری بر آن نداشته باشد؛ به‌گونه‌ای که به زنی با دستگاه تناسلی کامل تبدیل می‌شود و به این ترتیب مسئله امکان به‌وجود آمدن پسر از سلول‌های این جنس ماده بدون دخالت جنس نر از آنجا که دارای کروموزوم‌های ۴۶XY است. طبیعی بوده و علم نیز آن را تأیید می‌کند.



در رابطه با تولد حضرت عیسی (علیه السلام) از حضرت مریم (علیها السلام)، ما نمی‌گوییم این مسئله کاملاً طبیعی است؛ اما همه اشکالات مطرح‌شده پیشین، جزو محالات عقلی و علمی به شمار نمی‌روند و می‌توان برای برخی از آن‌ها به‌راحتی تفسیر علمی ارائه نمود؛ مثلاً اینکه زن فاقد کروموزوم Y یعنی کروموزوم تعیین‌کننده جنس نر جنین است، موضوع درستی است، ولی نوعی اختلال ژنتیکی وجود دارد که سندرم آندروژن یا سندرم عدم حساسیت به آندروژن یا سندرم مقاومت به هورمون مردانه آندروژن نامیده می‌شود. در این سندرم، جنین دارای کروموزوم‌های جنسی XY است و شکل ظاهری آن نیز به‌صورت مؤنث است. ما می‌گوییم این سندرم می‌تواند به‌صورت پیشرفته در جنین معینی رخ دهد و جنس ماده با اندام تناسلی کامل شکل گیرد اما با این وجود XY باشد.

بر این اساس، اشکال مطرح‌شده مبنی بر اینکه زن به‌تنهایی قادر به تولید جنس ماده است، برطرف می‌شود.

اما در رابطه با مسئله تخمک ۴۶ کروموزومی باید گفت این مسئله ممکن است از نظر تئوری اتفاق بیفتد و یک تخمک معین، دارای کروموزوم‌های کامل باشد؛ خصوصاً در موارد نادر آن که زن با مجموعه کروموزوم‌های ۴۶XY یافت می‌شود.

در باره مسئله تحریک تخمک برای تقسیم‌شدن، ممکن است تخمک به‌وسیله اشعه‌هایی که ما را احاطه کرده‌اند و از هر سو به بدن ما هجوم می‌آورند تحریک شود. حتی گاهی اوقات، هنگامی که این اشعه‌ها از انرژی کافی برخوردار باشد، ناهنجاری‌ها و جهش‌های ژنتیکی در سلول‌های برخی از مردم رخ می‌دهد و افراد به سرطان مبتلا می‌شوند. مسئله تحریک تخمک برای تقسیم‌شدن با استفاده از عامل خارجی، در حال حاضر در آزمایشگاه‌ها در فرایند شبیه‌سازی انجام می‌گیرد. در این عمل پس از جایگزینی هسته تخمک با هسته ۴۶ کروموزومی (هسته

کامل)، به شکل مصنوعی و با عامل خارجی در آزمایشگاه، آن‌ها را برای تقسیم‌شدن تحریک می‌کنند.

بنابراین اشکالات گفته‌شده همگی مردود هستند و می‌توان به خوبی با دلایل علمی آن‌ها را توضیح داد.

علاوه بر مطالب پیشین، باید به سندرم کلاین فلتز اشاره کرد که عبارت است از افزایش تعداد کروموزوم‌های جنسی زنانه (X). در این حالت، کاریوتایپ به صورت $47XXY$ یا $47XXX$ است؛ یعنی فرد دارای یک کروموزوم X اضافی است. حالات پیشرفته این بیماری نیز وجود دارد که در آن تعداد کروموزوم‌ها $49XXXXY$ است. اگر مادری به سندرم افزایش کروموزوم X مبتلا باشد، اگر پسرش به ناهنجاری مبتلا گردد، او نیز به سندرم افزایش کروموزوم X گرفتار می‌شود. همچنین حالت دیگری نیز وجود دارد که در آن کروموزوم‌ها مختلط و موزاییکی می‌شوند و فرد دچار موزاییک ژنتیکی می‌گردد؛ در این حالت وی به سندرم کلاین فلتز ($46XX/47XXY$) مبتلا می‌شود. در هر دو حالت به‌ویژه نوع اخیر که بسیار نادر است، می‌توان احتمال داد ناهنجاری، با سندرم عدم حساسیت آندروژن همراه باشد و در نتیجه اجتماع این دو سندرم، مؤنثی با اندام تناسلی کامل به وجود آید که در عین حال دارای کروموزوم Y است که هیچ تأثیری در جنسیت جنین ندارد.^۱

هم جنس گرایی

پرسش:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليمأً كثيراً

آقا و مولای من، احمد الحسن!

پرسشی دارم که شخصی از من خواسته است آن را از شما بپرسم.

او می گوید:

من از کودکی احساس می کردم مؤنث هستم، و حتی از این موضوع مطمئنم و احساس می کنم در بدنی غیر از بدن خود قرار دارم. می خواهم بدانم آیا فتوای خمینی درباره انجام عمل تغییر جنسیت، صحیح و شرعی است یا خیر؟

و آیا جایز است من اقدام به این عمل کنم و آیا این کار برای من بهتر است؟ زیرا من عملاً نمی توانم با این احساس که مؤنث هستم بجنگم.

با توجه به اینکه من از مؤمنان به دعوت مبارک هستم ... و اگر عمل تغییر جنسیت جایز نباشد آیا کاری وجود دارد که مرا اصلاح و تبدیل به مردی عادی کند، به طوری که تمایلی به مردان نداشته باشم؟

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله.

در انسان، آنچه جنسیت را مشخص می کند وضعیت بدن و داشتن اعضای تناسلی است که به رشد کامل رسیده باشد. اگر اعضای تناسلی، نرینه باشد او مذکر

است و جایز نیست تغییر جنسیت دهد؛ همچنین اگر اعضای تناسلی ماده باشد وی مؤنث است و نباید تغییر جنسیت دهد؛ اما اگر اعضای تناسلی رشد کاملی نداشته یا با یکدیگر آمیخته شده یا نقص‌های آفرینشی مشابهی داشته باشد، می‌تواند جنسیت خود را انتخاب و عمل جراحی که او را به صورت مشخص مذکر یا مؤنث کند انجام دهد. این پاسخ از دیدگاه حکم شرعی این کار است.

اما اینکه انسان احساس کند درونش مؤنثی قرار دارد در حالی که مذکر است یا برعکس. این موضوع را می‌توان با توجه به دانستن این نکته که جنسیت در مراحل بعدی تکامل بر روی زمین حاصل شده است درک کرد؛ زیرا زندگی با تولی مثل جنسی آغاز نشد، بلکه در ابتدا با تکثیر غیرجنسی آغاز شد و سپس تکثیر جنسی پدید آمد. در این خصوص نکاتی شایان توجه است؛ از جمله: دو جنسیتی بودن حیوان؛ یعنی حیوان هم دارای اعضای تناسلی نر و هم اعضای تناسلی ماده است؛ از جمله رفتار بعضی از ماهی‌ها؛ ماهی‌هایی که در یکی از مراحل زندگی خود نری با اعضای تناسلی کامل هستند و اقدام به تلقیح می‌کنند و سپس در مرحله‌ای دیگر به حیوانی ماده با اعضای تناسلی کامل تبدیل می‌شوند و تخم‌گذاری می‌کنند. از جمله وضعیتی که ما در آن به سر می‌بریم؛ یعنی مذکر و مؤنث جدا از هم با جنسیتی معین در طول زندگی‌شان. در این حالت جنین قابلیت این را دارد که مذکر یا مؤنث شود و آنچه رشد اعضای تناسلی معینی و نه دیگری را مشخص می‌کند کروموزوم‌های جنسیتی است و این یعنی در داخل هر بدنی، یک مذکر و یک مؤنث، یا بهتر است بگوییم قابلیت مذکر یا قابلیت مؤنث بودن وجود دارد، و آنچه حاصل شده تنها این فرایند است که یکی از آن‌ها هنگام اجرای نقشه ژنتیکی مخصوص به آن بدن، بر دیگری تسلط پیدا کرده و در نتیجه فرد، مذکر یا مؤنث شده است. این نکته در بعضی از حالات بیماری یا اختلال در کروموزوم‌ها واضح است؛ مثل وضعیتی که در سندرم عدم حساسیت به آندروژن وجود دارد؛



به طوری که گاهی اوقات مؤنث، دارای اعضای مذکر پنهان در بدن می‌شود. بنده این نکته را در کتاب «توهم بی‌خدایی» بیان کرده‌ام.

متن زیر، این مسئله را برای شما روشن خواهد ساخت:

«جهشی ژنتیکی وجود دارد که بر گیرنده‌های آندروژنی یا سندرم هورمون مردانه جنین (۴۶XY) تأثیر می‌گذارد. این جهش، تأثیر ژن جنسی مردانه را بیشتر می‌کند و به این ترتیب دستگاه تناسلی زنانه تشکیل می‌شود، و برحسب نوع جهش و میزان تأثیرگذاری آن در گیرنده‌های آندروژنی، وضعیت موجود در این سندرم شکل می‌گیرد. به این ترتیب اندام مردانه و زنانه تکمیل نمی‌شوند و تنها یکی از آن‌ها کامل می‌شود که معمولاً ظاهری زنانه دارد.

اگر جنین حامل ژن‌های مذکر یا ۴۶XY، به سندرم عدم حساسیت کامل به آندروژن مبتلا باشد، از نظر ظاهری به طور کامل مؤنث خواهد شد و حتی معمولاً در ابتدا و بدون معاینه دقیق نمی‌توان وضعیت او را تشخیص داد. در چنین جنینی اعضای ظاهری زنانه وجود دارد؛ بنابراین یک مؤنث معمولی خواهد بود، اما بدون رحم و تخمدان؛ یعنی جنس مؤنث با دستگاه تناسلی زنانه ناقص شکل گرفته است. در چنین جنینی، دستگاه تناسلی مردانه پنهان و پوشیده‌ای نیز در داخل شکم وجود دارد.»

یعنی طبق آنچه تقدیم شد می‌توانیم درک کنیم هر مذکری درون خود مؤنثی مُرده، و هر مؤنثی درون خود مذکری مرده حمل می‌کند، و آنچه افراد ناهنجار انجام می‌دهند بیدار کردن این باطن جسمانی خفته در مرحلهٔ نمو ژن است، آن هم با تلقین نفسانی؛ با وجود اینکه این باطن خفته، به‌واقع و در عمل هیچ تأثیر قابل‌اعتنایی بر بدن ندارد که بتواند یک نر را مجبور کند نقش ماده را ایفا کند، یا اینکه ماده نقش نر را به عهده بگیرد. در حقیقت تنها انسان نیست که چنین کاری

را انجام می‌دهد، بلکه حیوانات دیگر نیز به نسبت ده درصد یا اندکی بیشتر یا کمتر- چنین کاری را انجام می‌دهند، و علت، همان است که در آنچه گذشت بیان کردم. با این توضیح روشن می‌شود هم‌جنس‌گرایی تنها به این دلیل که حیوانات دیگر نیز آن را انجام می‌دهند- مسئله‌ای طبیعی نیست؛ بلکه حالتی ناهنجار و خارج‌شدن از طبیعت مسلط بر بدن موجود زنده محسوب می‌شود و وضع قوانینی که بازدارنده از این انحراف باشد و فرد را محدود کند امری است طبیعی نه برعکس! اما متأسفانه این بهانه- که ناهنجاری جنسی، صفتی موجود و شایع در قلمرو حیوانیت است- برای قانع کردن برخی سیاست‌مداران در بریتانیا و فرانسه- که بیشتر آن‌ها اطلاعی از زیست‌شناسی تکاملی ندارند- به کار گرفته شد تا قوانین مربوط به ازدواج هم‌جنس‌گراها رایج شود.

حقیقت علمی این است که «ما» و دیگر حیواناتی که بدن آن‌ها تنها به یک سیستم تناسلی اختصاص دارند در طول زندگی خود به‌طور کامل تک‌جنسیتی هستیم و تلاش برخی افراد در راستای هم‌جنس‌گرایی، این انحراف را تبدیل به امری طبیعی نمی‌کند؛ بلکه هم‌جنس‌گرایی، خارج‌شدن از طبیعت جسمانی و فیزیولوژیکی محسوب می‌شود. موجود زنده به‌خصوص موجود هوشمندی مثل انسان- می‌تواند از این انحراف به آسانی جلوگیری کند. به همین دلیل، درست آن است قوانینی وضع شود که از هم‌جنس‌گرایی جلوگیری و به‌دور شدن از این انحراف کمک کند نه برعکس، آن‌گونه که با تأسف بسیار- امروز شاهدش هستیم؛ تا آنجا که اخباری که پشت سر هم می‌رسد حکایت از تصویب ازدواج هم‌جنس‌گراها توسط حکومت‌ها دارد!

بنابراین علاج در دست خود شخصی است که خودش را متمایل به هم‌جنس‌گرایی می‌بیند؛ اگر الهامی شیطانی وجود دارد که به او می‌گوید درون او یک مؤنث خفته وجود دارد و او را به زنده‌کردن این مؤنث خفته برمی‌انگیزاند،



خودش به‌خوبی می‌داند درونش نری آشکار با اعضای تناسلی کامل وجود دارد. دربارهٔ فرد مؤنث نیز وضعیت به همین صورت است. اگر بخواهیم این وضعیت را در قالب یک مثال روشن‌تر کنیم، می‌گوییم: در هر مذکری ۹۰ درصد نر و ۱۰ درصد ماده وجود دارد و نیز در هر مؤنثی، ۹۰ درصد ماده و ۱۰ درصد نر وجود دارد. طبیعی است که صفات و تمایلات مردانه، بر مذکر چیره می‌شوند زیرا مردانگی نسبت بیشتری را در ترکیب بدنی او از آن خود کرده است. و همین وضعیت دربارهٔ مؤنث نیز وجود دارد و به‌ناچار باید صفات زنانه بر او چیره شوند. پس ۱۰ درصد را بر بدن مسلط کردن و بدن را از مذکر به مؤنث یا برعکس- تبدیل کردن وضعیتی ناهنجار و منحرف محسوب می‌شود و فرض این است که انسان توانایی جلوگیری از انحراف و تسلط بر آن را داراست؛ زیرا این عمل، عبارت است از خروج از طبیعت بدنی مسلط بر بدن در اثر الهاماتی فریبنده که می‌توان در رویارویی با حقیقت جنسی مسلط بر بدن، آن را مجاب و از آن جلوگیری کرد.

آنچه باقی می‌ماند این نکته است که ممکن است حالاتی ناشی از بیماری وجود داشته باشد که بر بدن تأثیر بگذارد مثل کم یا بسیار بودن ترشح برخی هورمون‌ها یا وضعیت‌های دیگر- که چنین حالت‌هایی را می‌توان با مراجعه به پزشک متخصص معالجه کرد.^۱

و به‌مناسبت اعلام روز رسمی حمایت از هم‌جنس‌گرایان سید احمدالحسن رحمته‌الله در صفحه رسمی فیس بوک خود نوشت:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

در رسانه‌های ارتباط جمعی، روز ۵/۱۷ به‌عنوان روز حمایت از هم‌جنس‌گرایی یا آن‌گونه که آن‌ها می‌نامند «روز مقابله با ترس از هم‌جنس‌گرایی» اعلام شده است و پوشیده نیست بسیاری از دولت‌های جهان، قانون ازدواج هم‌جنس‌گرایان را تصویب کرده‌اند یا در حال تصویب هستند. ما پیش‌تر به این مطلب اعتراض کردیم و معتقدیم نه‌فقط از دیدگاه دینی، بلکه حتی از دیدگاه اجتماعی و بیولوژیکی نیز کاری زشت و ویران‌کننده است. بنده شخصاً این مسئله را از نظر علمی مورد بحث و بررسی قرار دادم و به‌روشنی بیان کردم توجیهاتی که برای انحراف جنسی مطرح می‌کنند باطل است.^۱



بردگی و سوءاستفاده جنسی

پرسش:

عصر به خیر احمدالحسن.

چرا در اسلام تا همین لحظه برده و کنیز وجود دارد. برخی شبهه ایجاد می‌کنند که این کارها، کارهای داعش و افراد پیرو آنان است؛ ولی در حقیقت وقتی تاریخ اسلام را ورق می‌زنیم می‌بینیم اسلام در خصوص قضیه کنیزان و اسیران، به‌طور کامل با اندیشه داعشی هم‌خوانی دارد. حتی در زمان رسول خدا وقتی مسلمانان وارد شهری می‌شدند زنان را بین خود تقسیم می‌کردند و تاکنون نیز بالای منابر می‌گویند هنگام فتح یکی از شهرهای جهان جایز است زن‌هایشان به اسارت گرفته شود؛ و زنان را بین خود تقسیم می‌کنند. پس در این صورت حقوق زن چه می‌شود؟ از شما متشکرم و امیدوارم پاسخ دهید؛ چون با دیگران تفاوت دارید. این چیزی است که بنده دیده‌ام.

پاسخ:

و علیکم السلام و رحمة الله و بركاته.

قبل از هرچیز لازم است بدانیم برده‌داری یا بهره‌کشی بدنی و جنسی، وضعیتی نیست که فقط مخصوص جامعه انسانی بوده باشد؛ بلکه یکی از استراتژی‌های تکامل محسوب می‌شود؛ به همین دلیل در جوامع حیوانی نیز بسیار شایع است. جنس مؤنث پرنده کوکو (فاخته) از پرندگان دیگر سوءاستفاده می‌کند و آن‌ها را بی‌آنکه خودشان بدانند به بردگی می‌کشد و در وضعیتی قرارشان می‌دهد که جوجه‌هایش را تربیت کنند. برده‌داری در کلونی مورچه‌ها به‌روشنی دیده می‌شود؛ چه در بهره‌کشی از انواع مورچه‌های دیگر یا بهره‌کشی از برخی از حشرات برای انجام کارها و خدمت به سرزمین مورچه‌هایی که از آنان سوءاستفاده و بهره‌کشی می‌کنند.

به همین دلیل طبیعی است این وضعیت را در جامعه انسانی نیز شاهد باشیم؛ چراکه این جامعه نیز نوعی جامعه حیوانی است و بدن‌های ما عبارت‌اند از مستعمره‌های ژنتیکی که از این نظر همانند بدن‌های دیگر حیوانات و حشرات است.

شما می‌توانی به تاریخ اخیر مراجعه کنی تا ببینی برده‌داری در آمریکا صرفاً در دوره اخیر به پایان رسید.

اما ارتباط اسلام با برده‌داری ارتباطی از نوع سامان‌دهی و قانونمند کردن حقوق بردگان و وضع کفره‌هایی برای آزادسازی آنان و تشویق جامعه به آزاد کردن آنان است.

وقتی محمد رسول خدا مبعوث شد، در جهانی مبعوث شد که به برده‌داری و سوءاستفاده بدنی و جنسی اقرار داشتند و امکانی جز وضع کردن قانونی که برخی از حقوق را به بردگان اعطا می‌کرد و نیز تشویق به آزادکردنشان، وجود نداشت؛ پس اسلام، بردگی را تشریح و قانون‌گذاری نکرد و به آن تشویق ننمود؛ بلکه قوانینی ایجاد کرد که در پایان‌دادن و یکسره کردن کار برده‌داری در آن زمان سهیم بود و این نهایت کاری بود که می‌توانست در آن دوران صورت پذیرد.^۱

پرسش:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

مولای من، پرسشی از سوی برخی برادران مُلحد (خداناپاور) مطرح می‌شود که به احکام اسلام در جنگ اشکال می‌گیرند و این پرسش نیز از همین اشکالات است. می‌گویند چرا در فتوحات اسلامی - حتی در زمان پیامبر اکرم حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) - لشکر پیروز اسلام،



زن‌ها را می‌گرفتند و به‌عنوان اسیر می‌فروختند و مسلمانان، آنان را بین خودشان تقسیم و خریدوفروش می‌کردند؛ با توجه به اینکه لشکر اسلام پدران یا همسران این زن‌ها را در حین نبرد به قتل رسانده‌اند و به این ترتیب این زن‌ها چگونه می‌پذیرند کسی به آن‌ها نزدیک شود؟ آیا این عین خواری نیست؟ و چه تفاوتی است بین چنین کارها و کارهایی که داعش امروز انجام می‌دهد؟... با توجه به اینکه این پرسش، سؤال یکی از بی‌خدایان است.

آقای من، از شما متشکرم.

پاسخ:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد.

قبل از هرچیز لازم است از مسئله مهمی در ارتباط با این موضوع آگاه شویم؛ اینکه مسئله برده‌داری و بهره‌کشی جنسی و سوءاستفاده از نیروی کارگر، یکی از استراتژی‌های تکامل برای انتشار، بقا و عبورکردن به نسل‌های بعدی شمرده می‌شود. این نکته از وجود و باقی‌ماندن پدیده بهره‌کشی در طول تاریخ تکامل تا به امروز در چندین گونه حیوانی واضح و روشن است. بهترین مثال این نوع سوءاستفاده، پرنده کوکو (فاخته) است که از پرندگان دیگر بهره‌کشی می‌کند تا تخم او و کودکانش را تربیت و به آن‌ها خدمت کنند؛ و نیز مورچه‌ای که برخی حشرات و انواع دیگر مورچه‌ها را به بردگی می‌گیرد.

هوموساپینس (که به‌عنوان یک «بدن» نمادی از مُستعمرة ژنتیکی است) فرایند سوءاستفاده را در طول تاریخ خود به انجام رسانده و تقریباً تا همین اواخر بدترین روش‌های برده‌داری در آمریکا به انجام می‌رسیده است. آن‌ها تنها به سوءاستفاده از دسترنج برده‌ها بسنده نمی‌کردند، بلکه برده‌ها را شکنجه و حقوق آنان را نیز پایمال می‌کردند.

پیوسته تا امروز افراد گونه هوموساپینس هرگاه فرصت برایشان مهیا بوده است تا بدون هیچ عقوبت و قصاصی راه فراری داشته باشند. به این بهره‌کشی اقدام می‌کرده‌اند؛ عقوبت و قصاص برای بهره‌کشی جنسی که بسیار و پیوسته از طریق تصاحب و تجاوز یا فریفتن یا با هر ابزار دیگری اتفاق می‌افتاده است.

از دید من، بنده می‌بینم امروز برده‌داری به زشت‌ترین شکلی که می‌توان تصور کرد وجود دارد؛ اما این برده‌داری، از نوع برده‌داری فردی نیست که برای به‌دست‌آوردن نیروی کار آن فرد و سوءاستفاده از او باشد؛ بلکه بهره‌کشی و به‌بردگی‌کشاندن امت‌ها و کشورها و مردمان است. آنچه را در لیبی، سوریه و یمن اتفاق افتاده است می‌توانیم به‌شکل دیگری بازخوانی کنیم؛ در یکی از این جنبه‌ها عملیات کثیفی انجام شد به‌قصد تصاحب سرمایه‌هایی که از آن کشورها به کشور عربی دیگری - که در سال ۲۰۰۸ میلادی از بحران اقتصادی رنج می‌برد - سرازیر شده بود؛ یا برای استفاده از راکدکردن اقتصاد آن کشورها به نفع کشوری دیگر. این چنین بود که اقتصاد مردم سوریه و یمن همان کسانی که در اصل بسیاری از آنان در فقر و بدبختی به سر می‌برند - به‌خاطر مصالح یک کشور عربی ثروتمند - که نقش کفتارِ سوءاستفاده‌کننده از فرصت‌ها را برای حمله به جسد یا حیوان مجروح بازی می‌کند - دوشیده شد؛ پس برده‌داریِ امروز بسیار بزرگ‌تر از برده‌داری هزار یا دو هزار سال پیش است. امروز هر زمانی که فرصت دست بدهد - ملت‌ها به کامل‌ترین شکل ممکن، به بردگی گرفته می‌شوند. این درست است که افراد، آزاد هستند و طبق برداشت متعارف از برده‌داری، برده نیستند و کسی نیست که از تلاش و کار فردی آنان به‌طور مستقیم و فردی سوءاستفاده کند، ولی در واقع کار و تلاش شخصی آنان و چه بسا تلاش پدران و همهٔ اجدادشان با دخالت اقتصادی-نظامی-سیاسی مورد سوء استفاده قرار گرفته، به زیر سلطه کشیده می‌شود.



روشن است امروز برده‌داری به شکل قدیمی خود بی‌فایده است؛ بلکه بهره و سود مستقیم، به بهره‌ای که از ورای برده‌داری برداشت می‌شود سمت و سو گرفته است؛ یعنی اقتصاد و تسلط بر تولیدات و کار و توانایی‌ها در هر زمانی که فرصت به برخی از کشورها یا حکومت‌ها یا همان «کفتارهای انسان‌نما» دست بدهد.

اما اسلام به‌عنوان یک دین- برده‌داری را نیاورده است. برده‌داری پیش از اسلام وجود داشته است و همه کشورهای جهان یا جامعه‌های هوموساپینس- در جنگ‌های خود از آن استفاده می‌کرده‌اند و برای لشکر اسلام در زمان رسول خدا ﷺ امکان‌پذیر نبود این روش را کنار بگذارد؛ زیرا کنار گذاشتن آن به معنای زیان و از بین رفتن فوری بود؛ حتی پیش از اینکه اسلام در جزیره‌العرب شروع به گسترش نماید. اگر رقیبان شما بفهمند شما آن‌ها را به همان روشی که آن‌ها شما را عقوبت می‌کنند عقوبتشان نخواهی کرد از شما نخواهند ترسید، پا پس نخواهند کشید و شما را با صلح و سلامتی رها نخواهند کرد. به همین دلیل حق تعالی می‌فرماید:

﴿وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ﴾^۱ (و اگر [ستمگر را] مجازات کردید، پس فقط به‌مانند ستمی که به شما شده مجازات کنید،

و اگر شکیبایی ورزید این کار برای شکیبایان بهتر است). رسول خدا را چنین می‌بینیم که تلاش می‌کند صبر را به‌عنوان جایگزین آزار و اذیت ارائه کند و به همین دلیل اسیران بدر را آزاد می‌فرماید و آنان را به بردگی نمی‌گیرد؛ و این به‌وضوح اقدامی به‌طور کامل در تضاد با آنچه بود که در آن دوران به‌طور معمول در حق امثال آن‌ها به انجام می‌رسید؛ ولی آیا طرف دیگر چنین برخوردی با شما خواهد داشت؟ و اگر پاسخ همان‌طور که در آن زمان اتفاق افتاد- منفی است تا چه مقدار برای شما امکان‌پذیر خواهد بود بر این مسیر حرکت کنی و در عین حال بقا و

استمرار شما نیز تضمین شود؟!

در حقیقت این وضعیت تنها به یک راه حل منجر می شود که عبارت است از انجام آنچه «انجامش امکان پذیر است»؛ و در سایه آن شرایط و محیط حیوانی سختی که بر عقل های هوموساپینس در آن زمان سایه افکنده بود، برای اسلام راهلی باقی نبود، جز نظام مند کردن این برده داری به گونه ای که با گذر زمان از بین برود و از آن بیزار شوند. اسلام در پیشگاه خداوند سبحان و در ارزش های انسانی شان میان آزاد و برده برابری ایجاد کرد، و احسان و نیکی به برده و آزاد کردن او را از بهترین ابزارهای نزدیک شدن به خداوند قرار داد و دیگر امور از تشریحات واجب که از جمله دستاوردهایش این شد که با گذشت زمان از سوءاستفاده بدنی یا جنسی بیزار شوند و دور گردند و آن را کاری مردود و غیرقابل پذیرفتن به شمار آورند. شکی نیست که این احکام اسلامی که در جهان و بین ملت ها گسترش یافت در پذیرفتن هوموساپینس نسبت به تحریم برده داری و بازداشتن از آن به آرامی و به مرور زمان- بر روی این زمین پیشگام بوده است.

اگر این پاسخ برای کافی بود که هیچ، و اگر ملاحظه یا بحثی داشتی، اگر خدا بخواهد در بیان آنچه نیازمند توضیح باشد در خدمت شما هستم. توجه شما را به یک نکته جلب می کنم: بنده عبارت «هوموساپینس» و نه «انسان»- را با قصد و منظوری استفاده کردم تا به جنبه ژنتیکی و حیوانی اشاره داشته باشم؛ خصوصیتی که او را به برده داری یا سوءاستفاده از هر دو نوع آن (جنسی و بهره کشی) سوق می دهد.^۱



فداکاری و ایثار

پرسش:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

از خداوند می‌خواهم در خیر و عافیت باشید.

Khalil Al-alwani نوشته است:

موضوع سؤال. پس از تحیت و سلام به سید احمد الحسن، موضوع درباره کتاب «توهم بی‌خدایی» است. در صفحه ۲۷۹ این کتاب آمده است: «از چه ایثاری سخن می‌گوییم.» با اینکه من مخالف افکار تکفیری‌ها هستم و اینکه آن‌ها هرکسی را که مخالف اعتقادشان است به قتل می‌رسانند، و با اینکه آن‌ها مرا تکفیر و خونم را حلال می‌دانند زیرا به خلافت علی بن ابی‌طالب علیه السلام و نه غیر او ایمان دارم، با وجود این، آنان یعنی تکفیری‌ها و سلفی‌ها. را می‌بینم که در چین، صربستان، افغانستان، مالی، عراق و سوریه، ایثارگری حقیقی دارند؛ زیرا همه چیز را از مال و فرزند و همسر رها می‌کنند و در پی یاری دینی می‌روند که معتقدند درست است! ما می‌بینیم آن‌ها خود را منفجر می‌کنند در حالی که به هیچ چیزی اهمیت نمی‌دهند و طوری می‌جنگند که گویا بهشت را با چشم خود می‌بینند و گویا به سویس می‌شتابند. آیا از نظر شما بزرگوار، اسلوب یا راه نفوذی برای گفت‌وگو وجود دارد تا بتوانیم افکار آن‌ها را تغییر دهیم و آن‌ها را زیر پرچم بیعت به سوی خدا گرد آوریم تا اسلام از ایثار و اقدامات آن‌ها و اینکه دیگران را بر خود مقدم می‌دارند بهره‌مند گردد؟ چندین سؤال اینجا مطرح کرده‌ام ولی پاسخی نگرفتم؛ شاید به خاطر زیادی توضیحات و نبود وقت برای خواندن همه آن‌ها توسط شما بوده باشد. ارادت‌مند شما، خالد العوانی.

پاسخ:

هیچ ملازمتی میان قربانی کردن خود و ایثارگری واقعی بی‌چشمداشت وجود ندارد. این امکان وجود دارد که به جهت مصلحت معینی که به عنوان مثال- ژن‌ها به خاطرش غددی که هورمونی معین را ترشح می‌کنند ایجاد کرده‌اند، موجود زنده با دادن زندگی‌اش خود را فدا کند. وقتی زنبور کارگر خود را به کشتن می‌دهد عامل محرک این قربانی کردن، ژنتیکی است؛ زیرا مهم‌ترین شاخصه در مجموعه ژن‌های فردی، حساب سود و زیان در مسیر تکامل و انتخاب طبیعی است؛ بنابراین ژنی که در محیط خود از بقای مجموعه‌ای از ژن‌های معین محافظت می‌کند، تا امکان عبور آن‌ها را از فیلترهای انتخاب طبیعی از نسلی به نسل دیگر فراهم کند، در ضمن آن مجموعه ژنتیکی فردی، ثابت و استوار می‌شود، حتی اگر عمل این ژن، واداشتن جسم به خودکشی و هلاکت در موقعیت‌های معین باشد، که بنده این مطلب را در کتاب توهم بی‌خدایی روشن ساخته‌ام. زیان دیدن بدن یک زنبور که مجموعه‌ای از ژن‌های فردی را حمل می‌کند در برابر حفظ بدن هزاران زنبور دیگر که همان ژن‌ها را حمل می‌کنند بی‌شک سودی بسیار برای آن مجموعه ژن‌ها فراهم می‌کند.

وضعیت در خصوص خانواده یا به‌طور خاص راجع به مادر نیز به همین صورت است، وقتی مادر به خاطر فرزندانش، خود را به کشتن می‌دهد. آری این مصلحت ژنتیکی است که مادر و زنبور را به سوی قربانی کردن خود سوق می‌دهد؛ بنابراین قربانی شدن مادر به خودی خود- ایثار حقیقی نیست؛ بلکه قربانی شدنی است که مصلحت ژن‌های فردی، آن را مقرر می‌کند تا بتوانند به نسل بعدی منتقل شوند؛ بنابراین هروقت موضع‌گیری خاصی، سودی برای بقای مجموعه ژن‌های فردی حاصل کند ملاحظه می‌کنیم بدن به سوی آن می‌شتابد، حتی اگر هلاکت و پایان یافتن زندگی‌اش در این مسیر رقم بخورد؛ زیرا این عمل باعث بقای بدن‌ها یا بدنی دیگر می‌شود که آن ژن‌ها را در خود حمل می‌کند. پس ژن‌ها در بدن،



سازوکارهایی را بنیان نهاده‌اند که بدن را به‌سوی این عمل می‌کشاند، حتی اگر باعث هلاکتش شود؛ زیرا این کار باعث حفظ مجموعه‌ای از ژن‌های فردی، ضمن مجموعه ژن‌های عمومی موجودات زنده می‌شود.

متن زیر از کتاب «توهم بی‌خدایی» است که این مطلب را روشن می‌کند. هرکس خواهان تفصیل بیشتری است می‌تواند به این کتاب مراجعه کند:

«اگر به پیرامون خود نگاهی بیندازیم، می‌بینیم برخی حیوانات بعضاً رفتارهای ایثارگرانه‌ای از خود نشان می‌دهند. مثلاً می‌توانیم نمود آن را در رفتار پدران و مادران در برابر فرزندان، رفتار زنبورهای کارگر در برابر ملکه و دیگر کارگران و نیز کل کندو مشاهده کنیم؛ ولی آیا این، ایثارگری واقعی است یا به ظاهر ایثار کردن، و در واقع خودخواهی ژنتیکی است؟! چراکه خاستگاه چنین رفتارهایی خودخواهی ژن‌ها، یا خویشاوندسالاری یا تمایل به حفاظت بدن‌های حامل این نوع ژن‌هاست که این‌ها چنین رفتارهای ایثارگرانه‌ای را از خود بروز می‌دهند؛ به‌عبارت دیگر نرمش و مدارای والدین نسبت به فرزندان و خوردن غذا به آن‌ها و نیز فداکاری زنبورهای کارگر برای محافظت از کندو و ملکه و خواهرانش، بر اساس خودخواهی ژن‌هایی است که از ویژگی موفقیت در انتقال، استمرار و بقا برخوردارند. واقعیت بیولوژیکی آن است که پدر و مادر به این دلیل از فرزندان خود مراقبت می‌کنند که ژنی در ژنوم آن‌ها، ایشان را به چنین رفتاری سوق می‌دهد؛ مثلاً از طریق تأثیری که بر ساخت سیستم عصبی، مغز، غدد یا هورمون‌ها از خود بر جای می‌گذارد؛ و یکی از دلایل موفقیت ژنوم آن‌ها در انتشار و بقا، وجود این ژن است که ایشان را به آن رفتار ایثارگرانه سوق می‌دهد.

سؤالی که در اینجا پیش می‌آید این است که چگونه ژنوم والدین، در بقا و استمرار فرزندان بهره‌مند می‌شود؟ پاسخ این سؤال را می‌توان به‌سادگی بیان کرد:

زیرا فرزندان، حامل درصد معینی از ژن‌های والدین خود هستند؛ به‌عنوان مثال بچهٔ انسان، حامل نیمی از ژن‌های مادر و نیمی از ژن‌های پدرش است.

بنابراین آن دسته از والدینی که در ترکیب ژنتیکی‌شان، ژن ایثارگری نسبت به فرزندان و برآورده‌ساختن نیازهای آن‌ها یافت می‌شود، به‌گونه‌ای که فرزندان را شایسته و آمادهٔ رسیدن به سن بلوغ و تولی مثل می‌نماید، این والدین استمرار و بقای ژن‌های خود را در نسل‌های آتی، محقق خواهند کرد؛ در نتیجه این نوع ایثارگری (ایثارگری والدین برای فرزندان) در واقع ژنتیکی و خودخواهانه است؛ یعنی خودخواهی ژن‌ها آن را به وجود آورده و ایثارگری واقعی محسوب نمی‌شود. آن دسته از والدینی که توجه کافی به فرزندان خود ندارند و از آن‌ها حمایت نمی‌کنند، یا به‌عبارت دیگر والدینی که ژنوم آن‌ها شامل ژن‌هایی نیست که آن‌ها را به حمایت از فرزندان وادارد (از قبیل فراهم‌نمودن لانه، غذا و مراقبت) نمی‌توانند ژن‌های خود را به نسل‌های بعد انتقال دهند؛ زیرا به‌طور خلاصه آن‌ها در تربیت فرزندان خود که به سن بلوغ، تولیدمثل و انتقال ترکیب ژنتیکی خود به نسل‌های بعد برسند، ناموفق‌اند. به این ترتیب این والدین یا به‌عبارت دیگر این ترکیب ژنتیکی یا نقشهٔ ژنوم، مجازات شده و در این زندگانی، ژن‌های خاص آن‌ها استمرار نیافته، از گردونهٔ رقابت حذف می‌شود.

مسئلهٔ توجه و اهتمام والدین به فرزندان، به‌طور کامل دلیل ژنتیکی دارد و اگر ژن‌ها راهبرد موفق دیگری به‌جز توجه مستقیم والدین به فرزندان بیابند، چه بسا همان را به کار بگیرند. این قضیه دربارهٔ پرنده‌ای به‌نام کوکو اتفاق افتاده است. این پرنده تخم‌هایش را در لانهٔ قربانیانش جا می‌دهد تا آن‌ها فرزندان را تربیت کنند. او خودش نسبت به فرزندان بی‌توجه است و نسبت به آن‌ها هیچ عاطفه‌ای نشان نمی‌دهد. این پرنده به‌محض برآورده‌ساختن نیاز جوجه‌ها، با قرار دادن آن‌ها در لانهٔ پرندهٔ قربانی که به‌جای وی آن‌ها را پرورش می‌دهد، رابطه‌اش را با جوجه‌هایش



پایان می‌دهد. این مثال دلیل واضحی است مبنی بر اینکه مسئله بدن‌ها، به حیطة ژن‌ها مربوط می‌شود.

همین مسئله درباره زنبورهای کارگر نیز وجود دارد. آن‌ها نزدیکی بسیار زیادی با خواهران خود دارند و از مادر به آن‌ها نزدیک‌ترند، زیرا خواهران همگی نسخه همانندی از ژن‌های پدر را دارا هستند؛ از این رو در فداکاری و پیشی‌گرفتن برای حمله به دشمن، دلیل منطقی وجود دارد؛ با وجود اینکه زنبور کارگر پس از نیش‌زدن می‌میرد. این ژن ایتارگر در ازدیاد، استمرار و بقا موفق بوده، زیرا توانسته است در محافظت از کندو بهتر عمل کند. منفعتی که مرگ زنبور کارگر برای ژن‌های او به دنبال دارد بیش از منفعت زنده ماندنش است؛ زیرا آن‌ها با سبقت‌گرفتن در مرگ به جای خواهرانشان و نیز با دفاع از مادر (زنبور ملکه)، در بقا و استمرار نسخه‌های زیادی از ژن‌های موجود خود در بدن همه خواهران کارگر نقش دارند و نیز در بقای ژن‌های موجود در تخمک‌ها و اسپرم‌های موجود در بدن مادر (زنبور ملکه) نیز تأثیرگذارند. بی‌تردید چنین ترکیب ژنتیکی از آن ترکیبی که در فداکاری بر یکدیگر پیشی نمی‌گیرند، برای بقا و استمرار تواناتر است. طبیعت، آن‌هایی را انتخاب خواهد کرد که در فداکاری، شجاعت و ... پیش‌قدم هستند؛ یا باید بگوییم آن نوع ترکیب ژنتیکی که به خوبی می‌تواند بقا و استمرار یافته، در برابر شرایط طبیعی محیط پیرامونش مقابله کند.

به‌طور کلی تا زمانی که فداکاری، برای ژن‌ها منفعت بیشتری همراه داشته باشد - حتی با چشم‌پوشی از قرابت بین آن‌ها - خودخواهی ژن‌ها می‌تواند ویژگی ایتارگری در برابر یک موجود دیگر را تفسیر کند.»

اما در خصوص انسان به‌طور خاص، در کتاب «توهم بی‌خدایی» مسئله اخلاق انسانی را مورد بحث و بررسی قرار داده‌ام، و اینکه مؤلفه جدیدی در معادله انسان

وجود دارد که همان اینتاگرگی حقیقی بی‌چشمداشت است و هرکس خواهان جزئیات بیشتری است می‌تواند به کتاب «توهم بی‌خدایی» مراجعه کند؛ اما در اینجا می‌خواهم به مسئله اقدام به نابودکردن «بدن» برای اهدافی معین بپردازم؛ چه این اهداف دینی باشد، چه لیبرالی، چه مارکسیستی، میهنی، انسانی یا حتی نفسانی بوده باشد، و برای همه این جوانب و نیز جنبه‌های دیگر- می‌توانیم مثال‌هایی از قربانیانی ارائه دهیم که خود و زندگی خود یا حتی مهم‌ترین شاخصه‌ای را که موجودات زنده به آن اهتمام دارند تقدیم کرده‌اند؛ یعنی انتقال ژن‌های فردی به نسل بعد. بنده معتقدم شناسایی این نمونه‌ها به آسانی امکان‌پذیر است؛ به طوری که هیچ‌کس در فهمیدنشان دچار اشتباه نمی‌شود. بسیاری از مردم در سرتاسر جهان به چیزهایی اعتقاد دارند که آن‌ها را «ایثارگرایانه» ارزیابی می‌کنند؛ در حالی که این‌ها هیچ ارتباطی با دین ندارند مانند «چه‌گوارا»- و با چشم‌پوشی از مثال‌های فردی، ایثار حقیقی به اعتبار اینکه صفتی است که هر نفس انسانی می‌تواند به آن متصف شود- مسئله‌ای حقیقی و واقعی است. آنچه در بسیاری اوقات رخ می‌دهد این است که این صفتِ نفسانی، وقتی جایگاه صحیح طراحی شده خود را- که خیر آخرت و دنیایش را تأمین می‌کند- نیابد، انسان را به سوی زیان و خسران زودگذر در دنیا و آخرت سوق می‌دهد و به این ترتیب می‌تواند او را به سوی خودکشی به منظوری پوچ و بیهوده بکشاند یا او را به آنجا برساند که خود را در میان جمعیتی از مردم در خیابان منفجر کند؛ همان گونه که -چه در گذشته و چه حال- سلفی‌ها می‌کرده‌اند و می‌کنند؛ پس مهم‌ترین نقش این صفت نفسانی- که هر انسانی می‌تواند در نتیجه منتشر شدن نفس آدمی در او به آن متصف شود- این است که این صفت، اهمیت جسم و بقای آن را برای انسان در برابر نقش ژن‌هایی که برای بزرگ جلوه‌دادن اهمیت جسم حامل ژن، وارد عمل شده و مانع از قربانی کردن جسم می‌شوند کاهش دهد، مگر برای هدف ژنتیکی بالاتری که این هدف، عبارت است از محافظت از مجموعه ژن‌های فردی به طور عمومی؛ یعنی همان گونه که درباره



زنبورهای کارگر و خانواده‌شان مطرح است.

اگر مطالب پیش‌گفته برایتان روشن شود خواهید دید خودکشی و انتحار مجموعه‌های سلفی (وهابیت) هیچ شاخصه به‌خصوصی ندارد تا برای هدایت آن‌ها و شناساندن حق به آن‌ها، خواهان سخن خاصی خطاب به آن‌ها باشی؛ زیرا این قاتلانی که می‌بینیم مردان و کودکان و زنان را با چاقو و با سنگ‌دلی - که هیچ نظیری برایش پیدا نمی‌شود- ذبح می‌کنند و جگرهای انسان‌ها را به دندان می‌گیرند، به‌طور قطع و یقین چیزی از عطوفت یا اخلاق نمی‌شناسند و به این دلیل این عده دورترین افراد از هدایت و شناخت حقیقت و دین الهی هستند...^۱



ژن‌ها و رابطه با چند مؤنث

زیست‌شناسی تکاملی، ژن‌ها و چندهمسری:

در اینجا می‌خواهم به بحث و بررسی این مسئله از دید زیست‌شناسی ژنتیکی بپردازم، تا به پرسش زیر پاسخ گفته شود: آیا ژن‌های یک مُذکر، وی را به سوی ارتباط با بیش از یک مؤنث سوق می‌دهند یا خیر؟

واقعیت این است که امکان ندارد بدون فهم نظریه تکامل و استراتژی‌های تکامل در زندگی روی این زمین، بتوان [مفاهیم] «مرد» و «زن» را به شکل صحیح و دقیق درک کرد؛ به طوری که بتوان در مطالعات خردمندانه‌ای که در خصوص مشکلات اجتماعی و روانی انجام می‌شود، به این دو مفهوم تکیه کرد.

مذکر و مؤنث، به عنوان «جسد» (بدن) عبارت‌اند از:

مستعمره‌هایی ژنتیکی که به عنوان ابزاری برای انتقال و بقای ژن‌ها نسل‌اندنسل- از طریق مشارکت و همکاری ژنتیکی در فرزندان به کار گرفته می‌شوند، و به طور معمول این مشارکت و همکاری، جز از طریق تلاقی جنسی صورت نمی‌پذیرد، که به نوبه خود علتی برای شکل‌گیری خانواده و ارتباط عاطفی میان جنس نر و جنس ماده است؛ ارتباطی که نیازمندیم آن را به شکل صحیح و دقیق درک کنیم تا بتوانیم بسیاری از مشکلات اجتماعی، عقده‌ها و بحران‌های روانی را بفهمیم تا برای فراهم‌آمدن راه‌حل‌هایی ثمربخش و صحیح برای این مشکلات زمینه‌سازی شود؛ بنابراین ما نیاز مبرمی به دقت نظر در خصوص طبیعت رفتار «جنس نر» در برابر «جنس ماده» و طبیعت رفتار «جنس ماده» در برابر «جنس نر» داریم.

تکامل - به طور معمول - چه رفتار جنسی را به حیوان مذکر تحمیل می‌کند؟

و تکامل - به طور معمول - چه رفتار جنسی را به حیوان مؤنث تحمیل می‌کند؟

طبیعتاً دانشمندان زیست‌شناسی تکاملی، پژوهش‌های بسیاری برای شناخت این رفتار انجام داده‌اند.

و چکیده این پژوهش‌ها عبارت است از:

استراتژی جنس مذکر - از دید تکاملی - عبارت است از اینکه برای منتشر کردن ژن‌های خودش در گسترده‌ترین محدوده ممکن بدون هیچ توجهی به آنچه جنس ماده به خاطر توجه نشان دادن به این ژن‌ها تحمل خواهد کرد - تلاش می‌کند؛ اما استراتژی جنس مؤنث - از دید تکاملی - عبارت است از جست‌وجوی شریکی وفادار. جنس ماده نیز می‌خواهد ژن‌های خودش را در گسترده‌ترین محدوده ممکن منتشر سازد، ولی تلاش می‌کند همراه خود شریکی وفادار داشته باشد؛ شریکی که نسبت به فرزندان که ژن‌های مذکر و مؤنث را به‌طور هم‌زمان - در خود دارند توجه نشان دهد.

دلیل این دو حالت متفاوت یعنی تمایل جنس نر برای برقرار کردن ارتباط جنسی با چندین ماده تا ژن‌های خودش را در گسترده‌ترین محدوده منتشر کند، و تمایل داشتن جنس مؤنث برای یافتن یک نر وفادار برای منتشر کردن ژن‌های خودش - عبارت است از اینکه جنس مذکر، ژن‌هایی بدون مواد غذایی و بدون هیچ مراقبتی (که اسپرم، این ژن‌ها را با خود حمل می‌کند) ارائه می‌کند در حالی که جنس ماده، ژن‌هایی در محاصره اندوخته غذایی و برخوردار از توجه و مراقبت عرضه می‌دارد (تخمکی که شامل ژن‌ها و اندوخته غذایی است؛ به‌علاوه مراقبت و نگهداری پس از شکسته شدن تخم، که این مراقبت می‌تواند در لانه پرنده انجام شود، می‌تواند در رحم زن انجام شود، در کیسه کانگورو انجام شود یا در محیط بیرونی صورت پذیرد).

به همین دلیل در تاریخ تکاملی، کشمکش پُرالتهاب میان این دو استراتژی



وجود داشته است و آنچه ما در جهان بیرونی شاهد هستیم چیزی جز نتیجهٔ این کشمکش در طول تاریخ تکاملی نیست و طبیعتاً این معرکه، پیوسته ادامه‌دار و پُرالتهاب بوده است. قطعاً استراتژی جنس مؤنث، مجموعهٔ ژنی را وادار می‌کند برای مشکلاتش با جنس مذکر راه‌حل‌هایی پدید آورد، ولی باقی‌مانده‌ای از مجموعهٔ ژنتیکی جنس مذکر، مُستعمرات ژنتیکی (بدن‌های جنس مذکر) را به‌سوی یافتن ابزارهایی پیچیده برای خنثی کردن آنچه مجموعهٔ ژنتیکی جنس ماده در جهت وادار کردن او برای وفاداربودن به مستعمره‌های ژنتیکی جنس مؤنث (بدن‌های جنس مؤنث) انجام داده است سوق می‌دهد.

افراد جنس نر، لانه و خانه می‌سازند، آن‌ها را زینت می‌دهند و برای جنس ماده غذا فراهم می‌کنند، به‌گونه‌ای که تکالیفی در جهت اطاعت، احترام و فرمان‌برداری از جنس ماده را برایش جلوه‌گر می‌سازند تا در نهایت، توجه جنس ماده را به خود جلب کنند و او ازدواج و مشارکت ژنتیکی با گنج ارزشمند خود در طبیعت (یعنی تخمک) را می‌پذیرد.

مقدمهٔ بالا، با اختصار بسیار بود و چه بسا کسی که می‌خواهد آن را با دقت درک کند، نیازمند آگاهی‌یافتن از نظریهٔ تکامل به‌صورتی صحیح و از منابعش باشد.

اما اگر شما نمی‌خواهی تلاشی برای فهمیدن این مقدمه به خرج بدهی، مَخْلَص کلام بالا عبارت است از اینکه «جنس مؤنث حیوانی» (از جمله جنس مؤنث انسان) از آنجا که مستعمره‌ای ژنتیکی است غالباً به‌دنبال همسری وفادار است تا با او ارتباط برقرار کند. اما «جنس مذکر حیوانی» به‌دنبال شریک مؤنث می‌گردد تا بپذیرد که او از الطاف و مواهبی که [جنس مؤنث] برای ژن‌های خودش و ژن‌های شریکش عرضه می‌کند سودجویی کند؛ الطاف و مواهبی که از تخم شروع می‌شود و چه بسا تا به‌استقلال رسیدن محصول جدید (یعنی فرزندان) پایان

نمی‌پذیرد.

با توجه به آنچه در بالا تقدیم شد، میان جنس مذکر و جنس مؤنث در نوع بشر، در طول این مسیر تکاملی چه چیزی حاصل شده است؟

جنس مذکر در طبیعت، به جنس مؤنث مکانی امن برای زندگی و دوری جستن از شکارچی‌ها و غذایی به‌عنوان بیعانه‌ای برای فداکاری و وفاداری پیشکش می‌کند تا موافقت جنس مؤنث را به‌دست بیاورد؛ اما در این دوران کنونی، ما می‌توانیم بسیاری از رفتارهای دیگر را شاهد باشیم؛ رفتارهایی که در ظرف همان «غرض» ریخته شده و شکل گرفته‌اند؛ یعنی تلاش جنس مذکر برای اینکه خودش را به‌عنوان شخصی وفادار به جنس ماده عرضه کند و اینکه تنها با او [زندگی را] ادامه خواهد داد.

و در عین حال همواره بقایایی [ژنتیکی] وجود دارد که جنس مذکر را به‌سوی انتشار ژن‌هایش و پایبندی به یک مؤنث، فرامی‌خواند؛ بنابراین ژن‌هایی که جنس مذکر را به خیانت نسبت به شریک مؤنث فرامی‌خوانند به‌صورت ژن‌هایی غیرفعال، تبدیل و دگرگون نمی‌شوند؛ درست مثل وضعیتی که برای دیگر ژن‌ها در این مسیر تکاملی حاصل شده است.

بنابراین پاسخ پرسش ما:

بله، ژن‌های جنس مذکر، او را به ارتباط داشتن با بیش از یک مؤنث سوق می‌دهند.

نکته: سخن بالا، پاسخی علمی - از طریق زیست‌شناسی تکاملی و ژن‌ها - به اشکال مطرح‌شده از سوی ملحدان و خداناباوران به مجاز بودن «چندهمسری» در اسلام بود، و بنده پیش‌تر این مسئله را از دید اجتماعی و اینکه راه‌حلی برای مشکلی اجتماعی در دوران فرستاده خدا حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) بوده است بیان کرده‌ام.



شایان ذکر است که پرداختن بنده به این مسئله به این معنا نیست که بنده - در دوران کنونی - در راستای چندهمسری تشویق می‌کنم؛ بلکه این تنها بیانی علمی و منطقی برای حقانیت اسلام و احکامش است.^۱



۱ - پیام منتشرشده در صفحه رسمی فیس‌بوک سید احمدالحسن، به تاریخ ۲۴ فوریه ۲۰۱۹

تقسیم‌بندی نفس‌ها به مذکر و مؤنث

پرسش:

سید عزیز ما، خداوند شما را زنده بدارد و به شما جزای خیر دهد، و از خدا می‌خواهم از فضل خود بر شما بیفزاید، و از لطف خود بر ما اکرام فرماید، و شما -ای آقای ما- گوشه‌ای از علم پوشیده و پنهان داشته‌شده‌ او را به ما عرضه بدارید. آقای ما، سؤالی دارم؛ تفضل بفرمایید و پاسخ گوید.

همان طور که معلوم و ثابت‌شده است و همان طور که شما بیان فرمودید، پیدایش و تکامل، راه درست برای تفسیر پیدایش حیات و تکاملش بر روی زمین است، و این مطلب با دلایل و برهان‌های علمی ثابت شده است.

و همان گونه که شناخته شده است [مسیر] تکاملی که موجودات زنده پیموده‌اند به این منجر شده که موجودات زنده به صورت دو جنس مذکر و مؤنث [از یکدیگر] جدا شوند؛ و این از جمله خصوصیات است که در جهت رسیدن به رکنی اساسی از فرایند تکامل، بسیار کمک کرده است؛ یعنی فرایند انتقال ژن‌ها از نسلی به نسل دیگر به‌همراه ظهور صفاتی که برای بقا سازگاری بیشتری دارند؛ این نکته‌ای است که در جنبه زیست‌شناختی انسان نیز حاصل شده است.

پرسش: آیا ارتباط یا تأثیری از جهت نفسانی منظورم تأثیرگذاری نفس است. در این فرایند جداسازی برای موجود زنده وجود دارد؟ آیا در عالم آنفس نیز مذکر و نفس مؤنث وجود دارد؟ و اگر وجود دارد چه علتی در ورای آن نهفته است؟ می‌دانیم علت از دید زیست‌شناختی، ازدیاد و تکثیر است. و نکته مهم این است که عامل مشخص‌کننده جنسیت از دیدگاه بیولوژیکی وجود کروموزومی است که جنس را مشخص می‌کند. آیا این عامل، از عامل نفسانی تأثیر می‌پذیرد و بر جنبه زیست‌شناختی غالب می‌شود؟ مثلاً اگر وجود یک نفس مذکر را در یک بدن بیولوژیکی مؤنث فرض بگیریم، آیا چنین وضعیتی می‌تواند حاصل شود؟

و سؤال‌های بسیار دیگر. خداوند به شما جزای خیر دهد!

پاسخ:

خداوند شما را زنده بدارد، شیخ بزرگوار صادق محمدی،

از خداوند می‌خواهم شما و خانواده بزرگوارت و کسانی که در پناه شما هستند در خیر و عافیت باشند، و سلام من به همه شما.

نفس‌ها نیز متمایز هستند؛ ولی این تمایز با تمایز جنسی - که تکامل بیولوژیکی روی این زمین پدید آورده است - متفاوت است.

بنابراین نفس مؤنث و نفس مذکر وجود دارد، ولی این به همان معنای جنسی [متعارف] نیست، و [خصوصیتی است که] تنها با عالم نفس‌ها متناسب است؛ و بهره‌مندی و سعادت که برای نفس‌ها از ارتباطشان با یکدیگر محقق می‌شود بسیار بیشتر از بهره جنسی یا هرگونه بهره‌مندی و سعادت است که در این عالم، در نتیجه ارتباط [جنس] مذکر و مؤنث به دست می‌آید.

بنابراین تمایز نفسانی مهم است؛ چراکه عاملی است برای سعادت و خوشبختی انسان در عوالم دیگر، و حتی در این عالم نیز می‌توان برخی آثار آن را لمس نمود.

می‌توان این تفاوت را - هرچند تا حدودی - از طریق درک تفاوت بزرگ میان بهره‌مندی و سعادت‌مندی زوجی که ارتباط جنسی، خانوادگی و فرزندانی، آن دو را به یکدیگر پیوند داده، و سعادت‌مندی زوج دیگری که عاطفه و محبت آن دو را به یکدیگر پیوند داده است، تصور نمود.^۱

تأثير زنان و نقش سياسي شان

مشاركت زنان در تظاهرات

مشارکت زنان در تظاهرات

پرسش‌های فراوانی دربارهٔ شرکت زنان در تظاهرات فردا، جمعه، در میدان «التحریر» بغداد مطرح شده است؛ تظاهراتی که برای مطالبهٔ حقوق و برملا کردن فساد احزاب حاکم و تسلی خاطر خانواده‌های داغ‌دیدهٔ شهدای عراق در «الکراده» برگزار می‌شود.

اما پاسخ: از زنان نمی‌خواهم در تظاهرات شرکت کنند؛ ولی وقتی عمهٔ ما، زینب دختر علی (علیه‌السلام) برای مطالبهٔ حقوق و رسواکردن حکومت اموی ستمگر در حضور همگان خارج شد، من نمی‌توانم یک زن را از ایفای چنین نقشی منع کنم.^۱

پرسش:

آقای من، آن‌ها با گفتن اینکه زنان دچار سختی و گرفتاری می‌شوند، سازماندهی‌شان دشوار است، شرایط سخت است و... و... قلبم را شکستند. آن‌ها حتی مرا برای تشویق زنان هم نمی‌خواهند؛ با اینکه زنان گرمای شدید و نیز سختی‌های دیگری را تحمل کرده‌اند.

اکنون اگر زن‌ها این سخن را بفهمند چه فکری خواهند کرد؟! من نرفتم و قلبم به درد آمده است؛ پس وضعیت آن‌ها چگونه خواهد بود... من نمی‌توانم به آن‌ها خبر بدهم چه چیزی به من گفته شده است... نمی‌دانم چه کنم. ای آقای من! اعتقاد من این بود همان طور که حسین (علیه‌السلام) زانش را فدا کرد، اجازه‌دادن به حضور زنان در تظاهرات ساده‌ترین کاری است که می‌توان انجام داد... نمی‌دانم درست چیست؟

چرا ما را سربار می‌دانند، نه کمک‌حال و یاور؟! شکایتیم را به خدا و به شما ای آل‌محمد (علیهم‌السلام) می‌آورم. حتی با وجود اینکه ضعیف هستیم تلاش کردیم کمک کنیم، اما با شنیدن اینکه شما زن هستید، دل شکسته شدیم؛ در حالی که فرصت‌های عمر ما برای



همراهی با قائم آل محمد علیه السلام از دست می‌رود.

پاسخ:

خداوند همه شما را زنده بدارد. هرکدام از زنان که می‌تواند در جمعۀ پیش‌رو حضور یابد، باید در تظاهرات حاضر شود.^۱

پرسش:

حکم بانوان انصاری که با شوهرانشان که مخالف دعوت هستند زندگی می‌کنند چیست؟ طبیعتاً شخص مخالف، ما را از شرکت در تظاهرات منع می‌کند؛ زیرا او برخلاف یک انصاری- از اصل و اساس، به امر شما پایبند نیست. نصیحت شما به نحوه رفتار من با مادرم چیست که مخالف، ولی مسکین است و ما را دوست دارد و نمی‌خواهم او دلگیر شود؟ و آیا تظاهرات بر ما واجب است؟ و اگر به‌خاطر ناراحتی مادری که سختی‌های زندگی را چشیده است امتناع کنیم چه؟

از شما درخواست دعا دارم؛ چون سینه‌ام تنگ شده و راه‌گریز ندارم و نمی‌توانم بیش از این تحمل کنم.

دختر شما، ای نور دیده.

پاسخ:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. دخترم خداوند تو را زنده بدارد. قطعاً زن نقش بزرگی دارد و یک مرد نمی‌تواند به‌جای یک زن ایفای نقش کند؛ زیرا زن خصوصیتی دارد که مرد ندارد، و تأثیر اجتماعی زن در برخی موقعیت‌ها بسیار بیشتر

از تأثیر مرد است.

زنِ خردمند و زنی که قدرت مخاطب قراردادن جامعه و تأثیرگذاری در آن را دارد، قطعاً در برابر جامعه، واجب اخلاقی بر عهده دارد؛ به خصوص که می‌بیند ظلم و ستم، مردمش و حقوق آن‌ها را درهم شکسته است و قطعاً زنانِ دیگر باید او را پشتیبانی و حمایت، و همراهش خروج کنند.

اما مسئله خروج زنان برای تظاهرات، پاسخی بیش از آنچه در پاسخ قبلی گفته‌ام وجود ندارد. می‌توانی از آن پاسخ مطلع شوی؛ و بنده نگفتم تظاهرات برای زن، واجب شرعی است.^۱

سید احمد الحسن (علیه السلام) درباره نقش زنان در تظاهرات استان بصره نیز پیامی منتشر کرده است.

#انقلاب بصره تا به حال، چه چیزهایی را تحقق بخشیده است.

۱- حکومت محلی و مرکزی را ادب کرده، و احزاب خرابکار را که عراق را ویران کردند، به وحشت انداخته است، و آن‌ها را وادار خواهد کرد درباره هرگونه تظاهراتی که در آینده پیش آید، هر کلمه‌ای را که بر زبان جاری می‌کنند، هزار بار بسنجند، چه برسد به سرکوب آن؛ و موضع نخست‌وزیر عراق و استاندار بصره و حتی بعضی دستگاه‌های امنیتی نظامی، به روشنی ۱۸۰ درجه تغییر کرد؛ با اینکه هنوز «نیس» در جنوب فرانسه است.^۲

۲- برای ملت عراق به طور کلی، آرزوی بزرگی را برآورد؛ زیرا این یک تظاهرات غیرسیاسی بود و وابسته به هیچ جبهه دینی یا سیاسی نبود و امروز مردم عراق به

۱ - کتاب پیک صفحه: ص ۳۰۲.

۲ - نیس، شهری در فرانسه است.



شما می‌نگرند و تمامش آرزو و انتظار است.

۳- تعداد بسیاری از تظاهرکنندگان بصره را بانوان تشکیل دادند و حضور زنان در [تظاهرات] بصره، به زنان دیگر استان‌های عراق شجاعت بخشید تا عنان کار را در دست بگیرند؛ زیرا زن قوی است و می‌تواند کارهای زیادی را تحقق بخشد. تصویر زیر نشان‌دهنده بانوانی است که در تظاهرات اخیر کربلا شرکت کردند.



تصویر پیوست شده به پیام

۴- جوانان با خروج از میدان، هوشیاری بزرگی از خود نشان دادند؛ پس از آنکه گروه‌های احزاب برای تصفیه حساب، با بزرگ‌ترین ائتلاف خود، برای خراب‌کاری و آتش‌زدن و درگیری‌های داخلی‌شان از راه رسیدند.

به همین نکات بسنده می‌کنم؛ وگرنه چیزهای دیگری هم محقق شده است. شما خیلی چیزها را تحقق بخشیده و چیزهای بسیاری را تغییر داده‌اید، و من

اطمینان دارم شما تغییر ریشه‌ای را رقم خواهید زد.^۱

درباره نقش زن در ساختن تاریخ، سید احمد الحسن (علیه السلام) فیلمی از یک فعال مدنی منتشر کرده است.^۲



تظاهرات کننده‌ای از بصره

«تظاهرات بصره ۳۱-۰۸-۲۰۱۸»

زنان تاریخ را می‌سازند

#انقلاب

۱ - پیام‌های امام احمد السحن (علیه السلام) در صفحه فیس‌بوک، به تاریخ ۹ سپتامبر ۲۰۱۸.

<https://www.facebook.com/Ahmed.Alhasan.۱۰۳۱۳/posts/۱۷۸۳۸۴۶۰۵۴۹۹۶۳۸۳>

۲ - این ویدئو، شهید ساره طالب را نشان می‌دهد که در تاریخ سوم اکتبر ۲۰۱۹ (۱۲ مهر ۱۳۹۸) پس از تهدید و تعقیب‌وگریز، پس از شرکت در تظاهرات برای بهبود اوضاع عراق، به همراه همسر و فرزند در شکمش به طرز وحشتناکی ترور شد. ساره، یک فعال مدنی ۲۴ ساله، در تظاهرات بصره با ارائه کمک‌های اولیه به معترضان مجروح شرکت کرد. او راهپیمایی‌های زنان را رهبری می‌کرد و ویدئوهایی را در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کرد که فساد مقامات را محکوم، و وضعیت موجود را رد می‌کرد.



تغییر ریشه‌ای، نخست‌وزیر یک دولت نجات مستقل»^۱

سید احمد الحسن رحمته‌الله علیه در سوگ شهید رهام یعقوب:^۲



تصویر پیوست‌شده به پیام

آنچه در بصره به‌طور خاص، و به‌طور کلی در عراق در خصوص ترور پسران و دختران ما اتفاق می‌افتد یک جنایت تروریستی است که به‌وضوح نشان می‌دهد هیچ تفاوتی میان جناح‌های مسلح شبه‌نظامیان جنایتکار وابسته به احزاب فاسد در عراق، با داعش و القاعده وجود ندارد.

۱ - پیام سید احمد الحسن رحمته‌الله علیه در صفحه رسمی فیس‌بوکش، به تاریخ ۱ سپتامبر ۲۰۱۸

<https://www.facebook.com/Ahmed.Alhasan.10313/posts/1783846054996383>

۲ - رهام در شبکه‌های اجتماعی خود را دانشجوی دکتری دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، مدرس دانشگاه بصره، صاحب سالن بدن‌سازی، متخصص آموزش تناسب اندام، پژوهشگر علوم تغذیه، و تهیه‌کننده و مجری برنامه‌ای در رادیو الرشید FM معرفی کرده است. او در حالی که در داخل ماشین خودش بود در ۱۹ آگوست ۲۰۲۰ توسط افراد مسلح ناشناس ترور شد. رهام شاکر یعقوب یکی از فعالانی بود که در تظاهرات سال ۲۰۱۹ عراق شرکت کرد و خواستار تغییر مقامات استان بصره شد. مرگ وی هم‌زمان با ترور چند فعال شرکت‌کننده در تظاهرات عراق بود.

اسلام اهل بیت از آن‌ها و جنایاتشان مبراست.

علی بن ابی طالب (علیه السلام) در امور دنیوی با مردم رقابت نمی‌کرد و حتی کسانی را که به او آسیب می‌رساندند می‌بخشید.

خداوند همه شهدای انقلاب مسالمت‌آمیز عراق را بیمارزد، و از خداوند می‌خواهم به خانواده‌های آن‌ها و دوستانشان به‌خاطر آنچه بر آن‌ها آمده است صبر عنایت فرماید.

در پناه رحمت خدا، دختر عزیزمان دکتر رهام یعقوب العماره^۱.

دقایقی بعد یکی از دنبال‌کننده‌ها چنین نظر داد:

البته ما از شما متشکریم که در خصوص جوانان ما که از دنیا می‌روند [پیام] منتشر می‌کنید؛ اما ای کاش پیروانی داشتید که پیش از شما این عمل را محکوم می‌کردند.

پاسخ:

عزیزم، خداوند شما را زنده بدارد.

عزیز من، دست‌کم هزاران مؤمن زن و مرد در تظاهرات‌های بصره، بغداد و جاهای دیگر شرکت می‌کنند و برخی از آن‌ها به شهادت رسیده‌اند. برخی از آن‌ها فرزندان طلبه‌ها، و برخی دیگر نیز طلبه و در حوزه مهدوی استاد هستند. در همین صفحه، برای یکی از استادان حوزه مهدویه «شیخ حیدر مالکی» که توسط شبه‌نظامیان جنایتکار در بصره در انقلاب اکتبر ترور شد، به‌صورت خاص تسلیت

۱ - پیام منتشرشده در صفحه رسمی فیس‌بوک، به‌تاریخ ۲۰ آگوست ۲۰۲۰.



گفته شد؛ همچنین برخی از آنها توسط شبه‌نظامیان ربوده و شکنجه شده‌اند.

مؤمنان همچنین در طول انقلاب اکتبر چادرهای زیادی را در میدان «التحریر» و میادین دیگر برپا کردند.

مؤمنان صدها میلیون [دینار] برای پشتیبانی از میادین و انقلابیونی اهدا کردند که خودشان هم جزو آن انقلابیون بودند.^۱

سید احمدالحسن (رحمته) به موضوع ترور دکتر رهام یعقوب اهتمام زیادی نشان داد؛ و ویدئوی دیگری را نیز به همان پیام پیوست کرد.^۲



ویدئوی پیوست‌شده به پیام

۱ - منبع قبلی.

۲ - این ویدئو با تصویری از اکانته شهید رهام یعقوب در برنامه اینستاگرام شروع می‌شود.

<https://www.instagram.com/p/BnmYDUhgDRo/>

او در پست خود، کلیپ‌هایی از شرکت خود در تظاهرات فمینیستی در سال ۲۰۱۸ منتشر کرده است. سپس شهید رهام یعقوب در مصاحبه مطبوعاتی با وی حاضر می‌شود که به همراه او درباره وضعیت بصره و نعمت‌های عراق که سیاستمداران به سرقت برده‌اند صحبت کرد. او وقتی بصره از بی‌آبی رنج می‌برد خواستار ساده‌ترین حقوق بود. آدرس ویدئو در فیس‌بوک:

https://www.facebook.com/Ahmed.Alhasan.۱۰۳۱۳/posts/۳۱۰۳۱۵۴۶۹۳۰۶۵۰۶?comment_id=۳۱۰۳۸۲۵۲۴۹۶۶۵۱۱۷

شخصی پرسشگرانه چنین نوشت:

والله نمی‌دانم! قضیه گیج‌کننده است! سید برای یک زن فعال اجتماعی که جهت‌گیری‌های خود را از آمریکا می‌گیرد رحمت می‌فرستد، و شما انصار هم به وی تسلیت می‌گویید. قضیه چیه؟ نمی‌دانیم.

پاسخ:

آیا اینکه او یک بار در محفلِ زنانه‌ای بوده که کنسولگری آمریکا در بصره آن را برگزار کرده و آن‌ها عکسی گرفته‌اند باعث می‌شود کشته‌شدنش در دین شما حلال شود. اگر این‌طور باشد شما باید به قتل هادی العامری و دیگر بزرگان فتوا بدهید که به کاخ سفید رفتند و در آنجا با نهایت ادب جلوی رئیس‌جمهور آمریکا نشستند و شما می‌توانی ده‌ها عکس از آن‌ها پیدا کنی.^۱

* * *

نخست‌وزیر عراق

وزیر کشور عراق

ویدئوی زیر تحریکی علنی برای قتل دکتر رهام است، [این ویدئو] واضح است و نیازی به توضیح ندارد؛ و از وظایف نخست‌وزیر عراق و وزیر کشور، اقدام قانونی علیه شبکه‌ی ماهواره‌ای العهد و مجری و همکاران اوست.

یعنی به گمان شبکه‌ی العهد: هرکدام از دختران عراقی که خاله‌ای به اسم اشواق داشته باشد، یا دوست مادرش باشد، یا خانم بزرگی که از آشنایان او باشد و «خاله اشواق» نامیده شود، رمزی برای سفیر آمریکایی در عراق خواهد بود.



خب، خاله هدیه چه رمزی برای سفیرِ بریتانیایی در فرهنگ لغت شبکه شما دارد.

خب، فرهنگ لغتتان را به ما بدهید تا خاله‌ها در عراق اسم‌هایشان را تغییر دهند.

نکته: من نمی‌دانم، حقیقتاً کار دادستانی در عراق چیست! کسی می‌تواند مرا متوجه کند که اصلاً در عراق سازمانی برای دادستانی وجود دارد یا نه؛ و اگر دامنه عمل دادستان به‌گونه‌ای است که برای بازکردن یا برطرف کردن قضایا علیه تهدیدکنندگانِ جانِ عراقی‌ها و محاکمه‌کردنشان، به آن‌ها توانمندی نمی‌دهد، آیا بهتر نیست چنین دفتری بسته شود. و اگر خودِ دادستان (مدعی‌العموم) و قضات و مقامات قضایی نیز بین احزاب و جناح‌های عراق تقسیم شده باشند [چه؟!]



شبکه ماهواره‌ای العهد به قتل دکتر رهام تحریک می‌کند

۱ - پیام امام احمد الحسن (علیه السلام) در صفحه رسمی فیس‌بوک، به تاریخ ۲۳ آگوست ۲۰۲۰.

و سید احمدالحسن ادامه می دهد:

هر مرد و زن شرکت کننده در تظاهرات ضد نظام، یک عنصر سیاسی ضد نظام محسوب می شود. او این حق را دارد تا با سفیران کشورهای موجود در عراق - چه سفیر آمریکا باشد و چه کشوری دیگر- دیدار داشته باشد، و برای وی شرح دهد فلانی و فلان سیاستمدار و رئیس گروه سیاسی و جناح ها، دزد و قاتل هستند، و از او بخواهد آمریکا دست از حمایت آن ها بردارد؛ دقیقاً مثل کاری که «هادی العامری» و دیگر سیاسیون انجام دادند که به کاخ سفید رفتند و با تمام احترام روبه روی رئیس جمهور آمریکا ایستادند و از او درخواست حمایت و تأیید کردند؛ و همان گونه که [الآن نیز] به صورت مداوم با سفیر آمریکا در عراق دیدار دارند.^۱

۱ - پیام امام احمدالحسن در صفحه رسمی فیس بوک، به تاریخ ۲۳ آگوست ۲۰۲۰.

زن در جامعه

صدأ و تصویر زن

تحصیل زنان / حق تحصیل زن محفوظ است

شغل زن

خشونت علیه زنان پذیرفتنی نیست

ویژگی زن، زن بودنش است

آیا اسلام عشق را منع کرده است؟

صدا و تصویر زن

پرسش:

حکم قرائت قرآن توسط زن‌ها طبق احکام تجوید متعارف در حضور مردها در مسابقات قرآنی که بعضی از معممین برای قضاوت و شبیه آن حاضر می‌شوند چیست؟

پاسخ:

بعضی از احکام یادشده ناصحیح یا تکلف‌آور است، و مسئله شنیدن صدای زن توسط مردها اشکالی ندارد؛ به خصوص اگر برای آموزش یا کار کردن باشد.^۱

توصیه سید احمدالحسن رحمته الله درباره قرار دادن عکس‌های نمادین در صفحات اجتماعی:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

دیروز یکی از مؤمنان را نصیحت کردم که اسم صحیح خودش را قرار دهد و نیز در صورت امکان، عکس شخصی خودش را. این تنها یک نصیحت در جهت ارتباط صحیح با دیگران در صفحات ارتباط اجتماعی است؛ چون وقتی برای سلام دادن به شخصی می‌آیی، لازم است دست‌کم با اسم صحیح خودت سلام کنی تا او بداند شما چه کسی هستی، و اگر ممکن باشد عکس خود را نیز قرار بدهی؛ اما اشکالی هم ندارد که یک شخص صفحه‌ای با یک نام نمادین - به عنوان مثال - برای بحث و مناقشه اعتقادی یا به دلیل منطقی دیگری ایجاد کند؛ همچنین اشکالی ندارد که شخص، عکسی نمادین قرار دهد؛ به خصوص برای بانوان. شاید در بسیاری اوقات

۱ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۱ ص ۴۳.



برای یک خانم مناسب نباشد عکس خودش را قرار دهد...^۱.

پرسش:

آری ای مولای من، همان گونه است که تفضل فرمودی... مولای من، پرسش بنده:
آیا صحیح است زن عکس پوشیده خود را قرار بدهد یا اشکال شرعی دارد... پروردگار، شما
را برایمان نگه دارد.

پاسخ:

خداوند شما را زنده بدارد عزیز من؛ اشکال شرعی ندارد. این کار به خودی خود-
مباح است.^۲

پرسش:

حکم نگاه کردن به زنانی که در تلویزیون ظاهر می شوند و حجاب اسلامی را رعایت نمی
کنند چیست؟

پاسخ:

اگر موجب برانگیختن شهوت نشود جایز است.^۳

پرسش:

پدر و مادرم فدای تو، ای فرزند پاکان. جانم فدای تو. آقای من، امروز که در فیس بوک
بودم چند خواهر و برادر را دیدم که عکس های ازدواجشان را گذاشته اند. عکس هایی با

۱ - پیک صفحه: ص ۲۶۷.

۲ - پیک صفحه: ص ۲۶۸.

۳ - پاسخ های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۱ ص ۴۲.

لباس‌های عروس حال حاضر از نظر مردم عراق؛ اما روی صورت عروس علامات‌هایی را گذاشته‌اند. آیا این عکس‌ها اشکال دارند؟ ممنون از شما. خداوند ان شاء الله این ماه را برای شما ماه پر برکتی قرار دهد.

پاسخ:

خدا حفظت کنه، عزیز من.

انتشار عکس به خودی خود اشکالی ندارد.^۱

پرسش:

حکم انتشار چهره خواهران انصاری در صفحات اجتماعی مثل فیس‌بوک و نظایر آن چیست؟ اینکه در عکس، چهره و ظاهر خواهر انصاری مشخص باشد، یا فقط از پشت سر باشد؟ و اگر عکس متعلق به خود خواهر انصاری نباشد ولی قبلاً در اینترنت منتشر شده و خواهر انصاری آن را به عنوان عکس خودش قرار دهد چه حکمی دارد؟ و توصیه شما به خواهران در این خصوص چیست؟

پاسخ:

اشکالی در انتشار تصویر چهره‌ها نیست؛ به شرط اینکه ضمن حدود شرعی باشد، و مشکل دیگری نیز وجود نداشته باشد.^۲

پاسخ:

جویدن آدامس برای زن و مرد چه حکمی دارد؟ آیا سقز مایع یا سقز تلخ همین حکم را دارد؟

۱ - پاسخ به پی‌نوشت در صفحه فیس‌بوک سید احمد الحسن (علیه السلام)، به تاریخ ۵ می ۲۰۱۸.

۲ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۴ ص ۳۹.



پاسخ:

برای زن اشکالی ندارد، ولی برای مرد مکروه است؛ اما «سقزی» که مورد استفاده درمانی قرار می‌گیرد اشکالی ندارد.^۱

پرسش:

حکم دوچرخه‌سواری برای زن چیست؟

پاسخ:

حکم سوارشدن بر دوچرخه، موتورسیکلت، اسب یا هر وسیله دارای زین برای زن مکروه است؛ و مکروه همان‌گونه که مشخص است یعنی انجام‌دادن آن جایز است، و کراهت داشتن به این معناست که بهتر است آن کار را انجام ندهد؛ برخلاف حرام که انجام‌دادنش جایز نیست.^۲

پرسش:

یکی از خواهران که قصیده، شعر و سرود برای این دعوت مبارک می‌نویسد می‌پرسد آیا جایز است برای بهتر بودن لحن صدا قصیده را با صدای خودش برای گروه ضبط صدا بخواند؟

پاسخ:

جایز است.^۳

۱ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۱ ص ۲۱.

۲ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۲ ص ۲۱. (توضیح آمده در منبع: پاسخ، برگرفته از سخنان دکتر علاء سالم است).

۳ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۴ ص ۶۴.

پرسش:

آیا خواندن مولودی و نوحه یا نشید (سرود) برای زن در مقابل مردان نامحرم جایز است؟ مثلاً اگر مجلس پخش زنده باشد به طوری که آقایان بتوانند آن را گوش دهند، یا در حضور گروهی از مردان بخواند یا سینه‌زنی او را به صورت ویدئو در بین مردم منتشر کنند و ...

پاسخ:

اگر مردان صدای زن را بشنوند، چه با خواندن برای حسین (علیه السلام) چه غیر آن، اشکالی ندارد.^۱

پرسش:

حکم تشییع جنازه توسط زن چیست؟

پاسخ:

مکروه است؛ مگر اینکه جنازه پیامبر یا وصی یا مؤمنی باشد که پیامبر یا وصی، او را تزکیه (پاک و طاهر) کرده باشد که در این صورت مستحب است. همچنین مستحب است (زن) در تشییع جنازه‌ای که پیامبر یا وصی آن را تشییع می‌کند شرکت کند.^۲

پرسش:

آیا گریه و شیون با صدای بلند و زدن بر سر و صورت در عزای مرده جایز است؟ اگر بر اثر این کار صورت سرخ شود یا چیزی شبیه آن - مثل خراشیدن - حکمش چیست؟

۱ - بخش علمی مکتب سید احمد الحسن (علیه السلام)، ۲۵ محرم ۱۴۴۲ هـ.

<https://www.facebook.com/alqesmal3lme/posts/3819076844786370>

۲ - کتاب پاسخ‌های فقهی، کتاب طهارت: ص ۲۵.



پاسخ:

گریه و شیون با صدای بلند و بر سر و صورت زدن جایز است، و اگر سر یا سینه‌اش سرخ شود اشکالی ندارد، تا زمانی که آسیبی به دنبال نداشته باشد. برخی کارها حرام هستند مثل اینکه زنی صورتش را بخراشد، موهایش را بکند، موپیشان کند، و نیز اینکه مردی در عزای مرگ فرزند یا همسرش جامه بدرد. این کارها کفاره‌هایی دارند که در کتاب شرایع بیان شده است.^۱

پرسش:

در حال حاضر حکم دیدن عکس دختری که اکنون بالغ است، اما عکس او در سن هشت‌سالگی یا کمتر و بدون حجاب بوده، چیست؟

پاسخ:

جایز است.^۲



۱ - کتاب پاسخ‌های فقهی، کتاب طهارت: ص ۲۶.

۲ - بخش علمی مکتب سید احمد الحسن (علیه السلام)، ۲۴ رجب ۱۴۴۲ هـ.

حق تحصیل زنان

زینب دختر علی (علیه السلام) زنی عالِم و دانشمند بود و برای اینکه خواهران مؤمن به او اقتدا کنند باید حوزه‌هایی تأسیس شود که مسئولیت آموزش زنان مؤمن را برعهده بگیرند.^۱

پرسش:

بسم الله الرحمن الرحيم

این نامه را برای شما فرستادم تا راهم را با تقدیم هر چیزی که دارم در خدمت به این دعوت، کامل نمایم. و من و پناه بر خدا از من- در حال حاضر، در کلاس دوازدهم هستم، و ان شاء الله بعد از تقریباً یک سال و نیم درس به اتمام می‌رسد.

...ای مولای من، دوست دارم از شما بپرسم: شما مایلید من وارد چه رشته‌ای بشوم؟ شما چه می‌خواهید، که خواسته شما همان خواسته خداست... و از خداوند می‌خواهم دل‌هایمان را ظرف‌هایی برای خواست خودش قرار دهد... و کاری نمی‌توانم کنم جز اینکه به خدمتتان مشرف شوم و بر خاک پایتان بوسه بزنم... والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الأئمة و المهديین
و سلم تسلیما.

خداوند شما را بر هر خیری موفق، و گام‌هایت را بر آنچه رضایش در آن است
استوار بدارد.



خداوند توفیقت دهد! در خصوص درس شما بهتر است محلّش تا جایی که می‌شود به خانواده‌تان نزدیک باشد تا شما در میان آن‌ها باشی. خداوند گام‌های شما را استوار سازد. مردان و زنان مؤمن می‌توانند به دین خدا خدمت کنند و در زمره کسانی باشند که رسالت الهی را به‌سوی مردم حمل می‌کنند؛ حال تخصص دنیوی آن‌ها هرچه می‌خواهد باشد. امیدوارم مرا در دعایت فراموش نکنی. خداوند توفیقت دهد.^۱

پرسش:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما آقا و مولای من، قائم آل محمد ﷺ!

سؤال اول: من در اروپا دانشجوی دندان‌پزشکی هستم. در کار و تحصیل لازم می‌شود دستم را به‌طور کامل تا آرنج نمایان کنم. آقا و مولای من! این کار با توجه به حجاب شرعی که شما بیان فرموده‌اید جایز نیست. چه کار کنم؟ اگر دستم را برهنه نکنم مخالف قوانین درمانگاه دندان‌پزشکی است.

سؤال دوم: در حین کار، با آقایان و خانم‌ها برخورد دارم و باید سر آن‌ها بسیار نزدیک به شکم من باشد تا بتوانم کارم را به‌شکل درست انجام بدهم. حکم این مسئله در رابطه با معالجه آقایان به این روش چیست؟

خداوند بهترین جزا را به شما بدهد، ای آقا و مولای من، ای قائم آل محمد.

امیدوارم پاسخ سؤالم را بدهید، آقا و مولای من، قائم آل محمد!

پاسخ:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد.

التزام به حجاب شرعی واجب است و انتخاب شغلی که لازمه اش هتک حجاب شرعی باشد جایز نیست. برهنه کردن تا بازو جایز نیست و باید راهی برای پوشاندن آن به شکلی قابل قبول یافت شود. اشکالی در معالجه کردن آقایان وجود ندارد.^۱

پرسش:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای پدر عزیزم.

ای پدرم، از شما درخواست دعا می کنیم. نمی دانم با تحصیلم در نروژ چه کنم! آیا دندان پزشکی را ادامه دهم یا رشته ام را تغییر دهم؟ نیازمند دعای شما پدرم هستم. از خدا می خواهم به زودی زود به حق محمد و آل محمد (علیهم السلام) برای شما گشایش ایجاد فرماید.

پاسخ:

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته. درست را ادامه بده؛ ولی حجاب شرعی ات را حفظ کن. دانشکده های دندان پزشکی در دانشگاه هایی با بالاترین رتبه در دانشگاه های دنیا، مسئله برهنه کردن دست تا بازو را شرط نمی کنند و این را بنده شخصاً بررسی کرده ام؛ بنابراین بنده اعتقاد ندارم این شرط، شرط درستی باشد یا ارزش زیادی داشته باشد؛ و به اعتقاد بنده می توانی این کار را انجام ندهی، یا با اساتید یا دانشکده یا مدیریت دانشگاه در خصوص این مسئله صحبت کنی یا با پوششی - که از نظر آن ها پذیرفتنی باشد - بازوهایت را بپوشانی.^۲

۱ - کتاب پیک صفحه: ص ۳۳۹.

۲ - کتاب پیک صفحه: ص ۳۷۹.



پرسش:

پدر عزیز و مهربانم، سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. آقای من، یک سال پیش سوآلی شرعی درباره آشکار کردن دست در آموزش و کار در عرصه دندان پزشکی از شما پرسیدم.

آقای من، در آن زمان سعی کردم با آن‌ها گفت‌وگو، و راه‌حلی برای ایشان مطرح کنم؛ مانند مچ‌بند و دستکش بلند؛ ولی آن‌ها نپذیرفتند و پاسخ دادند سال آینده، این قانون را به شدت اجرا خواهند کرد. من راه‌حلی جز ترک آموزش از آن دانشکده نداشتم. آقای من، به داروخانه رفتم و از خداوند می‌خواهم مرا در این عرصه موفق بدارد. آقای من، امسال در کلاس‌های خصوصی شرکت کردم تا بتوانم به دانشکده داروسازی راه یابم.

الحمد لله به فضل خدا در این رشته موفق شدم و به دانشگاه رفتم، ای آقای من. پدرم، از شما می‌خواهم دعا کنید تا به دانشگاهی که به ما نزدیک است وارد شوم؛ خداوند شما را برای ما حفظ فرماید، آقا و مولا و پدر عزیز و مهربانم.

پاسخ:

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته. از خداوند می‌خواهم کار شما را با آنچه خیر آخرت و دنیایت در آن است آسان فرماید.

اگر به آموزش دندان پزشکی علاقه داری بنده اعتقاد دارم انتخاب‌های دیگری نیز وجود دارند و موضوع تنها به آشکار کردن دست یا ترک درس در زمینه‌ای که به خواندن و فعالیت در آن علاقه‌مند هستی منحصر نیست؛ مثلاً دانشگاه‌های دیگری نیز هستند که چنین شرط‌هایی نمی‌گذارند و نیز مچ‌بندهای طبی و غیره وجود دارد؛ اما اینکه از آن‌ها بخواهی، بنده معتقدم فایده چندانی ندارد و شما می‌توانی آن‌ها را در برابر یک عمل انجام‌شده قرار دهی تا مجبور به ایجاد راه‌حل

شوند؛ زیرا حضور شما در دوره آموزشی موقتی است نه در کار کردن.^۱

پرسش:

کدام بهتر است: درس خواندن در حوزه مهدوی، یا ماندن در کنار شوهر (برای انس و الفت)؟ انتخاب کردن حوزه یا ماندن در کنار مادر، تنها برای همان هدف قبلی؟

با توجه به اینکه من از حوزه مبارک مهدوی بهره‌های فراوانی برده‌ام و با توجه به اینکه هر دوی آن‌ها (شوهر و مادر) مؤمن نیستند و صحبت با آن‌ها درباره این دعوت حق فایده‌ای ندارد.

پاسخ:

میان احسان و نیکوکاری به شوهر، مادر یا والدین و درس خواندن تعارضی وجود ندارد. می‌توانی هر دو را تا حد امکان داشته باشی. خداوند شما را موفق گرداند، و گام‌هایت را در آنچه رضایتش در آن است استوار بدارد.^۲

پرسش:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليمًا.

سلام بر تو ای آقا و مولای من، یمانی آل محمد، و سلام بر تمامی انصار. خداوند ما را از ثابتین بر ولایت قرار دهد، ان شاء الله.

سرورم! پرسشی دارم خواهش می‌کنم آن را پاسخ گوئید؛ البته اگر جزو کسانی باشم که

۱ - کتاب پیک صفحه: ص ۵۰۷.

۲ - کتاب پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۳ ص ۴۶.



استحقاق دارم شما به آن‌ها پاسخ دهید.

سؤال من: برای دختر کدامیک بهتر است: ازدواج یا درس خواندن؟ و اگر کسی از انصار به خواستگاری او بیاید، بهتر است درس را ترک کند و ازدواج نماید؟ یا اینکه درسش را ادامه دهد؟ و اگر او از ازدواج خودداری کند آیا به خاطر اینکه اولیای خدا را رد کرده است گناهی مرتکب شده است؟ زیرا آن‌ها قبول نمی‌کنند این دختر درسش را تکمیل کند؛ و آیا او می‌تواند با غیر انصار ازدواج کند؟ و آیا برای مرد نیز جایز است با غیر انصار ازدواج کند؟ این سؤال من است، سرورم! امیدوارم شما به آن پاسخ دهی و به آنچه صلاح مرا در آن می‌بینی برایم دعا فرمایی.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين
و سلم تسليمًا.

اگر تعارضی بین ازدواج و درس خواندن باشد، ازدواج کردن برای زن بهتر است؛ ولی اگر درس خواندن را ترجیح می‌دهد، می‌تواند ازدواج را ترک گوید و به درس خواندن ادامه دهد، و اگر تعارضی بین این دو نباشد، ازدواج کند و درسش را ادامه دهد.

زن مؤمن به حق می‌تواند با مرد مؤمن به ائمه و مهدیون از اهل حق، یا با مسلمان مخالفی که با ائمه یا مهدیون دشمنی نداشته باشد ازدواج کند.

کراهت دارد که زن مؤمن با مرد غیرمؤمن ازدواج کند و برای او بهتر است از هم‌نشینی با غیرمؤمن دوری کند.

اما مرد مؤمن می‌تواند با زن مؤمن یا زن مسلمان مخالف که با ائمه یا مهدیون

دشمنی نداشته باشد ازدواج کند؛ همچنین او می‌تواند از اهل کتاب - چه مسیحی و چه یهودی - همسر اختیار کند.

از خداوند خیر آخرت و دنیا را برای شما مسئلت می‌نمایم، و اینکه شما را بر حق و یاری‌دادن حق ثابت‌قدم بدارد، و امورت را به آنچه دوست دارد و به آن خشنود است میسر فرماید.^۱

یکی از خواهران انصار از جمهوری ایران درباره کار زنان در خارج از خانه و درس خواندن و تبلیغ سؤال کرده است:^۲

پاسخ:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته

درود و رحمت و برکات خدا بر شما باد

اگر شما عربی را به خوبی نمی‌دانی می‌توانی فارسی بنویسی.

از خداوند منان توفیق در مسیر تحصیلی را خواستارم، و خداوند شما را به خیر اخروی و دنیا هدایت کند که او ارحم الراحمین است.

در کار زنان مشکلی وجود ندارد؛ بلکه اشکال در منع کردن زنان از تحصیل و کار است؛ زیرا باعث ایجاد مشکلات اجتماعی و اقتصادی بزرگ می‌شود.^۳

پرسش:

یک دانشجوی دانشکده هنرهای زیبا، دپارتمان آموزش هنر، از اینکه موسیقی یکی از

۱ - پاسخ‌های روشنگرانه: ج ۵ ص ۸۱.

۲ - سؤال را خلاصه کرده‌ایم تا برای خواننده واضح بشود.

۳ - پی‌نوشت پیام در صفحه رسمی فیس‌بوک سید احمدالحسن (علیه السلام)، به تاریخ ۱۹ ژوئن ۲۰۱۹.



زن در جامعه ۱۴۹

مواد درسی بوده اطلاع نداشته، و چون مدت تغییر رشته به پایان رسیده است نمی تواند رشته خود را تغییر دهد. حال حکم تحصیل موسیقی چیست؟

پاسخ:

آموزش موسیقی جایز است.^۱



۱ - بخش علمی مکتب سید احمد الحسن (علیه السلام) ۲۴ رجب ۱۴۴۲ هـ.

شغل زن

پرسش:

آیا امام علیه السلام زن‌ها را به حضور در شبکه (تلویزیون) تشویق می‌کند؟ یا ایشان علیه السلام صلاح می‌داند ما از آن دوری کنیم؟ نصایح ایشان برای زنی که در شبکه در برنامه‌ها حضور پیدا می‌کند چیست؟ و چه ارشاداتی برای او دارید؟

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين
و سلم تسليمًا.

زن مثل مرد است؛ می‌تواند کار کند و در رسانه‌های اعلام جمعی حضور داشته باشد؛ البته تا زمانی که به حجاب واجبش پایبند باشد.^۱

پرسش:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای مولای من!

آقای من، آیا جایز است زن در عرصه طبابت، مرد را به قصد معاینه لمس کند در حالی که پزشک مرد وجود دارد؟ ولی ما به این روش تعلیم نمی‌بینیم، گاهی اوقات ما را مجبور می‌کنند مردها را معاینه کنیم، با این بهانه که ما به‌طور کلی در عرصه پزشکی فعالیت می‌کنیم نه فقط برای زنان. حکم شما چیست ای مولای من؟

ای سید و پدر بزرگوارم، محتاج دعای پاکت هستم. مرا فراموش نکن، ای پسر پاکان.



من بسیار نیازمند دعای شما هستم.

پاسخ:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. در صورت پوشیدن دستکش جایز است؛ همچنین در صورت وجود ضرورت جایز است؛ مثلاً اگر تنها راه معالجه باشد. از خدا برای شما خواهان توفیق هستیم.^۱

پرسش:

سلام بر شما ای سید و مولای من...

من در شغل به عنوان یک معلم زن سؤالات بسیاری دارم که با آن‌ها درگیر هستم... و امیدوارم از ناحیه شما به پاسخ این سؤالات برسم، آقای من...

گاهی دانش‌آموزان دختر لباس‌هایی می‌پوشند که مطابق قانون نیست و پس از هشدارهای مکرر، این لباس‌ها و چیزهای دیگر مثل کلیپس‌های بزرگ مو و دستبند را از آن‌ها می‌گیریم. آیا از بین بردن آن‌ها جایز است؟ یا باید به دانش‌آموز یا ولی او تحویل داده شود؟ و اگر این وسایل زمان زیادی باقی بماند و دانش‌آموز از مدرسه برود با آن‌ها چه باید کرد؟ تکلیف وسایلی که قبلاً از بین رفته است چیست؟ آیا ما باید به این دانش‌آموزان بازگردانیم و ذمه خود را بری کنیم؟

پاسخ:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد.

چون این‌ها وسایل شخصی دانش‌آموز است به او بازگردانده شود؛ اما در

خصوص گذشته، از آنجا که امور ساده و گسترده‌ای را در برمی‌گیرد احتیاجی نیست آنچه از بین رفته، بازگردانده شود؛ اگرچه بهتر است عین یا مبلغشان صدقه داده شود...^۱

پرسش:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای مولای بزرگوارم...

از خدای بلندمرتبه‌توانا می‌خواهم شما را یاری کند و شما را پیروز گرداند و ما را بهترین یاور شما - ای آل بیت نبوت - قرار دهد... آقای من، با توجه به حرفه‌ای که دارم برخی خانم‌ها بعضی از لوازم خود را نزد من می‌گذارند، ولی فراموش می‌کنند... وقتی مرتبه دوم مراجعه می‌کنند این وسایل را به آن‌ها بازمی‌گردانم... اما برخی بازمی‌گردند تا وسایل خود را پس بگیرند. با توجه به اینکه برخی چیزها قیمتی هستند و برخی ارزش چندانی ندارند... با آن‌ها چه کنم؟ خداوند شما را مستدام بدارد و شما و همه انصارت را حفظ فرماید... از شما درخواست دعا دارم، ای مولای من.

پاسخ:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. آن‌ها را صدقه بده.^۲

پرسش:

سلام بر تو ای آقا و مولای من، احمدالحسن! از خداوند عزوجل می‌خواهم پاسخ سؤالم را به زودی زود بفرمایی.

۱ - کتاب پیک صفحه: ص ۳۴۱.

۲ - کتاب پیک صفحه: ص ۳۷۵.



من در یکی از حوزه‌های تابعه یکی از مراجع، معلم هستم و شغلم را خیلی دوست دارم. بنده فقه و سیره و اخلاق درس می‌دهم و می‌خواهم در حوزه بمانم تا برخی از اموری را که به این دعوت اختصاص دارد به‌طور غیرمستقیم اصلاح کنم. آقای من، از شما خواهشی دارم. من متحیرم در حوزه بمانم یا از شغلم انصراف دهم. آقای من، از شما بسیار سپاسگزارم.

پاسخ:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. به‌خوبی بیندیش و از همه جزئیات عقایدی که بیان نموده‌ام اطلاع حاصل کن و مانعی ندارد در حوزه‌های آن‌ها تا یک زمانی. باقی بمانی. از خداوند برایت توفیق و تسدید را خواستارم؛ او سرپرست من است و صالحان را سرپرستی می‌کند.^۱

پرسش:

یکی از خواهران [انصار] در کارگاه خیاطی تعمیرات لباس کار می‌کند. وی لباس‌های نو نمی‌دوزد؛ بلکه لباس‌های دوخته‌شده را تعمیر می‌کند. بعضی زنان و دختران لباس‌هایی را برای او می‌آورند و از او می‌خواهند آن‌ها را تنگ کند و به این ترتیب این لباس‌ها بدن‌نما می‌شود و این خواهر انصاری از این کار ناراحت است و می‌خواهد حکم شرعی آن را از امام احمدالحسن علیه السلام جویا شود.

همچنین یکی دیگر از خواهران انصاری روی دست زنان نقش حنا می‌زند؛ در حالی که او می‌داند این زنان با این وضعیت به خیابان می‌روند و مردان نامحرم آن‌ها را می‌بینند و از این موضوع در دلش احساس ناراحتی می‌کند. حکم شرعی آن چیست؟ خدا رحمتتان کند!

پاسخ:

در انجام این کارهای گفته شده توسط آن‌ها اشکالی وجود ندارد و اینکه دیگران با این لباس‌ها یا آرایش‌ها چه کاری انجام می‌دهند ارتباطی به آن‌ها ندارد؛ زیرا هر انسانی با عملکرد خودش محاسبه می‌شود.^۱

پرسش:

دختر نقاشی هست که دختران از او می‌خواهند چهره‌شان را نقاشی کند، و گاهی تصاویری از چهره‌شان به قصد نشان دادن به مردم کشیده می‌شود، و چهره آن‌ها چه بسا بدون حجاب کشیده می‌شود. آن‌ها هیچ مانعی برای این کار نمی‌بینند ولی می‌خواهند حکم شرعی نمایش چهره‌هایشان به صورت نقاشی شده و بدون حجاب را بدانند؛ و اینکه آیا نقاشی رنگی باشد یا سیاه و سفید، یا بدون جزئیاتی باشد تأثیری دارد یا خیر؟

پاسخ:

نمایش تصویر زنان محجبه، بدون حجاب جایز نیست.^۲

پرسش:

من فروشنده لباس‌های زنانه هستم (چادر و مانتوهای گشاد) و چیزهایی را که دارم زنی که به عنوان مدل کار می‌کند نمایش می‌دهد. او پایبند به حجاب است و آرایش سبکی هم دارد، ولی در عکس‌ها آرایش او به وضوح دیده می‌شود.

آیا من با انتشار عکس‌های او - با توجه به اینکه هم مردان و هم زنان ممکن است آن‌ها

۱ - کتاب پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۵ ص ۲۷.

۲ - بخش علمی مکتب سید احمد الحسن (علیه السلام)، ۲۴ رجب ۱۴۴۲ هـ



را ببینند. گناهی مرتکب شده‌ام؟

پاسخ:

این کار اشکالی ندارد، و حتی اگر شما با مانکن غیرمحبوبه هم کار کنی
اشکالی ندارد، و اگر بخواهی به زنان غیرمحبوبه یا غیرمسلمان لباس بفروشی هم
اشکالی ندارد.^۱



خسونت علیه زنان پذیرفتنی نیست

پرسش:

برخی برادران انصار رفتارهایی با زنانشان دارند که با فحش و دشنام زیادی همراه است و بعضی وقتها کار به جاهایی می کشد که از بیان آنها خجالت می کشیم؛ همچنین گاهی اوقات زنانشان را کتک می زنند؛ من اینها را از خودم نمی گویم بلکه چیزهایی است که اتفاق افتاده و دل های ما را به درد آورده است. از خداوند مسئلت دارم برادرانم را بر هر خیری موفق بدارد؛ و آنها به جای این برخوردها، رفتاری پیشه کنند که خواهران انصار با آن به خدا برسند، و با لسان و سنان محمد و آل محمد را یاری دهند!

پاسخ:

زن و شوهر دو نفر هستند که به وسیله عقد، همسر و هم نشین و مصاحب یکدیگر شده اند؛ بنابراین تأکید می شود اینان یک نفر نیستند بلکه دو نفرند و به طور طبیعی وجود اختلاف و تفاوت در بسیاری مسائل، بین آنها حتمی است، و این به صبر نیاز دارد و اینکه هریک دیگری را تحمل کند (و نسبت به او شکیبایی ورزد). بین زوجین باید محبت و مهربانی برقرار باشد تا زندگی مشترک آنها با هم استمرار یابد؛ وگرنه درگیری و کشمکش بین این دو، نشانه ای از ناتوانی و شکست اجتماعی یکی، یا هر دوی آنهاست. بر همین اساس خدای سبحان برای حل مشکلاتی که به اختلاف و ناسازگاری بین زن و شوهر منجر می شود و نیز به ارشاد و توجیه این دو، تشویق کرده است؛ به این صورت که برخی افراد جامعه که قرابت و نزدیکی با آنها دارند، یعنی خانواده شوهر و خانواده زن، در موضوع مداخله و وساطت نمایند. خدای متعال می فرماید: ﴿وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا



مَنْ أَهْلَهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوقِقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا^۱ (اگر از اختلاف میان زن و شوهر آگاه شدید، داوری از خانوادهٔ مرد و داوری از خانوادهٔ زن برگزینید اگر آن دو را قصد اصلاح باشد، خدا میانشان موافقت پدید می‌آورد که خدا دانا و آگاه است).

اینکه مرد بخواهد همسرش را کتک بزند، کاری است حرام و جز در «نشوز» جایز نیست؛ و این حالت خاصی است که به امتناع زن از هم‌خوابی معنا می‌شود؛ و زدن هم نباید شدید باشد. خداوند برای زن نیز نظیر همین (حق) را قرار داده که عبارت است از حرام‌بودن امتناع شوهر از هم‌خوابی با زن.^۲

پرسش:

شخصی همسرش را به شدت کتک زده است؛ طوری که اثر آن در بدنش باقی است، و همین طور دخترش را به خاطر به هم‌زدن نامزدی‌اش کتک زده است. آیا دیه بر او واجب است؟ حکم کتک‌زدن چیست؟

پاسخ:

او باید برای کارش استغفار و درخواست بخشش کند؛ اما دربارهٔ دیه، کسی که آسیب دیده است می‌تواند به دادگاه شرعی شکایت کند و ببیند آیا دیه به او تعلق می‌گیرد یا خیر.^۳

پرسش:

۱ - نساء: ۳۵.

۲ - پاسخ‌های روشنگرانه: ج ۶ ص ۶۲.

۳ - کتاب پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۳ ص ۳۸.

بسم الله الرحمن الرحيم

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

تو را سوگند می‌دهم به پدرت محمد بن حسن عسکری (علیه السلام) که سلام خدا بر او باد و خداوند خروج شما را تعجیل فرماید؛ انصار شما به دلیل اخلاقی که دارند باعث می‌شوند ما از حق دور شویم. شوهرم اکنون با کارهایش با ما سرِ جنگ و دعوا دارد و می‌گوید دیگر تمام شد، و من حجت بر شما را پیدا کردم. او تربیت اولاد و مسئولیت را رها کرده و توجهی به امور دنیا در او نمی‌بینم و می‌گوید همین که ما ایمان آورده‌ایم کافی است. آیا این درست است؟ این سخنی است که او می‌گوید؛ پس کجاست اخلاق محمدی؟ من چیزی جز فحش و کارهای نادرست و اینکه علیه مردم دور هم بنشینند نمی‌بینم. آیا این درست است که دعوت این‌گونه تبلیغ شود، و آن وقت حتی کوچک‌ترین مشکلی ما را بترساند؟ شما کی می‌آیید و امنیت و آرامش را به ما می‌دهید؟ چه زمان چهره دل‌ربای شما را خواهیم دید؟ آیا بر او واجب است با اخلاقی پست تبلیغ کند؟ چرا که طرف مقابل فرار می‌کند.

من می‌گویم از انصار امام (علیه السلام) خواهشمندم برایم روشن کنید، و خواهش می‌کنم شما به آن‌ها سفارش کنید. شما را به حاکمیت خدا سوگند می‌دهم پاسخ مرا سریع بدهید. چشم امید به شما داریم و منتظریم تا ظلمی را که در آن زندگی می‌کنیم از ما دفع نمایید.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين
و سلم تسليمًا.

از خداوند مسئلت دارم حال تمام مردان و زنان مؤمن را به آنچه خیر آخرت و



دنیایشان در آن است نیکو گرداند! پیامبران و اوصیاء علیهم السلام برای اصلاح مردم و گسترش اخلاق خوب در میان مردم آمده‌اند. کسی که می‌گوید من از شیعیان محمد و آل محمد علیهم السلام هستم باید به اخلاق آن‌ها آراسته شود و با خانواده‌اش و مردم خوش رفتاری پیشه کند.^۱

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

پرسش:

سلام علیکم، سید و مولای من، یمان‌ی آل محمد، و رحمة الله و برکاته.

ایا یک انصاری حق دارد به زنش ناسزا بگوید و کتکش بزند و [بابت] هر اشتباهی که در خانه اتفاق می‌افتد او را سرزنش کند؟ مثلاً وقتی چیزی به زنش می‌دهد و بعد از مدتی آن را می‌خواهد و زن می‌گوید فراموش کردم، مرد هم بگوید تو به من اهمیت نمی‌دهی و برای همین است که فراموش می‌کنی. فقط خدا می‌داند چقدر او را دوست دارم و حتی در ساده‌ترین امور به او اهمیت می‌دهم. من از خدا و شما - ای آقای من - عذر می‌خواهم که باعث شدم اذیت شوی؛ چون می‌دانم وقتی می‌شنوی یک انصاری خطایی کرده است ناراحت می‌شوی.

منتظر پاسخ شما هستم و هر پاسخی بدهید خواهم پذیرفت، ای نور دیدگانم.

و شما را به مادرت زهرا قسم می‌دهم مرا از دعای خود فراموش نکنی.

پاسخ:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. قطعاً فحاشی و ناسزا جایز نیست، و جای هیچ بحثی ندارد. باید ارتباط بین زوجین، ارتباطی دوستانه

و محبت‌آمیز باشد، نه با نفرت. از دو طرف انتظار می‌رود بر این اساس رفتار کنند.^۱

پرسش:

وقتی درباره زدن زن ناشزه (نافرمان) در حوزه دین صحبت می‌کنیم، همه اتفاق نظر دارند که زدن باید بدون شکنجه و عذاب باشد؛ ولی وقتی به واقعیت زندگی می‌رسیم مشاهده می‌کنیم وضعیت بسیار متفاوت است و ضرب‌وشتم بدنی همسر بسیار اتفاق می‌افتد. به‌طور دقیق حدود زدن زن ناشزه چیست؟ و سزای مردی که از این حدود تجاوز می‌کند چیست؟ آیا ارزش قائل شدن و اصلاح نفوس با صبر و رفتار نیکو شایسته‌تر از آزار جسمانی نیست که احساس خواری و زبونی را به دنبال دارد؟ به‌خصوص هنگامی که طرف مقابل ضعیف‌تر از شما و تحت حمایت و پشتیبانی شما باشد؟

پاسخ:

کتنک‌زدن زن، یک وضعیت طبیعی یا وضعیتی نیست که به‌طور معمول عمل به آن صحیح باشد؛ بلکه در حکومت الهی اگر زن به دلیل کتنک‌خوردن از شوهر اقامه دعوی کند به شکایت او رسیدگی می‌شود و اگر ثابت شد مرد خطایی مرتکب شده، مجازات خواهد شد.^۲

پرسش:

زن یکی از انصار در حالی که خودش هم جزو انصار است - نماز نمی‌خواند و (شوهرش) هرچه در توان داشته به او بخشیده تا به نمازش پایبند شود و همه راه‌های شرعی را به کار گرفته تا همسرش نمازخوان شود، ولی فایده‌ای نداشته است. آیا می‌تواند به‌خاطر نماز

۱ - کتاب پیک صفحه: ص ۳۳۸.

۲ - کتاب پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۴ ص ۴۶.



نخواندن او را کتک بزند یا طلاقش بدهد؟

پاسخ:

نصیحتش کند، موعظه‌اش کند و به نمازخواندن تشویقش کند و به همین وضعیت ادامه بدهد. کتکش نزند و طلاقش ندهد.^۱

پرسش:

رمضان کریم و هر سال، شما و خانواده و عیال و انصار شما، در هزاران خیر باشید. امام عزیزم، پرسشی است که برای شما نقل می‌کنم و یکی از خواهران پرسیده است: مولایم، سلام علیکم، روحم فدای شما مولای من. بنده پرسشی دارم که درباره مشکلات اجتماعی است:

آیا برای شوهر جایز است همسرش را بزند، زیرا زن به‌جهت اینکه شوهر به نیازمندی‌هایش توجهی ندارد و نیازهای ضروری خانه را فراهم نمی‌کند عصبانی شده است؟ و اگر این امور آماده نشود باعث زیان جسمی برای زن می‌شود؛ به‌علاوه آسیب‌های روحی هم دارد؛ با توجه به اینکه شوهر، برای خرید نیازهای من پول دارد، ولی... آیا این مسئله را از مسائل غیراخلاقی به‌شمار بیاوریم؟

آقای من، ای کسی که نسبت به کسی که به‌ناحق به او ستم کرده است انصاف به خرج می‌دهید؛ آیا این شوهر، انصاف دارد؟ و [شوهر] اصرار دارد چیزی را که زن می‌خواهد هرگز فراهم نخواهد کرد. به قول خودش که می‌گوید: با منیت مبارزه کن و این همه ترس، فقط به‌خاطر منیت است؛ و هر بار که اختلافی پیش می‌آید سخنانی به همسرش می‌گوید که

۱ - کتاب پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۴ ص ۴۷.

خداوند از آن خشنود نیست، ولی بدون ناسزا و...

ای اهل رحمت، خداوند به شما بهترین پاداش را بدهد. در این باه، نظرتان چیست؟
پاسخ:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته

الحمد لله، خداوند شما را زنده بدارد.

اینکه شوهر، همسرش را به خاطر اختلافی که بینشان است بزند، قطعاً غیراخلاقی و رد شده است؛ و باید توجه داشت تنها حالتی که قانون گذار، درگیری منجر به زدن را مجاز دانسته، حالتی است که همسر از شوهرش سر باز می‌زند؛ و بنده بشخصه، این چنین شوهری را به شکیبایی نصیحت می‌کنم و اینکه سعی در اصلاح داشته باشد یا از او جدا شود؛ هرچند شوهر حق دارد زن را مجبور کند.

همچنین هر شوهر و همسری لازم است بفهمد که هرکدام از زن و مرد بدنی متفاوت دارند، و بدن‌ها، ابزارهایی شیمیایی هستند که در اثر ترشحات هورمونی و دیگر مسائل، در معرض فشارهای درونی قرار می‌گیرند؛ و فایده دانستن این نکته، پیشگیری از بسیاری از مشکلات است؛ به‌عنوان مثال، اگر بدانی خانم در طول مدت دوره ماهیانه‌اش [عادت ماهیانه] در معرض ترشحات داخلی قرار دارد که به نوعی باعث اختلال حالت عصبی‌اش می‌شود، چه بسا بتواند خودش را کنترل کند و هدف آسانی برای هر ناخرسندی ساده‌ای نشود و آن را به مشکل بزرگی تبدیل نکند. همچنین اگر شوهر، این نکته را درک کند، در این حالت‌ها یا در حالت بارداری و دیگر حالاتی که باعث اختلالات عصبی همسر می‌شود مراعات حال همسرش را می‌کند. همچنین آقا و خانم، در معرض فشارهای بسیاری در کار یا محیط بیرون قرار می‌گیرند؛ چه بسا راننده تاکسی که مضطرب است به شکل بدی رفتار کند؛ به طوری که روز شوهر یا همسر را به روز بدی تبدیل کند و او را هدف



آسانی برای ناخرسندی و تبدیل کردن مسئله‌ای کوچک به مشکلی بزرگ قرار دهد. نتیجه اینکه ما باید متوجه باشیم بدن‌های ما، ابزارهای شیمیایی هستند که تحت تأثیر واکنش‌ها قرار دارند؛ و چه بسا هر حالت به‌خصوص یا رفتار بیرونی در آن مؤثر باشد. و آن را مضطرب و پریشان کند و هدف آسانی برای ناخرسندی قرار دهد. تنها راه‌حل همیشگی این است که تلاش کنیم از نظر روحی ارتقا یابیم و نفس خودمان را به‌گونه‌ای پرورش دهیم که بر اضطراب‌های بدنی مان مسلط باشد؛ و به آن اجازه ندهیم به هر جا که خواست ما را بکشاند؛ و اگر نتوانستیم در این مبارزه به‌طور کامل پیروز شویم، دست‌کم در پایین‌ترین حد با نفس خود مبارزه کنیم؛ در نتیجه با کم کردن تعداد مشکلات یا از بین بردن کلی آن از زندگی مان، بالاترین سود و بهره را برای خودمان و اطرافیانمان محقق کنیم.

اما مسئلهٔ فراهم‌ساختن نیازهای همسر، این مسئله‌ای است که بر شوهر واجب است؛ البته تا زمانی که پول کافی برای این منظور داشته باشد.^۱ ایشان علیه السلام دربارهٔ جرم و جنایت و خودکشی به‌عنوان مسائل اجتماعی نوشته است: فرد مجرم و قاتل چه بسا قربانی باشد؛ و شخصی که خودکشی می‌کند اغلب یک قربانی است.

وقتی فردی، گروهی یا کل جامعه را در شرایط سخت و دشوار قرار می‌دهید، انتظار نداشته باشید آن‌ها به‌طور طبیعی یا اخلاقی رفتار کنند.^۲

۱ - پی‌نوشت صفحهٔ فیس‌بوک سید احمد الحسن علیه السلام، به تاریخ ۳ ژوئن ۲۰۱۸.

۲ - پیام صفحهٔ فیس‌بوک سید احمد الحسن علیه السلام، ۱۹ اکتبر ۲۰۲۰

یکی از دنبال کنندگان این پست، توضیحی به صورت زیر نوشت:

تمام اعمالی که اتفاق می افتد نتیجه دوری یا نزدیکی انسان به خداوند متعال است. وقتی مادری بچه هایش را پرت می کند، این کارها شیطانی است. شرایط، هرچه می خواهد باشد، همچنان یک باور راسخ باقی می ماند که اعمال فرد را کنترل می کند.

پاسخ:

درود خدا بر شما، عزیزم.

حداقل میلیون ها مادر بی دین یا خدانا باور وجود دارد که فرزندان خود را رها نکرده یا نکشته اند.^۱

پرسش:

ماجرایی را می خواهیم برای شما نقل کنم تا خدای نکرده کاری خلاف رضای خداوند عزوجل انجام نداده باشیم. خواهر مؤمنی دارم که شوهرش مؤمن نیست و چهار فرزند دارد. او خودش را به سبب آزار و اذیت شوهرش سوزانده است؛ زیرا شوهرش رفتار بسیار خشنی با وی داشته، به طوری که آثار ضرب و شتم بر بدن او هویدا است؛ علاوه بر اینکه به او دشنام می داده و حرف های زشت و توهین آمیز می زده است. تقریباً در سه روز آخر مانده به فوت وی، آزار و اذیت شوهر او زیاد شده بود؛ تا آنجا که او را از وارد شدن به اتاق خودش و رفتن به آشپزخانه و خوابیدن در خارج از اتاقش منع می کرده است و... و حتی مانع دیدار و ارتباط گرفتن وی با خانواده اش می شده، تا آنجا که وی کنترلش را از دست داده و خودسوزی کرده است. با توجه به اینکه وی تمام این موضوعات را قبل از فوتش روی تخت بیمارستان گفته و قبل از فوتش به مدت سیزده روز در بیمارستان بستری بوده است و این گفته ها نیز توسط بازپرس دادگاه ثبت و ضبط شده است؛ در حال حاضر حکم بازداشت شوهر صادر شده



و او فراری است. خانواده شوهر، حدود یک ماه از خانواده زن فرصت گرفته‌اند و بعد از آن جلسه‌ی عشایری برگزار خواهد شد، و بنده پاسخ چند مسئله را در این خصوص از شما درخواست دارم:

۱. آیا جایز است شوهر، زندانی شود؟ زیرا او کسی بوده که زن را وادار به خودکشی کرده است.

۲. آیا جایز است شورای حل و فصل عشایری مبلغ ۲۰ تا ۳۰ میلیون دینار دریافت کند؟ و این در حال حاضر همان مبلغی است که تقریباً در میان عشایر، عرف است.

در حال حاضر آن‌ها گفته‌اند شما از شکایتتان صرف نظر کنید و ما هم سه روز دیگر در جلسه‌ای، مسئله شما را حل و فصل می‌کنیم. شما چه سفارشی برای ما دارید، ای آقای ما!
پاسخ:

زندانی کردن شوهر و مجازات او جایز است، اگر سبب آزار و اذیت همسرش شده، به صورتی که او را وادار به خودکشی کرده باشد؛ همچنین پذیرفتن رأی و نظر شورای حل و فصل عشایری مثل گرفتن دیه برای زن جایز است، به شرط اینکه ثابت شود او مسبب خودکشی وی بوده است.

اما مسئله صرف نظر کردن از شکایت و سپردن قضیه به رأی و نظر عشایری، این به خانواده زن برمی‌گردد و اگر قرار شد از شکایت صرف نظر کنند بهتر است ابتدا تضمینی برای حقوقشان وجود داشته باشد.^۱

پرسش:

مولای من، حکم زدن خواهر توسط برادرش چیست؟

پاسخ:

جایز نیست.^۱

پرسش:

آقایم، به خاطر این پرسش عذرخواهم. برخی از عرب‌ها تا امروز نیز دختران را ختنه می‌کنند. آیا این ختنه کردن صحیح است؟

پاسخ:

خیر.^۲

پرسش:

حکم ختنه کردن زنان در اسلام چیست؟

پاسخ:

جایز نیست.^۳

پرسش:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته

اللهم صل علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

۱ - پی‌نوشت در صفحه فیس‌بوک سید احمد الحسن (علیه السلام)، به تاریخ ۲ جولای ۲۰۱۸.

۲ - پی‌نوشت در صفحه فیس‌بوک سید احمد الحسن (علیه السلام)، به تاریخ ۲۲ آگوست ۲۰۱۸.

۳ - بخش علمی مکتب سید احمد الحسن (علیه السلام)، ۲۴ رجب ۱۴۴۲ هـ.



سلام بر شما، ای مولای من، احمدالحسن یمانی!

سرورم! من زنی از انصار هستم ولی خانواده‌ام جزو انصار نیستند و آن‌ها برای انتخابات به من فشار آوردند. من هم رفتم و برگه (رای‌گیری) را مخدوش کردم و نام بیش از یک حزب را نوشتم در حالی که نمی‌دانستم این‌ها چه کسانی‌اند.... آیا اینکه در برگه نام بیش از یک حزب را نوشته‌ام کاری حرام به شمار می‌رود یا خیر؟ لطفاً پاسخ بدهید. آیا این کار گناهی بر ذمه من محسوب می‌شود یا خیر؟

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين
و سلم تسليمًا.

خداوند شما را توفیق دهد! اگر به این کار مجبور بوده‌ای خداوند شما را می‌بخشد که او بهترین آمرزندگان است. از خداوند برای شما خیر آخرت و دنیا را خواستارم!

و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.^۱





خشن، در بسیاری اوقات.

ما به عنوان افراد دین‌دار، موضع‌گیری‌هایی از بانو فاطمه زهرا و بانو زینب و بانوی دوشیزه مریم (صلوات خدا بر آن‌ها) و رفتار مهربانانه و بالطفات آنان داریم؛ حتی در عرصه‌های خشونت، سنگ‌دلی، ظلم و اهانت‌های بزرگی که به آنان رسیده است.

تأسف‌بار است که امروز، زنانی را در صف «راست‌تندرو» می‌بینیم، یا یکی از آنان را می‌بینیم که به کشتن اعضای فرقه دینی دیگری فرامی‌خواند، یا زنی را در رسانه‌ها می‌بینیم که تمام سخنش، فریاد و صدای بلند و خودنمایی نفرت‌انگیز و زیاده‌گویی با بدترین مردان است.

زن متعادل و بادرایت باید مراقب رفتارش باشد و به سمت اشتباه نرود؛ به این دلیل که اگر مهم‌ترین ویژگی‌های زن‌بودنش -از جمله لطافت، مهربانی و دلسوزی- را از دست بدهد، بیش از یک بدن با اعضای تناسلی زنانه برایش باقی نخواهد ماند. نابخردانه است که یک زن یا برخی از مردم افتخار می‌کنند زنی شبیه مردان شده است یا رفتارش شبیه مردان است.

شبیه‌شدن زن به مردان، عیب است، نه برعکس آن.^۱



۱ - پیام فیس‌بوک سید احمد الحسن (رحمته‌الله) به تاریخ ۹ سپتامبر ۲۰۱۸.

آیا اسلام عشق را منع کرده است؟

پرسش:

سلام علیکم، آقا و مولای من، وصی و فرستادهٔ امام مهدی (علیه السلام).

مرا بابت این سؤال ببخشید؛ ولی مایلیم به آن پاسخ داده شود؛ چراکه در درون من غوغا و درگیری به پا کرده است. آیا دین اسلام عشق ورزیدن بین زن و مرد را حرام کرده است؟ اگر نیست، ازدواج و ارتباط رسمی باشد، آیا برای زن جایز است یا حرام؟ من بابت این سؤال معذرت می‌خواهم و امیدوارم سید احمدالحسن پاسخ سؤالم را بدهد.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين
و سلم تسليمًا.

خداوند سبحان و متعال قانونی برای رابطهٔ عاطفی و جنسی بین زن و مرد از جهت مذکر و مؤنث بودن آن‌ها مقرر کرده، که همان عقد ازدواج است؛ ازدواجی که در آن وجود دو شاهد برای عقد لازم است؛ یا اگر شاهدی نباشد، پس از جاری شدن، اعلان شود... و این به جهت تضمین حقوق زن و تضمین ثمرهٔ برقراری ارتباط بین دو انسان مؤنث و مذکر بوده است....

و خدا آگاه است که من تلاش خواهم کرد شما و تمام دختران مؤمن را نصیحت کنم تا در راه صحیحی که زندگی پاک و کریمانه‌ای برای شما به بار می‌آورد گام نهدید. آنچه شما عشق و دوست داشتن نام می‌نهی در واقع از درخواستی برای عشق ورزی آن هم به شکل یا به صورتی خاص، یا ابراز برخی رفتارها و کلماتی که بیشترشان غیرواقعی و تکلف‌برانگیز، و از شخصیت واقعی مرد و زن به دور است فراتر نمی‌رود. به واقعیت‌های موجود بنگر. من نمی‌خواهم بیش از آنچه تحقیقات



و مباحث استنتاجی تجربی از واقعیت‌های موجود می‌گویند بگوییم؛ تحقیقاتی که بر اساس نتایج واقعیت‌های موجود صورت گرفته است نشان می‌دهد آنچه عشق یا علاقه بین زن و مرد نامیده می‌شود، پس از ازدواج یا پس از معاشرت بین زن و مرد، مدت زیادی به طول نمی‌انجامد؛ همان گونه که امروزه در مغرب‌زمین مشاهده می‌کنیم و چه بسا در بهترین حالت، از چند سال تجاوز نمی‌کند؛ در حالی که عشق و دوست‌داشتن واقعی، غیرممکن است بعد از گذشت چند سال و حتی بعد از مرگ و ترک کردن این دنیا پایان پذیرد؛ بنابراین عشق واقعی و زنده و پابرجا، عشق به خداوند سبحان و متعال است؛ چراکه به آن زنده پابرجای سبحان و متعال ارتباط دارد و به دنبال آن، هر عشقی که با این عشق ارتباط داشته باشد، از زنده بودن این عشق حقیقی، زنده خواهد ماند. بنابراین، اگر عشق زن نسبت به زوجش یا عشق مرد نسبت به همسرش به خاطر خداوند و در راه اطاعت از او و به جهت نزدیک شدن به خدا و در راه اطاعت از خدا باشد، عشقی حقیقی، زنده و پاینده خواهد بود؛ چراکه در واقع پیرو عشق به خداوند بوده است... و کسی که قلب‌ها و دگرگونی‌هایش به دست اوست، چگونه غیر از خداوند سبحان و متعال را می‌خواهد؟ پس او قادر است عشق بین زوجین را که بر عشق او سبحان و متعال بنا شده است تداوم بخشد.

از همین رو فرستاده خدا، مؤمن را به [انتخاب] همسر دین‌دار و قرین شدن با او تشویق کرده، و نیز زن را به سوی همسر دین‌دار و هم‌نشین شدن با او سوق داده است. خداوند توفیقت دهد. کریم عزیز مطیع خداوند سبحان کریمی باش که اولیایش را تباه نمی‌کند و در دنیا و آخرت به ایشان ترحم می‌کند. آن قادر متعال است که زن مؤمنی را که به سوی خداوند سبحان و متعال رو کرده است متمایل به قرین شدن با مرد مؤمن و دین‌دار می‌کند.

اما روابطی که شما قبل از عقد ازدواج و یکی شدن، عشق می‌نامی، در واقع در بسیاری اوقات عاملی برای از دست دادن عزت و کرامت و عفت زن می‌شود و به‌طور

طبیعی زن مؤمن کریم عزتمند از این وضعیت اجتناب می‌کند و عاطفه و علاقه‌اش را متوجه شخص مؤمن صالحی می‌کند که پس از عقد شرعی هم‌نشین او شود.

اعتماد زن مؤمن باید به خدا باشد و بر او توکل کند و از او سب‌حان و متعال بخواهد کسی را که واقعاً مورد رضای خودش است نصیبش کند، و در نتیجه روزهایی را که خداوند در این دنیا برایش مقدر کرده است در کنار او در سایه عشق و محبت، بزرگوارانه و عزتمند سپری کند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

برخی از متونی که به‌طور خلاصه برخی دانشمندان جامعه‌شناس با تکیه بر تجربیات به دست آورده‌اند به شرح زیر تقدیم می‌شود:

جامعه‌شناسی آمریکایی به نام «ویلیام روبنسون» مستند بر نتیجه‌گیری از مجموعه‌ای از ماجراهای عشقی و عاطفی می‌گوید: «عمر فرضی عشق‌ورزیدن پس از ازدواج، سه سال است و نه بیشتر.» همچنین می‌گوید: «هنگامی که عشق به پایان عمر فرضی‌اش می‌رسد، فروغش به خاموشی می‌گراید و ممکن است حدود یک سال طول بکشد تا هر دو طرف رابطه عاشقانه، این واقعیتی را که رابطه عاشقانه از آن غافل بوده است درک کنند.»

همچنین او می‌گوید: «واکنش‌های شیمیایی مغز غالب بر تراکنش دوست‌داشتن، بر تولید پالس‌ها سایه می‌افکند و پالس‌های عشق و انرژی عواطف به مدت سه سال به طول می‌انجامد. سپس این پالس‌ها متوقف می‌شود، درست مثل یک باتری خالی- و دیگر نمی‌تواند آزادسازی پالس‌هایش را از سر گیرد. پس از این، رابطه مبتنی بر عشق، تبدیل به رابطه تعادلی و خالصانه می‌شود.»

پروفسور سندی هازان از دانشگاه کورنل نیویورک پایان‌نامه‌ای را بر اساس تحقیق روی ۵۰ هزار زن و مرد از ۳۷ فرهنگ مختلف در سرتاسر عالم چه از



پیشینیان و چه افراد اخیر، به اجرا رسانید. این پایان نامه عبارت بود از مجموعه‌ای از آزمایش‌های روان‌شناسی و بیولوژیکی برای مقایسه سطح عشق و علاقه بین دو نفر که یکدیگر را دوست داشتند، و نتیجه حاصل شده چنین بود: «عشق نمی‌تواند در طول زندگی استمرار یابد؛ چراکه تحقیقات تأیید می‌کنند عشق نمی‌تواند بیش از حداکثر چهار سال به همراه رابطه دوستانه زندگی کند، و پس از آن می‌میرد.»^۱



اختلاف زن با مرد

اختلاف در زندگی روزمره

گفت‌وگوی زن و مرد

مسائل پزشکی

دست‌دادن

خلوت‌کردن

اختلاط در زندگی روزمره

پرسش:

شخصی در اداره بهداشت مشغول به کار است و زنان زیادی با او همکار هستند. حکم اختلاط و نگاه کردن به آنها در حین کار چیست؟

پاسخ:

حضور زنان با مردان در هر جایی برای انجام کار، از نظر شرعی جایز است، و بر هر مرد و زن مؤمن واجب است امر به معروف و نهی از منکر کند. نگاه کردن اگر به قصد سوءظن یا لذت بردن نباشد جایز است.^۱

پرسش:

حکم حضور مردان و زنان در یک مکان از نظر نگاه کردن چیست؟

پاسخ:

کتاب شرایع اسلام (احکام نورانی اسلام)، جلد ۳:

اما نگاه اتفاقی بدون اراده و قصد و غرض که نتیجه حضور مردان و زنان در هر جایی است اشکالی ندارد.

مرد نباید به هیچ وجه و با هیچ قصدی به بدن زن نامحرم نگاه کند، مگر در حالت ضرورت، و نگاه کردن به صورت و دست و پاها تا میچ در مرتبه اول جایز ولی مکروه، و دوباره نگاه کردن حرام است. حکم نگاه کردن زن به مرد نامحرم نیز به همین صورت است.



نگاه کردن با وجود ضرورت جایز است؛ مثل هنگامی که می‌خواهد برای آن زن شهادت دهد که در این صورت نگاه کردن به او را فقط برای هرآنچه می‌خواهد از آن اطلاع حاصل کند کوتاه می‌کند؛ مثل پزشکی که زنی نیاز دارد تا او مداوایش نماید؛ اما نگاه اتفاقی بدون اراده و قصد و غرض که نتیجه حضور مردان و زنان در هر جایی است اشکالی ندارد.

و مسئله نگاه کردن اتفاقی در اینجا به معنی نگاه بدون هیچ قصد و غرضی است: «اما نگاه اتفاقی بدون اراده و قصد و غرض که نتیجه حضور مردان و زنان در هر جایی است اشکالی ندارد.» فرقی نمی‌کند این زنان و مردان در یک کارخانه کار کنند یا در یک دانشگاه یا در یک خانه یا در خیابان باهم روبه‌رو شوند، و تفاوتی نمی‌کند که به‌طور کامل با یکدیگر بیگانه باشند یا به‌نحوی رابطه خویشاوندی بینشان برقرار باشد، مثل روبه‌رو شدن مردی با زن برادرش.^۱

پاسخ:

حکم حضور در مکان‌های مختلط چیست؟

پاسخ:

جایز است.^۲

پرسش:

آیا برای زن جایز است در مکان‌های مختلط کار کند؟ و آیا این حکم با رضایت یا رضایت‌نداشتن شوهر متفاوت می‌شود؟ با توجه به اینکه او از حقوقی که از این راه به دست

۱ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۱ ص ۴۲.

۲ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۳ ص ۳۴.

می آورد بی نیاز است و شوهر اسباب زندگی محترمانه را برایش فراهم می کند. در ضمن نبودن این زن در منزل گاهی منجر به کشف عورت بچه زیر چهار سال می شود.

پاسخ:

کار کردن زن حلال است و اشکالی ندارد؛ ولی در صورت نارضایتی شوهر نسبت به کار زن و به عهده گرفتن معیشت توسط شوهر، جایز نیست از شوهر نافرمانی کند و بدون اجازه او از منزل خارج شود.^۱

پرسش:

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

آیا یک زن می تواند فنون رزمی (جودو و جوجیتسو) را در باشگاه ورزشی آموزش ببیند؛ البته با در نظر گرفتن اینکه افرادی که حضور دارند همگی مرد هستند و به خصوص اینکه تماس بدنی رخ می دهد که در چنین ورزش هایی کاملاً طبیعی است.

مولای من، احمد الحسن! خداوند شما را حفظ و در فرج شما تعجیل فرماید.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين
و سلم تسليماً.

جایز نیست.^۱

پرسش:

پدرم، احمدالحسن، سلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

آقای من، آیا دین می‌گوید برای خانم بهتر است بدون مرد محرم بیرون نرود؟ و در نتیجه [او را] از کار و آموزش و انجام دادن نیازهایش باز می‌دارد؟ آیا این سخن صحیح است؟

پاسخ:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته

صحیح نیست.^۲

پرسش:

آیا رفتن به مجلس عروسی که فقط زنان در آن هستند، ولی رقص و غنا در آن است جایز است؟

پاسخ:

اگر فقط در آن مجلس زنان باشند و صدایشان را مردان نشنوند، و نیز اگر در آن مجلس ارتکاب حرامی مثل نواختن و دمیدن در آلات موسیقی نباشد جایز است.^۳

۱ - پاسخ‌های روشنگرانه: ج ۷ ص ۵۴.

۲ - پی‌نوشت در صفحه فیس‌بوک سید احمدالحسن رحمته الله علیه، به تاریخ ۵ جولای ۲۰۱۸.

۳ - کتاب پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۱ ص ۳۹.

پرسش:

می‌دانیم هلهلهٔ زنان در مقابل مردان حرام است؛ ولی گاهی صدای هلهله به‌طور ناخواسته به گوش مردان می‌رسد، و این در شرایطی اتفاق می‌افتد که بعضی از زنان در حالی که در مجالسی داخل حسینیه هلهله می‌کنند نمی‌دانند ممکن است صدایشان به گوش مردان برسد. حسینیه دو طبقه دارد: طبقه‌ای برای مردان و طبقه‌ای برای زنان. ای پدرم، حکم آن چیست؟

پاسخ:

اشکال ندارد.^۱



گفت‌وگوی زن و مرد

پرسش:

سرورم! خواهش می‌کنم برای ما حدود سخن‌گفتن و تعامل داشتن زن با مرد بیگانه (نامحرم) را مشخص نمایید؛ و همچنین برای مرد و اینکه تا چه حد می‌تواند با زن بیگانه (چه از انصار و چه از غیرانصار) تعامل داشته باشد. آیا این تعامل در همه ابعاد و جوانبش می‌تواند باشد؟

پاسخ:

سخن‌گفتن بین زن و مرد جایز است، ولی باید کلام برای غرضی درست و مقبول باشد؛ مثل کار یا راهنمایی کردن؛ و این گفت‌وگو نباید از روی بیهودگی و شوخی و صرفاً برای هم‌کلامی باشد.^۱

پرسش:

حکم صحبت کردن زن و مرد به‌طور کلی، و به‌طور خاص از طریق اینترنت چیست؟ و آیا این‌گونه صحبت کردن به‌صورت فردی در پالتاک جایز است؟

پاسخ:

پیش‌تر گفته‌ام که صحبت کردن میان مرد و زن به‌طور کلی جایز است و صحبت از طریق اینترنت هم به همین صورت است. حق تعالی می‌فرماید: ﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ بَعْضُنَّ مِنْ بُحْرَاهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ - وَ آبَائِهِنَّ وَ أَبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ وَ إِبْنَائِهِنَّ وَ إِبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ وَ إِخْوَانِهِنَّ وَ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ وَ بَنِي خَوَاتِمِهِنَّ وَ

نَسَائِهِنَّ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ وَ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ وَ الطِّفْلَ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بَأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا إِنَّهَا السُّؤْمُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۱﴾ (و به زنان مؤمن بگو که چشمان خویش را ببندند و شرمگاه خود را نگه دارند و زینت‌های خود را جز آن مقدار که هویداست آشکار نکنند و مقنعه‌های خود را تا گریبان فروگذارند و زینت‌های خود را آشکار نکنند، مگر برای شوهران خود یا پدران خود یا پدر شوهرهای خود یا پسران خود یا پسران شوهر خود یا برادران خود یا پسران برادر خود، یا پسران خواهر خود یا زنان هم‌کیش خود، یا بندگان خود، یا مردان خدمتگزار خود که رغبت به زن ندارند، یا کودکانی که از شرمگاه زنان بی‌خبرند و نیز چنان پای بر زمین نزنند تا آن زینتی که پنهان کرده‌اند دانسته شود. ای مؤمنان، همگان به درگاه خدا توبه کنید، باشد که رستگار شوید) (احکام نورانی اسلام: ج ۳)

بنابراین صحبت کردن مرد با زن به‌طور کلی جایز است؛ اما صحبت کردن مرد و زن به‌صورت انفرادی مکروه است؛ مگر در خواستگاری یا بنا به ضرورت. از همین رو زن مؤمن عقیف و محترم از صحبت انفرادی با مرد غیرمحرّم دوری می‌کند؛ مگر برای ضرورت و به‌اندازه رفع نیاز و با کمترین مقدار کلام که غرض را برساند و فرقی ندارد این صحبت کردن به‌صورت مستقیم و رودررو باشد یا از طریق اینترنت و برنامه‌های گفت‌وگو (پالتاک) و دیگر برنامه‌های شبیه به آن.

والحمد لله رب العالمین^۲

مسائل پزشکی

پرسش:

من در بیمارستانی در بخش جراحی مشغول به کار هستم و زنانی با سوختگی‌های جسمی آورده می‌شوند و در کادر، نیروی زن برای معالجه این بیماران وجود ندارد. برای کندن پوست سوخته، لازم است بیمار به همراه شوهر، مادر یا یکی از محرم‌هایش حمام برده شود و متأسفانه آن‌ها بدون کمک ما نمی‌توانند این کار را انجام دهند. حکم این کار را بیان فرمایید؟

پاسخ:

بر مسلمین واجب است برای معالجه زنان کادر طبی زن فراهم کنند، و حتی واجب است برای معالجه زنان مکان خاصی نیز فراهم گردد تا معالجه با عزت و کرامت انجام شود و در این خصوص، امور فرعی بسیار زیادی نیز وجود دارد:

- باید برای رفع تمامی نیازهای پزشکی تعداد کافی پرسنل زن به کار گرفته شود.
- لازم است مراکز معالجه زنان به طور کامل جدا باشند، چه با ساختن بیمارستان ویژه زنان یا بخش‌بندی بیمارستان.

اما در خصوص وضعیتی که برادر «ابو نبا» در آن قرار دارد، در صورت وجود اضطرار معالجه سوختگی زنان توسط مردان بلامانع است و گناه و خطای آن برعهده حکومت طاغوت و نیز تمام مسلمین تقصیرکار است که به ایجاد زیرساخت‌های مناسب برای معالجه زنان اقدام نکرده‌اند.^۱

پرسش:

سلام علیکم، ای انصار الله، و رحمة الله و برکاته.

حکم رفتن زن نزد پزشک مرد چیست؟ در صورتی که زنی با آن تخصص وجود نداشته باشد. خداوند شما را برای یاری قائم آل محمد (علیه السلام) توفیق عطا فرماید.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، و صل الله على محمد و آل محمد الائمه و المهديين
و سلم تسليماً.

اگر معالجه با عمل حرامی همراه باشد، مثل نگاه کردن پزشک به آن بخش از بدن زن که نگریستن به آن یا لمس کردنش برایش جایز نیست، مجاز نیست، مگر هنگام اضطرار.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.^۱

پرسش:

... اگر انجام عمل زیبایی جایز باشد، آیا برای اجزایی که نگاه کردن به آنها حلال است جایز است؟ یا به طور کلی جایز است؟

پاسخ:

اگر در انجام عمل زیبایی اضطرار وجود نداشته نباشد، باید حدود شرعی در نگاه و لمس کردن برآورده شود؛ و اگر به انجامش مجبور باشد، در صورت وجود اضطرار و نبودن هم جنس، نگاه و لمس جایز است.^۲

۱ - کتاب پاسخ‌های روشنگرانه: ج ۵ ص ۴۹.

۲ - کتاب پاسخ‌های روشنگرانه: ج ۷ ص ۱۱۸.



پرسش:

سلام علیکم، آقای من.

من به‌عنوان پرستار اورژانس کار می‌کنم و گاهی دختر بچه‌هایی برای تزریق نزد من می‌آورند و من در وضعیت دشواری قرار می‌گیرم؛ چون بعضی از آن‌ها چهار سال یا بیشتر سن دارند؛ با اینکه پرستار زن نیز وجود دارد ولی همه آن‌ها (دختر و پسر) را کودک محسوب می‌کنند یا کسی که دختر بچه را آورده پدر یا برادرش است و نمی‌تواند به بخش زنان مراجعه کند. آقای من! سؤال من: آیا سن مشخصی برای دختر بچه‌ها وجود دارد تا من بتوانم آن‌ها را برای تزریق عضلانی عریان کنم؟

همچنین گاهی اوقات زنانی به ما مراجعه می‌کنند که دچار زخم یا سوختگی یا شکستگی تا حدودی پیچیده هستند و پرستار زن نمی‌تواند به معالجه آن‌ها بپردازد؛ چون تجربه کافی برای چنین وضعیت‌هایی را ندارد و ما پرستاران مرد مجبور به درمانشان و آشکار کردن مکان زخم یا سوختگی یا شکستگی هستیم. آیا این کار برای ما گناه محسوب می‌شود؟

و از خداوند مسئلت دارم شما را حفظ کند، و از هر شرّی در امان بدارد، و از اینکه وقت شما را گرفتم متأسفم، آقای من. والحمد لله رب العالمین. التماس دعا، مولای من.

پاسخ:

وعلیکم السلام ورحمة الله وبرکاته. خداوند شما را حفظ کند.

نگاه یا لمس کردن، حرام است مگر در حالت اضطرار، که این حرمت برداشته می‌شود؛ یعنی مثل وضعیتی که شما بیان کردی؛ هنگامی که به دلیل نبودن خانمی که اقدام به درمان کند یا وجود خانمی با تجربه کم و بدون صلاحیت کافی، مرد مجبور به درمان زن می‌شود.

اما دربارهٔ دختر بچه‌ای که بالغ نشده، در صورت وجود خانمی که اقدام به درمان او کند و اضطرابی هم وجود نداشته باشد، اگر درمان او مستلزم نگاه یا لمس کردن سینه تا زانوها باشد بهتر است مرد از درمان او اجتناب کند؛ اما درمان یا لمس کردن او یا نگاه کردن به موضع درمان بدن او حرام نیست.^۱

پرسش:

لا قوة الا بالله... مولای من قائم، سؤالی دارم.

مدتی پیش آزمایش خون دادم و به دلیل نبود کادر زن، یک مرد از دست من خون گرفت و این کار مستلزم آشکار شدن دستم تا آرنج بود... آیا در این کار گناهی وجود دارد؟

پاسخ:

خداوند شما را حفظ کند. در صورت وجود اضطراب، اشکال ندارد.^۲

پرسش:

بعضی از وسایل سونوگرافی مجهز به دوربینی هستند که برای تشخیص وضعیت بیمار و دیدن داخل رحم و تخمدان، داخل شکم زن فرستاده می‌شود. سؤال:

۱- اگر این نوع سونوگرافی را پزشک زن انجام دهد، آیا جایز است زن مؤمن به آن رضایت دهد؟

۲- اگر جایز باشد آیا روزهٔ زن باطل می‌شود؟

پاسخ:

۱ - کتاب پیک صفحه: ص ۳۹۵.

۲ - کتاب پیک صفحه: ص ۳۳۷.



اگر معاینه توسط پزشک زن انجام شود جایز است. وارد کردن ابزار معاینه در مجاری تناسلی به خودی خود باطل کننده روزه نیست.^۱



دست دادن

پرسش:

من به‌عنوان پزشک در یک کشور اروپایی کار می‌کنم. طبق عرف اینجا وقتی پزشکی برای معاینه بیمار می‌رود دستش را برای مصافحه (دست‌دادن) به‌سمت بیمار دراز می‌کند و اگر چنین نکند عملی ناشایست محسوب، یا به‌خاطر مسلمان بودن من ممکن است باعث سوءبرداشت شود، یا توهین از طرف دکتر محسوب شود؛ و این بستگی به شخصیت خود بیمار دارد. حال اگر بیمار زن باشد وضعیت چگونه خواهد بود؟ مایلیم از وضعیت مشابهی نیز سؤال کنم: اینکه اگر پزشک، یک زن مسلمان باشد آیا جایز است با مردان مصافحه کند، با توجه به اینکه او نیز در چنین شرایطی کار می‌کند؟

پاسخ:

اگر دست‌ندادن باعث سختی و مشقت شود، اگر زن غیرمسلمان اول دستش را به‌سوی شما دراز کرد می‌توانی دستت را برای مصافحه به‌سوی او دراز کنی؛ ولی خودت نباید در ابتدا دستت را به‌سوی او دراز کنی؛ اما دربارهٔ پزشک زن مسلمان، جایز نیست با مرد مسلمان یا غیرمسلمان مصافحه کند، و اگر مصافحه‌نکردن برایش موجب سختی و مشقت می‌شود می‌تواند دستکش بپوشد و با آنان مصافحه کند. از خداوند متعال می‌خواهم به شما برکت عنایت کند و خیر آخرت و دنیا را به شما توفیق عطا فرماید. او سرپرست من است و شایستگان را سرپرستی می‌کند.^۱

پرسش:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو باد مولای من.

از خدا می‌خواهم به‌مناسبت ماه رمضان، هزار خیر و نیکی به شما ارزانی بدارد، و هر



سال در خیر و عافیت باشید.

آقای من، سؤالی دارم که اگر لطف بفرمایید پاسخم را بدهید، خداوند هزار خیر به شما پاداش دهد.

ما در اروپا هستیم و اغلب در مناسبت‌ها در معرض دست‌دادن با مردان قرار می‌گیریم؛ مثل مدرسه، بانک یا دکتر؛ و آن‌ها این کار را از باب احترام انجام می‌دهند. به‌عنوان مثال الآن من در حال اتمام دورهٔ راهنمایی هستم و وقتی نتایج اعلام می‌شود معلم برای سلام کردن به من دستش را دراز می‌کند و نتیجه را به من می‌دهد. آیا باید دستم را دراز کنم، یا خودداری کنم؟ با توجه به اینکه این کار باعث شرمندگی و خجالت من می‌شود. مرا راهنمایی کنید سرورم. التماس دعا دارم، ای مولای کریم من.

پاسخ:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته

خدا تو را حفظ کند.

گاهی به‌عنوان راه‌حل می‌توانید از دستکش استفاده کنید؛ و در صورت شرمندگی شدید دست‌دادن اشکالی ندارد.^۱



خلوت کردن

پرسش:

در دوره‌های اخیر پدیدهٔ معالجهٔ روحی برای درمان تأثیر جن و مسائلی شبیه آن بسیار شده است؛ به‌خصوص برای خانم‌ها. برخی از درمانگرها، اقدام به درمان خانم‌ها در اتاق‌های قفل‌شده یا ممنوع‌الورود می‌کنند و اجازهٔ ورود هیچ‌کسی را به‌همراه او نمی‌دهند؛ با توجه به اینکه این مرد (درمانگر) جزو محارم این خانم نیست و مدعی است درمان، فقط با خلوت کردن با بیمار امکان‌پذیر است.

پرسش:

۱- حکم شرعی این‌گونه خلوت کردن با خانم‌ها چیست؟ و آیا تفاوتی میان فرد معتمد و فرد دیگر وجود دارد؟

پاسخ:

این خلوت کردن جایز نیست و حرام است و تفاوتی بین فرد معتمد و فرد دیگر وجود ندارد.

۲- آیا اصولاً درمانی از نوع روحی وجود دارد که فقط با خلوت کردن با بیمار امکان‌پذیر باشد؟

پاسخ:

نیازی به خلوت کردن با بیمار نیست.

۳- آیا جایز است مرد درمانگر، بدن زن غریبه را بدون مانع یا با مانع به‌بهانهٔ درمان لمس کند؟

پاسخ:



جایز نیست و عملی حرام است.

۴- در انتها آیا برای مؤمنان نصیحتی دارید که محل‌های نفوذ ابلیس را ببندد؟

پاسخ:

اما نصیحت این‌جانب: مؤمنان از خلوت‌کردن حرام دوری کنند؛ چراکه دربی از درب‌های شیطان است؛ پس آن را نکوبید. خداوند رحمتان کند.^۱

پرسش:

خودرو سوارشدن زن اگر فقط خودش و راننده باشند چه حکمی دارد؟

پاسخ:

در خیابان عمومی و در میان مردم اشکالی ندارد.^۲

پرسش:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته

موضوع از این قرار است که من دختری را می‌شناسم که وقتی دوازده‌ساله بود در معرض آزار و اذیت جنسی قرار گرفت. این آزار از طرف دایی او صورت گرفت و چیزی جز تماس‌های ساده در کار نبود. خانوادهٔ دختر از ماجرا باخبر شدند و پدر دختر، دیدار او با دایی‌اش را ممنوع و حتی قدغن کرد که دختر با دایی‌اش در یک مکان باشند و این‌طور دستور داد که دختر نباید دایی‌اش را ببیند، حتی اگر به‌همراه مادر و خانواده و نزدیکان باشد. وی حتی گفته کودکان نباید در جایی که آن دایی هست باشند، حتی اگر او کودکان را نبیند. آیا او

۱ - کتاب پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۴ ص ۳۷.

۲ - کتاب پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۴ ص ۴۲.

چنین حقی دارد؟

تنها راه حلی که پدر به آن رضایت دارد این است که او را بکشد یا بسوزاند، و حال آنکه دایی دختر عذرخواهی کرده و طلب بخشش نموده و گفته توبه نصوح کرده است؛ ولی پدر دختر قانع نشده و کماکان خواستار قتل اوست. این دختر اکنون ۲۱ ساله شده و گفته است خدای سبحان را بین او و دایی اش حاکم قرار می دهد و دوست ندارد هیچ کس از والدین یا خانواده اش در این قضیه دخالت کنند. آیا دختر چنین حقی دارد؟ این تصمیم گیری بر اساس پناه آوردن به دعا و نماز گرفته شده است، و این دختر به واسطه خوابی که دید آرامش پیدا کرد؛ ولی با خودش و با خدا عهد کرده است که این خواب را برای هیچ کس تعریف نکند، هر که می خواهد باشد! دختر می خواهد بین آن دو فقط خدا حاکم باشد؛ آیا او چنین حقی دارد؟ آیا کشتن دایی جایز است؟ با توجه به اینکه دایی توبه اش را اظهار نموده و پس از آن به ادای عمره و زیارت امام حسین (علیه السلام) و زیارت دیگر اماکن مقدسه توفیق پیدا کرده است.

جناب سید احمد الحسن، امیدوارم پاسخ را در سریع ترین زمان ممکن دریافت کنم و نیز امید دارم پاسخ، تمام تفصیلات سؤالات مذکور را در بر بگیرد. با تشکر.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم،

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين
و سلم تسليمًا.

پس از آنکه برای پدر روشن شد آن شخص این عمل شیطانی را انجام داده است، حق دارد او را از نزدیک شدن به خانواده اش بازدارد؛ اما، پدر حق کشتن او را ندارد. این شخص اگر واقعاً و حقیقتاً توبه کرده باشد خداوند توبه او را می پذیرد که خدا آمرزنده و بخشاینده است؛ اما این حق برای پدر باقی می ماند که از تنها شدن چنین فردی با دختران یا پسرانش جلوگیری کند.



خداوند شما را توفیق دهد و گام‌هایتان را استوار سازد!



پوشش و زینت زن

پوشش زن

آرایش

زیورآلات زن

پوشش زن

حکم شرعی پوشیدن شلوار همراه با حفظ حجاب موی سر، و همین طور حکم شرعی چادر چیست؟

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد و آل محمد الأئمة والمهديين وسلّم تسليماً.

پوشاندن صورت، دو کف دست و از مچ به پایین پا برای زن واجب نیست و بقیه اعضا باید به طور کامل پوشانده شود؛ یعنی جنس پوشش نباید نازک و به قدری تنگ باشد که زیرش را نمایان سازد؛ اما در خصوص شلوار، در صورتی که از روی آن مانتو یا کتی بیوشد که تا زانو را بیوشاند اشکالی ندارد؛ آن هم در صورتی که تنگ نباشد تا هر آنچه را زیرش هست نمایان سازد؛ اما اگر زنی شلوار بیوشد و مانتو یا کتی روی آن نباشد و حجاب سرش را حفظ کند، اشکال دارد و حجاب شرعی محسوب نمی شود؛ حتی هتک حرمت پوشیدن شلوار به این صورت، از نمایان ساختن مو و کشف حجاب سر، بیشتر است.^۱

پرسش:

آیا تحنک (پوشانیدن زیر چانه) برای زنان واجب است؟ محدوده تحنک چه مقدار است؟ لطفاً سریع پاسخ دهید.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم



و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمه و المهديين
و سلم تسليماً.

زن می‌تواند چهره‌اش را آشکار کند. قسمتی که زیر حنک قرار می‌گیرد جزو
صورت نیست و پوشاندنش واجب است.^۱

پرسش:

زنی بیست سال است که محجبه است و یک نوار ویدئویی از جشن ازدواجش دارد، و
ازدواجش قبل از محجبه شدنش صورت گرفته است. آیا یک مرد نامحرم یا هر مرد دیگری
می‌تواند این نوار را تماشا کند؟ یا آیا هر مرد نامحرمی می‌تواند عکس‌های قدیمی زن
بی‌حجاب را که مربوط به بیست سال پیش است و وی اکنون محجبه شده، نگاه کند؟ ما
را بهره‌مند سازید. خداوند اجرتان دهد و ما از شما متشکریم.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمه و المهديين
و سلم تسليماً.

جایز نیست مرد نامحرم آن‌ها را ببیند، و برای آن خانم بهتر است این تصاویر و
فیلم‌ها را از بین ببرد. خداوند شما را بر هر خیری موفق گرداند!

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.^۲

۱ - کتاب پاسخ‌های روشن‌گرانه: ج ۴ ص ۸۹.

۲ - کتاب پاسخ‌های روشن‌گرانه: ج ۶ ص ۶۷.

پرسش:

برخی احکام شرعی مخصوص خانم‌ها وجود دارد که خانم بنده به آن‌ها پایبند نیست؛ مانند حجاب، استفاده از عطرها، پوشیدن کفش پاشنه‌بلند، لباس‌های تنگ و امور زینتی دیگر. تمام راه‌های امر به معروف و نهی از منکر را استفاده کرده‌ام و گاهی اوقات کار به جاهای باریک می‌کشد که عاقبت خوبی ندارد و چه بسا به طلاق بکشد. راه‌حل چیست؟ با توجه به اینکه این خانم جزو انصار است. از یمانی آل محمد (علیهم‌السلام) تقاضا دارم مرا به راه‌حلی راهنمایی فرماید که رضای خداوند جل جلاله در آن باشد و اینکه برای من، به ثبات قدم بر ولایت و بیعتش و صلاح در دینم دعا نماید، و من نمی‌خواهم خانواده‌ام آسیبی ببینند. از طولانی شدن مطلب، عذر می‌خواهم. والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين
و سلم تسليمًا.

در خصوص حجاب، واجب شرعی است، و زن باید به حجاب شرعی که پیش‌تر بیان کردم پایبند باشد، و اگر به آن پایبند نباشد، مرتکب کاری حرام شده و در نتیجه به دلیل نادیده‌گرفتن حدود خداوند سبحان و متعال، برای وی عواقب اخروی و دنیوی به دنبال خواهد داشت. بر شوهر واجب است همسرش را به پایبندی به حجاب و حدود شرعی آن فرمان دهد و او را راهنمایی نماید؛ اما اگر همسرش به حجاب شرعی پایبند نباشد، واجب نیست او را طلاق بدهد؛ همچنین در صورتی که زن احتمال بدهد به مکانی برود یا از مکانی عبور کند که آقایان نامحرم در آن حاضر باشند جایز نیست عطر استفاده کند. حتی در برخی از عطرها موادی برای تحریک غریزه جنسی وجود دارد؛ برای یک خانم محترم شایسته نیست از این عطرها در



بیرون از اتاق خوابش استفاده نماید؛ چراکه فقط برای تحریک شوهر است. اما پوشیدن کفش پاشنه بلند یا دارای رنگ مشخص (جذاب) مباح است و اشکالی ندارد. اما لباس‌های تنگ، جایز نیست؛ منظور این است که لباس به قدری تنگ باشد که جزئیات بدن زن را مشخص کند.^۱

پرسش:

در تبلیغ یکی از تالارهای گفت‌وگوی خارجی... شخصی پرسید نظر ایشان (احمدالحسن) درباره استفاده از پوشیه (روبند یا نقاب خانم‌ها) چیست؟^۲

پاسخ:

استفاده از پوشیه جایز است، ولی واجب نیست.^۳

پرسش:

آیا استفاده از کلیپس‌های بزرگ مو زیر روسری که موجب بزرگ شدن سر و شبیه شدن آن به دو تا سر یا شتر دو کوهان می‌شود^۴ جایز است یا مکروه؟ یا کاری حرام است؟ مولای من، شما و تمامی دوستداران همیشه تندرست باشید...

پاسخ:

۱ - کتاب پاسخ‌های روشن‌گرانه: ج ۷ ص ۶۲.

۲ - سؤال را برای وضوح بیشتر به صورت خلاصه بیان کردیم.

۳ - کتاب پاسخ‌های روشن‌گرانه: ج ۷ ص ۱۱۲.

۴ - کتاب التاج: پیامبر ﷺ فرمودند: «دو گروه از دوزخیان هستند که آن‌ها را ندیده‌ام: گروهی که تازیانه‌هایی چون دُم گاو یا خود دارند و با آن مردم را می‌زنند. و (گروه دوم): زنان نیمه برهنه‌ای که لباس دارند، اما در حقیقت برهنه‌اند و سرهایشان را همچون کوهان شتر برآمده می‌سازند. این‌ها وارد بهشت نمی‌شوند و بوی بهشت به مشامشان نمی‌رسد.» کتاب التاج: ج ۳، کتاب اللباس (پوشش): ص ۱۷۹ و ۲۸۹. [باز کردن صفحه حدیث به عربی](#)

... استفاده از چیزی در موها حتی اگر حجاب را برجسته کند مباح است و حرام نیست.

به طور کلی دین زن را تشویق می کند که به زینت خود در چهارچوب خانه و برای شوهرش اهتمام داشته باشد؛ چراکه این کار عامل بسیار مهمی برای حفظ خانواده و بازداشتن شوهر پناه بر خدا. از فکر کردن به غیر همسرش است.^۱

پرسش:

ای نور دیدگانم سؤالی دارم: «در باره پوشیدن شال کمری به شکل چادر. هنگام زیارت اماکن مقدس»: مولای من، آیا پوشیدن آن جایز است؟ چون هنگام وارد شدن به محل تفتیش، مانع از پوشیدن آن می شوند؛ با اینکه این لباس، پوششی مثل چادر است و فقط رنگش فرق می کند و تیره رنگ است. التماس دعا... دختر شما.

پاسخ:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. پوشیدن چادر، عبا یا هر چیزی بیش از حجاب طبیعی شرعی واجب نیست، و الزامی کردن پوشیدن چادر هنگام زیارت اماکن مقدس رفتاری است نادرست و چه بسا گاهی ضررش بیش از نفعش است.

پرسش:

بله، ای مولای من، در اماکن مقدس حتی جوراب نازک را هم قبول نمی کنند و به ما اجازه ورود نمی دهند، مگر پس از عوض کردن آن با جوراب ضخیم.

پاسخ:



برای تغییردادن آنچه حاکمان بر این اماکن مقدس واجب می‌کنند، فعلاً کاری از دست من برنمی‌آید. آن‌ها قوانین را طبق نظر خود واجب می‌کنند؛ گرچه واقعاً محدودکننده و سخت‌گیرانه بوده باشد.^۱

پرسش:

وضعیت برخی از خانم‌ها به آنجا رسیده که در قمه‌زنی شرکت می‌کنند؛ و چه بسا دیده شده موهای آنان در حضور آقایان آشکار می‌شود، و مدعی‌اند شعائر را زنده، و با فاطمی‌ها هم‌دردی می‌کنند؛ و چه بسا عده‌ای سعی می‌کنند کارشان را با این عبارت از زیارت ناحیه مقدسه زیبا جلوه دهند: «بِرَزْنٍ مِنَ الْخُدُورِ نَاشِرَاتِ الشُّعُورِ عَلَى الْخُدُودِ لِاطْمَآتِ الْوُجُوهِ سَافِرَاتِ» «از پس پرده‌های خیمه خارج شدند، در حالی که گیسوان بر گونه‌ها پراکنده نمودند، بر صورت‌ها لطمه می‌زدند و نقاب از چهره‌ها افکنده بودند.»

پاسخ:

برای خانم جایز نیست موهایش را جلوی بیگانه‌ها آشکار کند، و این دلیل گفته‌شده نیز صحیح نیست؛ حتی اگر اعتقاد داشته باشند منظور از این زیارت، بیرون‌رفتن برخی از دختران پیامبر بوده، در حالی که سرها و موهایشان آشکار بوده است؛ زیرا اگر آنان با این حالت بیرون رفتند به این دلیل بوده که دشمنان پس از حمله به خیمه‌ها و آتش‌زدنشان آن‌ها را مجبور به آن وضعیت کرده بودند. پس آن‌ها با خواست خودشان چنین بیرون‌رفتنی را درخواست نکردند و در نتیجه هیچ معصیتی مُرتکب نشدند؛ در حالی که کسی که مویش را آشکار سازد و با خواست و اراده خود حجابش را به‌طور کامل زایل کند، معصیت و نافرمانی خداوند سبحان را انجام داده است و این عذر و بهانه که می‌خواهد خداوند سبحان را اطاعت و

عبادت کند سودی به حالش نخواهد داشت؛ خداوند برتر و بالاتر از آن است که با معصیت عبادت شود.^۱

پرسش:

منظور از عورت انسان که پوشاندنش در برابر مرد و زن واجب است، چیست؟

پاسخ:

آنچه زن می‌تواند در برابر نامحرمان آشکار کند عبارت است از صورت، کف دست‌ها و از مچ به پایین پاها؛ و آنچه زن می‌تواند در برابر محارم آشکار سازد عبارت است از گردن و بالاتر از آن، آن مقدار از دست‌ها که باید برای وضو گرفتن مکشوف نماید، و وسط ساق و پایین‌تر از آن؛ و برای شوهرش تمام بدنش را. آنچه بر مرد واجب است، پوشاندن عورتین از مرد یا زن است، ولی پوشاندن مابین ناف تا زانو بهتر است. آنچه برای زن واجب است از زنان دیگر بیپوشاند عورتین است، ولی پوشاندن سینه‌ها تا زانوها بهتر است. زن در برابر پسر ممیز (که قدرت تشخیص دارد) هر آنچه را که از محارم خود باید بیپوشاند می‌پوشاند.^۲

پرسش:

آیا زن می‌تواند در حضور برادر بالغ یا پدرش یا پسر بالغ خود لباسی بیپوشد که قسمتی از زیبایی‌ها و جاذبه‌هایش را نمایان می‌کند، مثل پوشیدن لباس خواب یا چیزی شبیه به آن، البته همراه با پوشاندن عورت که طبیعتاً واجب است؟ و اگر حرام است حدود و مقدار زیبایی و جاذبه‌هایی که در حضور اشخاص نام برده شده می‌تواند نمایان باشد چقدر است؟

۱ - کتاب پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۵ ص ۶.

۲ - کتاب پاسخ‌های فقهی - طهارت: ص ۹.



پاسخ:

حق تعالی می‌فرماید: ﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِزْمَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۱ (و به زنان مؤمن بگو که چشمان خویش را ببندند و شرمگاه خود را نگه دارند و زینت‌های خود را جز آن مقدار که هویدا است آشکار نکنند، و مقنعه‌های خود را تا گریبان فروگذارند، و زینت‌های خود را آشکار نکنند، مگر برای شوهران خود یا پدران خود یا پدر شوهرهای خود یا پسران خود یا پسران شوهر خود یا برادران خود یا پسران برادر خود، یا پسران خواهر خود یا زنان هم‌کیش خود، یا بندگان خود، یا مردان خدمتگزار خود که رغبت به زن ندارند، یا کودکانی که از شرمگاه زنان بی‌خبرند؛ و نیز چنان پای بر زمین نزنند تا آن زینتی که پنهان کرده‌اند دانسته شود. ای مؤمنان، همگان به درگاه خدا توبه کنید، باشد که رستگار شوید).

آنچه زن می‌تواند در برابر نامحرمان آشکار کند عبارت است از صورت، کف دست‌ها و از مچ به پایین پاها؛ و آنچه زن می‌تواند در برابر محارم آشکار سازد عبارت است از گردن و بالاتر از آن، آن مقدار از دست‌ها که باید برای وضوگرفتن آشکار نماید، و وسط ساق و پایین‌تر از آن، و برای شوهرش تمام بدنش را.

آقای من، درود خدا بر تو باد!

من پاسخ شما را خواندم و حقایقی برای ما آشکار شد که قبلاً آن‌ها را نمی‌دانستیم، و به فضل شما اهل بیت - که سلام خداوند بر شما باد - به نور شما منور گشتیم. از خداوند درخواست می‌نمایم به واسطه شما بر معرفتم بیفزاید و از همراهی با شما بیشتر و بیشتر بر من افزوده شود... مولای من! برخی امور بر من پوشیده مانده است و از شما سؤال می‌کنم. از شما تقاضا می‌کنم آن‌ها را برای ما روشن سازی تا سودمندی کامل تر شود. پرسش‌های زیر شاخه‌هایی از مسئله فوق است:

منظور از «زینت» در آیه شریف چیست؟ و چه چیزهایی از زن را شامل می‌شود؟
و حدود عُمر در ﴿... الطِّفْلِ الذَّيْنِ لَمْ يَطْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ﴾ (کودکانی که از شرمگاه زنان بی‌خبرند) چقدر است؟

و منظور از این آیه چیست: ﴿وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ﴾ (و نیز چنان پای بر زمین نزنند تا آن زینتی که پنهان کرده‌اند دانسته شود)؟

پاسخ:

درباره زن، زینت به هر چیزی که پوشاندن آن از نگاه نامحرم واجب است اطلاق می‌شود و تمام بدن زن به جز صورت، کف دست‌ها و از میج به پایین پاها را شامل می‌شود.

کودکی که زن باید خود را از او حفظ کند، کودک ممیز است. معمولاً کودک با تمام شدن هفت سال به سن تمییز می‌رسد و چه بسا با توجه به وضعیت کودک و مقدار درک و فهم او در سن هشت، نه یا ده سالگی یا پس از آن به این حد برسد.

منظور از این سخن خدای متعال که فرموده است ﴿وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ﴾ (و نیز چنان پای بر زمین نزنند تا آن زینت که پنهان کرده‌اند دانسته شود) بلند کردن صدا از خلخال است.



پرسش:

سرورم! پاسخ شما را درباره آنچه زن باید بیوشاند خواندم؛ ولی نمی دانم اگر کسی که به زن نظر می افکند مادر یا مادر بزرگش از یکی از والدین و هرچه بالاتر روند، یا از افراد مکلف مانند خواهر از یکی از والدین و دختران خواهر و دختران برادر و خواهر و هرچه پایین تر روند، یا دختر و دختر شوهر پس از دخول، یا عمه یا عمه والدین و خاله یا خاله والدین باشد، حدودی که پوشاندنشان بر زن واجب است کدام است؟

و اگر بیننده، طفل ممیز باشد چه این طفل پسر باشد و چه دختر- از فرزندان زن و هرچه پایین تر روند، یا از اطفال ممیزی که نسبتی با زن ندارند باشد، حدودی که پوشاندن آنها بر زن واجب می شود کدام است؟

و اگر بیننده، فرزندان مذکر یا مؤنث زن یا دیگر افرادی که بالاتر از سن تمییز و پایین تر از سن تکلیف هستند باشند، حدودی که پوشاندن آنها بر زن واجب می گردد کدام است؟

پاسخ:

در خصوص آن مقداری که پوشاندنش برای زن از خواهرش واجب است در آیه **﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ﴾** (وبه زنان مؤمن بگو که چشمان خویش را ببندند و شرمگاه خود را نگه دارند) منظور نگاه کردن است؛ بنابراین جایز نیست زن به عورت خواهر خود بنگرد و نیز زن باید عورت خود را از اینکه زن دیگری به آن نگاه کند حفظ کند و بیوشاند. این، همان مقدار واجب است.^۱

پرسش:

آیا زن می‌تواند رنگ حجابی را که بر سر می‌نهد یا دیگر لباس‌ها و نوع پارچه‌اش را آن‌طور که خودش می‌خواهد انتخاب کند؟ (مثلاً گاهی شلوار از پارچه عادی است و گاهی از کتان یا پارچه‌ای که به کابوی معروف است) البته ضمن حدودی که مسائل شرعی رعایت شود؟ یا بر زن واجب است رنگ‌بندی و جنس‌ها (ی متفرقه) را رها کند؟

پاسخ:

اگر حدود شرعی که پیش‌تر بیان کردم حفظ شود، هر رنگ و پارچه‌ای جایز است.^۱

پرسش:

حکم جوراب شیشه‌ای برای زن چیست؟

پاسخ:

ظاهر کردن دو کف دست و از مچ به پایین پا و صورت زن جایز است و اشکال ندارد و بر او واجب است سایر اعضا را به‌طور کامل بپوشاند. پوشیدن جوراب برای زن واجب نیست.^۲

پرسش:

حکم باز گذاشتن صورت برای زن در کشوری که پوشاندن صورت در آن مرسوم است چیست؟ آیا باز گذاشتن صورت بهتر است یا پوشاندن آن؟ و آیا حضرت زهرا (علیها السلام) صورت خود را می‌پوشاند؟

پاسخ:

۱ - کتاب پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۱ ص ۴۱.

۲ - کتاب پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۱ ص ۴۱.



باز گذاشتن صورت برای زن جایز است و حضرت زهرا - که سلام و صلوات خدا بر او باد - صورت خود را نمی‌پوشاند و حضرت محمد ﷺ نیز همسران خود را به پوشاندن صورت‌هایشان فرمان نمی‌داد. بله، اینکه زن‌ها در شبه‌جزیره عربستان صورت‌هایشان را در سفر می‌پوشانند بنا به دلیلی شرعی نیست و فقط به علت گرمای خورشید انجام می‌شود؛ اما در کشور یا جامعه‌ای که مرسوم در آن پوشاندن صورت است، به جهت مراعات عرف غالب، پوشاندن صورت بهتر است ولی واجب نیست. آیا نمی‌بینید زن در حج صورت خود را باز می‌گذارد؟ اگر واجب یا مستحب می‌بود هنگامی که او در حج و در حال عبادت و در میان انبوهی از مردان است و جوب و استحبابش شدیدتر می‌شد. اسلام نقش زن را به‌طور کامل به او داده است و پوشاندن صورت مانع از انجام بیشتر کارهایی می‌شود که زن می‌تواند انجامشان دهد و در آن نوآوری داشته باشد و خدمت بزرگی به جامعه برساند.^۱

پرسش:

خواهری دوازده‌ساله دارم. شکر خدا او به حق ایمان دارد و می‌خواهد ملتزم به شرع خداوند سبحان و متعال شود. مدت‌ها پیش به او گفته‌ام از نُه‌سالگی (هجری قمری) مکلف شده است. او می‌خواهد حجاب داشته باشد ولی پدر و مادرم به شدت معترض هستند و هر بار بر سر همین موضوع مشاجره سختی درمی‌گیرد. من این را می‌دانم که شما برادران و خواهران را نصیحت فرموده‌اید کارهایی را که موجب تنفر مردم از دعوت می‌شود انجام ندهند، ولی از حدود آن اطلاع ندارم. حجاب، واجب و تکلیف الهی است و می‌دانیم در قرآن کریم خداوند سبحان و متعال می‌فرماید: ﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ

تَعْمَلُونَ ﴿۱﴾ (و به انسان سفارش کردیم به پدر و مادر خود نیکی کند، و اگر آن دو بکوشند تو چیزی را که به آن علم نداری شریک من قرار دهی، اطاعتشان مکن. بازگشت همه شما تنها به سوی من است. پس شما را به آنچه انجام می‌دادید خبر می‌دهم).

آیا بحث و مجادله با آنها را (که هر بار به مشاجره ختم می‌شود) ادامه دهیم؟ یا راه دیگری برای قانع کردن آنها وجود دارد؟ یا اینکه خواهرم حجابش را رعایت کند و آنها را در برابر عمل انجام‌شده قرار دهد؟ (همان طور که برای من نیز چنین شد).

پاسخ:

از خدا می‌خواهم به شما و خانواده‌تان برکت عطا فرماید و خیر آخرت و دنیا را روزی‌تان کند. او سرپرست من است و شایستگان را سرپرستی می‌کند. در طاعت خداوند منتظر رأی و نظر والدین خود نباش، ولی در هر وضعیتی با آنها با احسان و نیکویی رفتار کن. خداوند شما را موفق و گام‌هایتان را استوار بدارد. حجابش را رعایت کند و ان‌شاءالله خداوند کارهایتان را در آنچه خیر آخرت و دنیایتان است آسان می‌گرداند.^۱

پرسش:

آیا عکس انداختن زن به صورت بی‌حجاب برای دریافت گذرنامه جایز است؟ با توجه به اینکه این مسئله از سوی دولت‌هایی که در آنها زندگی می‌کنند شرط است.

پاسخ:

اگر ناچار باشد با کلاه‌گیس یا موی مصنوعی عکس بگیرد؛ و جایز نیست در



حضور نامحرم حجاب از سر بردارد.^۱

پرسش:

زنی نماز می‌خواند و در حین نماز متوجه می‌شود مقداری از بدنش هویدا شده است. آیا نمازش صحیح است یا باطل؟

پاسخ:

آن را بپوشاند و نمازش صحیح است.^۲

پرسش:

مبنای حکم حجاب زنان یا زنان سالمند از نظر حجاب شرعی چیست؟ و آنها می‌توانند چه چیزهایی را در حضور نامحرم نپوشانند؟

پاسخ:

واجب است مو و بدنش را از نامحرم بپوشاند، مگر اینکه به سبب ناتوانی یا بیماری، عذری داشته باشد.^۳



۱ - کتاب پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۳ ص ۳۸.

۲ - کتاب پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۴ ص ۱۲.

۳ - کتاب پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۵ ص ۲۵.

آرایش

پرسش:

حکم استفاده زن از پودر آرایشی چیست؟ آیا می‌توان این پودر یا مقدار کمی از آن را به صورت سبک و ملایم به صورت زد و از منزل خارج شد؟ و آیا حکم زن متأهل با زن مجرد متفاوت است؟

پاسخ:

آرایش کردن صورت و خارج شدن با آن در برابر نامحرم و غیر شوهر جایز نیست، و تفاوتی نمی‌کند زن ازدواج کرده باشد یا نه.^۱

پرسش:

آیا آرایش (آرایش صورت) برای غیر از شوهر مثل غریبه‌ها و محارم جایز است؟

پاسخ:

آرایش کردن زن جلوی شوهر و محارم مثل پدر جایز است؛ ولی جایز نیست جلوی نامحرم آرایش کند.^۲

پرسش:

می‌دانم آرایش کردن حرام است؛ اما در صورتِ بودن عیوبی در پوست صورت که موجب جلب توجه شود ناچار به پوشاندن عیب‌ها با استفاده از کرم صورت به شکلی ملایم بر روی لکه‌ها می‌شوم تا از مشکلات جلوگیری کنم. آیا این کار جایز است؟

۱ - کتاب پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۳ ص ۳۶.

۲ - کتاب پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۳ ص ۳۶.



پاسخ:

جایز است.^۱

پرسش:

آیا استفاده از «کرم‌پودر» برای دور چشم‌ها، برای پوشاندن سیاهی دور چشم، به‌خصوص هنگام خروج [از منزل] و روبه‌رو شدن با مردم مجاز است؟ یا این کار نیز از جمله جنبه‌های آرایشی است که نباید جلوی نامحرم انجام داد؟

پاسخ:

جایز است.^۲

پرسش:

آیا سرمه کشیدن برای زن در برابر غریبه‌ها جایز است؟

پاسخ:

سرمه کشیدن به نیت اینکه بیگانه او را ببیند جایز نیست؛ ولی اگر در خانه برای همسرش سرمه بکشد هنگام خروج از خانه یا ملاقات با نامحرم واجب نیست آن را پاک کند.

پرسش:

سرورم، پاسخ شما درباره مسئله بالا و سرمه کشیدن زنان به دستم رسید و آن را خواندم. سرورم آیا این یعنی دختری که هنوز ازدواج نکرده حرام است در منزل سرمه بکشد، چه

۱ - کتاب پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۳ ص ۳۹.

۲ - کتاب پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۵ ص ۲۷.

برسد به بیرون از منزل؟

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم. والحمد لله رب العالمين. وصلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

برای دختری که هنوز ازدواج نکرده، جایز است در منزل سر مه بکشد.^۱

پرسش:

[پرسش] درباره آرایشی است که زنان ابروهای خود را با آن می آرایند. آرایشی هست به نام «خال کوبی». آیا برای زن جایز است چنین کند؟ این خال کوبی، رنگی است که روی ابرو گذاشته می شود، زیر پوست است ولی به ابرو رنگ می دهد. با توجه به اینکه خال کوبی مانع وضو نیست چون رنگی در زیر پوست است، آیا به کاربردن آن جایز است یا خیر؟

پاسخ:

جایز است زن ابروی خود را با خال کوبی آرایش کند. خداوند شما را توفیق دهد و گام هایتان را استوار سازد!^۲

پرسش:

حکم خال کوبی بر روی قسمتی از بدن چیست؟ همچنین حکم «تتوی ابرو» یعنی تقریباً همان خال کوبی در ابرو که امروزه متداول است. چیست؟ و خال کوبی در بدن و ابرو به این صورت است: سوراخ کردن به وسیله سوزن تا اینکه خون زیاد خارج می شود مثل یک جراحت است. سپس اثر آن در بدن باقی می ماند و روی آن تصویر پرندگان یا اشخاص یا

۱ - پاسخ های روشن گرانه: ج ۳ ص ۷۴.

۲ - پاسخ های روشن گرانه: ج ۶ ص ۷۶.



گُل کشیده می‌شود.

پاسخ:

خال کوبی ابرو (تتو) ببه هر دلیلی که انجام شود جایز است؛ مثل نبودن یا کم‌بودن مو؛ اما کشیدن تصویر حیوانات و چیزهای دیگر روی بدن جایز نیست.^۱

پرسش:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته، آقای من. حکم بلندکردن ناخن چیست؟

پاسخ:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته

جایز است.^۲

پرسش:

اگر زن موهایش را پسرانه کوتاه کند چه حکمی دارد؟ با توجه به اینکه قصد شبیه‌شدن به مردها را نداشته باشد.

پاسخ:

اشکالی در آن نیست.^۳

پرسش:

۱ - کتاب پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۱ ص ۳۹.

۲ - پی‌نوشت امام (علیه‌السلام) در صفحه رسمی فیس‌بوک، ۵ ژوئیه ۲۰۱۸ م

۳ - کتاب پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۴ ص ۴۱.

سلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

آیا فر کردن مو، چه ثابت یا غیرثابت، برای زنها مجاز است؟

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين
وسلم تسليماً كثيراً.

جایز است.^۱

پرسش:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای سید بزرگوار ما...

حکم لنزهای رنگی چشم اگر در برابر نامحرم گذاشته شود چیست؟ به علت ضعف

بینایی، نه با هدف آرایش... امیدوارم پرسش شما را پاسخ دهی...

پاسخ:

و عليكم السلام ورحمة الله وبركاته. خداوند شما را زنده بدارد. جایز است.^۲

پرسش:

سؤال واقعاً مهمی دارم: ای پدر بزرگوارم... دیروز درباره جایز بودن استفاده از لنز رنگی

چشم با هدف اصلاح دیدن در برابر افراد نامحرم پرسیدم (و تشکر می‌کنم که پاسخ مرا

دادید) ... اما اگر فقط با هدف زینت باشد چه حکمی خواهد داشت؟ از خدا می‌خواهم

۱ - پاسخ‌های روشنگرانه: ج ۷ ص ۱۰۶.

۲ - بیک صفحه: ص ۳۳۱.



کوتاهی‌ام را در برابر شما ببخشاید. به خدا قسم من ناتوان از دادن پاسخی نیکو به شما هستم.

پاسخ:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. تغییر رنگ چشم اشکالی ندارد؛ چه به وسیلهٔ لنز و چه با روشی دیگر، چه دائمی باشد، چه موقت.^۱

پرسش:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای سید عزیز ما. از خدا می‌خواهم خودت و خانواده‌ات در خیر و عافیت باشی و از خدا می‌خواهم ما را در دنیا و آخرت از شما محروم نگرداند. ای سید ما! پرسشی دارم که امیدوارم تفضل فرموده، پاسخ دهید:

آیا جایز است زن روی دستانش حنا بگذارد و با آن از خانه خارج شود؟ (یعنی نامحرم آن را می‌بیند). آیا این کار جایز است یا زینت به شمار می‌رود، در حالی که ازدواج کرده است؟

پاسخ:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. در حال حاضر وسایل بسیاری وجود دارد که زن می‌تواند با آن‌ها برای شوهرش آرایش کند و موقتی هستند و می‌توان هنگام بیرون رفتن از خانه آن را پاک کرد.^۲

پرسش:

۱ - پیک صفحه: ص ۳۳۴.

۲ - پیک صفحه: ص ۳۴۶.

آیا جایز است زن برای شوهرش عمل زیبایی صورت انجام دهد؟ با توجه به اینکه هم‌اکنون با وجود فناوری‌های جدید بسیار، این کار امکان‌پذیر است.

پاسخ:

جایز است.^۱

پرسش:

آیا انجام عمل زیبایی -چه در مردان و چه در زنان- جایز است؟ مثل زیبایی بینی و آثاری که در چهره وجود دارد.

پاسخ:

جایز است.^۲

پرسش:

زنی که کودکی را با خود حمل می‌کند که به او عطر زده است و در خیابان راه می‌رود و عابر نمی‌تواند تشخیص دهد این عطر برای مادر است یا کودکش، چه حکمی دارد؟

پاسخ:

بر این خانم حَرَجی نیست.^۳

پرسش:

حکم استفاده از عینک‌های آفتابی برای زن چیست؟

۱ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۴ ص ۳۷.

۲ - پاسخ‌های روشن‌گرانه: ج ۷ ص ۱۱۸.

۳ - پاسخ‌های روشن‌گرانه: ج ۷ ص ۹۰.



پاسخ:

جایز است و استفاده از آن برای زن و مرد اشکالی ندارد.^۱

پرسش:

امام علیه السلام چنین فرموده‌اند: «خال کوبی ابرو (تتو) به هر دلیلی که انجام شود جایز است، مثل نبودن یا کم‌بودن مو.» آیا زیباسازی جزو جنبه‌های مجاز خال کوبی است؟

پاسخ:

علت ذکر شده از جنبه‌های آرایشی است.^۲



۱ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۴ ص ۳۹.

۲ - بخش علمی مکتب سید احمد الحسن علیه السلام، ۲۴ رجب ۱۴۴۲ هـ.

زیورآلات زن

پرسش:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما آقای من، قائم آل محمد. از خدا می‌خواهم ان‌شاءالله در خیر و عافیت باشید... آقای من، مدتی است سؤالی دارم اما فرصت پرسیدن از شما برایم فراهم نشده بود. پرسش من درباره حکم انداختن حلقه در بینی است که در زبان انگلیسی Nose Piercing نامیده می‌شود. خواهش می‌کنم به ما پاسخ دهید و ما را روشن فرمایید، آقا و مولای من.

پاسخ:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. اشکالی در آن نیست.^۱

پرسش:

آقا و مولای من، چیزی که بنده متوجه شدم این است که [استفاده از حلقه در بینی] به‌طور کلی جایز است؛ اما آیا انداختن حلقه در برابر غریبه‌ها هم جایز است؟ خواهش می‌کنم برای ما بیان فرمایید.

پاسخ:

اگر به‌منظور زینت باشد جایز نیست.^۲

پرسش:

پوشیدن جوراب شیشه‌ای حلال است یا حرام؟ آیا پوشیدن زیورآلات و خارج شدن از

۱ - کتاب پیک صفحه: ص ۳۶۳.

۲ - کتاب پیک صفحه: ص ۳۶۳.



منزل با آن مجاز است؟ خداوند شما را بر راه مستقیم، راه ائمه و مهدیون، استوار بدارد.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل
محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليما

آشکار کردن دو کف دست، و پنجهٔ پا (از مچ به پایین)، و صورت زن جایز است و اشکال ندارد؛ و بر او واجب است سایر اعضا را به‌طور کامل بپوشاند. پوشیدن جوراب برای زن واجب نیست. استفاده از زیورآلات برای زن جایز و حتی مستحب است؛ اما آشکار کردنشان برای مردان دیگر حرام است مگر برای شوهر یا افراد محرم؛ به‌غیر از حلقهٔ ازدواج که از نظر عرفی جواهرآلات محسوب نمی‌شود؛ بنابراین می‌تواند آن را به دست کند و در برابر سایر مردان آشکار نماید.^۱

پرسش:

بسم الله الرحمن الرحيم. سلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

آیا استفاده از گردن‌بند برای مردان جایز است؟ برخی از برادران می‌گویند جایز نیست چون باعث شباهت آن‌ها به زنان می‌شود.... آیا این صحیح است؟ خداوند به شما پاداشی نیکو دهد.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم.

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين

وسلم تسليماً كثيراً.

پوشیدن و (استفاده از) گردن‌بند برای مردان جایز است. اگر مردی بخواهد گردن‌بند استفاده کند مستحب است گردن‌بند از نقره یا سنگی باشد که نام خدا یا آیه‌ای از قرآن روی آن نوشته شده باشد؛ و مستحب است زن گردن‌بندی از طلا استفاده کند که ذکر خداوند یا آیه‌ای از قرآن روی آن نوشته شده باشد.^۱

پرسش:

آیا سوراخ کردن هرجایی از بدن و قراردادن حلقه در آن جایز است؟

پاسخ:

سوراخ کردن پایین گوش (لاله گوش) و قراردادن حلقه در آن برای زن و مرد جایز است.^۲



۱ - پاسخ‌های روشنگرانه: ج ۷ ص ۹۸.

۲ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۳ ص ۳۴.

ازدواج

احکام عمومی

ولی امر (سرپرست)

شریک زندگی غیر مؤمن

بارداری و فرزندآوری

مشکلات و راه حل ها

چند همسری

ازدواج موقت

روابط نامشروع

احکام عمومی

پرسش:

آیا در روابط جنسی میان زن و شوهر، حدود مشخصی وجود دارد؛ یعنی آیا کارهای حرامی وجود دارد که زوجین نمی‌توانند انجامشان دهند؟

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين
و سلم تسليمًا.

هریک از زن و شوهر می‌توانند در هر زمان و هر مکان به وسیله هر بخش از بدن، با هر قسمت از بدن طرف مقابل خود کام‌جویی کنند و لذت ببرند، اگر هر دو به آن کار راضی باشند؛ به جز آنچه پیش‌تر حرمت آن‌ها را بیان نمودیم که عبارت است از حرام‌بودن ارتباط جنسی در ایام حیض و اینکه شوهر بخواهد بدون رضایت همسرش در دُبُر دخول کند. من از شما خواهش می‌کنم در روابط جنسی بین زوجین، به دنبال قید و بندهایی که بر اساس نظرات و خواسته‌ها بنا شده است و تلاش‌هایی که مدعیان فقه بر اساس بینش خود درباره امیال جنسی بنا کرده‌اند نروید. ارضای غریزه جنسی همسران (زن و شوهر) با نیت نزدیک‌شدن به خدا و برای حفظ فرج، از بزرگ‌ترین مستحباتی است که می‌توان با آن به خداوند سبحان تقرب جست. پاداش این کار کمتر از ثواب عباداتی مثل نماز و روزه نیست، و فقط به نیت زوجین نیاز دارد. به‌جای اینکه هر یک با هدف اِشباع میل و هوس خود، با شریک‌ش ارتباط جنسی داشته باشد، فقط نیت کند نیاز شریکش را برآورده سازد و فرج او را با نیت «قربة الی الله» (نزدیکی به خداوند) حفظ نماید. به این ترتیب زن



و شوهر به فضل و گرمی که خداوند بر هر دو دارد پاداش و ثواب می‌گیرند.^۱

پرسش:

شوهر زنی جنون ادواری دارد و دارو مصرف می‌کند تا در حالت طبیعی بماند؛ ولی در حال نزدیکی با همسر حالت جنون به او بازمی‌گردد. حکم امتناع زن از نزدیکی با شوهر چیست؟

پاسخ:

جایز نیست مانع شوهر شود، مگر به‌عنوان مثال برای مدت‌زمانی که امید به‌بودی وجود داشته باشد.^۲

پرسش:

آیا «عزل» (بیرون‌ریختن منی از رحم) جایز است؟

پاسخ:

عزل از زن آزاد اگر در عقد شرط نشده باشد و زن نیز اجازه ندهد حرام است.^۳

پرسش:

آیا جایز است زن به‌دلیل تمایل به ازدواج، پرده بکارت را با عمل جراحی بازگرداند؟ و اگر جایز باشد، آیا باید آن را به خواستگارش اطلاع دهد؟

پاسخ:

۱ - پاسخ‌های روشنگرانه: ج ۶ ص ۴۸.

۲ - کتاب پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۳ ص ۴۲.

۳ - کتاب پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۳ ص ۴۲.

جایز است و در صورت مصون بودن بر زندگی اش [اگر بداند خطری برای
زندگی اش ندارد] باید اطلاع داده شود.^۱

پرسش:

حکم خانمی که به موجب ناراحتی روحی نمی تواند همسرش را تمکین کند چیست؟

پاسخ:

اگر بیماری روحی دارد - همان طور که از مضمون پرسش مشخص است - خود
را معالجه کند تا بهبودی حاصل شود.^۲

پرسش:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم
تسليماً.

آقا، مولا و امام من، احمد الحسن (علیه السلام)، سلام بر شما!

مولای من! با توکل به خدا، یتیم کردم تا برای ازدواج با یکی از خواهران انصاری
پیش قدم شوم. مایلیم از مبلغ مهریه در این زمان از شما بپرسم؛ چراکه مبلغ بیش پرداخت
مهریه و پشت قبالة آن باید در عقد رسمی و در دادگاه های رسمی در حکومت ثبت شود. آیا
مهریه باید به میزان مهریه حضرت زهرا (علیها السلام) باشد؟ یا می تواند بالاتر نیز باشد؟

۱ - مجموعه سؤالات شرعی که سید احمد الحسن (علیه السلام) پاسخ داده اند و سید واثق الحسینی نشر داده است.

<https://www.facebook.com/۴۸۴۳۲۰۲۲۱۶۴۰۶۴۸/posts/۲۷۴۴۴۳۰۵۰۸۹۶۲۹۳۰?sfns=mo>

۲ - کتاب پاسخ های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۵ ص ۲۲.



پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله

وعليكم السلام ورحمة الله وبركاته

در پاسخ پیشین بیان کردم که مهریه حضرت زهرا علیها السلام در این زمان و در هر زمان چیست؛ که همان مبلغ اثاثیه خانه برای دو نفر است؛ و این ملاک است؛ یعنی مهریه، مبلغی است که به واسطه آن، اسباب و لوازم خانه‌ای که زوجین در آن زندگی خواهند کرد فراهم می‌شود.

اگر عدد یا مبلغ مشخصی را به عنوان حد بالایی می‌خواهی، بهتر است مبلغ مهریه از مبلغ معادل ۴۰ مثقال طلای ۱۸ عیار یا معادل آن در معاملات مختلف، بیشتر نباشد. اگر می‌خواهی مهریه را به بخشی به عنوان پیش‌پرداخت و بخشی به عنوان پرداخت پایانی تقسیم کنی، مبلغ مقرر [به عنوان مهریه] را دو قسمت کن.

به طور کلی، بهتر است از هر مهریه سنگینی دوری شود، حتی اگر همسر توانایی داشته باشد؛ چرا که در جامعه مؤمن، سنت بدی محسوب می‌شود. از جمله برکت‌های زن، پذیرفتن مهریه کم، و از بدیمنی او، بالا بردن مهریه و فخرفروشی است.^۱

پرسش:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الأئمة و المهدیین و سلم تسليماً. سلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

یکی از خواهران در ایران ضمن عقدش شرط کرد مهریه اش را هر زمانی که بخواهد دریافت کند، و اکنون پس از گذشت یک سال از ازدواجش به خاطر بعضی مسائل، از شوهرش درخواست مهریه کرده است. از آنجا که شوهرش توانایی دادن مهریه را به صورت نقدی ندارد بر اساس قانون ایران، دادگاه حکم مصادره اموالش را داده است تا از طریق این املاک و اموال مهریه همسرش به او داده شود، و اگر شوهر اموال و املاکی جز سهم الارث نداشته باشد، دادگاه ایران حکم مصادره و توقیف سهم شوهر از ارث و فروش آن را می دهد؛ حتی اگر سایر ورثه راضی نباشند؛ مثلاً مادر و برادرانی که سهمی در ارثی دارند که فروخته می شود و مرد نیز سهمی در آن دارد. اگر بقیه ورثه اعتراض کنند و با فروش ارث موافقت نکنند، دادگاه ایران آنان را به دادن سهم مرد و پرداخت مهریه همسر از آن [اموال] مجبور می کند. حال پرسشی مطرح می شود: آیا این مسئله از نظر شرعی جایز است؟ یعنی با وجود همه این شروطی که به رضایت نداشتن و در تنگنا قرار گرفتن سایر ورثه منجر می شود، دادگاه مهریه این زن را از این راه بدهد؟ خداوند به شما بهترین پاداش را عطا فرماید!

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الأئمة و المهدیین و سلم تسليماً.

جایز است؛ ولی شایسته تر، احسان و نیکی بین زوجین است، و اینکه زن هرچند در سختی باشد در این خصوص صبر پیشه کند، تا خداوند روزی اش را عطا



فرماید.^۱

پرسش:

زنی شوهرش فوت کرده، در حالی که دخول صورت نگرفته است. آیا این زن سزاوار دریافت مهریه کامل از ماترک است؟ یا مثل طلاق، حق او نصف مهریه است؟

پاسخ:

حق او مهریه کامل است.^۲

پرسش:

زنی نذر کرده که اگر نذرش برآورده شود یک ماه روزه بگیرد؛ و در حال حاضر نذرش برآورده شده است، ولی همسرش روزه گرفتن به خاطر نذرش را نمی پذیرد.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين
و سلم تسليماً.

اگر نذر باعث ازبین رفتن برخی حقوق شوهر شود مثل نذر روزه، حج، زیارت و نظایر آن- و شوهر مؤمن باشد، اگر شوهر اجازه ندهد، نذر زن صحیح نیست.^۳

۱ - پاسخ‌های روشنگرانه: ج ۷ ص ۶۴.

۲ - بخش علمی مکتب سید احمد الحسن علیه السلام.

<https://www.facebook.com/alqesmal3lme/posts/3819076844786370>

۳ - پاسخ‌های روشنگرانه: ج ۷ ص ۶۷.

پرسش:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

درود بر آقا و مولا و امام، احمد الحسن (علیه السلام) امیدوارم با توجه به کوتاهی ام، مرا پذیرا باشید؛ و اینکه دعای شما شامل حال من شود.

آقای من! آیا جایز است درباره خصوصیات خوب و بد در تحقیق برای ازدواج توضیحاتی بدهم؟ وقتی کسی از من درباره خانمی بپرسد که قصد ازدواج با او را دارد و نیز درباره مردی، وقتی از خانمی خواستگاری کرده است. حدّ و حدود مجاز درباره بیان وضعیت کسی که درباره اش پرسش شده است چیست؟

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليماً.

پاسخ از نظر سلبی و ایجابی [گفتن خوب و بد] درباره ویژگی ها و رفتار کسی که درباره اش پرسش شده، جایز است؛ ولی سخن گفتن درباره چیزی از شخصی که اطلاعات و دانش کافی درباره اش وجود ندارد جایز نیست.^۱

پرسش:



اگر خانواده در کشوری غربی زندگی کنند که حقوقی برای خانواده‌ها در نظر گرفته می‌شود، حتی اگر کار نکنند، آیا حقوق همسر و فرزندان جزو حق آنان محسوب می‌شود، در حالی که پدر مسئول خانواده است و معیشت آن‌ها برعهده اوست؟ یا همان طور که این پدر می‌گوید مسئله طور دیگری است؟ به این صورت که اگر خانم درآمد مالی داشته باشد در حالی که کاری انجام نمی‌دهد، این پول حقش نیست و مرد حق دارد زن را بابت این پول بازخواست کند و به او دستور دهد این پول را خرج خانه و فرزندان کند، و می‌گوید در این حالت، نفقه واجب‌ی که برعهده شوهر است و باید به خانواده پرداخت شود، ساقط می‌گردد.

پاسخ:

حقوق همسر حق اوست و [زن] هر کاری بخواهد می‌تواند با آن انجام دهد و شوهر حق ندارد در این باره از او بازخواست کند، و نفقه همسر از شوهر ساقط نمی‌شود؛ بلکه بر شوهر واجب است به همسرش نفقه بدهد. حقوق کودکان نابالغ نیز حق آنان است و پدر می‌تواند خرج کردن این پول را برای آنان به عهده گیرد و بر او واجب است کمبود نفقه آنان را جبران کند. این حکم شرعی است. خداوند توفیق‌تان دهد و احوالتان را اصلاح فرماید. امیدوارم با مهربانی و دوستی و اصلاح بین خودتان، با یکدیگر رفتار کنید. شما خانواده هستید و شوهر و همسر، شرکت تجاری نیستید تا برخوردهای شما با یکدیگر مادی باشد. بر شوهر واجب است وظایفش را در قبال همسر و فرزندانش با محبت و خرسندی به انجام برساند. بر همسر نیز واجب است عقیف و دوستدار باشد و با شوهرش رفتاری توأم با نرمی داشته باشد. من معتقدم بیشتر اوقات زن می‌تواند خانواده و خانه‌اش را بسازد و رضایت همسرش را با تائمی و سخن نیکو به دست آورد و به این ترتیب، رضایت خداوند را کسب کند. به طور کلی حتی اگر شوهر با خانواده‌اش بدرفتاری یا نسبت به آن‌ها کوتاهی کند، همسر می‌تواند با او با آسودگی خاطر و مهربانی رفتار کند و به این ترتیب، خشنودی و رضایت خداوند سبحان و متعال را در ابتدا و انتها به دست

آورد. آنچه نزد خداوند است، باقی و بالنده است، ان شاء الله، و ثمره [نیکو] را در دنیا و آخرت خواهند دید.^۱

پرسش:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته. می‌خواهم از سوئیس به مصر مهاجرت کنم. در سوئیس برایم چه باقی مانده است؟ مادرم، برادرم، همسرم، کودکانم، منزل اجاره‌ای و کار همیشگی.

در مصر چه چیزی خواهم یافت؟ گروهی از انصارالله که آن‌ها را می‌شناسم و دوستشان دارم و کسانی که به من چیزهای بسیاری یاد می‌دهند، [قطعاً] بهتر از جایی است که الآن اقامت دارم و در آن زندگی می‌کنم. در جهت دینم تلاش خواهد کرد با مشکلاتی کمتر از آنچه اکنون دارم. مقداری پول پس اندازش کرده‌ام و تا مدتی می‌توانم با آن سر کنم؛ ان شاء الله و الحمد لله.

همچنین می‌توانم آپارتمان یا خانه‌ای در مصر بخرم. می‌توانم در جایی بهتر و جایی که خداوند بسیار راضی‌تر است زندگی کنم؛ خداوند داناست.

در وضعیت کنونی‌ام، به جهت دانش اندکم و فهم کم من از احکام اسلامی، از امکان‌پذیر بودن مهاجرت‌م نگرانی‌هایی دارم؛ مثلاً اگر همسر یا مادرم درباره مهاجرت و علتش با من مخالفت کنند چه حکمی دارد؟ آیا آنان بر گردن من حقی دارند؟ یا اگر همسرم به من بگوید «به تنهایی برو و من با تو نمی‌آیم. مدارس کودکانم اینجاست و همسرم در اینجا شغلی دارد؛ در حالی که نمی‌دانم در مصر همه این امکانات برای ما فراهم است یا نه»، در این صورت مجبور خواهم شد کودکانم و او را ترک گویم. آیا باید پیش او بمانم و صبر کنم؟



واجبات من در برابر همسر و کودکانم اگر ترکشان کنم (و به‌تنهایی به مصر بروم) چیست؟ آیا بر من واجب است نیازهایشان را برآورده سازم؟

خداوند شما را برکت عطا فرماید که این مسائل را برای من روشن می‌فرماید، ان شاء الله. اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً كثيراً.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً كثيراً.

در حال حاضر بهتر است شما در همان سوئیس که اقامت داری، بمانی و دینت را از طریق خواندن و کمک‌گرفتن از برادران مؤمن از طریق اینترنت بیاموزی، یا برای مسافرت به‌سوی آنان مرخصی بگیری؛ البته اگر فرصتی برایت فراهم شد. ان شاء الله، اندک‌اندک، دین حقت را با تفصیل خواهی آموخت. من، بنده خدا و برادر شما و دوست و خادم همه انصارالله هستم. خداوند توفیق‌تان دهد. نیامده‌ام تا خانه‌های مردم و ارتباطات اجتماعی آنها را نابود کنم؛ بلکه آمده‌ام تا انسان را بسازم و حقیقتش را به او بشناسانم - اگر خواهان شناخت رسیدن به خدا باشد. تا فرستاده خداوند و سفیر او در خلقتش بشود. آنچه از شما در این برهه می‌خواهم این است که دین حق را بیاموزید و فرستادگان خداوند به‌سوی خویشان و جامعه‌هایتان باشید. امیدوارم از خانواده و فرزندان‌تان محافظت کنید و آنها را به‌صورت الهی و صحیح تربیت نمایید. به آنان یاد خدا و اطاعت از او سبحان و آراسته‌شدن به اخلاق الهی را بیاموزید.

بدانید ازدواج و ایجاد خانواده و وجود ارتباط محکم بین زوجین و حاکم‌شدن دوستی و مودت بر آن، در نظرگاه خداوند است؛ چراکه به محافظت جامعه انسانی

از فساد اخلاقی منجر می‌شود؛ اما مجرد بودن، جدایی و طلاق، از بین بردن خانواده و اینکه ارتباط بین زوجین سرد یا پُرتنش باشد، وضعیتی است که خداوند نمی‌خواهد؛ چراکه باعث از هم‌پاشیدن اخلاق جامعه انسانی و گسترش فساد در زمین می‌شود. ای مؤمنان! با نیکی و مهربانی و محبت و کلمه طیبه به همسرانتان بپردازید. خداوند شما را موفق بدارد.^۱

پرسش:

سلام بر شما، پدرم ...

مرد مؤمنی خواست با زن مؤمنی ازدواج کند و هرکدام از آن‌ها نسبت به دیگری قانع شد؛ ولی استخاره، بد بود و موضوع را رها کردند...

در حقیقت این وضعیت باعث شده بنده بسیار پرس‌وجو کنم و همواره پاسخ می‌دهند استخاره برای زمان سرگردانی است. آیا در این خصوص این دو نفر اشتباه کرده‌اند؟ یعنی استخاره صحیح نبوده است؟ یا صحیح بوده و در چنین حالاتی استخاره، عملی درست محسوب می‌شود؟

پاسخ:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد.

«استخاره» برای زمان اختلاف راه‌ها و سرگردانی و ندانستن راه بهتر یا صحیح است؛ اما شخصی که مایل است با زنی ازدواج کند یا زنی که مایل است با مردی ازدواج کند، در چنین مواقعی استخاره معنا ندارد. این کار به انجام تحقیقات مناسب



و صحیح بودن آن برای هر دو نفر بستگی دارد.^۱

پرسش:

خانم‌ها در هنگام ازدواج، قرآن و به‌خصوص سوره فتح را می‌خوانند. آیا سوره مشخص یا دعای مخصوصی هست که [شخص] آن را بخواند تا باعث خیر و برکت زندگی زناشویی آینده، در همه جنبه‌های آخروی و دنیوی شود؟

از خداوند خواستارم با بخشش و کرمی که نزد خودش است با پاسخ شما به ما منت نهد، ای فرزند سید سادات.

پاسخ:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته

خداوند شما را زنده بدارد. دو رکعت نماز شکر خداوند سبحان بخواند. ان شاء الله
دعا در عقد ازدواج، از سوی زوجین مُستجاب است. التماس دعا.^۲

پرسش:

مردی تقریباً دو هفته است ازدواج کرده و خواهان فرزندان صالحی است که قائم و مهدیون علیهم‌السلام را یاری کنند. آیا آدابی برای پیش از جماع یا دعا یا نماز خاصی وجود دارد؟

پاسخ:

این را در کتاب شرایع (احکام نورانی اسلام) بیان کرده‌ام، و متن آن را برای شما نقل می‌کنم:

۱ - کتاب پیک صفحه: ص ۴۹۴.

۲ - پی‌نوشت سید احمد الحسن علیه‌السلام در صفحه فیس‌بوک، به‌تاریخ ۱۹ ژوئن ۲۰۱۸ م.

مستحب است کسی که می‌خواهد نزدیکی کند، دو رکعت نماز بخواند و بعد از آن دعا کند، و هنگامی که به همسر گفت به نزدش بیاید به او نیز امر کند دو رکعت نماز بخواند و دعا کند. مستحب است هر دو با طهارت باشند، و هنگامی که زن نزدش آمد دستش را روی پیشانی او قرار دهد و این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ عَلَي كِتَابِكَ تَزَوَّجْتُهُمَا، وَفِي أَمَانَتِكَ أَخَذْتُهُمَا، وَبِكَلِمَاتِكَ اسْتَحَلَلْتُمْ فَرْجَهُمَا، فَإِنْ قَضَيْتَ لِي فِي رَحِمِهَا شَيْئًا فَاجْعَلْهُ مُسْلِمًا سَوِيًّا، وَلَا تَجْعَلْهُ شِرْكَ شَيْطَانٍ» «خدایا! بر اساس کتاب تو با او ازدواج کردم و او را به‌عنوان امانت از تو گرفتم، و با کلمات تو فرج او را بر خود حلال کردم و اگر برای من در رحم او فرزندی مقدر فرمودی او را مسلمانی درست قرار بده و شیطان را در او شریک نکن.»

مستحب است نزدیکی در شب انجام شود، با نام خدا شروع کند، و از خداوند متعال بخواهد فرزند پسر سالمی روزی‌شان گرداند. (شرایع اسلام: ج ۳)^۱

پرسش:

آیا ازدواج (نکاح) زن سیده‌ای که نسبش به پیامبر خدا ﷺ می‌رسد با مرد غیر سیدی که نسبش به پیامبر خدا ﷺ نمی‌رسد -طبق نظر سید احمدالحسن (علیه السلام) - مجاز است؟ لطفاً به همراه برخی منابع موثق.

پاسخ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين
و سلم تسليمًا.

جایز است.^۱

پرسش:

آیا جایز است زنِ علوی با مردی که نَسَبش به رسول خدا ﷺ نمی‌رسد ازدواج کند؟

پاسخ:

جایز است.^۲

پرسش:

اگر ازدواج دائم به صورت شرعی انجام گرفته و در دفاتر رسمی دولت ثبت شده باشد، برای اینکه زن یا مرد بتواند در آن سرزمین اقامت داشته باشد، آیا مرد می‌تواند حقوقش بر زن مثل تمکین و سایر حقوق را ساقط کند یا زن حقوقش بر مرد مثل نفقه و سایر حقوق را ساقط کند و ازدواج به این شکل بین آن‌ها برقرار شود؟

پاسخ:

جایز است.^۳

پرسش:

سرپرست خانواده‌ای دچار بیماری آلزایمرِ حاد شده و اکنون چیزی را درک نمی‌کند و همسر، متکفل مخارج شده و به او گفته شده است حق ندارد در اموال شوهر تصرف کند، مگر برای درمان و غذای او و دیگر امور شخصی؛ به این ترتیب او به شدت در تنگنا قرار

۱ - پاسخ‌های روشنگرانه: ج ۵ ص ۴۶.

۲ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۳ ص ۴۲.

۳ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۳ ص ۴۳.

گرفته، و این باعث به وجود آمدن تنگناهای بسیاری برای زن مثل هزینه‌های مربوط به مهمانان و دیگر امور منزل شده است؛ با توجه به اینکه همسر درآمد دیگری نیز ندارد.

مسئله دیگر: خانه در وضعیت بدی قرار دارد و زن (همسر) می‌خواهد آن را بفروشد و خانه دیگری بخرد و با اضافه مبلغ، درآمدزایی کند و سود آن را خرج خود و شوهرش کند؛ آیا این کار جایز است؟

پاسخ:

جایز است اموال شوهرش را در آنچه رضایت خداوند در آن است و همان گونه که شوهر در ایام سلامتی هزینه می‌کرده است خرج کند؛ اما درباره فروختن اموال مرد مثل خانه جایز نیست مگر برای ضرورتی مثل درمان شوهر.^۱

پرسش:

زنی هستم که هشت سال پیش ازدواج کرده‌ام و شوهرم به حمدالله کار می‌کند، ولی تا امروز نه خانه‌ای در تملک داریم و نه خودروبی و نه هیچ چیز دیگری. هر وقت یکی از فرزندانم بیمار می‌شود یا چیزی می‌خواهم پولی نداریم. وقتی همسرم حقوق ماهیانه‌اش را دریافت می‌کند جز اندکی آن هم برای غذا به ما نمی‌دهد و باقی را اهدا می‌کند یا می‌بخشد. گاهی او پول‌ها را به کسانی که نیازمند نیستند می‌بخشد یا دیگران برای چیزهایی که ضروری نیست از او پول می‌گیرند، در حالی که من و فرزندانم محتاج باقی می‌مانیم. رأی شما و حکم شما درباره همسرم چیست؟

هر وقت من پولی داشته باشم با او شریک می‌شوم ولی او پولش را با دیگران شریک می‌شود و هر وقت به او می‌گوییم من از این وضعیت راضی نیستم می‌گوید رضایت تو برایم



مهم نیست. آیا این سخن او درست است؟

پاسخ:

بر شوهر واجب است نفقه واجب را برای خانواده‌اش فراهم کند و حق تصرف در باقی اموالش در اختیار خودش است، هرگونه که خودش صلاح بداند، چه برای خانواده‌اش هزینه کند، چه برای خودش، و چه در راه‌های خیری که رضای خداوند در آن است انفاق کند.^۱

پرسش:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته، حبیب من؛ حال شما چطور است، آقای من؟ سؤالی دارم: اگر پدر به انتخاب همسر آینده توسط پسرش راضی نباشد و آن را نپذیرد، حکم پسر که با پدرش مخالفت می‌کند چیست؟ با توجه به اینکه پدر، به دعوت ایمان ندارد؛ لطفاً پاسخ بدهید.

پاسخ:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته

عزیز من، خداوند شما را زنده بدارد.

با هر زنی که دوستش دارد و صاحب دین و اخلاق است ازدواج کند.^۲

پرسش:

مردی با زنی که (در دادگاه صدام) به صورت غیابی طلاق داده شده، ازدواج کرده، و

۱ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۴ ص ۴۷.

۲ - پی‌نوشت سید احمد الحسن رحمته الله علیه در صفحه فیس‌بوک، به تاریخ ۵ جولای ۲۰۱۸.

طلاق نیز بدون رضایت شوهر بوده است. زن اکنون مؤمن است و شوهر دوم او نیز مؤمن است. شوهر می پرسد آیا ازدواج آن‌ها از نظر شرعی صحیح بوده است یا خیر؟ اگر ازدواج باطل باشد عواقب آن چیست؟ توجه داشته باشید طلاق، بدون [حضور] شیخ بوده و به موجب رهاکردن از طرف شوهر برای مدت دو سال (طبق گفته‌های زن) اتفاق افتاده است و در حقیقت پس از اعتراف زن بوده است (که زن گفت شوهرم مرا ضرب و شتم می کرد و مرا نه ماه رها کرد و نفقه مرانمی داد)؛ در نتیجه قاضی وی را فقط به دلیل رهاکردن (هجر) طلاق داد.

پاسخ:

این طلاق، طلاق خلع محسوب می شود؛ بنابراین ازدواج آن‌ها صحیح است.^۱

پرسش:

پدرم، سلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

مسئله‌ای به ذهنم خطور کرده است و میزان صحتش را نمی دانم. وقتی می بینم مردم برای سیاحت، به شهرهایی مسافرت می کنند که طبیعت فریبنده‌ای دارد یا دیگر مکان‌های سیاحتی - نه برای زیارت عتبات یا دیدن موزه‌های مفید - احساس می کنم این کارها باعث اتلاف وقت می شود؛ و لازم است انسان وقتش را در مسئله مفیدی استفاده کند؛ و این مسئله، بیرون رفتن‌های عادی را [نیز] که برای گذران وقت در بیرون خانه انجام می شود شامل می شود. آیا این طرز تفکر صحیح است.

عده‌ای می گویند لازم است شخص به خودش استراحت دهد یا حال و هوايش را پس از مدت طولانی کار سخت یا درس تغییر دهد و... نمی دانم صحیح چیست؛ اگر لازم باشد

۱ - بخش علمی مکتب سید احمد الحسن (علیه السلام)، به تاریخ ۲۷ جمادی الاول ۱۴۴۲



حال و هوایی عوض کنیم چه کار باید بکنیم؟

پاسخ:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته

خداوند شما را زنده پدارد.

سودهای بسیاری در بیرون رفتن شوهر و همسر و فرزندان یا برادران و خواهران یا نزدیکان یا دوستان یا همکاران با یکدیگر هست؛ و بسیاری از مردم می‌توانند سودهای بسیاری را که خودشان لمسشان کرده‌اند برایت برشمارند؛ و فکر می‌کنم بیرون رفتن از منزل در برخی اوقات و استراحت دادن به خانواده، مسئله‌ای بسیار ضروری برای ساختن ارتباطات خانوادگی و اجتماعی سالم و صحیح است؛ به‌علاوه فایده‌های روانی و علمی که در خود دارد.

ضرورتی ندارد که بیرون رفتن از منزل یا مسافرت، به شهرهای دیگر یا مناطق دور باشد؛ بلکه مهم این است که سود مدنظر را در خود داشته باشد؛ مثل بیرون رفتن زوجین و فرزندانشان برای خوردن وعده غذایی، و مثلاً معاف کردن خانم از یک روز پُخت‌وپز.

فکر می‌کنم بیرون رفتن از منزل، مسئله مهمی است؛ می‌خواهد برای مسافرت دور باشد یا گردش به مکان نزدیک یا خوردن وعده غذایی، یا کارهای مشابه دیگر؛ و در بسیاری اوقات ارتباطات خوبی میان زوجین ایجاد می‌کند؛ و این به‌خودی‌خود، مسئله‌ای است که [از بُعد] دینی و اجتماعی بسیار مطلوب است؛ و در تقویت جامعه [نیز] سهم دارد، و از جدایی یا طلاق می‌کاهد.^۱



ولّی امر (سرپرست)

پرسش:

آیا جایز است زنی ۳۵ ساله که ازدواج کرده است با موافقت همسرش و بدون همراه داشتن محرم به زیارت امام رضا (علیه السلام) برود؟ خداوند بهترین پاداش را به شما بدهد.

پاسخ:

رفتن زن به زیارت امام رضا (علیه السلام) بدون محرم جایز است؛ اگر همان طور که در سؤال قید شده با موافقت شوهرش انجام شود.^۱

پرسش:

سؤال من از امام احمدالحسن (علیه السلام):

می‌خواهم با دختری که پدرش سنی و مادرش شیعه‌ای است که فوت کرده (خداوند رحمتش کند) ازدواج کنم. وی با مادر بزرگش یعنی مادرِ مادرش زندگی می‌کند و بر محبت اهل بیت بزرگ شده و اکنون شیعه جعفری است ولی وقتی در این باره اقدام کردیم، پدرش گفت من دخترم را به ازدواج یک شیعه در نمی‌آورم. آیا راهی برای خروج از این مشکل وجود دارد؟ یادآور می‌شوم دختر ۲۱ سال دارد و با ازدواج موافق است. با تشکر فراوان از شما.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين
و سلم تسليمًا.

اگر دختر ۲۱ ساله است نیازی نیست برای ازدواج، موافقت پدر یا پدر بزرگش را به دست آورد، و او این حق را دارد که ازدواج کند، حتی اگر پدرش با آن مخالفت نماید.

ولایت پدر یا پدر بزرگ (به شرط ایمان و عدالت) بر دختر بالغ، تا قبل از سن ۱۸ سالگی است، خواه دختر بیوه باشد خواه باکره؛ و ولایت این دو بر دختر باکره رشید (دختری که به سن ۱۸ سالگی رسیده) پابرجا نیست، و او در ازدواج دائم یا موقت، بر خودش ولایت دارد؛ و اگر یکی از آنها [پدر یا پدر بزرگ] او را به عقد ازدواج درآورند، عقد او فقط با رضایت دختر صحیح و معتبر خواهد بود. البته اینکه دختر به خودی خود و بدون اذن ولی اش ازدواج کند مکروه است.

و اگر ولی، دختر بالغ را از ازدواج منع کند و اجازه ندهد با کسی که هم‌سنگ اوست و دختر هم به وی رغبت دارد ازدواج کند دختر می‌تواند خودش ازدواج کند حتی برخلاف میل ولی اش.^۱

پرسش:

آیا «ولی امر» (پدر یا شوهر) حق دارد چیزی را برای دختر یا همسر حرام کند؟ منظور نماز، روزه یا کارهای شبیه به آنها نیست؛ بلکه تحریم انجام فلان کار یا وجوب ترک فلان کار از امور دنیوی است؛ و اگر تحریم کند آیا انجام آن برای من جایز نیست؟ و به‌طور کلی حقوق پدر بر پسرها و دخترها چیست؟

پاسخ:

هیچ‌کس نمی‌تواند چیزی را که خداوند حلال کرده است حرام کند. بنده جایگاه ولایت پدر مؤمن را در مسائلی مثل ازدواج، و حقوق شوهر و زن - که در کتاب شرایع



توضیح داده شده است. بیان کرده‌ام.^۱

پرسش:

آیا در ماه محرم و بعد از روز دهم، نکاح یا حضور در عروسی جایز است؟

پاسخ:

جایز است.^۲



۱ - کتاب پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۳ ص ۵۰.

۲ - بخش علمی مکتب سید احمد الحسن (علیه السلام).

شریک زندگی غیر مؤمن

پرسش:

به دعوت ایمانی موعود علیه السلام ایمان آورده‌ام اما شوهرم ایمان نیاورده است و در شک و تردید به سر می‌برد. از او دو پسر دارم و از من فرزند سومی هم می‌خواهد در حالی که می‌بینم ارزش ندارد فرزند سومی از او داشته باشم. واجب شرعی من در این خصوص چیست؟ آیا زندگی با او را ادامه دهم؟ یا خواهان جدایی از او در جهت اطاعت از امام علیه السلام باشم؟

پاسخ:

اگر با ائمه اطهار و مهدیون علیهم السلام و شیعیان آن‌ها دشمنی نداشته باشد زندگی با وی جایز است.^۱

پرسش:

یکی از خواهران انصاری از مدت‌ها قبل با فردی غیرمؤمن ازدواج کرده و میان آن‌ها اختلافات شدیدی وجود دارد در حالی که فرزند هم دارند. (این خانم) از شوهرش به دادگاه شکایت کرده و نهایتاً کار به آنجا رسید که قاضی حکم طلاق این خانم را از شوهرش صادر کرد. در حال حاضر قاضی طبق قانون خودشان طلاق این خانم را از شوهرش گرفته است، با توجه به اینکه شوهرش حاضر به طلاق دادن همسرش نیست. حکم این مسئله چیست؟ آیا این خانم شرعاً مطلقه است؟ و بعد از گذراندن زمان عدّه می‌تواند با شخص دیگری ازدواج کند؟ یا هنوز مطلقه نیست، حتی اگر از شوهرش طلاق گرفته باشد؟ و اگر از نظر شرعی تا زمانی که همسرش او را طلاق بدهد او هنوز مطلقه محسوب نمی‌شود، در حالی که آن مرد نسبت به همسرش سخت‌گیری می‌کند و به او آسیب می‌رساند، آیا راهی برای گرفتن طلاق او از این مرد وجود دارد؟ با توجه به اینکه این مرد معاند است و مؤمن نیست



و نمی‌خواهد این خانم را طلاق بدهد، در حالی که این خانم مؤمن، خواستار طلاق است و درخواست راه‌حل نموده است؟

پاسخ:

خواستگارش را به دادگاه شرعی بنویسد و درخواست طلاق شرعی را به آنجا ارائه و وضعیت خودش را شرح دهد. در حال حاضر طبق برگه‌های رسمی حکومتی، مطلقه است.^۱

پرسش:

یکی از خواهران انصارمان از من درخواست کرد درباره شوهرش سؤالی بپرسم. این خواهر و فرزندانش به امام احمدالحسن علیه السلام ایمان دارند ولی شوهرش ایمان ندارد و در حین بحث‌ها به امام احمدالحسن علیه السلام توهین کرده است. از خداوند سبحان درخواست آمرزش داریم، و به‌سویش توبه می‌کنیم. اکنون این خواهر می‌پرسد آیا با او همانند یک ناصبی رفتار کند؟ آیا از او طلاق بگیرد؟ این مهم‌ترین مسئله اوست.

پاسخ:

شاید او را تحریک کرده باشند، یا در حالت عصبانیت بوده و شیطان از آن سوءاستفاده کرده و او را در چنین موقعیتی انداخته باشد. تنها با یک رفتار، با کسی به‌صورت دشمن ناصبی رفتار نمی‌شود، مگر اینکه یقین حاصل شود این کارش از روی عمد و با تعقل انجام شده است. حتی اگر از روی قصد و عقل انجام داده باشد و درباره‌اش حکم به ناصبی بودن جاری شود، شما چه می‌دانی، شاید بعداً پشیمان شده، به‌سوی حق بازگردد؛ همان طور که برای افراد بسیاری اتفاق افتاده است و

خداوند آنان را هدایت نمود و حق را شناختند. به طور کلی با مردم با مهربانی رفتار کنید تا خداوند احوال شما را اصلاح و به واسطه شما، آفریده‌هایش را به راه مستقیمش هدایت کند.^۱

پرسش:

بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

اگر شریک زندگی مان امام را نپذیرد و انکار کند چه باید کنیم؟

What should one do if his/her spouse rejects the Imam?

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.

خداوند توفیق‌تان دهد. صبر کنید تا خداوند حکم کند، که او مهربان‌ترین مهربانان است. چه بسا خداوند هرچند پس از مدتی- برای برخی از مردم هدایت نوشته باشد.^۲

یک مرد مسیحی (کاتولیک) به خواستگاری من آمد و از آنجا که انسان صادق و مؤمن به خدا و مخلصی بود قبول کردم؛ ولی مایلیم با شما مشورت کنم آیا ازدواج با وی جایز است؟ آیا از نظر خدا ازدواج با او حلال است یا حرام؟ این سؤال را می‌پرسم چون من یک زن

۱ - پاسخ‌های روشن‌گرانه: ج ۷ ص ۸۳.

۲ - پاسخ‌های روشن‌گرانه: ج ۷ ص ۹۹.



مسلمان هستیم. خواهش می‌کنم به این سؤال پاسخ دهید؛ حیران مانده‌ام (بعضی می‌گویند حلال است و بعضی می‌گویند حرام، و اکنون به شما پناه آورده‌ام). با تشکر.

پاسخ:

اگر مسلمان هستی جایز نیست با غیرمسلمان ازدواج کنی.^۱

پرسش:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته،

والصلاة والسلام على سيدنا محمد و آله الطيبين الطاهرين.

من با خانواده‌ام مشکلی دارم؛ زیرا فردی بنا بر سنت خدا و پیامبرش- به خواستگاری من آمده، ولی مذهب او (شیعه) جعفری نیست و سنی است؛ به همین دلیل خانواده من به او پاسخ رد داده‌اند؛ ولی قلب من به این فرد اطمینان دارد؛ البته او دوستدار اهل بیت رسول خدا ﷺ است، و خانواده او میان مذهب شیعی و سنی تفاوتی قائل نیستند. آیا پدر و مادرم درست می‌گویند و من دنباله‌رو احساساتم هستم؟ یا آیا آنها باید درباره این موضوع تجدیدنظر کنند و به خواست خدا این شخص نصیبم شود؟! درخواست دارم پاسخ نامه مرا خیلی زود بدهید. متشکرم.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و

المهديين.

در مسئله ازدواج، برای شما بهتر است از نظر پدرت پیروی کنی. خداوند شما را برای هر خیری توفیق عطا فرماید.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.^۱

پرسش:

آیا جایز است زن انصاری با مردی که مؤمن به دعوت حق و صاحب آن نیست ازدواج کند؟

پاسخ:

جایز است، اگر مسلمان باشد ولی ناصبی نباشد؛ اما کراهت دارد [بهتر است با وی ازدواج نکند].^۲

پرسش:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته. لطفاً نصیحت کنید، چراکه شما اهل آن هستید. آقای من، بهترین راه حل برای ازدواج دخترانمان چیست؟ آیا منتظر بمانیم شوهر مؤمن به قائم (علیه السلام) [برای خواستگاری اش] بیاید؟ یا غیر مؤمنین را بپذیریم؟

با توجه به اینکه گاهی اوقات، غیر مؤمنین، توانایی بیشتری دارند؛ و برخی مشکلاتی وجود دارد که جوانان مؤمن را نسبت به ازدواج در خود مجموعه مؤمنان بی توجه کرده است.

پاسخ:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته

۱ - پاسخ های روشنگرانه: ج ۵ ص ۴۵.

۲ - پاسخ های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۳ ص ۴۱.



عزیزم، خداوند شما را زنده بدارد.

در ازدواج خانم، شرطی دربارهٔ اینکه شوهرش باید مؤمن باشد وجود ندارد؛ و این مسئله‌ای است که آن را در شرایع بیان کردم؛ می‌توانید به آن مراجعه کنید.^۱

پرسش:

ما یک خانوادهٔ شش نفره هستیم و استقلال مادی نداریم. نماز جمعه و عید حاضر نمی‌شویم و زکات فطریه نمی‌دهیم؛ زیرا سرپرست خانواده مؤمن نیست و او کسی است که از سوی ما پرداخت می‌کند.

چند پرسش:

آیا نماز جمعه و عید بر ما واجب است؟ چگونه زکات مال را بدهیم؟ آیا هریک از ما از سوی خود زکات بدهد؟ و اگر پول نداشته باشد می‌تواند قرض بگیرد و بعداً قرضش را ادا کند؟ تکلیف سال‌هایی که گذشته و ما مؤمن بوده‌ایم و زکات نداده‌ایم چه می‌شود؟

آیا جایز است بدون اجازهٔ سرپرست خانواده برای امور مربوط به دعوت خارج شویم؟ گاهی او از فرزندانم می‌خواهد برای حضور در نماز جمعه یا عید یا بعضی مناسبت‌ها با خودش به‌همراه مخالفان به مسجد بروند. کار درست چیست؟ رفتن یا نرفتن؟

پاسخ:

جایز نیست انسان مؤمن پشت‌سر غیرمؤمن نماز بخواند. زکات و حقوق شرعی تنها بر کسی واجب است که مالی برای ادای آن دارد؛ اما بر کسی که مالی ندارد واجب نیست. طاعت خدا را می‌توانید بدون خبردادن و اجازه‌گرفتن از شوهر یا پدر غیرمؤمن انجام دهید؛ و به‌طور کلی در معصیت و نافرمانی از خالق هیچ اطاعتی

از مخلوق وجود ندارد.^۱



بارداری و فرزندآوری

پرسش:

حکم فرزندی که از طریق آزمایشگاهی (آیوی اف) به دنیا می‌آیند چیست؛ برای پدر و مادر یا یکی از آن دو که به دلیل عارضه بیماری راهی جز این روش ندارند؟

پاسخ:

گرفتن تخمک از همسر و تلقیح آن با نطفه شوهر و کاشت آن در رحم همان زن صاحب تخمک جایز است.^۱

پرسش:

آیا برداشتن تخم از زنی که با همسرش لقاح یافته و کاشتن آن در رحم زن دیگر یا در رحم مصنوعی یا زن دیگری از محارم همسر یا غیر از محارم او، مجاز است؟ به جهت ناتوانی رحم همسر مرد یا به دلیل نداشتن رحم.

پاسخ:

برداشتن نطفه از زن و تلقیح آن با همسرش و کاشت مجدد در رحم همان زن جایز است؛ اما کاشتن آن در رحم زن دیگر حتی اگر آن زن، همسر دوم همان مرد باشد، جایز نیست.^۲

پرسش:

حکم شبیه‌سازی انسان در رحم و غیر رحم چیست؟

۱ - پاسخ‌های روشن‌گرانه: ج ۲ ص ۱۶۵.

۲ - پاسخ‌های روشن‌گرانه: ج ۲ ص ۱۶۶.

پاسخ:

برداشتن نطفه‌ای از یک مرد و کاشتن آن در رحم همسرش جایز است؛ همچنین جایز است سلول تخم از همسر یا زن دیگری برداشته شود مشروط بر اینکه هسته آن با هسته نطفه گرفته شده از همسر آن زن، جایگزین شود.^۱

پرسش:

برای گرفتن نمونه از مرد برای مشخص کردن قابلیت باروری در او، اگر انجام این عمل از طریق همسرش انجام نپذیرد آیا به روش دیگری غیر از همسرش می‌توان این عمل را انجام داد؟

پاسخ:

استمنا با استفاده از بدن خود انسان حرام، و اگر به واسطه جسم همسرش باشد مجاز است.^۲

پرسش:

زنی شش ماهه حامله است و با معاینات سونوگرافی مشخص شده است به علت مصرف قرص و دارو، احتمال می‌رود کودک، ناقص الخلقه یا ناقص العقل به دنیا بیاید. آیا به دلیل ناقص الخلقه بودن کودک، سقط جنین جایز است؟

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم. والحمد لله رب العالمين.

۱ - پاسخ‌های روشن‌گرانه: ج ۲ ص ۱۶۶.

۲ - پاسخ‌های روشن‌گرانه: ج ۲ ص ۱۶۷.



جایز نیست، مگر اینکه باقی ماندن آن خطری برای زندگی مادر محسوب شود.^۱

پرسش:

آیا استفاده از دستگاه «آی‌بودی» برای جلوگیری از بارداری جایز است؟ و آیا جایز است مرد این دستگاه را قرار دهد؟

پاسخ:

استفاده از آن با موافقت شوهر جایز است؛ و جایز نیست مرد آن را داخل رحم

قرار دهد.^۲

پرسش:

آیا استفاده از دستگاه ضدبارداری «آی‌بودی» که توسط پزشک زنان کار گذاشته می‌شود جایز است؟ با توجه به اینکه انجام این عمل نیازمند مشاهده اندام تناسلی توسط پزشک است.

پاسخ:

مجاز است.^۳

پرسش:

بسم الله الرحمن الرحيم مولایم. سرورم، سؤالی درباره شیردادن به کودک دارم. آیا زن می‌تواند مزد شیردادن به فرزند خودش را از شوهرش مطالبه کند؟

۱ - پاسخ‌های روشنگرانه: ج ۲ ص ۱۸۱.

۲ - پاسخ‌های روشنگرانه: ج ۲ ص ۱۳۴.

۳ - پاسخ‌های روشنگرانه: ج ۳ ص ۷۳.

سؤال دوم دربارهٔ خدمت زن به شوهرش در منزل است. آیا زن به انجام این کار مجبور، و خدمت به شوهر بر او واجب است؟

از شما پوزش می‌خواهم و از خدا طلب آمرزش می‌کنم اگر با این سؤال‌ها مطلب را برای شما طولانی کردم. از خداوند مسئلت دارم شما را بر هر خیری موفق بدارد و شما و هر کس را که با ایمانی آل محمد کار می‌کند ثابت‌قدم گرداند، و ما را زره‌هایی قرار دهد که از حجت خدا بر روی زمینش محافظت و پاسداری می‌کنند! به حق آن پهلوی شکسته! در امان و حفظ خداوند، ای برادر ایمانی!

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين
و سلم تسليمًا.

خداوند شما را بر هر خیری توفیق دهد! احکام ازدواج و حقوق و تکالیف زن که به ازدواج مربوط می‌شود، و نیز متعلقات مربوط به فرزندان و شیردادن و دیگر مسائل را در کتاب شرایع بیان کرده‌ام و شما می‌توانید حکم را به‌وضوح (در آن) بخوانی و دریابی. این کتاب منتشر شده است. برخی قسمت‌های مکتوب در شرایع دربارهٔ شیردادن به‌شرح زیر است:

«و اما رضاع (شیردادن): شیردادن فرزند، بر مادر واجب نیست و او می‌تواند اجرت شیردادن را مطالبه کند و اگر زن (طلاق) باین گرفته باشد، شوهر می‌تواند او را اجیر کند. بر پدر واجب است اجرت شیردادن را بدهد، اگر فرزند مالی نداشته باشد؛ مادرش این حق را دارد که خودش به فرزندش شیر دهد، یا زنی دیگر به فرزند شیر دهد، و برای او مزد این کار محفوظ است. مالک می‌تواند کنیزش را به شیردادن مجبور کند. پایان شیرخوارگی دو سال است و جایز است به ۲۱ ماه بسنده



شود. بهتر آن است که از این مدت نگاهد. جایز است به دو سال، یک ماه یا دو ماه بفرزاید. بر پدر واجب نیست اجرت آنچه را بیش از دو سال است بپردازد.

اگر مادر همان اجرتی را که دیگران درخواست می‌کنند طلب کند، به شیردادن سزاوارتر است. اگر مادر اجرت بیشتری بخواهد، پدر این حق را دارد که او را کنار بگذارد و فرزند را به زن دیگری بسپارد. اگر یک زن غریبه به رایگان و داوطلبانه فرزند را شیر دهد و مادر نیز راضی شود رایگان به او شیر دهد، مادر به فرزند سزاوارتر است. اگر مادر راضی نشود، پدر این حق را دارد که فرزند را به زن داوطلب بسپارد. مستحب است طفل، شیر مادرش را بخورد، که این بهتر است.^۱

پرسش:

حکم بستن لوله‌ها چیست؟ یعنی قطع کردن لوله تخمدان با هدف جلوگیری از باردارشدن برای همیشه، به جهت رنج و سختی که به زن وارد می‌شود و تحمل نداشتن او برای بارداری؟

پاسخ:

جایز است؛ ولی برای زن شوهردار باید با رضایت و موافقت همسرش باشد.^۲

پرسش:

روش‌های مختلفی برای جلوگیری از بارداری وجود دارد، مثل بستن لوله‌ها با عمل جراحی، خوردن قرص و استفاده از دستگاه آی‌یودی؛ حکم این روش‌ها یا استفاده از این ابزارها برای جلوگیری کامل یا موقت از بارداری چیست؟ همچنین حکم سقط‌جنین به علت

۱ - پاسخ‌های روشنگرانه: ج ۶ ص ۷۳.

۲ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۱ ص ۳۶.

عدم توانایی مالی و مشکلات تربیتی و تنگ دستی چیست؟

پاسخ:

استفاده از روش‌های پیشگیری از بارداری که در پرسش ذکر شده است (بستن لوله‌ها، قرص و دستگاه) جایز است؛ ولی سقط جنین بعد از تلقیح، جایز نیست.^۱

پرسش:

آیا سقط کردن جنینی که به چهارماهگی نرسیده، جایز است؟ چراکه هنوز روح در او دمیده نشده است. با توجه به اینکه این عمل به دلیل تنگی معیشت انجام می‌شود و این بارداری با وجود جلوگیری از بارداری برخلاف میل خانواده صورت گرفته است.

پاسخ:

سقط کردنش جایز نیست مگر اینکه بقای او برای زنده ماندن مادر خطری داشته

باشد.^۲

پرسش:

یکی از مؤمنان به دعوت، اقدام به اهدای اسپرم خود به برادر عقیمش کرد و با آن اسپرم، تخمک همسر برادرش را تلقیح نمودند و همسرش باردار شد و دختری به دنیا آمد. او این کار را از سر لطف و محبت نسبت به برادرش انجام داد تا بینشان جدایی و طلاق واقع نشود، ولی خیالش از نظر حلال یا حرام بودن این کار راحت نبود. این اقدام به سه سال پیش برمی‌گردد. در حال حاضر برادرش معالجه شده و همسرش از نطفه او باردار شده است. او حکم شرعی را نمی‌داند و اهداکننده اسپرم فرزندان دارد که یکی از آن‌ها پسر

۱ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۱ ص ۳۶.

۲ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۱ ص ۳۷.



است. تکلیف او با این فرزندى که از طریق تلقیح مصنوعى به دنیا آمده است چیست؟

پاسخ:

حکم شرعى: اینکه زن از آب مرد دیگری غیر از شوهرش باردار شود جایز نیست؛ اما نطفه‌ای که بر اثر کاری که شما از روی جهل و ناآگاهی از حکم انجام داده‌اید متولد شده است، حکم شبهه را دارد و او به صاحب آب منسوب می‌شود؛ پس صاحب آب، پدرش است و پسران او برادران او هستند و مادرش هم کسی است که او را باردار شده و پسران آن زنی که او را باردار شده است نیز برادرانش به شمار می‌آیند.^۱

پرسش:

معنای حکم شبهه چیست؟ آیا او حرام‌زاده است یا خیر؟ و ما چطور این شبهه را برطرف کنیم و حقیقت را بدانیم؟ آیا وقتی نوزاد بزرگ شد موضوع را به او بگوییم؟ همچنین به کودکان خودم و عموهای بچه‌ها؟ یا خیر؟ تکلیف و وظیفه من در برابر این کودک چیست؟

پاسخ:

فرزند شبهه‌ناک به والدینش منتسب می‌شود و حرام‌زاده نیست؛ خداوند توفیقت دهد. در حالت فوق‌الذکر، صاحب آب، پدر نوزاد است و صاحب تخمک، مادر او و کودک از این دو ارث می‌برد و آنها نیز از او میراث می‌برند.

اما با خبر ساختن آن فرزند دختر، هنگامی امکان‌پذیر است که وی بتواند این امور را درک کند؛ چراکه از این کار گریزی نیست؛ خداوند توفیقت دهد. موضوع مهم دیگری نیز مطرح است؛ اینکه پسران مادرش که صاحب تخمک است،

برادران او از طرف مادرش هستند و پسران پدرش که صاحب آب است نیز برادران او از ناحیه پدرش هستند. وظیفه شما در برابر او، همان وظیفه پدر در برابر دخترش است.^۱

پرسش:

در زمان ما اینکه پزشکان هنگام زایمان برای کم شدن درد، بی‌هوشی اپیدورال (epidural anesthesi) را برای خانم‌ها تجویز می‌کنند زیاد شده است. آیا شما به انجام آن توصیه می‌فرمایید؟ آیا آن‌گونه که روایت شده است این عمل قسمتی از پاداش به دنیا آوردن فرزند را از بین می‌برد؟

پاسخ:

اگر ضرورت نداشته باشد، بهتر است از آن اجتناب شود.^۲

پرسش:

من زنی باردار هستم و خونی با درد شدیدی از من خارج شد. نمی‌دانم آیا جنین در شکم من مرده است یا نه و نمی‌توانم به بیمارستان مراجعه کنم تا از مرگش مطمئن شوم و (جنین) هنوز در شکم من است. درباره نماز و روزه‌ام چگونه عمل کنم؟

پاسخ:

نماز و روزه بر شما واجب است.^۳

پرسش:

۱ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۱ ص ۳۸.

۲ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۳ ص ۳۶.

۳ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۳ ص ۳۷.



آیا خونی که از زن حامله در نتیجهٔ نقصی در جُفت بیرون می‌ریزد خون استحاضه محسوب می‌شود؟

پاسخ:

در وضعیتی که در این پرسش گفته شده است خون استحاضه محسوب می‌شود.^۱

پرسش:

زن و شوهری بچه‌دار نمی‌شوند و تصمیم گرفتند به پزشک مراجعه کنند. پزشک اسپرم مرد را گرفت و با تخمک همسرش تلقیح کرد و به آن‌ها گفت: پس از این دیگر نیاز به نمونه‌گرفتن از شما نیست؛ ما تعداد زیادی نمونه داریم و می‌توانیم آن‌ها را در محلولی قرار دهیم تا سال‌های بسیار باقی بماند و هر وقت خواستید بچه‌دار شوید آن را در بدن همسر (زن) کشت کنیم. سؤالی که مطرح شده است: اگر شوهر بمیرد و بعد از سال‌ها زن بخواهد بچه‌دار شود و خانواده‌اش هم راضی باشند آیا می‌تواند نزد دکتر برود تا اسپرم گرفته‌شده از شوهر متوفی‌اش را در بدن او بکارد؟ و حکم چنین فرزندگی چیست و به چه کسی نسبت داده می‌شود؟

پاسخ:

اگر زن بعد از وفات شوهرش ازدواج نکرده باشد (یعنی همسر مرد دیگری نباشد) می‌تواند چنین کند و کودک به شوهر فوت‌شده‌اش نسبت داده می‌شود.^۲

پرسش:

۱ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۴ ص ۶.
 ۲ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۴ ص ۳۵.

آیا جایز است پدر و مادر، نوع جنین (پسر یا دختر بودن) را در صورتی که تمایل به جنس خاصی داشته باشند با استفاده تکنیک‌های جدید انتخاب کنند؟

پاسخ:

جایز است.^۱

پرسش:

سقط کردن جنینی که در رحم و ناقص الخلقه است چه حکمی دارد؟

پاسخ:

اگر بارداری به مادر آسیب می‌رساند یا جنین باعث اذیت و آزار پدر و مادر به‌شکلی خواهد شد که طاقتش را نداشته باشند، می‌توان جنین را سقط کرد.^۲

پرسش:

امام احمد الحسن (علیه السلام) در پاسخ به یکی از برادران درباره سقط جنین فرموده‌اند: «پاسخ ۳- ... یا جنین باعث اذیت و آزار پدر و مادر به‌شکلی خواهد شد که طاقتش را نداشته باشند، می‌توان جنین را سقط کرد.» آیا به‌دلیل اینکه پدر و مادر می‌خواهند به تربیت سایر کودکان توجه داشته باشند و توانایی نداشته باشند بچه دیگری را تربیت کنند می‌توانند جنین را سقط کنند؟ آیا اینکه تولد این فرزند باعث بازماندن آن‌ها از تحصیل و ادامه روند زندگی از شکل طبیعی‌اش بشود، می‌تواند تحت این عنوان که «پدر و مادر طاقتش را ندارند» شمرده شود؟

پاسخ:

۱ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۴ ص ۳۵.

۲ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۴ ص ۳۶.



طبق این فرضیات گفته شده سقط جنین جایز نیست.^۱

پرسش:

یکی از خواهران انصاری که شوهرش هم از انصار است، شوهرش به او دستور داده جنین را سقط کند، به جهت مشکلات مالی زندگی و اینکه چند فرزند هم دارند... و او را تهدید کرده است که اگر این کار را نکند طلاقش می دهد. این خواهر سؤال کرده اکنون چه کار باید انجام بدهد؟ و اینکه آیا جایز است سقط کند؟

پاسخ:

سقط جنین جایز نیست؛ و چه بسا خداوند روزی آن ها را با این بچه قرار داده باشد.

به طور کلی بنده بشخصه تا آنجا که خداوند سبحان و متعال، امکانات در اختیارم قرار داده، خودم را داوطلب خدمت به آن ها برای مراقبت از این کودک و برآورده کردن نیازهایش معرفی می کنم؛ ان شاء الله؛ و از مکتب می خواهم برای انجام هماهنگی های لازم با آن ها ارتباط برقرار کند.^۲

پرسش:

آیا زوجین می توانند به طور کلی بنا به علتی یا بدون علت، از فرزندآوری جلوگیری کنند؟ و آیا مرد جایز است با انجام عمل جراحی مانع از به وجود آمدن نطفه شود؟

پاسخ:

۱ - پاسخ های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۴ ص ۳۶.

۲ - پاسخ های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۵ ص ۲۵.

زوجین با توافق یکدیگر می‌توانند از فرزندآوری امتناع کنند، و مرد می‌تواند با انجام عمل جراحی مانع از فروریختن منی بشود؛ ولی بهتر است از راه‌حل‌های موقت استفاده کند.^۱

پرسش:

آیا انجام لقاح مصنوعی از طریق لقاح آزمایشگاهی جایز است؟ به همان صورتی که به‌طور معمول در بسیاری از بیمارستان‌های تخصصی این کار، برای کسانی که توانایی فرزندآوری ندارند انجام می‌شود. البته در صورتی که لقاح از طریق پدر و مادر انجام شده باشد.

پاسخ:

جایز است.^۲



۱ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۵ ص ۲۹.

۲ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۵ ص ۲۹.

مشکلات و راه حل ها

پرسش:

مشکلی دارم؛ پدرم وقتی کسی به خواستگاری ام می آید، او را رد می کند. لطفاً مرا کمک کنید.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين
و سلم تسليمًا.

سوره نور و سوره فتح را هر کدام هفت مرتبه بخوان.^۱

پرسش:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم
تسليمًا.

به مولایم احمد عليه السلام، سلام بر شما و بر صاحب الزمان و سلام بر پدران پاک شما! سرورم! درباره موضوعی این مطلب را می نویسم؛ یکی از انصار به خواستگاری دخترم آمده و این دختر نیز یکی از انصار است، خدا را شکر و سپاس. کمی قبل از آنکه از ماجرای خواستگاری مطلع شوم، یکی از دوستانم به من زنگ زد و گفت در خواب دیدم تو می خواهی دو گربه یا گربه سان را به عقد هم درآوری. اکنون هم دو نفر برای این خواستگاری پیش قدم شده اند.

و عجیب اینکه از خود همین فرد پیش قدم شده برای ازدواج مطلع شدم شخصی که او قبلاً نمی‌شناخته پیش او آمده و گفته وی در آینده از دعوت یمانی برمی‌گردد. سرورم! راستش را بخواهید من بسیار می‌ترسم و نمی‌توانم از این دو موضوع صرف‌نظر کنم (خواب دیدن گربه و روی‌گردانی از دعوت).

سرورم! گفتم بعد از استخاره به شما پناه ببرم تا شاید شما مرا برای آنچه انجامش بر من واجب است ارشاد و دلالت فرمایید. هرچند می‌دانم شما مشغولیت و کارهای زیادی دارید ولی ای آقای من، شما می‌دانی خودت و پدرت مولایم صاحب‌الزمان، باب ما به‌سوی خداوند و ملجأ و پناهگاه ما هستید. خداوند شما را به خاطر ما پاداش خیر دهد و ما را از شما محروم نگرداند. من از شما بسیار متشکر و ممنونم و از خداوند عزوجل و از شما عذرخواهم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين.

در چنین اموری استخاره با خدا را به‌عنوان حرف نهایی قرار دهید؛ اگر خداوند شما را فرمان داد اطاعتش کنید و از هرچه شما را منع کرد دوری‌گزینید. خداوند شما را توفیق و یاری عطا کند. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.^۱

پرسش:



مولایم، سلام علیکم پدرم، لطفاً پاسخ مرا بدهید.

همان طور که گفته می‌شود، موضع‌گیری‌ها اصل و درون انسان را مشخص می‌کنند؛ و بسیاری از موضع‌گیری‌های گذشته بوده که اصل و درون شوهرم را برایم آشکار، و منیتش نسبت به خودش را برایم روشن کرده است؛ اینکه خودش را بر راحتی و سلامت همسر و فرزندان‌ش ترجیح می‌دهد. منیتش نسبت به خودم را دیدم و سکوت کردم؛ ولی پس از اینکه دیدم رفاه و راحتی خودش را به رفاه و سلامتی فرزندان‌ش برتری می‌دهد، دیدم برایم امکان‌پذیر نیست از این مسئله عبور کنم و ساکت بمانم؛ برای فرزندانم می‌ایستم، ولی مشکلات را دوست ندارم؛ به این دلیل که می‌دانم سخن گفتن با او سودی ندارد؛ او نصیحت و پیشنهاد و انتقاد و شکایت را نمی‌پذیرد و فقط کاری را انجام می‌دهد که خودش می‌خواهد و حتی یک مشکل وجود ندارد که از روز ازدواجمان، حل شده باشد؛ همان طور که گفته شد فقط خودش را قبول دارد؛ و همه بی‌توجهی‌اش را با کار برای دعوت توجیه می‌کند، و انگار فقط اوست که برای دعوت کار می‌کند. چه کنم؟ چگونه با شوهر پر از منیتم برخورد کنم که منیتش را با عمل برای دعوت توجیه می‌کند؟ با اینکه بنده، مخالف کار برای دعوت نیستم و دلیل آن، سکوت بنده است؛ و من از او می‌خواهم عمل کند، ولی من مخالف بی‌توجهی هستم.

پاسخ:

و علیکم السلام و رحمة الله و بركاته

خداوند شما را زنده بدارد.

در خصوص اهمیت دادن به خانواده و اهتمام زوجین به یکدیگر و به احساسات یکدیگر بسیار نوشته‌ام. از خداوند خواستارم حال شما و زندگی مشترک شما را اصلاح کند؛ چراکه او مهربان‌ترین مهربانان است.

و پاسخ‌ن دادن بنده به برخی از پرسش‌هایی که از آن‌ها آگاه شده‌ام به معنای

بی توجهی به آن‌ها نیست؛ بلکه به این دلیل بوده است که قبلاً پاسخ داده شده‌اند، یا اصلاً پرسش واقعی نبوده‌اند تا به پاسخ نیاز داشته باشند.^۱

پرسش:

مرا در مشکل بد اخلاقی و اعتیاد همسرم به مواد مخدر و اینکه او نماز نمی‌خواند کمک کنید. او را نصیحت کردم ولی فایده ندارد. چه توصیه‌ای می‌فرمایید؟ من چه کنم؟

پاسخ:

اگر معتاد به مواد مخدر است و نماز نمی‌خواند او را نصیحت کن، و اگر نصیحت فایده نداشت از بعضی مؤمنان بخواه تا او را نصیحت کنند؛ چه بسا خداوند او را اصلاح و به ایمان هدایت کند. اگر دیدی به بن بست رسیدی و خواستی از او جدا شوی، این جایگاه و حق توست. از خدا می‌خواهم به تلاش‌های شما برکت دهد که او مهربان‌ترین مهربانان است.^۲

پرسش:

سلام علیکم ورحمة الله وبرکاته، ای امام من.

یک نفر بعد از گذشت پنج ماه از ازدواجش دیگر نمی‌خواهد با همسرش زندگی کند؛ زیرا به او اعتماد ندارد و سطح ذهنی آن‌ها با هم هم‌خوانی ندارد و همسرش سه‌ماهه باردار است. حالا او چه کند؟ آن شخص زجر می‌کشد، همسرش رنج می‌برد و بقیه اعضای خانواده از این درگیری‌های هفتگی رنج می‌برند. تصمیم گرفت او را طلاق دهد، اما چیزی که مانعش شده، کودک درون شکم مادر است. او می‌ترسد، چون همسرش به خاطر پولش

۱ - پی‌نوشت سید احمد الحسن (علیه السلام) در صفحه فیس‌بوک، ۷ جولای ۲۰۱۸.

۲ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۳ ص ۳۸.



با او ازدواج کرده است و فکر می‌کند از بچه برای گرفتن پول از او سوءاستفاده خواهد کرد. ای امام، آیا می‌توانی به این شخص کمک، و برای ما دعا کنی؟ درود بر تو یمانی آل

محمد ﷺ^۱

پاسخ:

خدا شما را حفظ کند، حیب من.

مطمئنناً نکات مثبت و خوبی در همسرش وجود دارد که در ابتدا باعث شده است تصمیم به ازدواج با او بگیرد. از این مرحله به بعد، سعی کند از نو با او شروع کند. تأخیر در تصمیم‌گیری برای جدایی از او تأثیر منفی چندانی به دنبال نخواهد داشت. زنان احساساتی هستند و معمولاً کلمه مهربانانه و زیبا آن‌ها را عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ پس سعی کند این رابطه را موفق و ثمربخش کند، و اتهاماتی مثل طمع و امثال آن را کنار بگذارد؛ به خصوص که کودکی در راه است.

به‌طور کلی همه زوج‌ها در ابتدای زندگی با مشکلاتی روبه‌رو هستند؛ یعنی مشکل درک این مسئله هم برای زن وجود دارد و هم برای مرد، که از یک سو با انسانی مثل خودش، و از سوی دیگر با شخصی که به‌طور کامل با خودش متفاوت

۱ - اصل سؤال به زبان انگلیسی بوده است:

Salamullahi alaykum ya imam, if a person five months after his marriage no longer wants to live with his wife because he don't trust her and there mental level doesn't match, and his wife is three months pregnant then what should he do? this person is suffering and his wife is suffering and the rest of the family is suffering because of the fights every week and he already decided to divorce but one thing standing in his way is the unborn child, and he fears that his wife married him for his money and believes that she will use the child to get more money out of him. ya imam will you please help this person? And pray for us? salamullahi alaykum ya Yamani alay Muhammad (saw.)

است سر و کار دارد. هرکدام از آنها ترکیب بدنی متفاوت و ترشحات هورمونی متفاوتی در زمان‌های مختلف دارند و بنابراین تأثیرات و عکس‌العمل‌های متفاوتی خواهند داشت؛ علاوه بر اینکه هرکدام در محیطی متفاوت و به شیوه‌ای متفاوت پرورش یافته‌اند. شاید او در معرض شرایط سخت و پُرتَنشی قرار داشته که بر وضعیت روانی‌اش تأثیر گذاشته است.

ازدواج درست مثل فرایند ترکیب دو مادهٔ مختلف در یک ظرف است که ممکن است به زمان نیاز داشته باشد تا واکنش و هماهنگی میان آنها حاصل شود.^۱

پرسش:

بعضی از خانم‌ها بدون اطلاع شوهرشان از دارایی آنها برمی‌دارند. (مثلاً یکی از آنها) می‌گوید در مضیقهٔ مالی شدیدی هستم ولی شوهرم به من نفقه نمی‌دهد؛ و به همین دلیل بدون اطلاع وی از اموالش برمی‌دارد. آیا این کار حلال است یا حرام؟

پاسخ:

رابطهٔ میان شوهر و همسر باید فراتر از مال و اموال باشد و باید بین آنها دوستی و محبت و رابطه‌ای پاک برقرار باشد تا میانشان تفاهم ایجاد کند؛ ولی به‌طور کلی زن نمی‌تواند بدون اجازهٔ شوهر از اموال وی بردارد؛ البته تا وقتی که شوهر نفقه‌ای را که احتیاجات او و فرزندانش را رفع می‌کند به او می‌دهد.^۲

پرسش:

وظیفهٔ زن مؤمنی که شوهر مؤمنش او را از ارتباط با خانواده یا نزدیکانش حتی در

۱ - پی‌نوشت سید احمد الحسن (علیه السلام) در صفحه فیس‌بوک، به تاریخ ۲ آگوست ۲۰۱۸.

۲ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۵ ص ۲۲.



شبکه‌های اجتماعی منع می‌کند چیست؟

این به دلیل آن است که میان او و آن‌ها اختلافاتی وجود دارد؛ بنابراین او به وی می‌گوید اگر بخواهی با آن‌ها تماس بگیری یا به آن‌ها سلام کنی تو را نمی‌بخشم. در چنین حالتی تکلیف او (خانم) چیست؟ آیا باید از او اطاعت کند یا خیر؟

آیا برای این زن جایز است بدون اطلاع او در شبکه‌های اجتماعی با آن‌ها ارتباط برقرار کند تا در خانه با شوهرش مشکلی ایجاد نکند و در عین حال بین او و خانواده‌اش ناراحتی و وقفه‌ای ایجاد نشود؟ و حال آنکه مهم‌ترین چیز در اول و آخر رضایت خداوند سبحان است.

پاسخ:

برای شوهر جایز نیست از زن خود بخواهد رابطه خویشاوندی را قطع کند و زن واجب نیست در این دستورات از او اطاعت کند.^۱

پرسش:

خانمی که به موجب ناراحتی و اختلاف با شوهرش در خانه خانواده‌اش ساکن است، آیا می‌تواند بدون اجازه شوهرش برای برآورده کردن نیازهایش یا دیدار خویشاوندانش از خانه بیرون برود؟

پاسخ:

جایز نیست بدون اجازه شوهرش از خانه بیرون برود، مگر برای انجام کاری

۱ - بخش علمی مکتب سید احمد الحسن (علیه السلام) ۲۵ محرم ۱۴۴۲ هـ

واجب، یا بنا به ضرورتی.^۱

پرسش:

آیا جایز است زن به همراه خواهران شوهردارش و همراه با شوهران آنها با پوشیدن حجاب کامل به گردش برود، در حالی که آنها باهم اختلاط می‌کنند، صحبت می‌کنند، می‌خندند، و با داشتن حجاب به دریا می‌روند، و... چنین کارهایی انجام می‌دهند؟

پاسخ:

از پاسخ پرسش قبل روشن شده زن جایز نیست بدون اجازه شوهرش از خانه

بیرون برود.^۲



۱ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۵ ص ۲۳.

۲ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۵ ص ۲۳.

چند همسری

پرسش:

معنای این حدیث چیست؟ رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «کسی که دو زن دارد و در تقسیم کردن خودش و مالش بین آن دو عدالت را رعایت نکند، روز قیامت در غل و زنجیر می‌آید در حالی که او را آرام آرام می‌کشند تا وارد آتش شود.»^۱

آیا هیچ انسان غیر معصومی می‌تواند خودش و مالش و محبتش را بین آن دو عادلانه تقسیم کند؟

پاسخ:

خداوند توفیق‌تان دهد. عدالت میان همسران، به معنی حقوق واجب آن‌هاست؛ مثل «قسمت» یا خوابیدن نزد همسر، و نفقه واجب.^۲

پرسش:

بسم الله الرحمن الرحيم. کسی که همسر هاشمی دارد آیا جایز است با زن هاشمی یا غیرهاشمی دیگری ازدواج موقت یا دائم کند؟

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين
و سلم تسليمًا.

۱ - بحار الانوار: ج ۷ ص ۲۱۴.

۲ - پاسخ‌های روشن‌گرانه: ج ۷ ص ۹۰.

جایز است.^۱

پرسش:

آیا مردی از انصار که به شما ایمان دارد، می‌تواند با زنان مخالف یا زنان اهل کتاب ازدواج موقت کند؟ و آیا ازدواج دائم با زن اهل کتاب صحیح است یا خیر؟ زیرا من از برخی فقهای برادران انصار شنیدم که ازدواج با زنی که به اعتقادات ما نسبت به ائمه و مهدیون اعتقاد ندارد حلال نیست، ولی عکس این مطلب را در پاسخ اخیر شما به یکی از برادران خواندم که ازدواج با زن مسلمان جایز است ولی بهتر آن است وی یمانی یا به تعبیری مؤمن باشد. آقای من! ما در باب ازدواج به یک کتاب فقهی، غیر از آنچه کتاب شرایع اسلام به آن پرداخته است نیاز داریم.

سرورم! می‌خواهم از شما بپرسم آیا ازدواج با بیش از یک زن بدون اینکه مرد رضایت همسرش را در این خصوص بگیرد صحیح است؟ چراکه امروزه زنی که بتواند با این موضوع کنار بیاید دیده نمی‌شود. آیا همسر در این خصوص صاحب رأی و نظر است یا اینکه شرعاً صحیح است مرد بدون رجوع به همسرش مجدداً ازدواج کند؟ و آیا اگر انسان از والدین خود که به دعوت ایمان نیآورده‌اند براءت جوید، عاق شده‌ی والدین و قطع کننده‌ی رحم به شمار می‌رود؟ یا تکلیف او چیست و چه باید کند؟

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين
و سلم تسليمًا.



جایز است مرد مؤمن با زن مسلمان مخالف و زن اهل کتاب ازدواج کند؛ ولی ازدواج با زن ناصبی جایز نیست. مرد می‌تواند بدون اینکه زن اولش را باخیر سازد ازدواج دومش را انجام دهد. برای مؤمن سزاوار است نسبت به خویشانش نکویی پیشه کند و تا آنجا که می‌تواند در هدایت آن‌ها بکوشد. درباره والدین به‌طور خاص، حتماً باید با آن‌ها با احسان رفتار کند حتی اگر مؤمن نباشند. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطْغِهِمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾^۱ (اگر آن دو به کوشش از تو بخواهند تا چیزی را که نمی‌دانی با من شریک گردانی، اطاعتشان مکن. در دنیا با آن‌ها به وجهی پسندیده زندگی کن و خود، راه کسانی را که به درگاه من باز می‌گردند در پیش گیر. بازگشت همه شما به سوی من است و من از کارهایی که می‌کرده‌اید آگاهتان می‌کنم).

خداوند شما را توفیق دهد و بر هر خیری استوار فرماید. والسلام علیکم ورحمة

الله و برکاته.^۲



۱ - لقمان: ۱۵.

۲ - پاسخ‌های روشن‌گرانه: ج ۵ ص ۵۴.

ازدواج موقت

پرسش:

آیا اجرای عقد نکاح دائم یا موقت- از طریق تلفن یا برنامه‌های گفت‌وگوی اینترنتی- مثل پالتاک و نظایر آن- در حالی که شاهد‌ها، شوهر و زن در یک اتاق هستند، صحیح و عقد کامل است؟

پاسخ:

اگر با وجود قرینه‌ای هر دو طرف شوهر و زن بتوانند به‌طور کامل یکدیگر را تشخیص بدهند با شکل یا با اسم یا با هر وسیله تشخیصی دیگری که انسان را از دیگر هم‌نوعانش متمایز می‌کند- جایز است. برای شهود هم شرط است که آن‌ها نیز آنچه را برای مشخص کردن هریک از زوجین لازم است در اختیار داشته باشند، خواه توانایی آن‌ها برای شناسایی باشد یا معلوماتی که این مشخص شدن را برساند، مثل اسم و شکل. حکم مسئله در اعلان هم به همین صورت است.

این امور به‌طور معمول در عقدی که بین دو زوجی که همدیگر را ملاقات می‌کنند و نیز در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند در دسترس است؛ زیرا کسانی که شاهد هستند یا کسانی که این ازدواج میانشان مشهور می‌شود زوجین را می‌شناسند و آن‌ها را شناسایی می‌کنند؛ اما اگر عقد به‌وسیله وسایل ارتباط از راه دور- مثل تلفن و اینترنت- باشد باید شرایط آن رعایت شود و از معلوماتی که برای همه برای تشخیص کافی است اطمینان حاصل شود.

در اینجا مسئله‌ای وجود دارد که باید به آن توجه داشته باشیم؛ اینکه مستند کردن ازدواج به‌صورت کتبی بهتر از شفاهی بودن آن است. هدف، حفظ نَسَب و حقوق است و این هدف با نوشتن، به‌صورت بهتری محقق می‌شود، نسبت



به وضعیتی که عقد و شاهد گرفتن فقط به صورت شفاهی باشد.^۱

پرسش:

بسم الله الرحمن الرحيم. سلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

حکم ازدواج موقت چیست؟ آیا جایز است فقط به جهت حلال شدن صحبت کردن (زوجین) خوانده شود؟ یعنی اگر حریمی برای این شخص وجود داشته و امکان ارتباط وجود نداشته باشد، و واقعاً ازدواجی صورت نگرفته باشد. هدف از این سؤال فقط جلوگیری از ارتکاب فعل حرام است. خداوند به شما خیر دهد.

پاسخ:

ازدواج موقت، جایز است.

۱- در ازدواج موقت و دائم حضور شهود (دو شاهد عادل) یا اِشهار (علنی کردن) شرط است و محقق شدن یکی از این دو شرط کفایت می‌کند.

۲- کمترین مدت برای ازدواج موقت، شش ماه است.

گفت‌وگوی زن با مردان حرام نیست و حلال شدنش نیازی به ازدواج ندارد.^۲

پرسش:

زنی به عقد موقت مردی درآمده و از همسرش باردار شده است. در ایام ازدواج موقت مرد فوت شد. حکم این زن و حقوق او چیست؟ حکم نوزادی که از این دو متولد شده، چیست؟ و حقوق شرعی او چیست؟

۱- پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۳ ص ۳۹.

۲- پاسخ‌های روشنگرانه: ج ۲ ص ۱۳۱.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

تفصیل ازدواج موقت و شرایط آن را ان شاء الله در کتاب شرایع اسلام خواهی دید؛ این کتاب اکنون زیر چاپ است. اما زن در ازدواج موقت از همسرش ارث نمی‌برد، ولی کودک فرزند شرعی مرد است و تمام حقوق شرعی مثل ارث بردن و داشتن اسم پدر و سایر حقوق فرزند شرعی را داراست.^۱

پرسش:

سلام علیکم و رحمة الله وبرکاته. با کمال امتنان چشم‌انتظار پاسختان برای پرسش‌های زیر هستم:

۱ - آیا زن باکره باید ولی‌اش را از ازدواج موقت مطلع کند اگر بالغ باشد؟ او ۳۵ ساله است، پدرش فوت کرده و برادر بزرگ‌تری هم ندارد.

۲ - آیا مخفی بودن ازدواج موقت، آن را باطل می‌کند؟

۳ - آیا ازدواج نیاز به شهود دارد یا فقط توافق طرفین کفایت می‌کند؟

۴ - حقوق زن و واجباتش چیست؟

۵ - آیا بعد از پایان مدت، عده دارد؟ یا اگر شوهرش در دوران عقد فوت کند باید عده نگه دارد؟ من در سایت شما احکام ازدواج را جست‌وجو کردم ولی نیازم رفع نشد. امیدوارم به سرعت پاسخ گوئید. خداوند شما را پاداش دهد.

پاسخ:



بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليمًا

پاسخ ۱: زن بالغ رشید (کسی که به ۱۸ سال رسیده باشد، و رسیدن به سن تکلیف به تنهایی کفایت نمی‌کند) می‌تواند خودش ازدواج کند (چه دائم باشد، چه موقت) و ولی‌اش نمی‌تواند اعتراض کند، چه باکره باشد و چه قبلاً شوهر کرده باشد.

پاسخ ۲: در عقد ازدواج، حضور دو شاهد شرط است، یا آنکه ازدواج مشهور گردد (اعلان شود)؛ و اگر دو شاهد حضور داشته باشند مشهور کردن ازدواج، مستحب است. اگر دو شاهد نبود مشهور کردن ازدواج قبل از نزدیکی، واجب است. بدون شاهد، عقد ازدواج، متوقف بر مشهور شدن است و اگر بدون در نظر گرفتن این شرایط زن و مرد نزدیکی کنند کار حرام مرتکب شده‌اند و اگر این کار تکرار شود معصیت تکرار شده است تا موقعی که ازدواج، مشهور شود. اما فرزند مثل فرزند شبهه- به پدر منسوب می‌شود.

شهادت به وسیله دو شاهد انجام می‌شود. مشهور کردن و اعلان ازدواج، بعد از انعقاد عقد و قبل از نزدیکی انجام می‌شود و به وسیله آنچه در عرف، اعلان و مشهور کردن نامیده می‌شود - مثلاً دعوت به ولیمه عروسی یا شناساندن مردم به وسیله‌ای که رایج است- تحقق می‌یابد.

پاسخ ۳: پاسخ کامل در پاسخ ۲ داده شده است.

پاسخ ۴: با این نوع عقد، زن و شوهر ارثی از هم نمی‌برند؛ ولی اگر هر دو یا یکی از آنها شرط کند که ارث ببرند عمل به شرط لازم است. مرد می‌تواند شرط کند صبح یا شب نزد همسرش بیاید و می‌تواند از او عزل کند (منی را بیرون بریزد) و برای این عزل کردن، اجازه زن لازم نیست. طلاق ندارد، و با پایان مدت، به پایان

می‌رسد. لعن کردن،ظهار و سرپرستی (ایلاء) در آن وجود دارد و ترک وطیء در آن بیش از چهار ماه، حرام است و نیز نفقه نیز در آن برقرار است.

پاسخ ۵: عده آن، دو حیض است که باید از زمان وفات شمرده شود. حتی اگر دخول صورت نگرفته باشد؛ و چهار ماه و ده روز است اگر نازا باشد؛ و اگر حامله باشد از این دو مدت زمان، طولانی‌تر خواهد شد.^۱

پرسش:

آیا امکان دارد عقد موقت برای شش ماه با تعیین مهر و شهادت شهود خوانده شود و شرط شود که نگاه کردن، صحبت کردن و مسافرت انجام شود ولی دخول و لمس کردن نباشد؟

پاسخ:

جایز است.^۲

پرسش:

مردی، زنی را دو سال به عقد موقت خود درآورده و به دلیل وضعیت خاص زن و ترس از خانواده و اولادش و نیز به دلیل جلوگیری از جدا شدن از خانواده‌اش، شخص سومی در جریان کار آن‌ها نبوده است. حکم آن‌ها چیست؟

پاسخ:

در این حالتی که شما بیان کردید چه بسا «اشهار» (اعلان عمومی) مشکل باشد، ولی گرفتن شهود سخت نیست. باید با شاهد گرفتن، دوباره عقد را با او جاری

۱ - پاسخ‌های روشنگرانه: ج ۳ ص ۶۵.

۲ - کتاب پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۳ ص ۴۳.



کند و به شاهدها توصیه شود این موضوع پنهان بماند مگر برای ضرورت یا اثبات حقوق.^۱

پرسش:

زنی بدون اینکه دخولی صورت گرفته باشد ازدواج موقت کرده و در زمان صیغه عقد موقت، عقد دائم خوانده است. حکم شرعی این مسئله چیست؟

پاسخ:

جایز و ازدواج دائمش صحیح است.^۲

پرسش:

زن شهره به زنا چگونه شناخته می‌شود؟ اگر مدت عقد موقت یک سال باشد ولی مرد به عدم التزام و پابندی زن شک داشته باشد، آیا جایز است عقد موقت را فسخ کند؟ آیا فسخ کردن بعد از نزدیکی جایز است؟

پاسخ:

زنی که در محیط اجتماعی‌اش به فاحشه‌گری شناخته شده باشد، معروف به زنا شناخته می‌شود و مرد می‌تواند هر وقت بخواهد عقد ازدواج موقت را فسخ کند.^۳

پرسش:

یکی از مؤمنان قبل از ایمان آوردن به دعوت مبارک با دختر خواهر همسرش که نه سال

۱ - کتاب پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۳ ص ۴۴.

۲ - کتاب پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۳ ص ۴۴.

۳ - کتاب پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۴ ص ۴۸.

دارد (با توجه به اینکه مدت عقد کمتر از شش ماه بوده است) عقد ازدواج موقت منعقد کرد تا به خواهر همسرش محرم شود. در این وضعیت آیا پسر شوهر برای این دختر نامحرم شمرده می‌شود؟

پاسخ:

طبق پرسش، این عقد ساختگی و غیرواقعی بوده است. این چنین عقدی باطل است و به آن هیچ اهمیتی داده نمی‌شود و چیزی به دنبال ندارد.^۱



روابط نامشروع

پرسش:

سلام عليكم و رحمة الله و بركاته

اللهم صل على محمد و آله الائمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

سلام عليكم سرور و مولایم! جانم فدای تو! با جان و جسم و مال و خانواده و فرزندان و هر آنچه دارم، با تو تجدید بیعت می‌کنم.

سرورم! سؤالی دارم: اگر چندین سال پیش با زن شوهرداری زنا شده باشد و این دو از هم جدا شده و به درگاه خدا توبه کرده باشند و پس از مدت زمانی، به طور اتفاقی با هم برخورد کنند و مرد بفهمد شوهر زن سال هاست مرده است...

با چشمانی اشک بار منتظر یاری امام مهدی (عج) هستیم و چشم انتظار پاسخ شما هستیم.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

کسی که با زنی زنا کند ازدواج با آن زن بر او حرام نمی‌شود، ولی اگر با زن شوهردار (یعنی ازدواج کرده) یا زنی که در عده رجعیه است زنا کند، تا ابد بر او حرام می‌شود. والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته.^۱

پرسش:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

در کتاب شرایع، جلد سوم، متن زیر آمده است: «... اگر در اثر زنا باردار شود سپس آن زن را طلاق دهد، باید عِدَّة ماهها را بگیرد، نه عِدَّة وضع حمل را؛ و اگر وطیء (دخول) به شبهه شود و به جهت دور بودن همسر از آن زن، فرزند به وطیء کننده ملحق شود و سپس همسر، آن زن را طلاق دهد، از فرد وطیء کننده عِدَّة وضع حمل می گیرد. سپس بعد از وضع حمل، عِدَّة طلاق را رعایت می کند...»

آیا زنی که در اثر زنا باردار شده است و همسری ندارد عِدَّة مشخصی برعهده اش است؟ و آیا ازدواج با این زن جایز است؟ چه توسط شخصی که در اثنای بارداری اش با این زن زنا کرده است، یا توسط شخص دیگری غیر از او؟!

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين
و سلم تسليمًا.

این زن عِدَّة ندارد و در اثنای بارداری اش می تواند با کسی که با او زنا کرده است ازدواج نماید، و ازدواج با غیر از او، مکروه است.^۱

پرسش:

جوانی با زن شوهرداری زنا کرده و از کار خود پشیمان است. بعد از گذشت چند سال آیا می تواند با یکی از خواهرهای آن زن ازدواج کند؟



پاسخ:

جایز است.^۱

پرسش:

شخصی دوست‌دختری داشت که بدون عقد با او نزدیکی می‌کرد. سپس با وی عقد موقت و پس از آن عقد دائم جاری کرد، حکمش چیست؟

پاسخ:

اگر نزدیکی آن‌ها زنا بوده باشد (قبل از عقد) و زن دارای شوهر بوده باشد یا مطلقه‌ای بوده که هنوز روزهای عده‌اش تمام نشده باشد آن زن بر مرد زناکار حرام می‌شود؛ اما اگر زن، شوهر نداشته باشد و در عده نیز نبوده باشد آن مرد می‌تواند با او ازدواج کند.^۲

پرسش:

اگر شخصی با دیگری لواط کرده باشد، آیا می‌تواند با یکی از محارم کسی که لواط شده ازدواج کند؟

پاسخ:

مادر، خواهر و دختر کسی که لواط شده بر او حرام هستند؛ ولی اگر قبلاً یکی از آن‌ها را عقد کرده باشد حرام نمی‌شوند.^۳

۱ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۳ ص ۴۱.

۲ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۳ ص ۴۱.

۳ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۳ ص ۴۲.

پرسش:

گفته شد لواطکننده نمی‌تواند با مادر و خواهر لواطشونده ازدواج کند. اگر لواطکننده به سن تکلیف نرسیده باشد وضعیت این حکم به چه صورت است؟ و اگر فرد شک داشته باشد هنگام انجام این عمل خبیث به سن بلوغ رسیده است یا نه، وضعیت به چه صورت خواهد بود؟

پاسخ:

در هر دو حالت (ازدواج) حرام نیست.^۱



مادری و تربیت

تربیت صحیح

توصیه‌هایی به مادران

احکام شرعی

تربیت صحیح

پرسش:

بسم الله الرحمن الرحيم

آیا فرستادن دختران یا پسران به مدارس مختلط جایز است؟ با توجه به اینکه مدارس جداگانه‌ای نیز وجود دارد؛ اما این کار، با توجه به سطح تعلیم و تربیت دانش‌آموزان آنها انجام می‌شود.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين
و سلم تسليمًا.

در آموزش دوره ابتدایی یعنی شش سال اول- اشکالی ندارد؛ اما در سطوح بعدی و به خصوص در سال‌های نزدیک بلوغ، بهتر است تا جایی که امکان دارد از این کار پرهیز شود.^۱

پرسش:

در زمانه‌ای که لهو و لعب بسیار شده است چگونه فرزندانمان را تربیت کنیم؟ چگونه آنها را به جای برنامه‌های تلویزیون- که سودی ندارد و چه بسا مضر هستند- متوجه قرآن کنیم؟ چگونه حسین و عباس و زینب علیهم‌السلام را در دل آنها جای دهیم؟ چگونه آنها را از خطرهای نجات دهیم؟ خطرهایی مثل تکبر، منیت و چیزهای دیگر؟ وظیفه مادر برای اینکه فرزندش حسینی و شیعه حقیقی شود چیست؟ بهترین راه رفتار با کودکان چیست؟



پاسخ:

تربیت صحیح، واجبی است که والدین متحمل آدای آن هستند. دربارهٔ اموری مثل بازی یا مشاهدهٔ تلویزیون یا حتی اینترنت و بازی‌های کامپیوتری و نظایر آن‌ها، بر والدین واجب است مراقب فرزندانشان باشند و آن‌ها را از امور فاسدکننده بازدارند؛ مثلاً وقتی بچه برای بازی به سراغ اینترنت می‌رود باید زیر نظر والدینش باشد، ولی جایز نیست او را از بازی یا کارهای کودکانه بازدارند؛ چراکه این کار در بزرگسالی تأثیراتی به دنبال خواهد داشت؛ به‌علاوه بعضی از بازی‌ها جنبهٔ آموزشی دارند. می‌توان کودک را به سمت بازی‌های مفید هدایت و تشویق کرد؛ مثلاً می‌توان او را به بازی‌های فکری یا بازی‌های حل معماهای هندسی یا شبیه آن‌ها تشویق کرد. بسیاری از کودکان چنین توانایی‌هایی را دارند و این کار در نهایت منجر به تکامل گستردهٔ قدرت ذهنی آن‌ها می‌شود.

به‌علاوه این بازی‌ها می‌توانند باعث بازداشته‌شدن نوجوانان از فکر کردن به امور فاسد دیگر شود. می‌توان به کودک یا نوجوان، تحقیق کردن را آموخت تا یاد بگیرد و توانایی‌هایش ارتقا یابد. والدین می‌توانند او را به تحقیق دربارهٔ مباحث معین علمی یا امور مربوط به زندگی روزانه یا تاریخی تشویق کنند؛ اما دربارهٔ امور دینی، به‌عنوان مثال کودک را به بیش از خواندن نماز جماعت همراه با والدینش تکلیف نکنید. آرام‌آرام او را تشویق کنید که دو رکعت نماز به‌تنهایی بخواند و در آن برای رفع نیاز معینی دعا کند و هنگامی که احساس کند نیازش برآورده شده است ارتباطش با خدا قوی می‌شود و ایمان آرام‌آرام در قلبش رسوخ می‌کند. خدا را در همه‌چیز به یاد آن‌ها بیاورید. هنگامی که با هم درگیر می‌شوند به‌عنوان مثال به یکی از آن‌ها بگویید: با برادر یا خواهرت به نرمی رفتار کن تا خداوند تو را مثل انبیا -سلام و صلوات خداوند بر آن‌ها- بگرداند؛ و این‌گونه اخلاق پاک را در جان‌هایشان زنده و در عین حال کمال‌طلبی را نیز برایشان احیا کنید. اگر یکی از آن‌ها کار خوبی کرد

به‌عنوان مثال نماز خواند یا طاعتی انجام داد. به او تبریک و سخن نیکو بگویید، و به او بگویید: خداوند به تو عطا می‌کند، تو را مبارک می‌دارد و در حضور ملائکه از تو یاد می‌کند. همچنین می‌توانید برنامه روزانه برای آن‌ها تنظیم کنید؛ مثلاً یک ساعت یا نیم ساعت برای حفظ سوره‌های کوچک قرآن، به این صورت که هر روز آن‌ها به دنبال شما بخوانند، و به‌مرور سوره‌ها را حفظ خواهند کرد.

برای کودکان بالای ده سال برنامه هفتگی تنظیم کنید؛ مثلاً سه یا چهار روز اجازه بازی نداشته باشند و حتی اگر به آن‌ها اجازه ورود به اینترنت یا سرگرمی‌های غیردرسی می‌دهید برای امور علمی یا تاریخی یا خواندن کتاب یا خواندن مطالب مخصوص درسی‌شان یا خواندن داستان‌های انبیا و ائمه (علیهم‌السلام) و شبیه آن‌ها باشد. به این ترتیب با توجه و تنظیم زمان آن‌ها نتیجه خوبی از آن‌ها حاصل می‌شود؛ اما با کوتاهی کردن، چه بسا منحرف شوند و شما زیان ببینید و در این صورت، زیان شما بزرگ خواهد بود.

متأسفانه بسیاری از پدران مهاجر که دور از سرزمین‌های عربی زندگی می‌کنند با کوتاهی در آموزش زبان عربی و خواندن و نوشتن آن به آن‌ها، در حق فرزندان خود بدی می‌کنند؛ در حالی که آن‌ها می‌توانند هر روز ساعتی از وقتشان را برای آموزش زبان عربی به فرزندان خود که در خواندن امور دینی‌شان و اطلاع از جزئیاتش به آن احتیاج دارند صرف کنند و گمان نمی‌کنم کار مشکلی باشد؛ زیرا در زمانه ما کتاب‌ها و روش‌های آموزش اینترنتی به‌وفور یافت می‌شود و دسترسی به آن‌ها به‌آسانی امکان‌پذیر است.^۱

پرسش:



سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

پدرم، آیا این سخن صحیح است که کودک نباید تأدیب و تنبیه شود، مگر پس از کامل شدن هفت سال؟

و آیا بعد از هفت سال، تعلیم و تأدیب کودک آغاز می‌شود؟ و آیا این به آن معناست که توضیح مسائل درست و غلط فقط پس از هفت‌سالگی برای او انجام شود؟

برخی افراد از روایت این‌طور برداشت کرده‌اند که واجب است کودک به مدرسه نرود و آموزش نبیند مگر هنگام تمام شدن هفت‌سالگی. آیا این فهم درست است؟

پاسخ:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد.

صحیح این است که از [کتک] زدن کودک اجتناب شود؛ ولی باید او را به صحیح و غلط، توجیه و آگاه و راهنمایی کرد. اما درباره آموزش، کودک از زمانی که پا به زندگی می‌گذارد از والدین و محیطش می‌آموزد؛ پس بازداشتن او از آموختن مسائلی معین در سنی معین در حالی که او آمادگی و توانایی تحصیل علمی آن مواد علمی را در مدرسه دارد، سفیهانه است.^۱

سید احمد الحسن علیه السلام درباره اهمیت تحصیل، مطالبی فرموده‌اند و انتخاب رشته را در دانشکده‌هایی که می‌خواهند تحصیل کنند برعهده فرزندان گذاشته‌اند:

پاسخ:

با وجود اینکه تحقیق و پژوهش و آموزش مهم است، ولی اولیای امور لازم است

بدانند هر انسانی می‌تواند در زمینه‌ای که به آن علاقه‌مند است ثمره دهد و نوآوری کند و ضروری نیست حتماً در عرصه دانشگاه یا دانشکده‌هایی باشد که بسیاری از مردم تمایل دارند وارد آن‌ها شوند. زندگی، سفری است که باید آن را غنیمت شماریم و در چهارچوبی عمل کنیم که در دسترس ما قرار می‌گیرد و زمان خود را در سرزنش یا ناله کردن برای سهم خود یا دیگر مسائل مشابه آن، تباہ نکنیم.

سپس از وادار کردنشان به تحصیل علمی که میلی به آن‌ها ندارند برحذر داشته است:

اولیایی هستند پدران یا مادران- که متأسفانه فرزندان خود را وادار به عاق کردن خودشان می‌کنند. در برابر پسران و دختران خود تقوای الهی پیشه کنید و آن‌ها را به چیزی که توانش را ندارند یا مناسب حالشان و وضعیت روانی و جسمی‌شان نیست مجبور نکنید.^۱

پرسش:

حدود حق پدر که در احادیث وارد شده از اهل بیت (علیهم السلام) (فرزند و آنچه به پدرش تعلق دارد) آمده است چیست؟ آیا پدر حق دارد اطاق پسرش شود و آنچه را در آن است بردارد؟ و آیا جایز است پسر حق خود را از پدر بگیرد؟ (با توجه به اینکه پسر، انصاری و پدر مخالف است). ممنون از شما.

پاسخ:

هرکسی -اعم از زن یا مرد- دارای حقوق کامل انسانی از جمله حق مالکیت است. نه پدر و نه مادر حق تعدی یا سلب حقوق او را ندارند؛ و حتی تصرف در آن، به قصد دستیابی به مصالح فرزندان بدون اجازه آن‌ها یا اجازه قانونی در صورت



صغیر بودن وی، جایز نیست.^۱

سید احمد الحسن علیه السلام در صفحه مبارک فیس بوک خود با توجه به قانون الهی حقوق کودک نوشته است:^۲



ویدئو پیوست به پیام

این کودکان (در ویدئو) در معرض آزار و اذیت جدی مادران خود (که داعشی هستند) قرار دارند و واضح است آن‌ها شایستگی تربیت فرزندان را ندارند. این وظیفه کشورهای خاورمیانه و جهان است که مسئولیت این کودکان را به عهده بگیرند. رهاکردن کودکان در اختیار آن‌ها جنایت علیه کودکان و علیه بشریت است.

۱ - بخش علمی مکتب سید احمد الحسن علیه السلام، ۲۷ جمادی الاول ۱۴۴۲.

۲ - <https://www.facebook.com/alqesmal3lme/posts/۴۱۵۵۶۶۰۲۲۱۱۲۸۰۲۹>

۲ - در این ویدئو، خبرنگار زن لبنانی «رولا الخطیب» نماینده شبکه «الحدث عربیه» در اردوگاه الهول سوریه حضور می‌یابد که شامل خانواده‌ها، زنان و کودکان داعشی است. با اولین اقدام خبرنگار برای نزدیک شدن به زنان و کودکان، همه فرار کردند و حاضر به صحبت نشدند. از جمله سخنان بچه‌های داعشی به خبرنگار: «تو را می‌کشیم، سلاخی می‌کنیم، تو کافر هستی، چون خواهان را می‌کشی، با اسلحه کفار را تهدید می‌کنیم، برو اول چادر بیوش، بعد بیا.»

در حقیقت، گذاشتن این کودکان در اختیار این زنان، خطری بزرگ برای مسلمانان - قبل از دیگران- در خاورمیانه و برای کل جهان در آینده است.

در شریعت اسلام (در دین خدا) در صورتی که هر دو یا یکی از والدین به کودک آسیب برسانند یا منافع او آسیب قابل توجهی ببینند، فرزند را از او یا آن دو می گیرند، و دولت تربیت و رشد او را به طور صحیح و سالم برعهده می گیرد.

همچنین در قوانین وضع شده در بیشتر کشورهای جهان (بیشتر کشورهای اروپایی، اتحادیه روسیه و...)، دولت در صورت مواجهه کودک با آسیب یا خطر توسط هر دو یا یکی از والدین، کودک را از والدینش جدا و تربیت می کند.^۱



توصیه‌هایی به مادران

پرسش:

نامه‌ام را متوجه شما می‌کنم. از سوی مادری مظلوم. مرا از اندوهی شدید نجاتم دهید. به ۶۰ سالگی رسیده‌ام و مریض احوال هستم. از بیماری‌هایی که بر اثر سال خوردگی به من عارض شده است شکایت دارم. خداوند سبحان و متعال چهار دختر روزی‌ام فرمود که برای تربیتشان سختی کشیده‌ام و برای راحتی‌شان شب‌ها بیدار مانده و تمام تلاشم را برای آسایش و راحتی آن‌ها کرده‌ام. برای رسیدن آن‌ها به مراتب عالی تحصیلی تلاش کردم و شکر خدا همگی را شوهر دادم.

نمی‌خواهم با سخنانم مطلب را برای شما طولانی کنم. مشکلم را برای شما عرض می‌کنم: از دختر بزرگم که دکتری دانشگاهی دارد شکایت دارم. شکر خدا او متأهل و در رفاه است و وضعیت مالی بسیار خوبی دارد. او به من کمکی نمی‌کند. من نیازمند درمان و دارو هستم و نیازمند مایحتاج روزانه مثل غذا و نوشیدنی هستم. وضعمان بد است و او مرا یاری نمی‌کند؛ به طوری که باعث شده از کرامت مادری من بسیار کاسته شود. او حتی بیماری مرا هم جویا نمی‌شود.

شما را به خدا قسم، چه کنم؟ امیدوارم کمکم کنید و حکم دین اسلام چگونه است؟ به حق برکاتت برایم دعا کن دخترم «ندا» برایم خانه‌ای بسازد و مرا با دخترانم جمع کند و شرّ مردمی را که به دنبال مصالح دنیوی‌شان هستند از ما دور کند. من منتظر فرج و گشایش از سوی خداوند متعال هستم، و یقین دارم شما پاسخ مرا می‌دهید.

پاسخ:

از ویژگی‌های فرهنگ انسانی است که انسان شکرگزار کسی باشد که به او خدمتی کرده است، چه برسد به اینکه این خدمات، بسیار بوده باشد؛ به طوری که اگر این خدمات نبود آن انسان زنده نمی‌ماند، و چه برسد به اینکه وضعیت آن انسان

در زمان انجام آن خدمات عجز و ناتوانی کامل بوده باشد! کمترین کار این است که انسان به یاد داشته باشد والدینش در کودکی اش او را حمایت کرده و به او اهتمام ورزیده‌اند. پس باید بخشش و عطای آن‌ها به خودش را پاسخ گوید و آن دو را همانند هر بخشاینده نعمتی - که حق شکرگزاری‌شان برعهده‌اش است- به حساب آورد، و احسان آن‌ها را با نیکی و احسان پاسخ گوید.

حق تعالی می‌فرماید: ﴿وَصَيَّنَّا الْإِنْسَانَ بِالذِّيَّةِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا وَ حَمَلُهُ وَ فَصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَىٰ وَالِدَيَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَ أَصْلِحْ لِي فِي دُرِّيَّتِي إِنَّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ (و ما انسان را به نیکی با پدر و مادرش سفارش کردیم. مادرش با رنج و دشواری بار او را برداشت و به دشواری بر زمین نهاد، و مدت حمل تا از شیر بازگرفتنش سی ماه است؛ تا آنگاه که به رشد کامل خود رسد و به چهل سالگی درآید، گوید: ای پروردگار من! به من بیاموز تا شکر نعمتی را که بر من و بر پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای به جای آورم، کاری شایسته انجام دهم که تو از آن خشنود باشی و فرزندان مرا به صلاح آور که من به سوی تو بازگشتم و من از تسلیم‌شدگانم).

از خدا می‌خواهم احوال شما را نیکو، و قلب‌های شما را به سوی یکدیگر متمایل کند که او مهربان‌ترین مهربانان است.^۲

پرسش:

بسیاری مواقع وظایف مادری مثل آرام کردن، شیردادن و توجه به کودک- با وظیفه

۱- احقاف: ۱۵.

۲- پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۲ ص ۲۷.



محافظت بر نماز اول وقت تعارض پیدا می‌کنند. گاهی زن در تنگنای زمانی میان برآوردن نیازهای کودک شیرخوار و به‌جا آوردن فریضه واجب در اول وقتش قرار می‌گیرد؛ در این صورت این زن چه باید کند و کدامیک را پیش اندازد؟

پاسخ:

کسی که چیزی را می‌خواهد خود را برای به‌دست آوردنش آماده می‌کند؛ بنابراین اگر زنی بخواهد به‌عنوان مثال نماز ظهر را در اول وقتش به‌جا آورد و ترس آن دارد که کودک شیرخوار همان موقع از او شیر بخواهد می‌تواند به‌عنوان مثال نیم ساعت قبل از وارد شدن به وقت نماز، بچه را شیر بدهد، و به همین ترتیب دیگر وظایف (را مدیریت کند)؛ اما در صورتی که تعارضی پیش آید ابتدا باید کودک شیرخوار را آرام کند سپس به نماز بپردازد؛ چراکه اگر زن چنین نکند چه بسا در میان نماز، فکرش به کودک شیرخوار بی‌قرارش مشغول شود.^۱

پرسش:

بسم الله الرحمن الرحيم

مولای من! دخترم دو ساله شده و همیشه می‌ترسد و نگران است. اگر امکان داشته باشد لطفاً حرز یا دعایی به من بدهید تا او آرام شود. این وضعیت از سه‌ماهگی او شروع شده است؛ زیرا در آن زمان وی دچار بیماری شد. ما آیات ذکر را بر او خوانده‌ایم، ولی وضعیتهش به همان حالت باقی مانده است. امیدوارم بابت درخواستی که از شما دارم شما را نگران نکرده باشم.

سرورم! از شما خواهشمندیم برای اینکه بر حق، ثابت‌قدم بمانیم برای ما دعا فرمای.

ما برای فرج نزدیک شما ای سرورم دعا می‌کنیم و خدا را می‌خوانیم؛ زیرا شما زمینه‌ساز مولایمان صاحب‌العصر (علیه السلام) هستید.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين.

روی یک کاغذ سفید با زعفران آیه‌الکرسی و آیه‌ی سخره را بنویس و آن را در یک کیسه پلاستیکی بگذار تا از هر نجاستی که احتمال می‌رود به آن برسد محفوظ بماند. کیسه را به لباس او بیاویز اگر امکان داشت، یا آن را زیر سرش قرار بده. آیه‌الکرسی معروف و مشهور است. آیه‌ی سخره هم در سوره‌ی اعراف و به شرح زیر است:

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ * اذْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يَحِبُّ الْمُعْتَدِينَ * وَلَا تَفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ﴾ (پروردگار شما الله است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید. سپس به عرش پرداخت. شب را در روز می‌پوشاند و روز شتابان آن را می‌طلبد و آفتاب و ماه و ستارگان مسخر فرمان او هستند. آگاه باشید آفرینش و فرمانروایی سزاوار اوست. خدا، آن پروردگار جهانیان، به‌غایت بزرگ است * پروردگارتان را با تضرع و در نهان بخوانید؛ زیرا او متجاوزان سرکش را دوست ندارد * در زمین آنگاه که به صلاح آمده است فساد مکنید و خدا را از روی بیم و امید بخوانید. رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است).

در ضمن، همواره توحید و معوذتین را برای او بخوان، به‌ویژه در شب. والسلام



علیکم و رحمة الله و برکاته.^۱

و سید احمدالحسن به مادران توصیه‌ای کرده و فرموده‌اند:

برای حفظ کودک خود از شرارت‌های انس و جن و هر جنبنده‌ای، به استفاده از قرآن و دعا اهتمام داشته باش؛ هر شب وقتی او به خواب می‌رود با «معوذتین» (سوره ناس و فلق) و آیه‌الکرسی او را محافظت کن و سعی کن او نیز همراه شما بخواند که به این ترتیب با گذشت روزها او نیز [این آیات را] حفظ خواهد کرد.

وقتی کودک به‌عنوان مثال- از خانه خارج می‌شود تا به مدرسه برود به او بیاموز خدا را یاد کند تا برایش عادت می‌شود که با آن بزرگ شود و هر زمان از خانه بیرون برود خدا را یاد کند؛ حتی می‌توانی به اینکه او هنگام بیرون‌رفتن «یا الله» بگوید بسنده کنی.

یاد خدا فقط آخرت کودک تو را اصلاح نمی‌کند؛ بلکه یاد خدا دنیای کودک شما را نیز- از شر انس و جن و هر بدی- محفوظ می‌دارد. همه شما خواستار سلامتی فرزندانان هستید و بنده گمان می‌کنم پرداخت چنین هزینه‌ای برای یکایک شما امکان‌پذیر باشد.^۲



۱- پاسخ‌های روشن‌گرانه: ج ۴ ص ۱۰۹.

۲- بیک صفحه: ص ۷۶.

احکام شرعی

پرسش:

مولای من! دختر خواهرم ده سال دارد و روزه بر او واجب است. او ساکن آمریکاست و روزهای آنجا طولانی است. او خیلی ضعیف است و تابوتوان کافی ندارد و حتی نمی‌تواند حرف بزند. خواهرم به من گفت او واقعاً رنجور است و در سن رشد قرار دارد. آیا او باید روزه بگیرد؟ با توجه به اینکه پدرش هم نمی‌پذیرد او روزه نگیرد و مادرش حال و روز دختر را می‌بیند.

پاسخ:

معمولاً ان‌شاءالله روزه ضرری نمی‌رساند. من نیز دختری نه‌ساله دارم که بنیه جسمانی اش قوی نیست و الحمد لله روزه گرفت. به‌طور کلی اگر یقین داشتید که روزه برایش ضرر دارد می‌تواند افطار کند و در زمانی دیگر قضا نماید.^۱

پرسش:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای پدرم...

یکی از خواهران پرسش زیر را نقل کرده است... و از خداوند امید دارد شما پاسخش را بدهی...

وقتی طهارت ندارم، می‌ایستم و جلوی دختر کوچکم ادای نماز خواندن درمی‌آورم، چون او با من نماز می‌خواند؛ ولی من گفته‌های نماز را تکرار نمی‌کنم. فقط در حین همه کارهای نماز بر محمد و آل محمد صلوات می‌فرستم... آیا این کار جایز است؟

پاسخ:



و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. جایز است.^۱

پرسش:

از امام آموخته‌ایم بوسیدن دست والدین و بچه‌های کوچک جایز است. آیا این حکم دربارهٔ برادر، خواهر و معلم هم جاری است؟ یعنی آیا بوسیدن دست غیر فقها نیز جایز است؟

پاسخ:

از این کار بپرهیزید؛ خداوند شما را توفیق عطا فرماید و گام‌هایتان را استوار بدارد. این سنت بدی است و غالباً تکبر را برمی‌انگیزد. والدین، فرزندان و زن و شوهر فقط به دلیل رابطهٔ بسیار نزدیک بدنی است (که بوسیدن دستشان اشکال ندارد) و بعید است بوسیدن دست پدر، مادر، فرزند، شوهر و زن باعث برانگیختن تکبرشان شود.^۲

پرسش:

در چندسالگی نگاه والدین به عورت فرزندانشان حرام می‌شود؟

پاسخ:

والدین نباید به عورت فرزندان (کودکان) خود نگاه کنند مگر به مقدار ضرورت مثل تمیزکردن و مانند آن. اگر کودک می‌تواند خودش را از نجاست تمیز کند و بشوید و خودش بدون نیاز به کمک والدین لباس بپوشد، در این صورت به دلیل ضرورت نداشتن، والدین باید از نظر کردن به عورت کودک اجتناب کنند.^۳

۱ - بیک صفحه: ص ۳۹۴.

۲ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۳ ص ۳۴.

۳ - کتاب پاسخ‌های فقهی، طهارت: ص ۱۱.

پرسش:

آیا مراقبت از بچه، نظافت او، غذا دادن به او و رسیدگی به کودک بر زن واجب است؟ و اگر این کارها را انجام ندهد گناه کرده، همان طور که اگر شوهرش را تمکین نکند گناه کرده است؟ و اگر خانم تصمیم بگیرد درس بخواند یا کار کند، حتی اگر چند ساعت در روز باشد، آیا در این صورت نگهداری از کودکان بر مرد واجب خواهد بود؟ چون زن نمی‌تواند این وظیفه را انجام بدهد. یا این کار از پایه و اساس، جزو واجبات مرد است؟

حضانت و سرپرستی از کودکان جزو مسئولیت‌های زن است یا مرد؟ و اگر زن این مسئولیت را برعهده بگیرد، مثل طبخ غذا و تمیز کردن خانه، برایش مستحب محسوب می‌شود؟

پاسخ:

تربیت و نگهداری فرزندان برعهده هر دو نفر است؛ هرکدام با توجه به زمانی که برای این کار دارد. حال اگر مرد کار می‌کند و زن کار [بیرون] ندارد در این صورت قطعاً سهم زن در پرورش و رسیدگی به کودکان بیشتر خواهد بود.

اما درباره انجام کارهای خانه مشترک، حتی اگر جزو شروط واجب ضمن عقد نبوده باشد، زن باید قسمتی از کارهایی را که مربوط به زندگی زنشویی خودش است انجام بدهد؛ مثلاً باید خانه‌ای را که در آن به‌طور مساوی بهره‌ای از زندگی دارد تمیز نگه دارد و باید برای خودش و فرزندان غذا درست کند و ...^۱

پرسش:

سلام علیکم سید من، یمانی آل محمد و رحمت خداوند و برکات او بر شما باد.



سؤالی دارم سید من، و امیدوارم از پاسخ آن از جانب شما بهره‌مند شوم. مولای من سؤالم دربارهٔ سریال‌ها و فیلم‌ها و دیدن آن‌هاست؛ فرقی نمی‌کند عربی باشد یا خارجی، مثلاً ترکی و هندی و انگلیسی. این‌ها معمولاً به این شکل هستند که سریال‌ها و به‌خصوص سریال‌های ترکیه‌ای، مدت‌زمان هر قسمت طولانی است و قسمت‌های زیادی هم دارند؛ یعنی وقت خیلی زیادی برای دنبال کردن آن هدر می‌رود، و محتوای مهم و مفیدی هم ندارند و نکات اجتماعی، سیاسی و علمی‌تخیلی منفی در جامعه اشاعه می‌دهند. به‌طور معمول محتوای آن‌ها شامل نکات زیر می‌شود: زنان مبتذل، صحنه‌های عاشقانه، پوشش بی‌بندوبار، ارتباطات عاشقانه غیرشرعی، اختلاط غیرشرعی زنان با مردان، و رد و بدل شدن اشارات و نگاه‌های حرام بین مرد و زن. همه یا بعضی از این امور گفته‌شده به‌طور طبیعی و بی‌درپی نشان داده می‌شوند؛ یعنی طوری ارائه می‌دهند که گویی اموری طبیعی هستند و هیچ انتقادی به آن‌ها وارد نیست...

آیا تماشا کردن چنین کارهایی جایز است؟

و آیا تفاوت می‌کند تماشاگر مرد باشد یا زن، پسر باشد یا دختر، متأهل باشد یا مجرد، نوجوان باشد و باورهایش تأثیرپذیر باشد یا بزرگ‌سال باشد و کمتر تحت تأثیر قرار بگیرد؟ اگر خانواده این کارها را تماشا می‌کنند تکلیفشان در برابر فرزندانشان چیست؟ امیدوارم به پاسخ کامل برسیم سید من، ای رحمت خداوند؛ و بابت طولانی شدن کلام معذرت می‌خواهم.

پاسخ:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد.

از نظر حکم شرعی، تماشای این فیلم‌ها و سریال‌های مذکور مباح است تا وقتی که موجب برانگیختن شهوت نشود.

پرسش:

این طور متوجه شدم که می‌توانیم از بچه‌هایمان بخواهیم این سریال‌ها و فیلم‌ها را تماشا کنند؟ و چگونه خطرهای این کارها را از آن‌ها دور کنیم؟

پاسخ:

خداوند شما را زنده بدارد.

در بالا حکم شرعی آن را بیان کردم؛ اما اگر نصیحت مرا می‌خواهی، قطعاً بهتر است بچه‌هایت را تا حد امکان متوجه درس و تحقیق و عمل سودمند کنی؛ و آن‌ها را رها نکنی تا تمام وقت خود را تباه کنند؛ و برای آنکه منطقی رفتار کنیم باید جایگزین‌های مناسبی طبق علاقهٔ کودکان برایشان فراهم کنیم.^۱

پرسش:

اللهم صل علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

پدرم! سلام علیکم و رحمة الله و برکاته. از خداوند می‌خواهم شما و خانوادهٔ مبارکتان و برادران و خواهران مؤمن در خیر و عافیت باشید، و ان شاء الله شما را با فتح مبین تسدید فرماید، ان شاء الله.

آیا آواز خواندن برای کودکان تازه متولدشده جایز است؟ یا به‌طور کلی برای کودکان؟

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين



و سلم تسليماً.

به‌طور کلی آوازخواندن با موسیقی جایز نیست؛ اما اگر منظور شما ترانه‌های مادران برای کودکانشان باشد اشکالی ندارد.^۱

پرسش:

کودک شیرخوار پنج‌ماهه‌ای دارم و می‌خواهم بدانم آیا بهتر است در مدت دو سال فقط شیر خودم را به او بدهم و چیز دیگری به او ندهم؟ از سید می‌خواهم تا آنجا که نفس طاهرش اجازه می‌دهد، برای شوهر و برادرانم و خودم در این شهر دعا کند؛ شما اهل همه‌گونه خیری هستی. والحمد لله وحده.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

می‌توانی به او غذا بدهی و خدا او را برای تو مبارک گرداند؛ ولی مکروه است زنی که حامله است از شیر خودش به فرزندش بدهد. از خدا می‌خواهم شما را بر هر خیری توفیق عطا فرماید و شما را از هر شری در دنیا و آخرت محفوظ بدارد، و شما را با نصری بزرگ یاری کند، و با شما دینش را یاری نماید.^۲

پرسش:

۱ - پاسخ‌های روشنگرانه: ج ۷ ص ۶۶.

۲ - پاسخ‌های روشنگرانه: ج ۳ ص ۷۶.

بسیاری اوقات این قضیه بین مردم به سبب جهلشان به حکم آن اتفاق می افتد؛ اینکه مادری به پسری یا دختری جلوی مادر بزرگش (مادرِ مادر) به طور کامل و در حد سیرشدن شیر می دهد. آیا این باعث محرم شدن پدر این بچه با مادر او می شود؟

پاسخ:

در حالت گفته شده باعث محرمیت نمی شود؛ ولی بهتر است از این کار اجتناب

شود.^۱

پرسش:

زنی پیش من آمد که از ظاهرش می شد فهمید بد اخلاق و زناکار است، مواد مخدر مصرف می کرد، هر حرامی را انجام می داد و اهمیتی نمی داد. کودکی یک ماهه را نزد من یعنی همسرم گذاشت و رفت و ماه ها نیامد. اکنون هشت ماه است این کودک پیش ماست. ما او را بزرگ کرده و همگی به او تعلق خاطر پیدا کرده ایم. آیا من می توانم از این بچه نگهداری کنم؟ و آیا می توانم برایش شناسنامه بگیرم تا در آینده در درس خواندن و سایر امور دچار مشکل نشود؟ با وجود اینکه می دانم [مادرش] اندک دفعاتی برای دیدار او خواهد آمد؛ در حالی که او تربیت کودک را به ما سپرده و او را از ما نمی گیرد؛ زیرا او خیابان گرد است و خانه ای ندارد.

پاسخ:

در مسئله تربیت کودک و ثبت کودک در دفاتر رسمی (و گرفتن شناسنامه) به خودی خود اشکالی وجود ندارد؛ ولی باید به جهت حفظ حقوق ورثه و وضعیت او شرح داده شود و اینکه او فرزند صلبی اش نیست و تنها او را به فرزندخواندگی پذیرفته



است.^۱

پرسش:

آیا جایز است پدر یا مادر از دختر متأهل در زمانی که در خانه شوهر است به اجبار، ماهانه مبلغی را مطالبه کند و حق تربیت آن‌ها را به خاطر دورانی که در خانه‌شان بوده‌اند درخواست کند؟

پاسخ:

او مجبور نیست چیزی بپردازد.^۲



۱ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۴ ص ۴۹.

۲ - بخش علمی مکتب سید احمد الحسن (علیه السلام) ۲۴ رجب ۱۴۴۲ هـ.

متعلقات طلاق

طلاق

عدّه

طلاق

پرسش:

اللهم صل على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا كثيرًا... بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله رب العالمين. سلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

مسئله بنده واقعاً خاص و فوری است. از شما می‌خواهم آن را به امام عرضه کنید؛ چراکه من آیین گروهی را ترک گفته‌ام که ایمان ندارند و راه‌حلی جز از امام احمد علیه السلام سراغ ندارم؛ چراکه او ولی امر من است، و از من به خودم سزاوارتر. به امام مظلوم من، وصی پدرش و حبیب دل‌های ما تا آخرین نفس، احمدالحسن، یاری شده توسط خداوند، محمد، علی و امامان. نمی‌دانم از کجا شروع کنم. امیدوارم وضعیت را همان طور که هست به شما برسانم.... من با شوهرم، پدر دخترم مشکل دارم... هفت ماه است من با خانواده‌ام زندگی می‌کنم؛ زیرا با او اختلاف دارم. او در خانه نمی‌خوابد و به من و کودکش اهمیتی نمی‌دهد و با اشخاص دیگری که از راه اینترنت با آنها صحبت می‌کند رابطه دارد. مهم این است که مشکلات ما بسیار است و همه این‌ها به دلیل دوری او از من و از خانه و دل مشغولی‌های اوست. آن‌گونه که خودش می‌گوید زندگی و کار خاصی دارد. او نمی‌خواهد فرزندى داشته باشیم؛ زیرا هر روز و با هر مشکلی هرچند کوچک، سخن از طلاق به میان می‌کشد. گاهی حس می‌کنم به‌خصوص این اواخر- او مشکلاتی را برای من به وجود می‌آورد. خداوند خواسته است دختری روزی‌مان شود که اکنون یک سال و نیم دارد و با من زندگی می‌کند. او به طلاق اصرار دارد و هیچ دلیلی هم ندارد جز اینکه ما هم‌سطح یکدیگر نیستیم و من مناسب او نیستم و مشکلاتی را به وجود آورده است. از آنجا که من می‌دانم مبعوض‌ترین حلال از نظر خداوند طلاق است، با او بسیار راه آمده‌ام و خانواده‌ام نیز با او راه آمده‌اند تا بازگردیم و در راه خدا و با چشم‌پوشی [از مشکلات] زندگی کنیم؛ به‌خصوص که یک دختر هم داریم.... او گناهکار است و من نیز خودم را بی‌گناه نمی‌دانم؛ چراکه نفس اماره به بدی دستور می‌دهد. او مداح حسینی است و واقعاً تکبر دارد و فکر می‌کند بهترین فرد روی زمین



است.... با تمام وجودم او را دوست می‌داشتیم. خداوند گواه است که ماه‌های اول ازدواجمان با من خوب بود؛ ولی پس از یک سال تغییر کرد و امروز پس از پنج سال از ازدواجمان سخن از طلاق و جدایی به میان می‌آورد. در برابر او، رفتارها و کارهایش نسبت به خودم بسیار صبر کردم؛ ولی او جز طلاق و جدایی چیزی نمی‌خواهد و به من گفته مرا در حضور خانواده‌ام و خانواده خودش طلاق داده است. بسیاری از مردم می‌دانند پس از تلاش‌های بسیار برای قانع کردن او، قصد بازگشت ندارد و همان طور که او خواست، به طلاق راضی شدم؛ ولی او اکنون می‌خواهد از حقوق خودم صرف‌نظر کنم... و اینکه تعهد بدهم ازدواج نکنم و اگر ازدواج کنم، کودک را به او تحویل دهم... در حالی که او فقط چند ماه اندک با او بود و در طول این هفت ماه به من و او نفقه‌ای پرداخت نکرده است... اگر چنین کنم، طلاقم می‌دهد و اگر شروطی را که از جمله حقوقم است نپذیرم، مرا همین طور بالاتکلیف نگه می‌دارد... من اصلاً به ازدواج فکر نمی‌کنم.... ولی نمی‌خواهم این موضوع را مکتوب کنم... یعنی [الآن] من نه شوهردار هستم و نه مطلقه... با توجه به اینکه او مرا در دادگاه طلاق داده، ولی من می‌خواهم طبق شرع از او جدا شوم... چراکه من در اروپا زندگی می‌کنم و برای کار بیرون می‌روم و بیرون از خانه، نیازهایی دارم و همه این‌ها به اجازه شوهر نیاز دارد... و تا حال حاضر فقط اسم من روی او بوده است، ولی او نه مرا می‌بیند و نه از من سراغی می‌گیرد... امام من، احمد! راه‌حلی می‌خواهم... با کسی که فقط شبیه مردان است چگونه رفتار کنم؟ می‌خواهم از او جدا شوم و می‌خواهم آزاده باشم و وقتی برای تربیت دخترم و توجه به دینم و دعوت مبارک شما آزاد باشد؛ زیرا من از مشکلات و از کسانی که اصلاً از خدا ترسی ندارند به ستوه آمده‌ام. آیا می‌توانم از او جدا شوم؟ یا آقای من، شما راه‌حل دیگری دارید؟ شما را به خدا، نامه‌ام را به امام برسانید. من و نیز خانواده‌ام در وضعیت روحی بدی به سر می‌بریم... من به تازگی انصاری شده‌ام و خانواده‌ام با حول و قوه خداوند نزدیک است به من ببینند... ستایش خداوندی را که در دشواری‌ها غیر از او شایسته سپاس نیست.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين
و سلم تسليمًا.

اگر تو را در حضور شهودی از خانواده خودت و خانواده خودت طلاق داده است و از آخرین پاکی شدنی که با تو آمیزش کرده است به پاکی دیگری منتقل شده‌ای، از نظر شرعی مطلقه هستی؛ و اگر در مدت منتقل شدن تو از آخرین پاکی شدنی که با تو آمیزش کرده به پاکی دیگر در خانه خانواده‌ات زندگی می‌کردی یعنی او با تو نبوده است. در این صورت، طلاق صحیح است، هرچند در حال طلاق حیض بوده باشی؛ و اگر پس از این طلاق تا زمانی که عده طلاق به پایان رسد به یکدیگر رجوع نکرده باشید، اکنون مطلقه هستی و او هیچ حقی ندارد و با او مانند بقیه مردان نامحرم برخورد کن.

حتی درباره طلاق در دادگاه نیز اگر او تو را در حضور شهودی طلاق داده و تو در پاکی بوده باشی و با تو آمیزش نکرده باشد طلاق صحیح است.

اما درخواست او از تو برای کوتاه آمدن از حقوق خودت، با توجه به اینکه او کسی است که تو را طلاق داده، خواسته‌ای باطل و غیرشرعی است و حق ندارد از تو درخواست کند که از حقوق شرعی‌ات کوتاه بیایی؛ و اگر پدر، مؤمن به حق نباشد سرپرستی کودک از حقوق شرعی توست و او نمی‌تواند از تو بخواهد از آن چشم‌پوشی کنی.

اگر طلاق شرعی با شروط پیشین که برایت بیان کردم و در کتاب شرایع مشخص است حاصل نشده باشد و حکم طلاق از او را می‌خواهی، می‌توانی این پاسخ یا مضمون آن را برایش بفرستی و از او درخواست کنی طی یک ماه از ابلاغ



به او نامه‌ای به سایت بنویسد و در آن وضعیتش را شرح دهد به همان صورتی که شما انجام دادی؛ چراکه صدور حکم، نیازمند شنیدن از دو طرف است. خداوند به شما توفیق دهد و گام‌هایتان را استوار بدارد. در صورتی که طی ۳۰ روز از پاسخ‌دادن کوتاهی کند، پس از آن می‌توانی برای درخواست طلاق از او نامه‌ای بنویسی؛ البته اگر با توجه به آنچه پیش‌تر بیان شد، مطلقه نباشی. در نامه، نام کامل خودت و نام کامل او را بنویس و ان‌شاءالله پس از آن، گواهی طلاق شرعی برایت فرستاده خواهد شد.^۱

پرسش:

آنچه در عقد ازدواج متعارف است این است که برای زن مبلغی را به‌عنوان مقدّم (پیش‌پرداخت) و مؤخر (پرداخت بعدی) مشخص می‌کنند. سؤال این است که اگر مؤخر زنی مثلاً هزار دینار عراقی باشد و نزدیک سی سال از عقد او گذشته باشد و بخواهد از شوهر جدا شود، آیا مبلغ مؤخر او همان هزار دینار در زمان فعلی است یا به‌صورت دیگری محاسبه می‌شود؟

همچنین: آیا زن می‌تواند مؤخر خود را بعد از گذشت مدت‌زمانی از ازدواج از شوهر درخواست کند در حالی که مشغول زندگی با اوست؟

پاسخ:

اگر طلاق با توافق هر دو طرف است یا مرد می‌خواهد زنش را طلاق بدهد و زن خواهان طلاق نیست، مرد باید حقوق زن را به‌طور کامل بدهد و اگر قسمتی از مهریه، مؤخر بوده و آن را به زن نپرداخته است، باید آن را به قیمت زمان طلاق

پپردازد؛ این در صورتی است که ارزش پول ده درصد یا بیشتر تغییر کرده باشد، و این تغییر با مقایسه با قیمت طلا یا پول دیگری که جهانی و پایدار است سنجیده می‌شود، و کسی که مال را می‌پردازد برای محاسبه تغییر می‌تواند به هر روشی که مناسب حالش است اعتماد کند.

اگر زن خواهان طلاق است و علت شرعی معقولی هم نداشته باشد مرد می‌تواند او را طلاق ندهد و زن می‌تواند از او درخواست خُلع کند و به‌طور مثال از بعضی از حقوق مالی خود کوتاه بیاید یا مبلغی را به‌عنوان عوض به مرد پرداخت کند. جزئیات خُلع در کتاب شرایع موجود است.

اما اینکه زن، مؤخر یا قسمتی از مهریه را که نگرفته است درخواست کند، جایز است و حق اوست و هر وقت بخواهد می‌تواند مطالبه کند.

خداوند شما را توفیق عطا فرماید و گام‌هایتان را استوار بدارد. به‌طور کلی طلاق عبارت است از عملیات ویران‌کردن بنیان خانواده در جامعه و در نتیجه، طلاق، ویران‌کننده کل جامعه است؛ پس تا حد امکان باید از آن اجتناب کنید. به خودتان فرصت دهید و پیش از اقدام به طلاق بسیار فکر کنید. من به خانم‌ها سفارش می‌کنم برای خانواده خود، مجال و راه نفوذی برای دخالت میان خودش و همسر قرار ندهد؛ زیرا با تأسف، مادرها سبب بسیاری از طلاق‌ها هستند؛ چون بعضی از آن‌ها در برابر پسرها و دخترهایشان با منیت برخورد می‌کنند و این خطای بزرگی است و کمتر از خطای بدی‌کردن و نافرمانی دختر و پسر نسبت به مادر نیست. مادر حقی دارد؛ اینکه پسر و دختر به او نیکی کنند و مرتب با او در ارتباط باشند - حتی اگر زندگی مستقلی داشته باشند - و نیز مادر یا پدر باید با حکمت برخورد کنند و در زندگی فرزندان‌شان به‌گونه‌ای دخالت نکنند که خانه‌هایشان ویران و کارشان در نهایت به طلاق و جدایی منجر شود؛ همچنین زن باید احترام خانه و شوهر را داشته باشد و عفت خود را حفظ کند.



مبالغه نمی‌کنم اگر بگویم بیشتر مردم به زن بی‌عفت همچون یک کیسه زباله می‌نگرند. مرد نیز باید احترام همسر را داشته باشد و هر دو باید درک کنند آن‌ها دو شریکی هستند که در دو محیطی که تا حدودی متفاوت بوده است تربیت شده‌اند. آن‌ها دو شخصیت هستند و یک شخص نیستند؛ به همین دلیل هریک از آن دو خصوصیتی دارد که باید طرف دیگر آن را مراعات کند و هر دو باید در مسائلی کوتاه بیابند تا زندگی مسیر صحیح را طی کند و فرزندان صالحی از آن خانواده حاصل شود که از آن‌ها نیز فرزند صالح متولد شوند. زن باید به شوهر اهتمام و توجه داشته باشد و با او مجادله نکند؛ چراکه به‌طور معمول مرد بیشتر از زن درگیر فشارهای اجتماعی است و به همین دلیل زن باید او را مراعات و تحمل کند.^۱

پرسش:

زنی می‌خواهد از شوهرش که محکوم به حبس ابد است جدا شود و دادگاه نیز این حکم را تأیید کرده است. مرد به‌خاطر فرزندانش حاضر به طلاق دادن نیست؛ زیرا می‌داند حتی اگر از زندان آزاد شود زن حاضر به برگشتن به‌سویش نیست. تکلیف این مرد چیست؟

پاسخ:

اگر منظور از پرسش این است که آیا شوهر باید همسر را طلاق بدهد، پاسخ این است که بر او واجب نیست، و اگر پرسش از وضعیت زن و تکلیف اوست، بهتر است زن درنگ کند و با تأنی بیشتری در کار بنگرد. به هر حال اگر اصرار به طلاق دارد و شوهر حاضر به طلاق دادن نیست، زن باید مشکلش را به قاضی شرعی ارجاع دهد تا قاضی در آن نظر کند. محکمه شرعی انصار امام مهدی (علیه السلام) در نجف اشرف وجود دارد و می‌تواند قضیه‌اش را به آنجا ارجاع دهد؛ و ان‌شاءالله که خیر

است.^۱

پرسش:

طلاق رجعی واقع شده، و در ایام عده آن‌ها مجبور به ملاقات با هم شده‌اند و در این حین، میان آن‌ها بوسه و لمس کردن با شهوت صورت گرفته در حالی که در نیت آن‌ها رجوع نبوده است؛ زیرا تصور می‌کردند رجوع با نزدیکی حاصل می‌شود. آن‌ها پس از اتمام سه ماه، از طریق کتاب شرایع الاسلام (احکام نورانی اسلام) فهمیده‌اند رجوع با بوسه یا لمس کردن با شهوت نیز حاصل می‌شود (اگر او را ببوسد یا با شهوت لمس کند رجوع محسوب می‌شود و پیش از رجوع لازم نیست زن را بر خود حلال کند). آیا اکنون زن می‌تواند با شخص دیگری ازدواج کند یا هنوز در ذمه شوهر اول است؟

پاسخ:

خداوند شما را موفق و گام‌هایت را استوار بدارد. معنی این سخن: (اگر او را ببوسد یا با شهوت لمس کند رجوع محسوب می‌شود و پیش از رجوع لازم نیست زن را بر خود حلال کند) این است که اگر این عمل بین آن‌ها اجرا شود با این کاری که آن دو کرده‌اند (بوسیدن یا لمس کردن با شهوت) رجوع اتفاق افتاده و فرقی ندارد رجوع در نیتشان بوده باشد یا نه؛ و منظور از این سخن: (پیش از رجوع لازم نیست زن را بر خود حلال کند) یعنی بوسیدن یا لمس کردن با شهوتی که بین آن دو به وقوع پیوسته، مباح است و نیاز نیست پیش از آن به روش دیگری رجوع حاصل شده باشد؛ مثلاً پیش از آن مرد به زن بگوید «به تو رجوع کردم»؛ زیرا خود بوسیدن و لمس کردن با شهوت، همان رجوع محسوب می‌شود؛ پس در این وضعیتی که این زن توصیف کرده، او ازدواج کرده محسوب می‌شود و حق ندارد ازدواج کند تا



اینکه شوهر، او را طلاق دهد و دوباره عده نگه دارد یا اینکه به سوی شوهری که اکنون بر ذمه اوست بازگردد.^۱

پرسش:

همسر من مؤمن به حق است و از من به دلیل نداشتن فرزند تقاضای طلاق دارد. من بعد از اینکه سه مرتبه جراحی لوله‌های رحم انجام داده‌ام از پزشکان ناامید شده‌ام. سؤال این است اکنون که او خواهان طلاق است، چه حقوقی بر عهده من است که باید به او بپردازم؟

پاسخ:

احکام طلاق و خُلَع موجود است و می‌توانید به کتاب شرایع مراجعه کنید و من حقوق را با جزئیات در آنجا بیان کرده‌ام. اگر مسئله‌ای واضح نبود می‌توانید سؤال کنید. خداوند شمارا موفق بدارد و گام‌هایتان را استوار کند؛ اما از آنجا که شما مؤمن به حق هستید سعی کنید رابطه میان خود را نیکو گردانید و تا هنگامی که راهی برای فرزنددار شدن وجود دارد دست از تلاش برندارید، که روزی به دست خداوند سبحان است.^۲

پرسش:

یکی از خانم‌های انصاری به دلیل اینکه به امام علیه السلام ایمان داشته و شوهرش شراب می‌نوشیده، کارش به جدایی و طلاق کشیده است. آن‌ها فرزندانش را از او گرفته‌اند در حالی که در دادگاه رسمی توافقی حاصل شده بین طرفین این بوده که این زن جدا شود و به‌همراه

۱ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۳ ص ۴۹.

۲ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۳ ص ۴۹.

فرزندانش جداگانه زندگی کند و اینکه شوهر سابق، هزینه‌های مصرفی زن و فرزندانش را پرداخت و مسکن آن‌ها را تأمین کند به شرط آنکه آن زن ازدواج نکند؛ و اگر ازدواج کند بچه‌ها، مسکن و هزینه‌ها گرفته شود.

آیا این زن شرعاً ملزم به رعایت این توافق است و بدون درجریان گذاشتن شوهر سابقش نمی‌تواند ازدواج کند؟ و آیا او حق دارد بدون آنکه شوهر سابقش متوجه شود به عقد کسی دربیاید؟ و آیا زندگی با فرزندانش و استفاده از مسکن و مخارج شوهر سابقش برایش حلال است، در صورتی که بخواهد با یک مرد انصاری ازدواج شرعی کند؟

پاسخ:

مسئله ازدواجش به دست خودش است و احدی حق منع او از ازدواج را ندارد؛ اما موضوع فرزندان برمی‌گردد به سن و وضعیت کودکان؛ و به‌طور کلی اگر پدر مؤمن نباشد شرعاً فرزندان جزو حقوق مادر مؤمن به حساب می‌آیند.^۱

پرسش:

اینجا در استرالیا وقتی کسی به‌صورتی قانونی و صحیح کار می‌کند حقوق خودش و همسرش و گاهی حقوق کودکانش نیز قطع می‌شود؛ در نتیجه کار دشوار می‌شود؛ به‌خصوص وقتی مرد می‌خواهد به مسافرت برود و آن‌ها را بدون هیچ حقوقی رها کند که در این صورت فقط به درآمد کارکرد او تکیه می‌شود.

اینجا عراقی‌ها و نیز برخی انصار برای خلاص شدن از این مشکل و اینکه بتوانند به‌راحتی کار کنند و حقوق زن و فرزندان قطع نشود و نیز برای بهره‌مندی از فواید بسیار دیگر، به دولت استرالیا می‌گویند از همسرشان جدا شده‌اند. جداسدن از نظر حکومت استرالیا به‌منزله طلاق نیست، بلکه درجه پایین‌تری از طلاق، و تنها در حدّ پر کردن چند



فرم است. حکم شرعی این کار چیست؟

پاسخ:

با توجه به آنچه در این پرسش گفته شده، جدایی به معنی طلاق نیست و زن به عنوان همسر شرعی اش باقی می ماند.^۱



عده

پرسش:

سلام بر شما ای انصارالله و رحمت خداوند و برکات او. خداوند به شما توفیق دهد و با امام ما مهدی احمدالحسن که درود و صلوات پروردگرم بر او و خاندانش باد، شما را یاری دهد.

از پاسخ امام احمد علیه السلام بسیار خوشحال شدم. ^۱ مولایم، ای احمد! ستایش از آن خداوندی است که به واسطه شما ما را نورانی ساخت و به ما مرحمت نمود؛ در حالی که پیش از شما، در زمین در سرگردانی بودیم. این نامه، تکمیل کننده نامه موضوع طلاق من و پاسخی به امامی است که جانم فدای خاک گام‌هایش باشد.

من و پناه می‌برم به خداوند از منیت. نمی‌توانم از او چیزی درخواست کنم و او اجازه چنین کاری نمی‌دهد. ما هفت ماه است با یکدیگر سخن نگفته‌ایم و اگر در نامه‌ای از او درخواست کنم تا موضع خود را شرح دهد از محالات است که در تالار وارد شود و پاسخ و توضیح دهد یا تلاشی کند یا توجهی نشان دهد. او به هیچ‌وجه به دعوت حق شما ایمان ندارد و نور شما را نمی‌شناسد. آقای من! او اصلاً پاسخ مرا نمی‌دهد؛ چراکه او انسان متکبری است و چیزی برایش اهمیت ندارد. مانعی ندارد که ۳۰ روز منتظر بمانم. مهم این است که به گواهی طلاق شرعی دست پیدا کنم؛ ولی آیا واجب است از او درخواست کنم به شما پاسخ دهد؟

پرسش دوم: آقای من! من پیش از پاسخ شما نمی‌دانستم مطلقه هستم؛ پس مسئله عده چه می‌شود؟ من به آن پایبند نبودم! آیا پس از رسیدن پاسخ پاک شما، واجب است به آن پایبند شوم؟ یا آن را رها کنم؟ چراکه تقریباً شش ماه از آن گذشته است.



پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين
و سلم تسليمًا.

آنچه در موضوع عدّه خواسته شده، این است که مطلقه، ازدواج نکند و شما پس از طلاق، عدّهات طی شده و به پایان رسیده است. دلیلی ندارد بار دیگر عدّه نگه داری.

اما گواهی طلاق را می‌توانی از دادگاه شرعی نجف اشرف دریافت کنی. در آنجا قاضی شرعی مشخصی وجود دارد و ایشان، سید طاهر، حسن حمامی است که خداوند حفظش کند.

از مسئولین دادگاه شرعی نجف اشرف درخواست می‌کنم که برای دادگاه شرعی، سایتی در اینترنت یا صفحه‌ای در یکی از سایت‌های رسمی دعوت بازگشایی کنند تا ان‌شاءالله مؤمنان که خداوند حفظشان کند، در هر مکانی از زمین با آنان در ارتباط باشند.^۱

پرسش:

شوهر زنی انصاری به‌همراه مسافرانی که همراهش بودند بیش از شش سال است در دریا غرق شده‌اند و هیچ اثری از او و دیگران به دست نیآورده‌اند؛ اما این زن عدّه وفات را نگه نداشته است. اکنون یکی از برادران انصاری برای خواستگاری او پیش‌قدم شده است. آیا واجب است این زن قضای عدّه را به‌جا آورد تا ازدواجش با او صحیح باشد؟ یا کار دیگری

باید انجام دهد؟

پاسخ:

باید ابتدا عدهٔ وفات را نگه دارد.^۱



احكام طهارت

غسل و وضو

قاعدگی (حيض) و استحاضه

احكام مخصوص به خانم‌هاى متأهل

استمنا (خودارضایی)

غسل و وضو

پرسش:

آقا و مولای من، احمد! سلام علیکم و رحمة الله و برکاته. خداوند هرچه سریع‌تر شما و همهٔ انصار عزیزش را در زمینش تمکین دهد.

حکم سرمه چه به صورت مایع، و چه خشک چیست؟ آیا وضو با آن جایز است؟ حکم کسی که سرمه کشیده است و اگر برای پاک کردنش زمانی طولانی صرف کند نمازش فوت شود و باید نمازش را قضا بخواند، چیست؟ این شخص واقعاً خودش را به سختی می‌اندازد تا حتی نقطه کوچکی را هم که فقط با دقت بسیار دیده می‌شود پیدا کند تا جایی که این کارش باعث سرخ شدن چشمش می‌شود و درد را نیز به همراه دارد.

حکم سرمه‌ای که داخل پلک وجود دارد چیست؟ (محل برخورد پلک بالایی و پایینی). آیا پاک کردنش برای وضو واجب است؟

آقای من! عذر ما را برای کوتاهی‌مان در محضر خداوند عزوجل و حق شما پذیرا باش. خداوند شما را پاداشی نیکو دهد و با یاری خودش، به زودی شما را یاری فرماید. و سلام و صلوات خداوند بر شما و آل شما.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين
وسلم تسليماً كثيراً.

سرمه چه مایع باشد، چه خشک باشد به صحیح بودن وضو آسیبی نمی‌رساند؛ مگر هنگامی که از مژه‌ها، به صورتی غیرطبیعی به بیرون سرایت کند. اگر سرمه



به صورت طبیعی کشیده شود از بین بردنش برای وضو واجب نیست.^۱

پرسش:

خانمی می‌گوید طلبه حوزه است و از دلیل علمی مسئله‌ای که به آن دچار است سؤال می‌کند؛ با توجه به اینکه او از فقهای آخرالزمان حکم فقهی این مسئله را پرسیده است. او حکم فقهی و علت علمی اتفاقی را که برایش رخ می‌دهد درخواست کرده است. ایشان می‌گوید: از بنده، بعد از وضو بادی خارج می‌شود؛ ولی از فرج و نه از مقعد. حکم شرعی آن چیست و تحلیل علمی این اتفاق چیست؟

پاسخ:

حکم شرعی: وضو را باطل نمی‌کند.^۲

پرسش:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای پدر عزیز... از خدا می‌خواهم شما و خانواده کریمتان در خیر باشید... آقای من، پرسشی دارم و از خدا تمنا می‌کنم شما ای مولایم با پاسخ‌دادن بر ما منت بگذارید. حنایی هست که با آن بر روی بدن، نقش می‌زنند ولی محتوی مقداری رنگ است. آیا وضو با آن جایز است یا مانع و حائل به شمار می‌رود؟ خداوند همه خیر را به شما پاداش دهد و از خدا می‌خواهیم شما را حفظ و در تمکین شما تعجیل فرماید.

پاسخ:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. مادام که خود

۱ - پاسخ‌های روشنگرانه: ج ۷ ص ۹۶.

۲ - پاسخ‌های روشنگرانه: ج ۷ ص ۱۱۹.

پوست را رنگی می‌کند حائل به شمار نمی‌رود.^۱

پرسش:

به علت حالت بیماریِ مشخصی که برای زن باردار وجود دارد، از رَجَمَش مایعی روان به یک باره بیرون می‌ریزد. این مایع غالباً همان مایعی است که در اطراف جنین در داخل رحم وجود دارد و یک مرتبه در پایان ماه هفتم و بار دوم در وسط ماه هشتم بارداری بیرون می‌ریزد.

پرسش: حکم این مایع از نظر پاک یا نجس بودن چیست؟

پاسخ:

پاک است.^۲

پرسش:

اگر از درون ناخن، نقطه‌ای از رنگ ناخن پیدا شود که دو هفته پیش روی ناخن من بوده است، آیا باید نمازها و غسل‌هایم را دوباره انجام دهم و اگر امروز روزه‌دار باشم، آیا روزه من پذیرفته است یا باطل؟

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين
و سلم تسليمًا.

۱ - کتاب پیک صفحه: ۳۸۵.

۲ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۳ ص ۷.



اعاده غسل و وضو واجب نیست. نماز و روزه صحیح است، و به طور کلی رساندن آب به درون ناخن واجب نیست.^۱

پرسش:

دختری که در نیمه شب در ماه رمضان پاک می شود، ولی به دلیل شرم و حیا از پدر یا برادرانش نمی تواند غسل کند آیا غسل بر او واجب است؟ یا می تواند افطار کند (روزه نگیرد)؟ به همین ترتیب درباره احکام استحاضه اگر دختر جوان به همین دلیل گفته شده نتواند صبح هنگام (فجر) غسل کند راه حل چیست؟

پاسخ:

خجالت کشیدن، عذری برای ترک غسل محسوب نمی شود؛ ولی به طور کلی اگر انسان از طهارت با آب معذور باشد حکمش به طهارت با خاک یعنی تیمم تبدیل می شود.^۲

پرسش:

اگر خورشید طلوع کند و زنی صبح هنگام یا ظهر در وضعیت استحاضه بوده و غسل نکرده باشد آیا روزه اش باطل است؟

پاسخ:

اگر به غسل هایی که بر او واجب شده است خللی وارد کند روزه اش صحیح نیست و این مطلب را در کتاب شرایع بیان کرده ام. و اگر در غسل هایی که بر او واجب شده خللی وارد نکند روزه اش صحیح است؛ و غسل های واجب برای

۱ - پاسخ های روشنگرانه: ج ۷ ص ۶۳.

۲ - پاسخ های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۴ ص ۶.

پاک شدن از استحاضه را در کتاب شرایع به تفصیل بیان کرده‌ام.^۱

پرسش:

آیا انجام غسل روز جمعه برای زن حائض جایز است؟

پاسخ:

بله، جایز است و برای آن پاداش می‌گیرد؛ همان طور که برای یاد خدا و نشستن در محل نمازش پاداش می‌گیرد.^۲

پرسش:

زنی که غسل حیض را در ماه رمضان تا طلوع فجر به تأخیر بیندازد در حالی که قصد غسل داشته است چه حکمی دارد؟

پاسخ:

اگر عذری داشته باشد مثل یک بار به خواب رفتن - بعد از فجر غسل می‌کند و روزه‌اش صحیح است.^۳

پرسش:

اگر موی زن بلند و بافته شده باشد آیا واجب است در غسل، آب را به تک‌تک موها برساند، به طوری که آب را به داخل تمام منافذ موهای بافته شده‌اش برساند؟

۱ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۴ ص ۱۴.

۲ - کتاب پاسخ‌های فقهی، طهارت: ص ۱۸.

۳ - بخش علمی مکتب سید احمد الحسن (علیه السلام)، ۲۵ محرم ۱۴۴۲ هـ.



پاسخ:

باید موهایش را به گونه‌ای آماده کند تا آب به داخل آن نفوذ کند؛ به صورتی که به طور کلی بداند آب به همه موها رسیده است؛ و واجب نیست اصرار داشته باشد آب به تک تک موهای سرش رسیده باشد.^۱



۱ - بخش علمی مکتب سید احمد الحسن (علیه السلام)، ۲۵ محرم ۱۴۴۲ هـ.

قاعدگی (حیض) و استحاضه

پرسش:

آیا خواب زن حائض از خداوند است؟ یا خواب غیرصادقه است؟

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين
و سلم تسليما.

زن حائض می تواند رؤیایی صادقانه از ملکوت آسمان ببیند، و از خداوند خواستارم
همه شما را بر خیر آخرت و دنیا موفق بدارد؛ او سرپرست من است و نیکوکاران را
سرپرستی می کند.^۱

پرسش:

سلام بر تو ای پسر رسول خدا، و رحمت و برکات خدا بر تو.

سرورم، خواهش می کنم به من لطف کنید و خواب همسرم [زنم] را تفسیر فرمایید. وی
در خواب دیده روی صورتم دعای صباح را می نویسد، در حالی که آن را قرائت می کرده. آیا
ممکن است زن وقتی خوابیده، در حالی که جنب یا حائض است، رؤیای صادقانه ببیند؟

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين



و سلم تسليماً.

زن مؤمن ممکن است رؤیای صادقه ببیند حتی اگر جنب یا حائض باشد، و این خوابی که او دیده، برای شما و برای خودش خیر است، ان شاء الله. از خداوند برای شما خیر آخرت و دنیا را مسئلت دارم. او یاور من است و شایستگان را سرپرستی می‌کند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.^۱

پرسش:

زنی با عادت ماهیانه مضطربه هر ماه بیشتر از بیست روز خون می‌بیند. در روزهای نخستین تنها چند قطره خون است و این وضعیت بیش از ده روز ادامه دارد؛ پس از آن خون شدت پیدا می‌کند و این حالت نیز بیش از ده روز ادامه می‌یابد و گاهی به یک ماه هم می‌رسد. آیا عادت روزهای نخستین معتبر است یا عادت روزهای پایانی؟ او در این وضعیت چه کار کند؟

پاسخ:

شروع روزهای عادتش را هنگام شدت یافتن خروج خون قرار دهد و تعداد روزهای عادتش را همانند روزهای عادت زنان (نزدیکانش) محاسبه کند - البته اگر همه در عادت به یک شکل هستند - و اگر با هم اختلاف داشتند هفت روز را ایام عادت خود محاسبه کند و بقیه ایامی را که خون از او خارج می‌شود - خواه پیش از روزهای حیض باشد یا پس از آن - استحاضه به حساب آورد. تفصیل احکام آن را

پیش‌تر بیان کردم، می‌توانید به کتاب شرایع مراجعه کنید.^۱

پرسش:

اگر زنی نداند استحاضه، باطل‌کنندهٔ روزه است و در طول این سال‌ها روزه می‌گرفته، آیا این روزه‌ها باطل است و باید قضا کند؟

پاسخ:

روزه‌ها را قضا کند.^۲

پرسش:

بر فرد جُنُب واجب است هنگام خروج از هریک از دو مسجد (مسجد الحرام و مسجد النبی) تیمّم کند. اگر از زن نیز چیز مشابهی خارج و در یکی از این دو مسجد باشد، آیا او هم شامل همین حکم می‌شود؟

پاسخ:

بر زن تیمّم واجب نیست؛ اما نشستن یا باقی‌ماندن در مسجد برای او جایز نیست.^۳

پرسش:

آیا قضای نماز آیات بر زن حائض هنگام اتفاق افتادن یکی از عوامل وجوب نماز آیات، واجب می‌شود؟ یا حکمش مانند نمازهای دیگر است که قضایشان واجب نیست؟

۱ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۳ ص ۶.

۲ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۴ ص ۱۴.

۳ - کتاب پاسخ‌های فقهی، طهارت: ص ۵.

پاسخ:

واجب نیست.^۱

پرسش:

اگر زنی در ابتدای روز خون ببیند و به گمان اینکه آن خون حیض است روزه را افطار و نمازش را ترک کند، سپس سه روز پشت سر هم آمدن خون را نبیند چه باید بکند؟ آیا کفاره عمد افطار روزه برعهده اش است؟

پاسخ:

فقط قضا برعهده اش است.^۲

پرسش:

آیا توجه کردن به وقت و تعداد روزهای عادت برای زن واجب است؟

پاسخ:

واجب است.^۳

پرسش:

برخی کارها بر حائض حرام می شود. اگر آنها را به طور غیر عمد انجام دهد حکمش چیست؟

پاسخ:

۱ - پاسخ های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۵ ص ۱۰.

۲ - پاسخ های فقهی، کتاب طهارت: ص ۱۸.

۳ - پاسخ های فقهی، کتاب طهارت: ص ۱۸.

اگر آنچه را بر او حرام است از روی سهو یا فراموشی انجام دهد، گناهکار به
شمار نمی‌آید.^۱

پرسش:

آیا در ایام حیض رنگ کردن مو برای زن کراهت دارد؟

پاسخ:

بله، کراهت دارد.^۲

پرسش:

زنی قرشی نیست^۳ و بیش از ۵۰ سال سن دارد؛ ولی همچنان خونی با ویژگی‌های خون
حیض می‌بیند. آیا مطابق زن حائض عمل کند یا زن مستحاضه؟

پاسخ:

بعد از سن یائسگی هر خونی که ببیند خون حیض محسوب نمی‌شود.^۴

پرسش:

اگر شب‌هنگام یا نیمروز خون ببیند حساب روزهای ایام عادت زن چگونه محاسبه
می‌شود؟

پاسخ:

۱ - پاسخ‌های فقهی، کتاب طهارت: ص ۱۹.

۲ - پاسخ‌های فقهی، کتاب طهارت: ص ۱۹.

۳ - زن قرشی: زنی که از طریق پدر به یکی از قبایل قریش منتسب شود. برخی از این قبایل مثل علویان یا عباسیان-

در حال حاضر شناخته شده‌اند. کتاب پاسخ‌های فقهی، طهارت: ص ۱۹.

۴ - کتاب پاسخ‌های فقهی، طهارت: ص ۱۹.



روز بیست و چهار ساعت است؛ در نتیجه اگر به عنوان مثال در وسط روز خون ببیند تا وسط روز بعد یک روز کامل می شود.^۱

پرسش:

آیا واجب است حائض قبل از غسل کردن با پنبه استبرا نماید؟ و اگر انجام نداد چطور؟

پاسخ:

اگر در پاک شدن از حیض شک داشته باشد باید استبرا کند، و اگر پیش از غسل استبرا کرده باشد نزدیکی شوهرش با او جایز، و اگر پیش از غسل استبرا نکرده باشد نزدیکی با او حرام است. اگر بدون استبرا غسل کند غسلش صحیح است و شوهرش می تواند با او نزدیکی کند؛ و اگر بعد از غسل و انجام نزدیکی برای آنها روشن شود هنوز آن زن حائض بوده است، کفاره ای در کار نخواهد بود.^۲

پرسش:

به طور معمول برای واری استبرای زن از خون حیض یا بررسی وضعیت استحاضه، از پنبه سخن به میان می آید. آیا استفاده از چیز دیگری مثل دستمال کاغذی و شبیه آن نیز کفایت می کند؟

پاسخ:

استفاده از هر چیزی که این منظور را برآورده کند جایز است.^۳

۱ - پاسخ های فقهی، کتاب طهارت: ص ۱۹.

۲ - پاسخ های فقهی، کتاب طهارت: ص ۱۹.

۳ - پاسخ های فقهی، کتاب طهارت: ص ۱۹.

پرسش:

و آیا برای آن چیز (وسیله و ارسی) اندازه، جنس یا رنگ مشخصی شرط است؟

پاسخ:

شرط نیست.^۱

پرسش:

اگر زن، دارای عادت بر اساس تعداد روز باشد و پس از پایان یافتن عادتش - در ضمن ده روز- خون با ویژگی‌های استحاضه ببیند، آیا آن را حیض محسوب کند و به ویژگی‌های آن اعتنا نکند؟

پاسخ:

حیض در نظر بگیرد.^۲

پرسش:

آیا زن حائضی که به حق ایمان می‌آورد می‌تواند غسل کند؟ یا منتظر می‌ماند تا پاک شود بعد غسل کند؟

پاسخ:

می‌تواند غسل کند، و بهتر است وقتی پاک شد غسل را تکرار کند؛ یعنی همراه غسل حیض، آن غسل را نیز در نیت خود بیاورد.^۳

۱ - پاسخ‌های فقهی، کتاب طهارت: ص ۲۰.

۲ - پاسخ‌های فقهی، کتاب طهارت: ص ۲۰.

۳ - پاسخ‌های فقهی، کتاب طهارت: ص ۲۱.



پرسش:

زنی در ماه رمضان برای جلوگیری از خونریزی و حیض نشدن قرص می‌خورد. حکمش چیست؟ و اگر برای مدت بسیار کمی در ایام عادت یا سایر روزها خون ببیند حکمش چه خواهد بود؟

پاسخ:

خوردن قرص برای جلوگیری از عادت ماهانه مکروه است؛ اما اگر در روزهای عادت ماهیانه اش سه روز یا بیشتر خون ببیند حیض است، حتی اگر کم و منقطع باشد.^۱

پرسش:

اگر زنی نتواند حیض را از استحاضه تمییز دهد و در روزهای استحاضه روزه نگرفته باشد، آیا بر او کفاره واجب است؟

پاسخ:

بر او کفاره واجب نیست.^۲

پرسش:

زنی که استحاضه شده است برای هر فریضه تجدید وضو می‌کند. اگر برای نماز ظهر وضو بگیرد و بداند خونی از او خارج نشده، آیا واجب است برای نماز عصر دوباره وضو بگیرد؟ یا همان وضوی اولش کفایت می‌کند؟

۱ - پاسخ‌های فقهی، کتاب طهارت: ص ۲۱.

۲ - پاسخ‌های فقهی، کتاب طهارت: ص ۲۱.

پاسخ:

واجب نیست، و همان وضوی اولش کفایت می‌کند.^۱

پرسش:

زنی در حالت استحاضه صغرا (استحاضه قلیله یا کم) با یک وضو دو نماز ظهر و عصرش را با هم می‌خواند. حتی اگر بفهمد در بین دو نماز خونریزی کرده، آیا همین حکم برقرار است؟

پاسخ:

یک وضو برای خواندن دو نماز پشت‌سرهم کافی است و اگر خون این استحاضه بعد از وضو چه در نماز ظهر، چه عصر و چه بین آن دو خارج شود، به وضویش اشکالی وارد نمی‌کند.^۲

پرسش:

آیا در «استحاضه متوسطه» یک وضو برای خواندن دو نماز پشت‌سرهم کافی است؟

پاسخ:

یک وضو برای دو نماز پشت‌سرهم کفایت می‌کند.^۳

پرسش:

اگر نماز صبح را خواند و وضعیتش استحاضه قلیله بود و سپس هنگام نماز ظهر به

۱ - پاسخ‌های فقهی، کتاب طهارت: ص ۲۱.

۲ - پاسخ‌های فقهی، کتاب طهارت: ص ۲۱.

۳ - پاسخ‌های فقهی، کتاب طهارت: ص ۲۲.



استحاضه متوسطة تبدیل شود، آیا غسل بر او واجب می‌شود؟ یا منتظر نماز صبح روز بعد بماند تا غسل کند؟

پاسخ:

واجب نیست در همان هنگام غسل کند؛ بلکه باید برای نماز صبح غسل کند، و اگر عذری داشته باشد یا غسل برای نماز صبح برایش سخت و مشقت‌آور باشد، در هر زمان از طول روز که برایش ممکن بود غسل کند؛ هرچند بهتر است پیش از نماز واجب باشد.^۱

پرسش:

اگر وضعیت به‌گونه‌ای باشد که باید غسل کند، آیا بعد از غسل باید وضو نیز بگیرد؟

پاسخ:

اگر قبل از نماز غسل کند واجب نیست وضو بگیرد و همان غسل برای به‌جا آوردن نماز کفایت می‌کند.^۲

پرسش:

در صورت استحاضه کثیره آیا با یک غسل حتماً باید دو نماز را پشت‌سرهم خواند یا می‌توان بین آن‌ها فاصله انداخت؟ و اگر فاصله بیفتد آیا باید پنج بار غسل کرد؟ و اگر به‌عنوان مثال بعد از غسل نماز ظهر خونی خارج نشود آیا واجب است برای نماز عصر نیز دوباره غسل کند؟

۱ - پاسخ‌های فقهی، کتاب طهارت: ص ۲۲.

۲ - پاسخ‌های فقهی، کتاب طهارت: ص ۲۲.

پاسخ:

پشت سر هم خواندن نمازها واجب نیست. اگر بین نمازها فاصله بیندازد برای تمام نمازها غسل کند؛ اما اگر بعد از غسل خونی خارج نشود واجب نیست بار دیگر (برای نماز بعدی) غسل کند.^۱

پرسش:

در باره وضعیت استحاضه، وارد شده است که برای هر نماز باید پنبه را عوض کند. آیا این تعویض برای تمام نمازها - حتی با نبودن خون - لازم است؟

پاسخ:

اگر در پنبه، خونی نباشد تعویض آن لازم نیست.^۲

پرسش:

در کتاب شرایع آمده است: «اگر خون قبل از ده روز قطع شد، بر زن واجب است با پنبه خود را واری کند؛ اگر پنبه پاک بود باید غسل کند و اگر به خون آغشته شد، زن مبتدئه باید صبر کند تا پاک شود یا اینکه ده روز کامل گردد؛ و زن صاحب عادت معین تا سه روز بعد از عادت خود صبر کند سپس غسل نماید؛ پس اگر تا روز دهم خون دیدن استمرار یابد و قطع شود روزهایی را که از زمان غسل کردن تا روز دهم گرفته، باید قضا کند و اگر بیش از ده روز بود آنچه به جا آورده، قبول است.» معنی عبارت «زن صاحب عادت معین ... غسل کند» چیست؟

پاسخ:

۱ - پاسخ‌های فقهی، کتاب طهارت: ص ۲۲.

۲ - پاسخ‌های فقهی، کتاب طهارت: ص ۲۲.



این عبارت یعنی زن صاحب عادت معین پس از تمام‌شدن روزهای عادتش با پنبه خود را واری کند؛ اگر پنبه پاک باشد باید غسل کند و اگر لکه‌بینی داشت صبر کند تا پاک شود و غسل کند. اگر پاک نشود یا خون تا سه روز پس از ایام عادتش ادامه داشت غسل کند. اگر پاک نشد و خون تا روز دهم ادامه داشت و قطع شد، روزهای از دست‌رفته‌اش را قضا کند -چراکه در ایام حیض بوده است- ولی اگر بیش از آن شد هرچه انجام داده، صحیح است؛ چراکه در ایام استحاضه بوده یعنی ایام پاک‌ی- و روزهای حیض محسوب نمی‌شده است.^۱

پرسش:

معنی این عبارت که در کتاب شرایع آمده است چیست؟ «اگر خون بیش از ده روز ادامه یابد، اگر اوصاف خون استحاضه را داشته باشد استحاضه است، در غیر این صورت حیض است. اگر عادت عددی مشخص داشته باشد، به همان تعداد روز حیض حساب کند؛ وگرنه باید به تعداد روزهای عادت زنان فامیل، خود را حیض قرار دهد یا اینکه هفت روز حیض به شمار آورد؛ و اگر باز خون‌دیدن ادامه یابد سه روز واری کند، سپس مابقی را استحاضه قرار دهد.»

پاسخ:

این عبارت به نفاس مربوط می‌شود؛ و معنی آن: اگر خروج خون از زنی که زایمان کرده، ادامه پیدا کند تا آنجا که فراتر از ده روز -که از روزهای نفاس است- شود، به ویژگی‌های خونی که خارج می‌شود نگاه کند؛ اگر ویژگی‌های خون استحاضه را داشته باشد آن را استحاضه به شمار آورد و اگر نباشد آن را حیض

محسوب کند.

اکنون احکامی را که مربوط به وضعیت حیض بودن است ذکر می‌کنیم: اگر پیش از حامله‌بودن دارای عادت عددی (تعداد روزهای مشخص) بوده باشد به تعداد همان روزهایی که پیش‌تر حیض می‌شده، حیض و بعد از آن را استحاضه به حساب آورد.

اگر پیش از حامله‌بودن عادت عددی مشخصی نداشته باشد اگر زن‌های فامیل نزدیکش عادت یکسانی داشته باشند روزهای حیض را همانند آن‌ها حساب کند؛ ولی اگر متفاوت باشند هفت روز را حیض محسوب کند. اگر خون بعد از روزهای حیضی که مشخص کرده است ادامه یابد، همه آنچه را بعد از نفاس اتفاق می‌افتد به‌طور کامل حیض به حساب نیاورد؛ بلکه تنها سه روز بعد از آن را به آن اضافه کند و باقی را استحاضه به شمار آورد.

مثالی برای روشن‌تر شدن مطلب:

اگر زنی عادتش پنج روز بوده باشد و پس از ولادت فرزندش تا هجده روز خون ببیند، ده روز اول نفاس است و در روز یازدهم به خصوصیات خون دقت کند، اگر نتوانست تشخیص دهد خون استحاضه است یا حیض، ابتدا آن را حیض قرار دهد. اگر بعد از تعداد روزهای عادتش (پنج روز) خون متوقف شد، حیض بوده است و درست فهمیده و چیزی برعهده‌اش نیست؛ ولی اگر ادامه یافت - که در این مثال ما به همین صورت است - فهمیده می‌شود حیض نبوده و باید اعمالش را قضا کند، به جز سه روز اول بعد از انتهای روزهای نفاس (روزهای یازده و دوازده و سیزده) که ایام واری و وضعیتش بوده که حکمش همان حکم ایام حیض است و نمازی که در



این سه روز ترک کرده است قضا ندارد.^۱

پرسش:

نماز و طهارت زنی که زیاد به بچه‌ها شیر می‌دهد و لباسش از نجاست (ادرار و مدفوع) در امان نیست چه حکمی دارد؟

پاسخ:

پاکیزه کردن (تطهیر) لباس نجس برای نماز خواندن با آن لباس واجب است، و اگر نداند لباسش نجس شده است یا نه، بنا را بر این می‌گذارد که لباسش پاک است. برای پاک کردن ادرار بچه شیرخوار (پسر) ریختن آب بر روی لباس کفایت می‌کند، و اگر جز همین یک لباس، لباس دیگری نداشته باشد در روز با آن نماز بخواند و در شب آن را از ادرار بچه شیرخوار پاک کند.^۲

پرسش:

آیا جایز است شخص جنب و زن حائض وارد حسینیه‌ها و ضریح اهل بیت شوند؟

پاسخ:

اگر حسینیه‌ها برای اقامه نماز بنا شده‌اند، حکم آن‌ها همانند حکم مسجد خواهد بود، و در این صورت جایز نیست شخص جنب و حائض و مشابه این‌ها، در این مکان‌ها بنشینند، مگر برای گوش دادن به مصیبت حسین علیه السلام یا گوش دادن به مجلس عزاداری معصومین علیهم السلام؛ و هنگامی که مجلس به پایان می‌رسد باید آنجا را

۱ - پاسخ‌های فقهی، کتاب طهارت: ص ۲۳.

۲ - پاسخ‌های فقهی، کتاب طهارت: ص ۲۹.

ترک کند.

اما در خصوص ضریح‌های ائمه (علیهم‌السلام)، حکم مساحتی که بنای ابتدایی اطراف ضریح را احاطه کرده است همانند حکم مسجد است؛ به شرطی که از مسافت ۲۵ متر اطراف ضریح بیشتر نشود.

یعنی حضور شخص جنب و حائض و مشابه این دو، در مجلسی که برای زنده‌نگه‌داشتن ذکر و یاد معصومین (علیهم‌السلام) بنا شده، با مانع است؛ چه در مسجد بوده باشد، چه در حسینیه و چه در ضریح معصوم (علیه السلام)؛ و این حکم، مولودی‌خوانی و مشابه آن را نیز شامل می‌شود و فقط مخصوص مجالس وفات نیست.

اگر هدف از بنای حسینیه، برگزاری مجالس اطعام، اقامه مجالس عزاداری، ذکر، و خوابیدن و خدمات مشابه دیگر بوده باشد و برای اقامه نماز به صورت نظام‌مند (همیشگی) نبوده باشد یا زیاد برای این کار استفاده نشود، حکم خانه را خواهد داشت و احکام مسجد بر آن جاری نیست.^۱

پرسش:

یکی از خواهران، در حوزه، طلبه است و امتحانی دارد (امتحان احکام تلاوت قرآن) و عادت ماهانه‌اش فرا رسیده است. وی درباره [امتحان] حفظ جزء سی‌ام سؤال کرده که در آن سوره سجده‌دار وجود دارد. حکمش چیست؟

پاسخ:

قرائت آن [آیه سجده‌دار] را ترک، و عذرش را بیان کند؛ حتی اگر در نتیجه



امتحان تأثیر داشته باشد.^۱

پرسش:

چه کاری برای زن حائض بهتر است؟ خواندن قرآن با وجود کراهت داشتن یا خواندن قرآن؟ اگر به عنوان مثال هر روز، عادت به خواندن سوره یاسین داشته باشد، چه باید کند؟

پاسخ:

نخواندن قرآن و پناه بردن به تسبیح و ذکر خداوند سبحان برایش بهتر است.^۲

پرسش:

خواندن قرآن به غیر از عزایم (سوره های دارای سجده واجب) - برای حائض کراهت دارد. آیا برای او نیز مثل جنب خواندن بیش از هفت آیه بیشتر کراهت دارد؟ یا وضعیت او به گونه دیگری است؟

پاسخ:

حتی خواندن یک آیه هم (برای او) کراهت دارد و هرچه بیشتر بخواند کراهتش بیشتر خواهد بود.^۳

پرسش:

و کراهت خواندن بیش از هفت آیه، آیا اگر به عنوان مثال خواندن قرآن برای ارائه حق به خواهانش باشد را نیز شامل می شود؟ در حالی که به طور معمول آنچه آنها درخواست

۱ - بخش علمی مکتب سید احمد الحسن (علیه السلام)، ۲۵ محرم ۱۴۴۲ هـ

<https://www.facebook.com/alqesmal3lme/posts/381907684478637>

۲ - منبع قبلی.

۳ - منبع قبلی.

می‌کنند بیش از هفت آیه را شامل می‌شود.

پاسخ:

اگر خواندن قرآن برای بیان حق و دعوت به دین خدا باشد کراهتی برای حائض و جنب نخواهد داشت.^۱

پرسش:

آیا از نظر کراهت داشتن، حکم شنیدن قرآن مانند خواندن قرآن است؟

پاسخ:

شنیدن قرآن مکروه نیست.^۲



۱ - منبع قبلی.

۲ - پاسخ‌های فقهی، کتاب طهارت: ص ۲۱.

احکام مخصوص به خانم‌های متأهل

پرسش:

آیا مایعی که بر اثر تحریک شهوت بدون جماع و نزدیکی از زن خارج می‌شود نیاز به غسل دارد؟ یا تعویض لباس و تجدید وضو برای نماز و سایر امور کفایت می‌کند؟

پاسخ:

واجب است غسل کند.^۱

پرسش:

حکم زنی که آب مرد را پس از پاک کردن آن و پیش از غسل ببیند چیست؟ سپس اگر پس از مدتی ببیند این مایع از او خارج شود حکمش چیست؟ آیا باید دوباره غسل کند و چگونگی تطهیر آن پیش از غسل چیست؟ هر وقت ادرار می‌کند این مایع از او خارج می‌شود و یقین ندارد آب مرد بوده است یا ترشحات خودش. حکم آن چیست؟

پاسخ:

اگر بداند مایعی که از او خارج شده، آب شوهرش است، باید فقط محل را بشوید و آن را پاک کند و انجام دوباره غسل و وضو برعهده‌اش نیست. اما درباره مایعی که خارج می‌شود و نمی‌داند آیا جزو ترشحات خودش است یا جزو آب شوهرش، چنین حکم نمی‌شود که آب شوهرش بوده، و دوباره انجام دادن غسل و وضو برعهده‌اش نیست. حتی زمانی که یقین ندارد آن، آب شوهرش بوده است یا فقط ترشحات خودش، شستن محل نیز برعهده‌اش نیست؛ هر چند شستن محل برایش

بهبتر و پاک‌کننده‌تر است.^۱

پرسش:

حکم زنی که مُحْتَلَم شده، نشسته و در لباسش چیزی دیده، ولی نمی‌داند همان ترشحاتی است که به‌طور معمول از او خارج می‌شود، یا مایعی است که در اثر احتلام جاری شده، چیست؟ با توجه به اینکه هنگام ادرار چیزی از او خارج نشده است.

پاسخ:

پیش‌تر چگونگی بیرون آمدن منی از زن (امناء) که غُسل را واجب می‌کند بیان شد؛ ولی اگر زن مُحْتَلَم شود وجود نشانه‌ای برای سرازیر شدن مایعی روان به سمت فرج کفایت می‌کند؛ بنابراین اگر چیزی در لباسش یافت که می‌توانست در اثر محتلم شدن باشد، ترجیح آن است که آن چیز همان مایع سیال سرازیر شده در اثر احتلام است که با وجود آن غُسل بر او واجب می‌شود؛ مگر اینکه به خلاف آن، علم یا شک داشته باشد.

این‌ها پاسخ‌هایی است که پیش‌تر بیان شده است، که چه هنگام غسل واجب می‌شود، و چگونه این حالت (امنا) تشخیص داده می‌شود:

پرسش: وَذی، وَذی، و مَذی که از مرد بیرون می‌آید وضویش را باطل نمی‌کند؛ ولی آنچه از زن هنگام بازی و نوازش کردن شوهر بیرون می‌آید آیا وضو را باطل می‌کند؟ یا با بیرون آمدن آن، غسل بر زن واجب می‌شود؟

پاسخ: اگر منی از زن بیرون بیاید غسل کند؛ اما آنچه هنگام بازی و نوازش کردن همسر از او بیرون می‌آید وضو را باطل نمی‌کند و غسل را بر او واجب نمی‌کند؛ مگر آنکه همراه با



لرزش یا شهوت جنسی باشد.

پرسش: بیرون ریختن مَنی مرد (امنا) روشن است؛ اِمنا ی زن چگونه است؟

پاسخ: اِمنا در زن به دو صورت محقق می‌شود: با غالب شدن شهوت جنسی یا رِخْوَت و سستی و لرزش در بدن، یا با سرازیر شدن مایع روان به فرج.^۱

پرسش:

در واجب شدن غسل آمده است: تلاقی دو ختنه‌گاه. منظور از این عبارت چیست؟

پاسخ:

منظور از آن: به‌طور تقریبی داخل شدن سرِ آلت تناسلی جنس مذکر (شوهر) یا به‌اندازهٔ آن- به درون فرج جنس مؤنث (زن) است؛ و معنای تلاقی دو ختنه‌گاه، تلاقی جلوی آلت تناسلی جنس مذکر- که همان محل ختنه‌گاه شناخته شده است- با باز شدن واژن در آلت تناسلی جنس مؤنث است.^۲

پرسش:

زنی محتمل می‌شود. اگر نداند غسل بر او واجب شده است حکم نمازش چیست؟

پاسخ:

نمازش را قضا کند.^۳

پرسش:

۱- پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۳ ص ۶.

۲- پاسخ‌های فقهی، کتاب طهارت: ص ۱۶.

۳- پاسخ‌های فقهی، کتاب طهارت: ص ۱۷.

اگر زنی به اشتباه در ایام حیض طبق احکام استحاضه عمل کند، حکم کفاره او در عبادت یا نزدیکی شوهرش با او چیست؟

پاسخ:

اگر از روی خطا و اشتباه بوده باشد چیزی برعهده آن‌ها نیست.^۱

پرسش:

آمده است: «اگر زن سه روز خون ببیند و بعد قطع شود و قبل از روز دهم دوباره خون ببیند، همه این مدت یک حیض حساب می‌شود.» اگر بعد از این سه روز که یقین دارد پاک شده با شوهرش نزدیکی کرده باشد آیا چیزی برعهده او یا شوهرش است؟ و همین طور درباره سایر کارهایی که انجام‌دادنشان برای حائض حرام است؟

پاسخ:

چیزی برعهده او یا شوهرش نیست.^۲



۱ - پاسخ‌های فقهی، کتاب طهارت: ص ۲۰.

۲ - پاسخ‌های فقهی، کتاب طهارت: ص ۲۰.

استمنا (خودارضایی)

پرسش:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

مایلم یک سؤال بپرسم: آیا استمنا بدون واردکردن یک جسم سفت و محکم حرام است؟ منظورم فقط سطحی است، حتی اگر نیت، جلوگیری از افتادن در حرام باشد؟ و آیا پس از آن غسل واجب می‌شود؟

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين. وصلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين
و سلم تسليمًا.

استمنا شرعاً حرام است ولی اگر بخواهید آن را با ارتکاب فاحشه زنا-العیاذ بالله- قیاس کنید، حرمت زنا بیشتر و شدیدتر است؛ چراکه از گناهان کبیره است؛ اما اینکه شخصی گمان کند به وسیله استمنا می‌خواهد از زنا دور بماند، باعث حلال شدن استمنا نمی‌شود.

بر کسی که منی از او خارج شود (منی با جستن و با شهوت از او خارج گردد) غسل جنابت واجب است؛ همچنین اگر از زن نیز منی خارج شود غسل بر او واجب می‌شود. این مطلب را در کتاب شرایع بیان داشته‌ام.

از خدا می‌خواهم عورت شما را حفظ کند و با ازدواج حلال که دین شما را حفظ می‌کند شما را پاکیزه نگه دارد.^۱

عبادات

نماز و روزه

مناسک حج و زیارت

زکات و خمس

نماز و روزه

پرسش:

زنی نماز می‌خواند و در حین نماز متوجه می‌شود مقداری از بدنش هویدا شده است. اگر آن را بپوشاند و نمازش را کامل کند نمازش صحیح است؟

پاسخ:

نمازش صحیح است.^۱

پرسش:

حکم زنی که نمازش را کامل کرده است و مردی را دیده که پشت سرش یا موازی با او نماز می‌خواند چیست؟ اگر در میان نمازش در چنین موقعیتی قرار گرفت چه باید بکند؟

پاسخ:

اگر این مرد پس از آنکه او شروع به نماز کرده به نماز ایستاده باشد، نماز آن زن اشکالی ندارد.^۲

پرسش:

درباره نماز جماعت آمده است: «اگر بین امام و مأموم، چیزی جلوی دیده شدن امام را بگیرد، نماز جماعت صحیح نیست، مگر اینکه مأموم زن باشد.» سؤال این است که: آیا حکم برای زنان با توجه به مانع‌های مختلفی که با آن‌ها نماز صحیح است فرق می‌کند؟ مثلاً اگر مانع دیوار باشد، یا دیواری مشبک یا با درب باز باشد، یا پرده‌ای باشد و نظایر این‌ها.

۱ - کتاب پاسخ‌های فقهی، نماز: ص ۱۲.

۲ - کتاب پاسخ‌های فقهی، نماز: ص ۱۳.



پاسخ:

اگر دیوار مشبک باشد به طوری که به مأموم اجازه دیدن امام را می‌دهد مانع مشاهده کردن محسوب نمی‌شود؛ اما اگر دیوار مانع متصل شدن به امام به هر صورتی باشد تا آنجا که مانع شنیدن شود، در این صورت چنین تصویری که در آنجا نماز جماعت برقرار است وجود نخواهد داشت. بنابراین مانعی که نماز زن با آن پشت‌سر امام صحیح است مانعی است که حداقل اجازه شنیدن صدای امام یا صدایی را که از مأمومین برای حرکت امام منتقل می‌شود بدهد؛ مثل پرده یا دیوار کوتاه یا دیوار از چوب نازک یا دیوار مشبک یا نظایر این‌ها.^۱

پرسش:

دلیل قرآنی که به حرمت امامت زن تصریح می‌کند چیست؟ خواه نمازگزاران مرد باشند، زن باشند، یا مختلط باشند.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين
و سلم تسليما

امامت زن فقط هنگامی جایز است که نمازگزاران فقط زن باشند، و امامت زن برای نمازگزاران مرد جایز نیست، و همین طور اگر مأموم‌ها زن و مرد باشند. حق تعالی می‌فرماید: ﴿وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ﴾ (و مردان بر آنان [زنان] درجه برتری دارند)؛ و منظور از این «درجه برتری» امامت عامه، و به‌طور خاص نیز در

نماز است؛ چه نماز جمعه باشد، یا جماعت، یا عید، یا نماز آیات، یا هر نماز دیگر.^۱

پرسش:

آیا جایز است در نماز جمعه زن برای زنان - با وجود فراهم بودن شرایط - امام شود؟

پاسخ:

جایز است.^۲

پرسش:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته، سید و مولای من.

از خداوند امید دارم شما و هرکه به شما پناهنده می شود در خیر باشد، پدر و مادرم فدای شما باد.

سؤال من: اینکه لباس زن در نماز چگونه باشد و اینکه او چقدر را واجب است بپوشاند مشخص است. آیا هنگام قرائت قرآن نیز همین احکام برقرار است؟ یعنی آیا زن باید در قرائت قرآن نیز همان مقداری را بپوشاند که در نماز می پوشاند؟ و چه چیزی بر او واجب است که بپوشد؟

امیدوارم با دعای خود بر ما تصدق فرمایی، تا کودک مریضم شفا یابد، سید من؛ چراکه شما صاحبان بخشش هستید و ما درخواست کنندگان درگاهتان هستیم.

پاسخ:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته.

۱ - کتاب مشابهاً: ج ۴ ص ۲۴۱.

۲ - پاسخ های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۵ ص ۱۰.



خداوند شما را زنده پدارد.

زن می‌تواند قرآن را با سر برهنه بخواند، و هنگام قرائت قرآن بر او واجب نیست چیزی از بدن خود را بپوشاند. تا وقتی در خانه خودش هست هر وقت بخواهد و با هر لباسی [می‌تواند] بخواند.

از خداوند می‌خواهم بر کودکت با شفا و صحت و عافیت منت نهد؛ که او مهربان‌ترین مهربانان است.^۱

پرسش:

یکی از خواهران در حین نماز از افکار و اندیشه‌های بدی رنج می‌برد؛ به‌خصوص در خواندن قرآن، و به‌ویژه بیش از همه در خواندن سوره یاسین؛ تا آنجا که می‌گوید می‌ترسد قرآن بخواند تا مبدا که به‌عنوان مثال- افکاری ضد آن آیه به ذهنش خطور کند. آیا راهی برای خلاص شدن از این وضعیت وجود دارد؟

پاسخ:

بسیار یاد خدا کند، و اوقات فراغتش را با یاد (ذکر) پُر کند؛ حتی در حین کارکردن نیز می‌تواند با استغفار، حمد، شکر و تسبیح، خدا را یاد کند.^۲

پرسش:

درباره ثابت شدن هلال آمده است: «و با شهادت زن‌ها نیز ثابت می‌شود.» سؤال: آیا شهادت دو زن یک شهادت حساب می‌شود؟ یا به عبارت دیگر آیا نیاز به شهادت چهار زن

۱ - پی‌نوشت سید احمد الحسن (علیه السلام) در صفحه فیس‌بوک، به تاریخ ۲۹ ژوئن ۲۰۱۸ م.

۲ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۴ ص ۸.

داریم؟

پاسخ:

با شهادت یک مرد و دو زن ثابت می‌شود.^۱

پرسش:

سلام علیکم و رحمة الله وبرکاته. سرور و مولایم، قائم آل محمد (علیهم السلام). اللهم صل علی محمد وآل محمد الائمة والمهدیین وسلم تسلیما کثیراً. آیا استفاده از مرطوب‌کننده‌های لب هنگام روزه جایز است؟

پاسخ:

جایز است.^۲



۱ - پاسخ‌های فقهی، روزه: ص ۱۲.

۲ - پی‌نوشت سید احمد الحسن (علیه السلام) در صفحه فیس‌بوک، ۵ می ۲۰۱۸ م.

مناسک حج و زیارت

پرسش:

زمانی که به حج رفته سعی کردم حین انجام اعمال حج به خصوص طواف تمرکز داشته باشم؛ اما وجود مردان نامحرمی که مزاحم من بودند خشوع را از من می‌گرفت. یک زن چگونه می‌تواند اعمال حج را به‌جا آورد؟ احساس می‌کنم حج ناقص بوده و به این سبب قلبم آزرده‌خاطر است.

پاسخ:

از خداوند مسئلت دارم اعمال و حج شما را قبول کند. او سرپرست من و شایستگان را سرپرستی می‌کند. اما درباره حج زنان، هنگامی که مزاحمت مردان وجود دارد، اجتناب از مزاحمت مردان برتر از خود حج است. پس باید آنچه را که امکان‌پذیر است بدون برخورد با مردان انجام دهد؛ حتی اگر به‌خاطر حفظ عفت و دوری از برخورد با مردان مجبور به کوتاهی در اعمال حج شود؛ و ان‌شاءالله که حشش صحیح است. وقوف یک زن در عرفات و انجام آنچه از اعمال حج که می‌تواند بدون برخورد با مردان انجام دهد، برایش کفایت می‌کند.^۱

پرسش:

برای انجام طواف نساء وارد شدیم، ولی به‌دلیل ازدحام و فشار شدید مانع از طوافمان شدند. به همین دلیل به طبقه اول رفتیم و طواف را شروع کردیم. بعد از گذراندن شوط اول، دیدیم اطراف کعبه باز شده و فرصتی برای طواف فراهم شده است. پایین آمدیم و از همان محلی که طواف را شروع کرده بودیم پشت‌سر هم شوط‌ها را تمام کردیم و طواف را به پایان رساندیم. آیا این طواف صحیح است؟ یا واجب است از اول طواف کنیم؟

پاسخ:

طوافش صحیح است و لازم نیست از اول طواف کند.^۱

پرسش:

آیا زن در حالی که از بابت عادت ماهانه اش (حیض) نگرانی ندارد می تواند طواف و سعی را قبل از بیتوته در مینا انجام دهد و فقط به دلیل فشار شدید و پرهیز از تماس با مردان به این صورت عمل کند؟

پاسخ:

جایز است.^۲

پرسش:

در نماز طواف، گاهی اوقات زنان جلوتر از مردان یا در کنارشان می ایستند و به دلیل ازدحام شدید، پیدا کردن جایی که زنان پشت سر مردان بایستند دشوار می شود. حکم نماز در چنین شرایطی چیست؟

پاسخ:

با وجود اضطرار، نماز صحیح است.^۳

پرسش:

زنی برای عمره مُحَرَّم شد و قبل از اینکه با انجام تقصیر از عمره بیرون بیاید با ناآگاهی

۱ - پاسخ های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۵ ص ۱۹.

۲ - پاسخ های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۵ ص ۱۹.

۳ - پاسخ های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۵ ص ۱۹.



از حکم- برای پسرش تقصیر کرد. آیا چیزی بر عهده‌اش است؟

پاسخ:

زن می‌تواند بعد از ذبح، برای خودش یا دیگری حلق یا تقصیر انجام دهد؛ همان طور که در کتاب شرایع بیان کرده‌ام.^۱

پرسش:

کسی که عمره می‌گزارد و به‌خاطر خشک‌بودن هوا، لب‌هایش تَرَک خورده است و به‌خاطر اجتناب از خونریزی، فقط روی محل ترک خورده، مرطوب‌کننده‌ای قرار داده که خاصیت پزشکی و رایحه کاکائو دارد، آیا مجاز به این کار است؟

پاسخ:

همان طور که در پرسش مطرح شده، اگر به استفاده از روغن مجبور باشد، حکمش همان چیزی است که در شرایع بیان نمودم. در این وضعیتی که شما در آن هستی، برعهده شما چیزی نیست. در اینجا حکم را از کتاب شرایع نقل می‌کنم:

«یازدهم: استفاده از روغنی که بو دارد، پس از احرام، حرام است و همچنین پیش از آن، اگر بویش تا احرام باقی بماند. به همین صورت، پس از احرام، (به‌صورت اختیاری) چیزی که بوی خوش ندارد؛ ولی اگر مجبور باشد، جایز است.»

«کسی که در احرامش روغن خوش‌بو استفاده کند، گوسفندی بر او واجب است ولی در حالت ضرورت، چیزی برعهده او نیست.»^۲

۱- پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۳ ص ۲۱.

۲- پاسخ‌های روشنگرانه: ج ۷ ص ۸۹.

پرسش:

آیا جایز است زن با پای پیاده به زیارت ائمه (علیهم السلام) برود؟

پاسخ:

اگر راه امن باشد و ترسی از هتک حرمت و نظایر آن وجود نداشته باشد جایز است.^۱

پرسش:

کدام یک برای خانم، درباره زیارت اربعین بهتر و برتر است؟ آیا پیاده برود، یا در خانه اش زیارت کند؟

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين
و سلم تسليمًا.

به شرایط و وضعیتی که این خانم در آن قرار دارد بستگی دارد. هر دو جایز است؛ و حالت بهتر، به وضعیت انسان و شرایطش بازمی‌گردد.^۲

پرسش:

آیا زیارت قبرها برای زنان باردار کراهت دارد؟

۱ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۳ ص ۳۶.

۲ - مجموعه‌ای از پاسخ‌های فقهی امام احمد الحسن (علیه السلام) در تالار، به تاریخ ۲۲ محرم ۱۴۲۹ هـ



پاسخ:

کراهت ندارد.^۱



۱ - بخش علمی مکتب سید احمد الحسن (علیه السلام) ۲۴ رجب ۱۴۴۲ هـ

زکات و خمس

پرسش:

تفسیر این آیه چیست؟ ﴿الَّذِينَ يَكْنُزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ...﴾^۱
(کسانی را که زر و سیم می‌اندوزند و در راه خدا انفاقش نمی‌کنند...).

و آیا این آیه اکنون محقق شده است یا اینکه هنگام ظهور امام تحقق می‌یابد؟ اگر خواسته باشم برخی جواهرآلاتم را به صورت هبه به امام بدهم؟

پاسخ:

این آیه به طور کلی دربارهٔ اموال زکات است؛ چه دربارهٔ کسی که اموالی اندوخته است بدون اینکه زکاتش را داده باشد، یا کسی که زکات اموال نزدش است و آن‌ها را احتکار می‌کند. در زمان قیام قائم، این آیه بر کسی منطبق است که مالی بیش از نیازش دارد و آن را نگهداری می‌کند و قسمتی از آن را برای جهاد به همراه قائم نمی‌بخشد. طلا و جواهرآلاتی که زن جهت زینت برای خود فراهم می‌آورد جزو اندوخته‌ها نیست.^۲

پرسش:

آیا به جواهراتی که زن استفاده می‌کند خمس تعلق می‌گیرد؟ خمس طلا و نقره ذخیره‌شده‌ای که استفاده نمی‌شود چه مقدار و حد نصابش چقدر است؟

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل

۱ - توبه: ۳۴.

۲ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۱ ص ۱۴.



محمد الائمة والمهدیین وسلّم تسليماً.

جواهراتی (طلا، نقره و نظایر آن) که زن به عنوان زینت خودش استفاده می کند خمس ندارد و اگر از آن استفاده نکند به آن خمس تعلق می گیرد. حد نصابی در خمس وجود ندارد، بلکه چنین حدی در زکات مطرح می شود.^۱

پرسش:

آیا یک مرتبه استفاده از هرچیز مثل پوشیدن لباس یا زیورآلات یا چیزهای دیگر مشابه و سپس کنار گذاشتن آن کفایت می کند تا شیء استفاده شده ای که مشمول خمس نیست تلقی گردد؟

پاسخ:

منظور از استفاده شدن استفاده واقعی است، نه برای فرار از خمس؛ و اشکالی در چگونگی استفاده حتی اگرچه یک مرتبه باشد وجود ندارد، و شیء مستعمل، معاف از خمس خواهد بود.^۲

پرسش:

آیا فرقی میان اشیا، در مصداق استفاده شدن وجود دارد؛ [مثلاً] ممکن است از مایحتاج مواد غذایی سالانه یا قسمتی از چیزهایی که مقداری از آنها را استفاده کرده است مثل عطرها، روغن ها و بعضی از اشیای لوکس و تجملی - باقی بماند. آیا برای باقی مانده آنها خمس واجب است؟

و مسئله سوم اینکه ممکن است شخصی چیزی داشته باشد که از اجزای متعددی

۱ - پاسخ های روشن گرانه: ج ۲ ص ۱۴۳.

۲ - کتاب رساله ای در خمس: ص ۱۷.

تشکیل شده است و قسمتی از آن را استفاده کند - مثلاً مجموعه‌ای از کتاب‌های دوره‌ای یا بست و وسایل - آیا با استفاده از قسمتی از آن‌ها، خصوصیت «استفاده‌شدن» بر تمام آن‌ها مصداق پیدا می‌کند؟

پاسخ:

با استفاده از قسمتی از آن، تمام آن چیز، استفاده‌شده تلقی می‌شود.^۱

پرسش:

سلام علیکم...

خواهش می‌کنم این نامه را به احمدالحسن برسانید. پرسش‌های من:

۱- حکم دختری که پدرش خمس نمی‌دهد و خود او کار نمی‌کند و مخارجش برعهده پدرش است چیست؟ این دختر وسایل زیادی دارد که استفاده و به حال خود رها شده و نیز وسایلی دارد که هیچ‌گاه استفاده نشده است. آیا از این وسایل خمس ساقط است؟

۲- آیا در صورتی که صلۀرحم خطری به‌دنبال داشته باشد، ساقط می‌شود؟ به‌صورتی که اگر دختر با خویشاوندان پدرش رفت‌وآمد کند، مادرش که با این کار موافق نیست به‌شدت خشمگین می‌شود و در نتیجه مشکلاتی به وجود می‌آید و به پدر بیمارش آزار و اذیت می‌رسد و حتی ممکن است خطری برای زندگی او به‌دنبال داشته باشد؛ زیرا پدر نمی‌تواند جار و جنجال و مشکلات را تحمل کند.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم



و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين
و سلم تسليمًا.

ج ۱ - در خصوص چنین مسئله‌ای، این دختر باید یک روز مشخص در طول سال را تعیین کند و در آن روز آنچه از درآمدهایش باقی مانده است، برآورد کند و خمس آن را محاسبه نماید؛ مثلاً اگر در آن روز، مالی داشته باشد، خمس آن را بدهد و اگر چیز استفاده نشده‌ای دارد نیز خمس آن را محاسبه کند.

ج ۲ - نیکی به والدین واجب است و ساقط نمی‌شود و حتی المقدور باید ادا شود.

انفاق بر زن، فرزندان و اجداد واجب است؛ ولی صلۀ رحم با دیگر ارحام چه با مال باشد و چه به وسیله گفتار، مستحب است و واجب نیست.^۱

پرسش:

آیا زوجه به دادن خمس مهریه خود مکلف است؟
و اگر با آن سکه طلا خریده باشد آیا خمس دارد؟

پاسخ:

واجب نیست.^۲

پرسش:

آیا خمس زیورآلاتی که زن استفاده می‌کند (مثل طلا، نقره، عقیق و...) واجب است؟

۱ - پاسخ‌های روشنگرانه: ج ۶ ص ۵۱.

۲ - بخش علمی مکتب سید احمد الحسن (علیه السلام)، ۲۵ محرم ۱۴۴۲ هـ.

پاسخ:

آنچه زن به عنوان زینت استفاده می کند خمس ندارد؛ اما خمس آنچه استفاده نمی شود واجب است.^۱

پرسش:

من زنی هستم که به خلیفه خدا (یمانی) ایمان دارم و با یک مخالف ازدواج کرده ام و او به من گفت خمس پول او را بپردازم. حال آیا باید به او بگویم من طبق شریعت محمد و آل محمد، ائمه و مهدیون (علیهم السلام) خمس می دهم؟ به خصوص اینکه شاید گفتن این مسئله، برای من مشکل ایجاد کند؛ زیرا او به سید یمانی ایمان ندارد. یا فقط خمس اموال خودم را پرداخت کنم؟

حکم فرزندانم که از این اموال می پوشند، می خورند و تمام نیازهای خود را از این اموال رفع می کنند چیست؟

پاسخ:

برای شما جایز است خمس اموالتان را بپردازید، تا زمانی که خود او این را از شما خواسته است؛ و او از ایمان شما آگاه است و لازم نیست جزئیات اعتقادات را به او بگویید.^۲

۱ - کتاب رساله ای در خمس: ص ۱۲.

۲ - بخش علمی مکتب سید احمد الحسن (علیه السلام)، ۲۴ رجب ۱۴۴۲ هـ

مسائل متفرقه

ولی امر (سرپرست)

ارث

خوراکی‌ها

سفارش‌ها و نصیحت‌ها

دیوانگی (جن‌زدگی) و جادو (سحر)

نذر

حجامت و اهدای خون

احکام عمومی

ولی امر (سرپرست)

پرسش:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

مادرم از انصار نیست و به من اجازه حضور در مجالس انصار را نمی دهد. آیا من می توانم هنگام مسافرت ایشان و بدون اطلاع او، در مجالس یادبود و ختم شرکت کنم. با توجه به اینکه پدرم از انصار نیست، ولی به من اجازه این کار را می دهد و حتی مرا در این خصوص تشویق نیز می کند.

از خداوند درخواست آمرزش کوتاهی مان را داریم.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين
و سلم تسليمًا.

اطاعت از او در این مسئله واجب نیست. تا هنگامی که پدر - که خداوند حفظش کند - کاری را که در اطاعت از خداوند انجام می دهدی تأیید می کند، بر خداوند توکل کن. خداوند توفیقت دهد و گام هایت را استوار بدارد.^۱



ارث

پرسش:

زنی فوت کرده و ارث بزرگی بر جای گذاشته است. با توجه به اینکه او شوهر، مادر و پنج فرزند (دو دختر و سه پسر) دارد میراث او چگونه تقسیم می‌شود؟

پاسخ:

شوهر یک‌چهارم، مادر یک‌ششم سهم می‌برند و مابقی بین فرزندان تقسیم می‌شود و هر پسر دو برابر هر دختر سهم می‌برد.

نحوه تقسیم کردن آن به این صورت است که مائترک به ۹۶ سهم تقسیم شود: شوهر ۲۴ سهم، مادر ۱۶ سهم، هر یک از سه پسر ۱۴ سهم (۱۴+۱۴+۱۴) و هر دختر ۷ سهم (۷+۷) ارث می‌برند.^۱

پرسش:

زنی با مردی ازدواج کرده است و از آن مرد، فرزندی ندارد. وقتی مرد از دنیا رفت، یک زمین مسکونی از خود باقی گذاشت. آیا این زن از زمین متعلق به آن مرد ارث می‌برد و نسبت ارث چقدر است؟ با توجه به اینکه شوهر، پنج برادر دارد که دو تن از آنها از مادر دوم هستند؛ و این مرد، از مادرش سه خواهر نیز دارد. در زمان وفاتش، والدینش در قید حیات بوده‌اند و اکنون ورثه مایل اند ارث را تقسیم کنند. با توجه به اینکه والدینش، پیش از تقسیم مائترک از دنیا رفته‌اند. سهم همسر از این ارث چقدر است؟ با توجه به اینکه شوهر از اتباع سیستانی است و همسر از انصار سید احمد الحسن علیه السلام است.

پاسخ:

همسر یک چهارم ارث می برد، اگر از او یا از غیر او فرزندی نداشته باشد.^۱

پرسش:

بسم الله الرحمن الرحيم اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

آقا و مولای من! قائم آل محمد و یمانی ایشان (علیه السلام)، سلام بر تو. این پرسش یکی از برادران انصار است:

آیا نوه های پدر بزرگ هنگام وفات او، ارث می برند؟ با توجه به اینکه پدر پیش از پدر بزرگ از دنیا رفته است... همچنین همسر پسری که از دنیا رفته است و از آن پسر کودکی ندارد، آیا در زمان وفات پدر بزرگ از او چیزی به ارث می برد؟

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين
وسلم تسليماً كثيراً.

نوه هایی که پدرشان در زمان زندگی پدرش از دنیا رفته است اگر او پسران یا دختران زنده ای داشته باشد، از پدر بزرگ ارث نمی برند. همسر پسر نیز از پدر او ارث نمی برد.^۲

پرسش:

مردی مادر و برادرانی دارد. آیا جایز است او همه دارایی خود را در قید حیاتش به نام

۱ - پاسخ های روشن گرانه: ج ۷ ص ۸۵.

۲ - پاسخ های روشن گرانه: ج ۷ ص ۱۰۰.



همسرش کند؟

پاسخ:

در صورتی که بیماری منجر به مرگ (بیماری خوفناک) نداشته باشد جایز است؛
وگرنه حق تصرف در بیشتر از یک سوم اموال خود را ندارد، اگر ورثه او مؤمن به حق
بوده باشند.^۱

پرسش:

شخصی فوت کرده در حالی که دختر بالغی داشته، و در حضور محکمه به طور رسمی
از او جدا شده است. دختر نیز خواسته با مادرش زندگی کند و این را نیز پذیرفته‌اند که پدرش
از آن دو جدا شود. سؤال این است که آیا این دختر اگر مدعی ارث شود حق ارث دارد؟

پاسخ:

حق ارث دارد.^۲

پرسش:

آیا زن از اموال و مستغلات مادر ارث می‌برد؟ یا فقط از ارزش آن‌ها ارث می‌برد؟ یا در
این خصوص سهمی از ارث ندارد؟

خانواده‌ای غیرانصاری هست که پدرشان فوت کرده و از من خواسته‌اند میراث آن‌ها را
طبق نظر سید احمد الحسن علیه السلام تقسیم کنم. شخص متوفی یک همسر و شش فرزند دارد:
دو پسر و چهار دختر؛ ماترک عبارت است از یک باب خانه به ارزش ۱۴۰ میلیون، به همراه

۱ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۱ ص ۴۳.

۲ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۵ ص ۲۸.

اثاثیه موجود در آن.

آن‌ها منتظر پاسخ در سریع‌ترین زمان ممکن هستند.

پاسخ:

همسر از همه میراث، چه املاک و مستغلات و چه دیگر عناوین، ارث می‌برد.

سهم زن از میراث گفته شده، یک‌هشتم است و مابقی برای فرزندان است، به

نسبت دو سهم برای هر پسر و یک سهم برای هر دختر.^۱

پرسش:

پدری همراه با فرزندش (که این فرزند متأهل و صاحب اولادی است) در سانحه رانندگی

از دنیا رفته‌اند و ما نمی‌دانیم کدام یک زودتر فوت شده است. آیا فرزندان این شخصی که

همراه با پدرش (یعنی جد فرزندان) فوت شده است، در این حالت گفته شده، از جدشان ارث

می‌برند؟

پاسخ:

[در این حالت گفته شده] فوت پدر زودتر در نظر گرفته می‌شود و به این ترتیب

پسر ارث می‌برد و [طبیعتاً] فرزندانش نیز از او ارث خواهند برد.^۲

پرسش:

زنی متأهل است و شرایط سخت زندگی را سپری می‌کند، و برای مادر فوت شده‌اش

مستمری در نظر گرفته شده است، و تا زمانی که ثابت نشود این دختر طلاق گرفته است

۱ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۵ ص ۲۸.

۲ - پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۵ ص ۲۹.



۳۷۳

مسائل متفرقه

حق دریافت آن مستمری را ندارد.

آیا انجام چنین کاری به‌طور صوری- برای دریافت مستمری بازنشستگی جایز است؟

پاسخ:

جایز نیست.^۱



۱ - بخش علمی مکتب سید احمد الحسن (علیه السلام) ۲۴ رجب ۱۴۴۲ هـ

خوراکی‌ها

پرسش:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم
تسليماً.

ما گروهی از زنان هستیم که به سید احمد عليه السلام گرویده‌ایم، ولی شوهران ما هنوز چنین اعتقادی پیدا نکرده‌اند. برای ما دشوار است برویم و از روش ذبح مطمئن شویم؛ لذا ما برای خوردن گوشت و مرغ استخاره می‌کنیم. آیا این کار برای ما جایز است؟

و آیا جایز است ما مردان انصار را که بیشتر از ما می‌توانند بروند و تحقیق کنند، از این موضوع (استخاره برای گوشت) باخبر سازیم؟ منظورم این است که آیا این روش می‌تواند به‌صورت قانونی که بتوان به آن اعتماد کرد تلقی شود، حتی اگر امکان تحقیق فراهم باشد و رنج و مشقتی برای آن وجود نداشته باشد؟

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين
و سلم تسليماً.

خداوند شما را توفیق دهد! در خصوص مرغ حتماً باید اطمینان حاصل شود که به دست فرد مسلمان ذبح شده باشد؛ زیرا آن‌ها ذبح با دستگاه را مجاز شمرده‌اند و حال آنکه غیرشرعی است؛ اما درباره گوشت‌های قرمز، در سرزمین‌های اسلامی می‌توان حیوانات ذبح‌شده را میل کرد و این کار اشکالی ندارد.



و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.^۱

پرسش:

آقای من، آیا ذبح کردن برای زن (یعنی زنها) جایز است؟

پاسخ:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. جایز است.^۲

پرسش:

من واقعا عاشق حجاب هستم، اما چون صورتم کوچک است وقتی به طور صحیح صورتم را می پوشانم برخی مردم مرا مسخره می کنند. آیا من می توانم از قرص هایی که ادعا می شود «مخمر آب جو» یعنی «تخمیر ماء الشعیر» است بخورم؟
از این قرص ها برای بزرگ شدن صورت استفاده می شود.

پاسخ:

درباره آب جو اگر تخمیر شده باشد خوردنش جایز نیست؛ اما اگر تنها عملیات خیساندن و گرفتن عصاره آن صورت گرفته باشد، خوردن یا نوشیدنش اشکالی ندارد.^۳



۱ - پاسخ های روشنگرانه: ج ۶ ص ۵۹.

۲ - پیک صفحه: ص ۵۴۴.

۳ - پاسخ های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۴ ص ۲۹.

سفارش و نصیحت‌ها

پرسش:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

سلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

خداوند پاداش شما را در شهادت صديقه طاهره فاطمه زهرا عليها السلام عظيم گرداند.

به سرور و مولا و پدرم، يمانی آل محمد... احساسات، پيوسته مرا به حزن و دل‌واپسی و پريشانی و در نتیجه به یأس و ناامیدی سوق می‌دهد. سرور و مولایم! از شما درخواست دارم چیزی به من ارزانی بدارید تا از این احساس رهایی یابم؛ و برای نصرت محمد و آل محمد عليهم السلام با لسان و سنان شایسته گردم. ای آقایان من و سرورانم! خداوند شما را در زمین تکمین عطا فرماید!

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين
و سلم تسليماً.

از خداوند مسئلت دارم شما را به ذکر خدای سبحان و تلاوت قرآن که در آن
صیقل دل‌ها و طهارت نفس‌هاست موفق بدارد! قرآن زیاد بخوان. مخصوصاً سوره
یس، واقعه و آیه سخره را که به شرح زیر است: ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا
وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ
الْعَالَمِينَ * ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ * وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ



بَعْدَ إِضْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿۱﴾ (پروردگار
 شما الله است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید. سپس به عرش پرداخت.
 شب را در روز می‌پوشاند و روز شتابان آن را می‌طلبد و آفتاب و ماه و ستارگان مسخر
 فرمان او هستند. آگاه باشید آفرینش و فرمانروایی سزاوار اوست. خدا، آن پروردگار
 جهانیان، به‌غایت بزرگ است * پروردگارتان را با تضرع و در نهان بخوانید؛ زیرا او
 متجاوزان سرکش را دوست ندارد * در زمین آنگاه که به صلاح آمده است فساد
 مکنید و خدا را از روی بیم و امید بخوانید. رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است)،
 برای راندن شیاطین انس و جن زیاد بخوانید. خداوند شر آن‌ها را از شما دفع کند.^۲
 پرسش:

سرور، مولا و امام من در دنیا و آخرت، سلام علیکم! سرورم، از شما مسئلت دارم
 ان‌شاءالله مرا برای ثبات و یاری‌تان دعا فرمایی.

و اما بعد... سرور و مولایم! من به فضل خدا به شما ایمان دارم، و به حق مظلومیت
 زهرا علیها السلام ثبات و پایداری را از خدا خواهانم.

مشکل من این است که من در مقابل جنس مخالف ضعیفم. آیا امکان دارد نصیحتی
 به من بفرمایی که مرا خلاص کند؟ در ضمن دلیل حرام‌بودن نگرستن به تصاویر زنان
 برهنه در تلویزیون و اینترنت چیست؟

با تشکر فراوان از حضرت‌عالی. سؤال‌کننده بسیار مایل است پاسخ را از امام علیه السلام دریافت
 کند.

۱ - اعراف: ۵۴ تا ۵۶.

۲ - پاسخ‌های روشن‌گرانه: ج ۶ ص ۶۲.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم.

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين
و سلم تسليمًا.

خداوند شما را بر هر خیری توفیق دهد! یک سری گناهان، کبیره هستند و
برخی گناهان، صغیره اند که معمولاً زمینه ساز ارتکاب کبیره ها می شوند. از گناهان
بپرهیزید، از کوچک و بزرگ آن ها. بر شما باد دائماً به قرائت قرآن و نماز شب و روزه
و اینکه بهره خود را از رضایت خداوند سبحان و متعال از دست ندهید. از خداوند
تقاضا دارم به رحمت خودش بر تو رحم آورد و تو را از گناهان کوچک و بزرگ پاک
کند و تو را از سربازان و حزب و اولیایش قرار دهد! او یاور من است و شایستگان را
سرپرستی می کند.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته. ۱



دیوانگی (جن زدگی) و جادو (سحر)

پرسش:

مولای من -احمد- به حق جدت حسین، پاسخِ پرسش من را بده!

مولای من -احمد- سلام علیکم. این پرسش را از مکتب مبارک پرسیدم، ولی پاسخی برایم نیامد؛ امیدارم پاسخِ نامه‌ام را بفرمایید. ما در راه‌ها سرگردان مانده‌ایم و ای وجه خدا- راه‌حلی جز شما برای مشکل من نمی‌یابم. خواهری دارم که بسیار باتقوا بود و زهد داشت و زندگی اش را با آرامش تمام سپری می‌کرد. تقریباً از سه سال پیش دعوت مبارک شما به او رسید و الحمد لله به آن ایمان آورد؛ البته پس از اینکه رؤیایی دربارهٔ شخصی دید که بالای پشت بام کعبه رفته، می‌گفت: ای مردم، مهدی ظهور کرده است، با او بیعت کنید. وی زهرالهی را می‌دید و رؤیایی پس از رؤیای دیگر می‌دید که به وقوع می‌پیوندد و پرده از برابرش برداشته شده بود؛ ولی تقریباً از یک سال قبل، حالتش تغییر کرد، موسیقی گوش می‌داد و می‌گفت خمینی آن را حلال کرده است. بی‌علت راه می‌رفت و بی‌جهت می‌خندید. همیشه پریشان حال بود. در برابر همگان ناگهان شروع به خندیدن می‌کرد و روزهایی فرارسید که حتی نماز را ترک گفت. الآن یک سال است او را تشویق می‌کنیم به روان‌پزشک مراجعه کند ولی او نمی‌پذیرد. از او می‌خواهیم نزد سید برود تا برایش دعا بخواند؛ چون شاید شیطان او را لمس کرده یا جادو شده باشد؛ ولی او نمی‌پذیرد. او سنش بالاست، چه بسا از ۴۵ سال گذشته باشد؛ به نظر ما حالش وخیم است و روزبه‌روز بدتر می‌شود. پدر و مادرش از این وضعیت او رنج می‌کشند در حالی که هر دو مُسن هستند. پس از اینکه شوهرش او را طرد کرد در شُرَف طلاق و جدایی است. بیشتر اوقات تنها می‌نشیند. مولای من، راه‌حل چیست؟ ای طیب آن کسی که طیبی ندارد، ای مولای من -احمد- طیبی جز تو ندارم که داروی مناسبی تجویز کند.

پاسخ:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد.

آن گونه که شما حالش را توصیف می‌کنی او جن زده شده و نیازمند درمانی نفسانی است. در چندین پاسخ پیشین نوشته‌ام کسی که به این بیماری مبتلاست چگونه با قرآن و ذکر درمان می‌شود. او خودش باید آمادگی معالجه و ذکر را داشته باشد.

برخی از این پاسخ‌ها را در کتاب پاسخ‌های روشنگرانه خواهی یافت.^{۲۰۱}

پرسش:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد الائمة و المهديين.

خدمت سید احمد الحسن (علیه السلام) ... مشکل من این است که من و همسر با هم اختلافاتی داریم که معتقدیم به دلیل سحر و جادوست. ما به کمک سید (علیه السلام) نیاز داریم. چه نصیحتی برای ما دارید؟ چه کنیم؟ آیا دعا یا راه‌حلی وجود دارد که بتوانیم از این سحر خلاص شویم؟ با تشکر فراوان از شما.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين
و سلم تسليمًا.

این‌ها یک سری کارهایی است که شما و همسرت انجامشان دهید. از خداوند مسئلت می‌نمایم با منت خودش سبحانه و تعالی، شرّ انس و جن را از شما دور کند

۱ - کتاب پاسخ‌های روشنگرانه: ج ۳ ص ۳۵۳.

۲ - کتاب پیک صفحه: ص ۴۸۱.

و حال شما را نیکو گرداند:

۱- شما و همسرت در مکانی که سکونت داری، آیه‌الکرسی و آیه نور را هرکدام هفت بار و به مدت ده روز بخوانید. همچنین ده آیه ابتدای سوره صافات را یک بار و به مدت ده روز.

۲- آیه‌الکرسی و نیز کهیص و حمسقی را با زعفران روی کاغذی سفید بنویس و کاغذ را در آب قرار بده تا نوشته از بین برود. کمی از این آب را بگیر و در گوشه‌های خانه‌ات پاش و با باقی‌مانده آب، غسلی مانند غسل جنابت به جا آور. همسرت نیز همین کار را انجام دهد.

۳- با زعفران، آیه‌الکرسی را روی کاغذی سفید بنویس و آن را در خانه‌ات آویزان کن. همچنین آیه سخره را با زعفران روی کاغذی سفید بنویس و در خانه‌ات بیاویز.

۴- هر روز قبل از اینکه بخوابی، آیه‌الکرسی و آیه سخره را بخوان و همسرت نیز چنین کند.

آیه سخره در سوره اعراف و به شرح زیر است: ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ * ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ * وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ﴾ (پروردگار

شما الله است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید. سپس به عرش پرداخت. شب را در روز می‌پوشاند و روز شتابان آن را می‌طلبد و آفتاب و ماه و ستارگان مسخر فرمان او هستند. آگاه باشید آفرینش و فرمانروایی سزاوار اوست. خدا، آن پروردگار جهانیان، به‌غایت بزرگ است * پروردگارتان را با تضرع و در نهن بخوانید؛ زیرا او متجاوزان سرکش را دوست ندارد * در زمین آنگاه که به صلاح آمده است فساد

مکنید و خدا را از روی بیم و امید بخوانید. رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است).

۵- شما و همسرت با این ذکر خدا را یاد کنید: «سبحانه هو الله الواحد القهار»
۱۰ هزار بار.

و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته.^۱

پرسش:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

سلام بر سيد يمانی!

سرورم! سؤال من درباره وضعیت خودم و همسر است که آن را به یک زن متخصص در امور معنوی و رمزگشایی عرضه کرده‌ام. او به ما گفت بین ما را بسته‌اند و باید پیراهن خودم و پیراهن همسر را به همراه یک قفل نزد او ببریم تا این بسته‌شدن را باز کند و فرزندى روزی ما شود. آیا این کار را انجام دهیم؟ آیا این درست است؟ و راه چاره آن چیست؟ لطفاً ما را باخبر سازید، خداوند شما را رحمت کند.

با تشکر.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين
و سلم تسليماً.



خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! این کارها را انجام بده:

۱- سورة فاتحه و آية الكرسي و اخلاص و معوذتين را با زعفران روی یک برگه کاغذ سفید بنویس. سپس نوشته را در پنج لیتر آب حل کن. سپس با نصف آب غسل کن و همسرت با نیمه دیگر آب غسل کند؛ دقیقاً مثل غسل جنابت و غسل جمعه. آبی را که می چکد جمع کن و آن را در یک مکان پاکیزه بریز و نگذار با آب حمام به جایی ناپاک برود.

۲- خودت و همسرت این اذکار را بخوانید:

(الف) ده هزار بار سبحانه هو الله الواحد القهار.

(ب) قرائت سورة نور (هفتاد بار).

و هفتاد بار قرائت آیه سخره: ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ * ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ * وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ﴾ (پروردگار شما الله است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید. سپس به عرش پرداخت. شب را در روز می پوشاند و روز شتابان آن را می طلبد و آفتاب و ماه و ستارگان مسخر فرمان او هستند. آگاه باشید آفرینش و فرمانروایی سزاوار اوست. خدا، آن پروردگار جهانیان، به غایت بزرگ است * پروردگارتان را با تضرع و در نهان بخوانید؛ زیرا او متجاوزان سرکش را دوست ندارد * در زمین آنگاه که به صلاح آمده است فساد مکنید و خدا را از روی بیم و امید بخوانید. رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است).

(ج) قرائت سورة یس بعد از نماز صبح و قرائت سورة واقعه بعد از نماز مغرب،

به مدت چهل روز.

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.^۱

پرسش:

سلام و رحمت و بركات خداوند بر شما.

آقای من، سؤالی دارم و خواهش می‌کنم به آن پاسخ دهید.

بنده - خادم شما- هفت سال است ازدواج کرده‌ام و از ابتدای ازدواج بیش از یک سال در معرض هجوم ابلیس‌های ملعون قرار گرفتم؛ به طوری که آن‌ها را شب‌هنگام می‌دیدم که اقدام به ترساندن من می‌کردند و من شروع به جیغ و داد و بی‌قراری می‌کردم و کارم حتی به خودآزاری هم رسید؛ ولی به فضل خدا و برکت قائم آل محمد (علیهم السلام) از این وضعیت رها شدم.

من در این کار خودم متحیر بودم و علتش را نمی‌دانستم. عده‌ای گفتند سحر است و برخی گفتند جن‌زدگی است؛ خدا می‌داند.

در این سال‌ها فرزندی به من روزی نشده است.

شش ماه پیش باردار شدم و در اولین ماه‌ها بدون علت روشنی آن را از دست دادم و چهار ماه بعد از آن مجدداً باردار شدم و در همان موقع در ماه دوم بارداری، آن را نیز از دست دادم که این موضوع هم علت پزشکی مشخصی نداشت؛ با توجه به اینکه همیشه دارو مصرف می‌کنم، به خدا پناه می‌برم و دعا می‌خوانم.

مشکل دیگر این است که بارداری من به وسیله دستگاه سونوگرافی یا آزمایش مشخص نمی‌شود تا وقتی که کودک ناگهان سقط می‌شود و این نکته پزشک معالج را سرگردان کرده است و وی پاسخی نمی‌یابد!



شنیده‌ام چیزی به نام «تابعه» یا «ام‌صبيان» وجود دارد که باعث سقط جنین می‌شود! همچنین اینکه سحر و جادو روی جنین و پایداربودنش تأثیر می‌گذارد!

آقا و مولای من! آیا شما توضیحی برای این وضعیت دارید؟ و این فقط به من اختصاص ندارد؛ موردهای بسیاری وجود دارند. خداوند به شما جزای خیر دهد. از شما التماس دعا داریم.

پاسخ:

و علیکم السلام و رحمة الله و بركاته.

نماز شب را ترک نکن.

بعد از نماز صبح، بر ذکرگفتن مداومت داشته باش.

پیش از خواب، آیه‌الکرسی و معوذتین را بخوان.

آیه‌الکرسی و معوذتین را با زعفران روی یک کاغذ بنویس و نوشته را در ظرف آبی حل، و با این آب غسل کن ولی آب غسل را رها نکن که به جای نجسی برود؛ بلکه آن را جمع کن و پای یک درخت یا جایی مثل آن- بریز.

۱۲ آیه اول سوره مریم و ۱۰ آیه اول سوره صافات را هر روز بخوان.^۱

پرسش:

حبيب من، احمد الحسن، با اینکه می‌دانم این‌ها برای شما سخت و گرانبار است، حبيب من. یکی از دوستانم مدتی است ازدواج کرده است و مشکلات خانوادگی زیادی میان او و همسرش وجود دارد. چند بار کارهایی کردند که معلوم شد برایشان جادو کرده‌اند. بعد از

مدتی دوباره آن کار را کردند و جادو دوباره به سراغشان آمد و باعث اختلاف بین دو همسر شد. چه توصیه‌ای برای آن‌ها دارید؟

عزیز من، احمدالحسن، عجله دارم.

پاسخ:

آیه‌الکرسی و معوذتین و توحید و فاتحه را با زعفران و گلاب روی کاغذ سفید بنویسند و سپس نوشته‌ها را در چند لیتر آب حل کنند. سپس هرکدام از آن‌ها با آن آب همانند غسل جمعه غسل کند، و آب آن را در ظرفی جمع کنند، و آب در جای پاک‌ی ریخته شود.^۱

پرسش:

عزیز من، از شما التماس دعا دارم، آقای من. چند روز پیش از شما درباره درمان دوستم از سحر و جادو پرسیدم و بعد از آن اعمال را انجام دادند. پس از انجام اعمال، همسرش (زنش) افرادی را دید که برای آن‌ها جادو می‌کردند، و حالش بدتر شد و شوهرش هم بدتر شد. چه باید کرد؟ احمدالحسن، وضعیت آن‌ها بسیار رنج‌آور است، و وضعیت سلامتی همسر نیز بسیار وخیم است.

پاسخ:

هریک از آن‌ها تسبیحی در دست بگیرد و خدا را هزاران بار ذکر گوید: «سبحانه هو الله الواحد القهار» و هر روز قبل از خواب سوره یاسین و واقعه، و در صبح آیه‌الکرسی و معوذتین را بخوانند.^۲

۱ - پی‌نوشت سید احمدالحسن (علیه السلام) در صفحه مبارک فیس‌بوک، به تاریخ ۲ جولای ۲۰۱۸.

۲ - پی‌نوشت سید احمدالحسن (علیه السلام) در صفحه مبارک فیس‌بوک، به تاریخ ۵ جولای ۲۰۱۸.



پرسش:

سلام عليكم و رحمة الله و بركاته

مولای من، به خاطر کوتاهی ام در مقابل شما، عذر می‌خواهم؛ با این حال، خواهش می‌کنم بر من منت گذارید و به سؤالاتم پاسخ دهید.

مولای من، شما می‌دانید ما عراقی‌ها اعتقادات و عادات و رسوم داریم که به آن‌ها پایبندیم. خواهش من این است که درباره این عادات و رسوم به من پاسخ دهید که آیا درست هستند یا خیر؟

مثلاً رسمی داریم به نام (اللزَم)؛ یعنی اینکه لازم است کسی که مثلاً تازه زایمان کرده، تا چهل روز، کسی را که تازه ازدواج کرده، نبیند؛ و کسی که تازه ازدواج کرده، تا چهل روز، کسی را که تازه عقد کرده، نبیند؛ مردان هم همچنین، باید همدیگر را نبینند؛ به این خاطر که (لزم شامل او نشود) و تنها بماند؛ چرا که یکی باردار می‌شود و دیگری نخواهد شد؛ اگر هم دچار این (لزم) شد، باید برود و چشم مرده‌ای را له کند تا این (لزم) باز شود یا اینکه از روی قبر مرده‌ای ببرد یا خودش را با صابون آن میت بشوید؛ و از این قبیل اموری که همه ما به آن‌ها معتقدیم و به آن‌ها عمل می‌کنیم.

من، و پناه می‌برم به خدا از منیت، به این امور اعتقادی ندارم؛ پس خواهش می‌کنم درباره این اعتقادات جواب مرا بدهید که آیا صحیح هستند یا خیر؟

از شما خواستار دعا برای خودم و همه مؤمنان هستم تا بر ولایت اهل بیت (علیهم‌السلام) ثابت قدم بمانیم؛ و از شما خواهش می‌کنم دعا فرمایید که خداوند، دودمانی صالح به من ارزانی دارد؛ و جزاکم الله خیر.

پاسخ:

و عليكم السلام و رحمة الله و بركاته

خدا حفظتان کند.

صحیح نیستند.^۱

پرسش:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته

انگار اتاقی را دیدم که دری مثل اتاق من داشت، و اتاق، تاریک بود. همسرم به او نگاه کرد و دید انگار صورتی در اتاق است. ترسیده بود و به من خبر داد که از آن ترسیده است. در درب اتاق ایستادم و سوره ناس را خواندم، و پس از آن، شروع به خواندن سوره فلق کردم و یادم می آید درد می کشیدم تا اینکه آن را کامل کردم؛ به خصوص هنگام [خواندن] آیه ﴿وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ﴾ (و از شر آن‌ها که با افسون در گره‌ها می‌دمند) و پس از اینکه خواندن تمام شد، همسرم به من نگاه کرد. انگار ترسیده بود. نمی‌دانم، شاید از من ترسیده بود؛ و در صورت من فریاد زد و به خاطر فریادش، [من نیز] با او ترسیدم؛ و بیدار شدم در حالی که ضربان قلبم سریع می‌زد.

آقای کریم ما، آیا خبری هست و درمان چیست؟

التماس دعا؛ خداوند والدین شما را رحمت کند.

پاسخ:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته.

خداوند، شما را زنده بدارد.

شما و همسرت همیشه آیه الكرسي و معوذتین را بخوانید؛ و اگر همسرت باردار



است، پیش از خواب، آن را بخوان تا از هر زبانی دوری کنی؛ همچنین آن را بر
ظرف آبی بخوان و آب را در گوشه‌های خانه و درب آن و منافذ آن و زیر بسترتان
پاش.^۱



نذر

پرسش:

زنی نذر کرده است چشم‌های پسر یازده‌ساله‌اش را در کنار خانه خدا با آب زمزم بشوید. پدر آن پسر طلاقش داده است و نمی‌پذیرد این زن او را برای عمره به مکه ببرد تا به نذر وفا کند. چه تکلیفی برعهده این زن است؟

پاسخ:

چیزی برعهده این زن نیست.^۱



حجامت و اهدای خون

پرسش:

حجامت برای زنان چه حکمی دارد؟ از یکی از برادران روایتی شنیدم که می‌گفت حجامت به خودی خود برای زن مکروه است.

پاسخ:

می‌توان به جای حجامت خون داد، چه برای مرد و چه برای زن. خداوند شما را توفیق عطا فرماید و گام‌هایتان را استوار سازد.^۱



احکام عمومی

پرسش:

آیا (خاله) یعنی خواهر مادر که فقط از جانب پدر خواهند، با خواهرزاده اش محرم است؟ همچنین دایی برای خواهرزاده اش اگر فقط از طرف پدرش باشد، حلال است؟ آقای وصی من، این چیزی است که در برخی از مناطق ما رایج است. خداوند متعال با تأییداتش شما را یاری فرماید.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

خاله از محارم است چه از پدر و چه از مادر و چه از هر دوی آنها باشد؛ و دایی نیز به همین صورت است.^۱

پرسش:

پوشاندن دو مرد یا دو زن با یک لحاف هنگام خواب چه حکمی دارد؟

پاسخ:

مکروه است اگر نیاز و ضرورتی نباشد.^۲



۱ - پاسخ‌های روشنگرانه: ج ۲ ص ۱۷۳.

۲ - بخش علمی مکتب سید احمد الحسن (علیه السلام)، ۲۵ محرم ۱۴۴۲ هـ

پیوست

جمع‌آوری سؤال و توضیح آن توسط دکتر توفیق محمد مغربی در کتاب سیزدهمین حواری، نوشته سید احمد الحسن (علیه السلام):

شریعت یهودیان و مسیحیان نیز همه را مساوی در نظر نمی‌گیرد؛ مثلاً قانون ارث در عهد قدیم و جدید، زن و مرد را مساوی قرار نمی‌دهد: (۱) و دختران صَلْفُحَاد بن حافر بن جلعاد بن ماکیر بن مَنَسَّى، از قبایل مَنَسَّى بن یوسف، نزدیک آمدند و نام‌های دخترانش این است: مَحَلَه، نوعه، حجله، مِلْگَه و تِرَصَه. ۲ و به حضور موسی و عازارِ کاهن و به حضور سروران و تمامی جماعت، نزدِ خیمهٔ اجتماع ایستاده، گفتند: ۳ پدر ما در بیابان مُزد و او از آن گروه نبود که در جمعیت قورح بر ضد خداوند هم‌دست شدند؛ بلکه در گناه خود مُرد، در حالی که پسری نداشت. ۴ پس چرا نام پدر ما از این جهت که پسری ندارد از میان عشیره‌اش محو شود؟ از این رو ما را در میان برادران پدرمان نصیبی بده. ۵ موسی دعوی ایشان را به حضور پروردگار آورد. ۶ و خداوند موسی را خطاب کرده، گفت: ۷ دختران صَلْفُحَاد راست می‌گویند. البته در میان برادران پدر ایشان، ملک موروثی به ایشان بده و نصیب پدر ایشان را به ایشان منتقل کن. ۸ و بنی اسرائیل را خطاب کرده، بگو: اگر کسی بمیرد و پسری نداشته باشد، ملک او را به دخترش بدهید. ۹ و اگر او را دختری نباشد، ملک او را به برادرانش بدهید. ۱۰ و اگر او را برادری نباشد، ملک او را به برادران پدرش بدهید. ۱۱ و اگر پدرش برادری نداشته باشد، ملک او را به هرکس از قبیله‌اش که خویش نزدیک‌تر او باشد بدهید تا از او ارث بَرَد. پس این برای بنی اسرائیل فریضه‌ای شرعی باشد؛ چنان‌که پروردگار به موسی امر فرمود).^۱

پدر تادریس یعقوب ملطی در تفسیر این اصحاب می‌گوید:

«... قانون میراث و جانشینی یسوع: این اصحاب در بردارنده دو نکته در پایان زندگی موسی پیامبر بزرگ در بین انبیاست که عبارت است از داستان دختران صلفحاد و تعیین یسوع به عنوان سرپرست قوم... بنابراین خداوند همه را ملزم به قانون میراث می‌گرداند که در آن پسر از پدر ارث می‌برد و اگر میت پسر نداشته باشد، دخترش از او ارث می‌برد و اگر دختری نداشت، برادران او یا عموهای او یا نزدیک‌ترین عشیره او ارث می‌برند...

... قانون میراث: به سبب قضیه دختران صلفحاد، قانون ارث آمد که ورثه شرعی را توضیح می‌دهد؛ و همان طور که بیان کردیم عبارت است از پسر، سپس دختر، سپس برادران، سپس عموها یا نزدیک‌ترین عشیره.»^۱

همچنین کشیش آنتونیوس فکری در تفسیر خود در رابطه با همین اصحاب می‌گوید:

«... و قانون جدید این بود که اگر میت، پسری نداشته باشد دخترش از او ارث می‌برد و اگر دختری نداشته باشد برادران یا عموهایش یا نزدیک‌ترین فرد به او از عشیره‌اش ارث می‌برد؛ ملاحظه می‌کنیم که:

... ۴- نتیجه اصرار دختران صلفحاد برای گرفتن نصیبشان؛ برکت این کار موجب شد قانون جدیدی برای میراث به دست آورند...»^۲

این نمونه‌ای از شریعتی است که مسیحیان و یهودیان به عنوان تشریح و قانون الهی به آن معتقدند.

این تشریح، مرد و زن را در میراث مساوی قرار نمی‌دهد؛ آیا این هم ظلم محسوب می‌شود؟ یا کافی خواهد بود بگوییم کلیسا پیاده کردن قوانین را واجب نمی‌داند مثل عده‌ای

۱ - تفسیر کتاب مقدس، عهد قدیم، پدر تادریس یعقوب، قانون میراث و جانشینی یسوع تفسیر سفر اعداد، اصحاب .۲۷

۲ - شرح کتاب مقدس، عهد قدیم، کشیش آنتونیوس فکری، تفسیر سفر اعداد، اصحاب .۲۷



که امروز این کار را انجام می‌دهند. زیرا عیسی در بین مردم حکومت نکرده است؟!

اما واقعیت این است که اگر شرایط حکمرانی برای عیسی علیه السلام آماده بود به حکم خداوند سبحان و متعال قضاوت و حکم می‌کرد. در انجیل آمده است:

(۱۷) تصور نکنید من آمده‌ام تا تورات یا انبیا را نقض کنم. نیامده‌ام آن را نقض کنم، بلکه برای تکمیل آن آمده‌ام. ۱۸ حق را به شما می‌گویم: تا زمانی که آسمان و زمین نابود شود یک حرف یا یک نقطه از تورات از بین نمی‌رود تا همگی واقع گردد. ۱۹ پس هرکس یکی از این احکام کوچک‌ترین را بشکند و به مردم چنین تعلیم دهد، در ملکوت آسمان کمترین شمرده شود؛ اما هرکه به عمل آورد و تعلیم نماید، او در ملکوت آسمان بزرگ خواهد شد. ^۱

آیا امکان دارد این تشریح و قانون الهی که موسی علیه السلام آورده و عیسی علیه السلام به آن اقرار کرده است زیرا در چهارچوب تورات قرار دارد. این گونه توصیف شود که در حق زن ظلم می‌کند، زیرا زن و مرد را مساوی قرار نداده است؟!

حتی اگر کوتاه بباییم که چون عیسی علیه السلام امکان حکومت نداشته، به این تشریح عمل نکرده است، آیا امروزه مسیحیان این قانون را در حالی که از سوی خداوند سبحان و متعال است ظلم می‌پندارند؟!

بنابراین همهٔ شریعت‌هایی که انبیای قبل از عیسی علیه السلام آورده‌اند قانون الهی هستند و ابدأ باطل نمی‌شوند؛ اما اینکه قوم‌های خلفای خداوند مانند عیسی علیه السلام برای آن‌ها امکان حکمرانی را فراهم نکرده‌اند، این موجب نقض این قوانین یا ظالمانه بودنشان نمی‌شود؛ حتی زمانی که شرایع و احکام الهی با احکام الهی دیگری نسخ می‌شوند، احکام نسخ‌شده،

عادلانته و به‌عنوان حقی از سوی سبحان باقی خواهند ماند؛ و همه این احکام در چهارچوب شریعت خداوند قرار دارند؛ هرچند بعضی از تفصیل آن‌ها با توجه به دوران، اقوام و مقتضای حکمت الهی تغییر یابد.

هیچ عاقلی پیدا نمی‌شود که زن را در همه چیز با مرد مساوی بداند؛ با این حال مانعی وجود ندارد که مثالی از رساله پاپ شنوده سوم را نقل کنیم که حاکی از رأی کلیسای قبطی ارتدکس در موضوع جواز کاهن شدن زنان است و اسقف بیشوی آن را در کنفرانس «لمبت آنجلیکان» در انگلستان در سال ۱۹۸۸ مطرح کرده است.

پاپ شنوده سوم می‌گوید:

«... وقتی در کتاب مقدس و اعتقادات کلیسای قدیم جست‌وجو کنیم نکات زیر را

می‌بینیم:

۱- زن در کلیسا به آموزش نمی‌پردازد: در این خصوص قدیس پولس رسول می‌گوید:
۱۱) زن باید در آرامی و تسلیم کامل، تعلیم گیرد ۱۲ و به زن اجازه نمی‌دهم تعلیم دهد یا بر شوهر مسلط شود بلکه در سکوت بماند. ۱۳ زیرا آدم اول ساخته شد و بعد حوا. ۱۴ و آدم فریب نخورد، بلکه زن فریب خورده، در تقصیر گرفتار شد. ۱۵
اما به زاییدن رستگار خواهد شد اگر در ایمان در محبت و قدوسیت و تقوا استوار بماند). (اول تیموتائوس ۲: ۱۱ تا ۱۵)

ملاحظه می‌کنیم تعالیم قدیس پولس رسول در این زمینه، توجیهی برای این ممانعت مطرح می‌کند که ارتباطی با شرایط اجتماعی در آن زمان، و شرایط خاص کلیسا که شاگردش تیموتائوس رعایت می‌کرد ندارد؛ بلکه به اموری که از ابتدای آفرینش به مرد و زن اختصاص دارد استناد داده شده است؛ و حتی قبل از اینکه آدم و حوا به سبب گناه از بهشت خارج شوند. حال که می‌دانیم شایسته نیست زن در کلیسا تعلیم دهد، طبیعتاً جایز نخواهد بود درجاتی از کاهن شدن نیز به او داده شود؛ زیرا کاهن در کنار آموزش و رهبری کلیسا وظیفه انجام شعائر هفت‌گانه را نیز در حدود مسئولیت خود بر عهده دارد...



۱۰- نتیجه مبالغه کردن در اعطای حقوق به زن که خارج از چهارچوب آموزه کتاب است:

ما می‌بینیم جهان به سرعت به سمت تعدیل آموزه‌های کتاب پیش می‌رود. حتی کار مدافعان حقوق زنان به جایی رسیده است که اسم «الله» را مؤنث فرض می‌کنند و کلمه «پدر آسمانی ما و شما» را منع می‌کنند و این کار موجب تغییر کتاب در مواضع بسیاری می‌شود که بعضی از آن‌ها به اقاویم الهی و ارتباط آن با قسمت‌های دیگر اختصاص دارد. مثل ارتباط پسر با پدر آسمانی- و بعضی نیز به فداشدن و عمل کفاره‌گونه مسیح و پدر روحانی بودن او به عنوان رئیس کاهنان اختصاص دارد.

۱۱- موانع عملی: درباره زنان، در دوران بارداری، ولادت و شیردهی، موانع عملی وجود دارد؛ موانعی که بر اساس آن‌ها تعطیلی طولانی در وظایف برخی از زنان کارمند به وجود می‌آید و چه بسا مشغول شدن به کار کاهنی به طور کامل او را از وظیفه خانه‌داری بازمی‌دارد؛ که تربیت کودکان نیز از جمله آن‌هاست...»^۱

در نتیجه زن در عهد قدیم و جدید و نیز از نظر کلیسای امروز در همه حقوق با مرد مساوی نیست. آیا این ظلم محسوب می‌شود؟!

۱ - پاپ شنوده، نظر کلیسای ارتدکس درباره کاهن بودن زن، کنفرانس لمبت آنجلیکان در انگلستان در سال ۱۹۸۸، برگرفته از وبسایت رسمی انبا بیثوی)

منابع

- ۱- پاسخ‌های فقهی، کتاب نماز، پاسخ‌های وصی و فرستاده امام مهدی سید احمدالحسن علیه السلام، تهیه شیخ علاء سالم، نسخه ویرایش شده، چاپ دوم، سال ۱۴۳۲ هـ ق - ۲۰۱۱م، انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام / شماره ۱۱۰.
- ۲- پاسخ‌های فقهی، کتاب طهارت، پاسخ‌های وصی و فرستاده امام مهدی سید احمدالحسن علیه السلام، تهیه شیخ علاء سالم، نسخه ویرایش شده، چاپ دوم، سال ۱۴۳۲ هـ ق - ۲۰۱۱م، انتشارات انصار الامام المهدی علیه السلام / شماره ۱۰۹.
- ۳- پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۱، پاسخ‌های وصی و فرستاده امام مهدی سید احمدالحسن علیه السلام، تهیه شیخ علاء سالم، نسخه ویرایش شده، چاپ دوم، سال ۱۴۳۱ هـ ق - ۲۰۱۰م، انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام / شماره ۱۳۹.
- ۴- پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۳، پاسخ‌های وصی و فرستاده امام مهدی سید احمدالحسن علیه السلام، تهیه شیخ علاء سالم، چاپ اول، سال ۱۴۳۴ هـ ق - ۲۰۱۳م، انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام / شماره ۱۸۵.
- ۵- پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۲، پاسخ‌های وصی و فرستاده امام مهدی سید احمدالحسن علیه السلام، تهیه شیخ علاء سالم، چاپ اول، سال ۱۴۳۴ هـ ق - ۲۰۱۳م، انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام / شماره ۱۸۳.
- ۶- پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۵، پاسخ‌های وصی و فرستاده امام مهدی سید احمدالحسن علیه السلام، تهیه سید واثق حسینی، چاپ اول، سال ۱۴۴۱ هـ ق - ۲۰۲۰م، انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام / شماره ۲۱۴.
- ۷- پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه: ج ۴، پاسخ‌های وصی و فرستاده امام مهدی سید احمدالحسن علیه السلام، تهیه سید واثق حسینی، چاپ اول، سال ۱۴۳۸ هـ ق - ۲۰۱۷م،

انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) / شماره ۲۰۵.

۸- پاسخ‌های روشن‌گرانه: ج ۱، پاسخ‌های سید احمدالحسن (علیه السلام) به سؤال‌های رسیده از طریق اینترنت، چاپ دوم، سال ۱۴۳۱ هـ.ق - ۲۰۱۰م، انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) / شماره ۲۷.

۹- پاسخ‌های روشن‌گرانه: ج ۳، پاسخ‌های سید احمدالحسن (علیه السلام) به سؤال‌های رسیده از طریق اینترنت، چاپ دوم، سال ۱۴۳۱ هـ.ق - ۲۰۱۰م، انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) / شماره ۸۲.

۱۰- پاسخ‌های روشن‌گرانه: ج ۲، پاسخ‌های سید احمدالحسن (علیه السلام) به سؤال‌های رسیده از طریق اینترنت، ارائه‌شده توسط شیخ ناظم عقیلی، چاپ دوم، سال ۱۴۳۱ هـ.ق - ۲۰۱۰م، انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) / شماره ۶۵.

۱۱- پاسخ‌های روشن‌گرانه: ج ۵، پاسخ‌های سید احمدالحسن (علیه السلام) به سؤال‌های رسیده از طریق اینترنت، چاپ اول، سال ۱۴۳۲ هـ.ق - ۲۰۱۱م، تحقیق هیئت علمی، انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) / شماره ۱۳۳.

۱۲- پاسخ‌های روشن‌گرانه: ج ۴، پاسخ‌های سید احمدالحسن (علیه السلام) به سؤال‌های رسیده از طریق اینترنت، چاپ اول، سال ۱۴۳۲ هـ.ق - ۲۰۱۱م، انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) / شماره ۱۱۸.

۱۳- پاسخ‌های روشن‌گرانه: ج ۷، پاسخ‌های سید احمدالحسن (علیه السلام) به سؤال‌های رسیده از طریق اینترنت، چاپ اول، سال ۱۴۳۷ هـ.ق - ۲۰۱۶م، انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) / شماره ۱۱۹.

۱۴- پاسخ‌های روشن‌گرانه: ج ۶، پاسخ‌های سید احمدالحسن (علیه السلام) به سؤال‌های رسیده از طریق اینترنت، چاپ اول، سال ۱۴۳۳ هـ.ق - ۲۰۱۲م، انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) / شماره ۱۴۰.



- ۱۵- سیزدهمین حواری، سید احمدالحسن رحمته، پانویشت توسط شیخ علاء سالم، چاپ اول، سال ۱۴۳۳ هـ ق - ۲۰۱۲ م، انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام / شماره ۱۴۵.
- ۱۶- گوساله، سید احمدالحسن رحمته، ج ۱، چاپ سوم، سال ۱۴۳۱ هـ - ۲۰۱۰ م، انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام.
- ۱۷- قرآن کریم.
- ۱۸- متشابهات، سید احمدالحسن رحمته، ج ۴، چاپ سوم، تحقیق هیئت علمی، سال ۱۴۳۱ هـ - ۲۰۱۰ م، انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام / شماره ۳۵.
- ۱۹- مسند صحیح، امام مسلم، ج ۱، سال ۱۹۹۶ م، ۱۴۱۷ هـ، چاپ اول - دار الکتب العمليه بیروت - لبنان، از سایت کتابخانه عمومی الحدیثه.
- ۲۰- روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان، سید احمدالحسن رحمته، ج ۲، چاپ سوم، سال ۱۴۳۱ هـ - ۲۰۱۰ م، انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام / شماره ۹.
- ۲۱- بحار الانوار، علامه مجلسی، سال چاپ ۱۹۸۳ م، ج ۱۰۰، چاپ سوم، تحقیق مهدی الخرسان و سید ابراهیم المیانجی و محمد باقر البهبودی، از سایت کتابخانه شیعه.
- ۲۲- بحار الانوار، علامه مجلسی، سال چاپ ۱۹۸۳ م، ج ۷، تحقیق یحیی العابدی، چاپ سوم، از سایت کتابخانه شیعه.
- ۲۳- پیک صفحه، مجموع آنچه سید احمدالحسن رحمته در صفحه رسمی فیس‌بوک از زمان افتتاح آن (۲۰۱۲-۲۰۱۷) منتشر کرده است، چاپ اول، سال ۱۴۳۹ هـ - ۲۰۱۸ م، انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام / شماره ۲۱۳.
- ۲۴- رساله‌ای در فقه خمس، سید احمدالحسن رحمته، تهیه شیخ علاء سالم، چاپ اول، سال ۱۴۳۱ هـ - ۲۰۱۰ م، انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام / شماره ۱۱.

- ۲۵- شرایع الاسلام، سید احمدالحسن (علیه السلام)، ج ۳، چاپ دوم، سال ۱۴۳۶ هـ - ۲۰۱۵ م، انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) / شماره ۹۲.
- ۲۶- علل الشرائع، شیخ صدوق، سال چاپ ۱۹۶۶ م، ج ۱، تحقیق سید محمد صادق بحر العلوم، از سایت کتابخانه شیعه.
- ۲۷- کنز العمال، متقی هندی، منابع احادیث سنی، بخش العالم، ج ۱۲، سال چاپ ۱۹۸۹ م - ۱۴۰۹ هـ، تحقیق شیخ بکری حیانی، از سایت کتابخانه شیعه.
- ۲۸- مستدرک الوسائل، میرزای نوری، سال چاپ ۱۹۸۸ م، چاپ دوم، ج ۱۴، تحقیق موسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث، از سایت کتابخانه شیعه.
- ۲۹- مستدرک سفینة البحار، شیخ علی نمازی شاهرودی، ج ۱۰، نسخه تاریخ ۱۴۱۹ هـ ق، مؤسسه انتشارات اسلامی، از سایت کتابخانه شیعه.
- ۳۰- در محضر عبد صالح، ج ۱، گفت‌وگوی مستقیم با سید احمدالحسن (علیه السلام)، تهیه شده توسط ابوحسن، چاپ اول، سال ۱۴۳۱ ق - ۲۰۱۰ م، انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام).
- ۳۱- در محضر عبد صالح، ج ۲، گفت‌وگوی مستقیم با سید احمدالحسن (علیه السلام)، تهیه شده توسط ابوحسن، چاپ اول، سال ۱۴۳۴ ق - ۲۰۱۳ م، انتشارات انصار الامام المهدی (علیه السلام). شماره ۱۸۵.
- ۳۲- من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، سال چاپ ۱۴۰۴ هـ، چاپ دوم، ج ۳، تصحیح و تفسیر علی اکبر غفاری.
- ۳۳- نهج البلاغه، خطبه‌های امام علی (علیه السلام)، سال چاپ ۱۴۱۲ هجری قمری، جلد سوم، چاپ اول. تحقیق شیخ محمد عبده، از سایت کتابخانه شیعه.
- ۳۴- توهم بی‌خدایی: نشانه‌های پروردگار در هستی، احمدالحسن، چاپ سوم، سال ۱۴۴۰ هجری قمری - ۲۰۱۸ میلادی، ناشر، شرکت نجمة الصباح للطباعة و النشر و



٤٠٣

منابع.....

التوزيع، عراق - بغداد.

وبسایتها

- صفحه رسمی که احمد اسماعیل صالح در آن می نویسد، وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام در فیس بوک:

<https://www.facebook.com/Ahmed.Alhasan.۱۰۳۱۳/posts/۲۰۰۳۰۷۹۹۴۳۰۷۲۹۹۲>

- تالارهای انصارالله، انصار امام مهدی و امام احمدالحسن الیمانی علیه السلام:

<https://vb.almahdyoon.com/>

- صفحه بخش علمی دفتر سید احمدالحسن علیه السلام در فیس بوک:

<https://www.facebook.com/alqesmal3lme/posts/۴۱۵۵۶۶۰۲۲۱۱۲۸۰۲۹>

- صفحه شخصی سید واثق الحسینی از انصار سید احمدالحسن علیه السلام در فیس بوک:

<https://www.facebook.com/WathqAlhsyny/>

- روم انصار الامام المهدی علیه السلام در paltalk:

<https://www.facebook.com/sawtalansar>


Paltalk > Middle East > Islam > ansar al imam almahdy

- صفحه رسمی دکتر رهام یعقوب در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/dr.rihaam/?igshid=q۹۲۳ca۱zayyc>

- سایت کتابخانه شیعه:

Shiaonline.com انتقال به سایت



مهم‌ترین شاخصه‌ای که زن را متمایز می‌کند زن بودنش است که به معنای
مهربانی و لطیف بودن و دلسوزی و هم‌دردی و انصاف داشتن با ستم‌دیدگان
است؛

به معنای راه‌حل‌های ملایم، دلسوزانه و عادلانه.

زن به معنای عشق و مهربانی شدید است نه به معنای نفرت و کینه‌ها.

به‌طور خلاصه، زن طرف دیگری در برابر مرد است.

جنبه لطیف بدون خشونت در برابر جنبه خشونت و تعصب مرد و رفتار
درشت‌خشن، در بسیاری اوقات.

سید احمد الحسن علیه السلام
